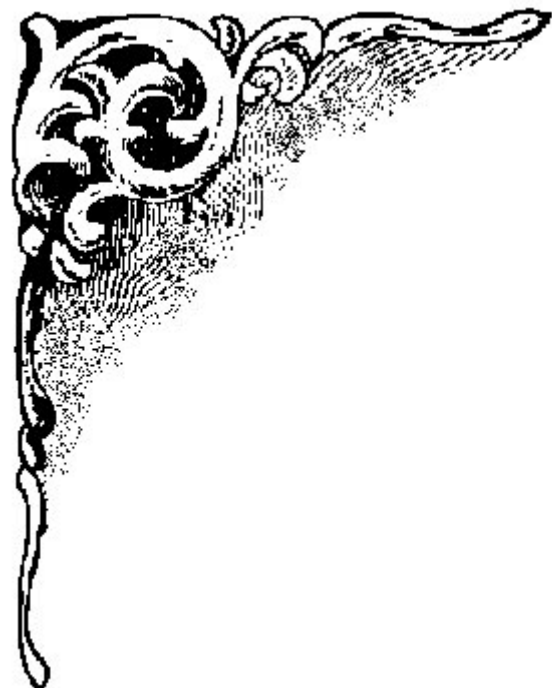


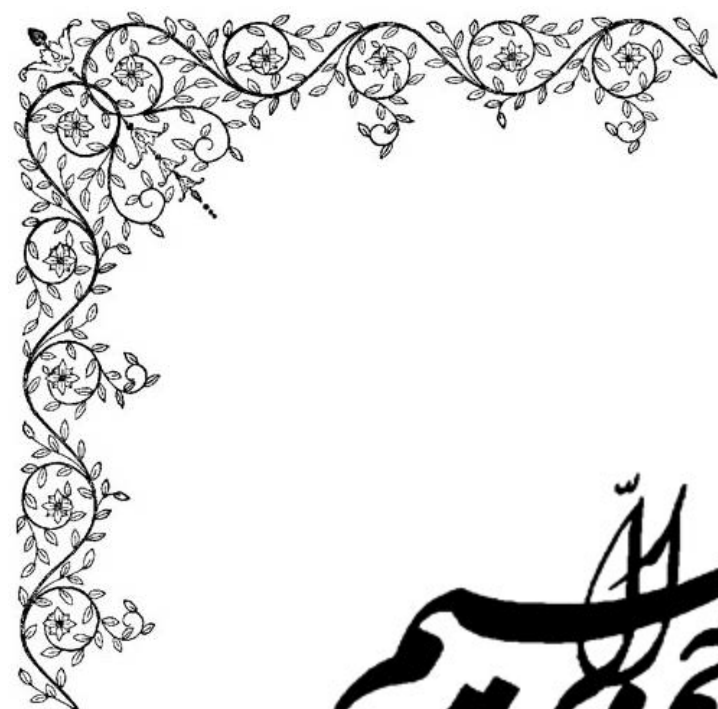


تاریخ حدیث شیعه ۲

استاد سید محمد کاظم طباطبائی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جلسه اول

حدیث در سده چهارم و پنجم

اهداف درس

- ✓ آشنایی با فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سده‌های چهارم و پنجم؛
- ✓ آشنایی با گونه‌های نگارش حدیثی در سده‌های چهارم و پنجم.

درآمد

از منظر تاریخ حدیث، سده‌های چهارم و پنجم هجری دورانی مهم و نقش‌آفرین برای حدیث و دیگر معارف شیعی به شمار می‌رود. پژوهشگران و دانشوران بزرگ حدیث، همچون شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی در این دوره می‌زیستند، کتب اربعه حدیثی شیعه در این دوران نگارش یافتند، علاوه بر آن صدها کتاب حدیثی و پیرامون حدیثی دیگر نیز محصول این دوران هستند. اکنون باید دید این پدیده خجسته، یعنی فزونی، تنوع و گرمی بازار تلاشهای حدیثی و به بار نشستن آنها، چگونه حاصل شده است و چرا پس از نیمه دوم سده پنجم (۴۵۰ هجری به بعد) دیگر چنین پدیده‌ای به وجود نیامد. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین عامل در این زمینه، مساعد بودن شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن دوران است که بستری مناسب برای این‌گونه تلاشها فراهم کرده بود.

نگاهی به فضای سیاسی این دوران

با سپری شدن سده سوم و آغاز سده چهارم از اقتدار، ابهت و عظمت خلافت عباسی کاسته شده و دوران ضعف و سستی ارکان آن فرا رسید. قدرت اجرایی در اختیار وزیران قرار گرفت و وزرات دستخوش فساد دولتیان شد؛ به گونه‌ای که این پست با پرداخت رشوه به خلیفه یا نزدیکان او قابل دستیابی بود و از این‌رو در آغاز سده چهارم، وزیران به بهانه‌های گوناگون برکنار یا منصوب می‌شدند.^۱ رقابت میان درباریان برای احراز این پست روز به روز شدیدتر می‌شد که کمترین پیامد آن بی‌نظمی و بی‌ثباتی در کار مدیریت کشور پهناور اسلامی بود. در چنین اوضاع آشفته‌ای حکومت‌های محلی کوچک و بزرگ از گوشه و کنار سرزمینهای اسلامی

۱. الکلینی و الکافی، ص ۲۵۰.

سر برآوردند که برخی از آنها توانستند به قدرتهای بزرگی تبدیل شوند. دولت آل بویه در ایران، دولت فاطمیان در شمال آفریقا و دولت حمدانیان در شمال عراق و سوریه، نمونه‌ای از این دولتهای قدرتمند هستند. آل بویه با گسترش قلمرو خود از مرکز ایران به سمت غرب بر خوزستان و بغداد نیز استیلا یافتند و قدرت سیاسی را از خلیفه ستاندند. آنان با در اختیار گرفتن بیت‌المال و پرداخت حقوق به خلیفه او را تحقیر کردند^۲ و عزل و نصب وزیران و مدیران اجرایی را خود به عهده گرفتند. این سه دولت مقتدر و برخی دولتهای کوچک دیگر، گرایش شیعی یا نزدیک به شیعه داشتند و در ترویج معارف شیعی کوشا بودند. البته مقصود از شیعه در اینجا تمامی فرقه‌های منتسب به این مذهب، اعم از زیدیه و اسماعیلیه، است. در چنین فضایی عالمان شیعی برای ترویج و گسترش معارف و عقاید خود نه تنها با مانعی رو به رو نبودند، بلکه بعضی از آنان از کمک و پشتیبانی حکومت نیز برخوردار بودند و بدین ترتیب امکان تبلیغ معارف شیعی در چنین دورانی بیش از پیش فراهم شد. آشنایی اجمالی با برخی از دولتهای محلی یادشده می‌تواند در تحلیل صحیح و بازایی دلایل اجتماعی و سیاسی گسترش حدیث در این دوران کمک شایانی نماید. لذا در ادامه بحث ابتدا با هر یک از این دولتها آشنا می‌شویم. لازم به ذکر است که در این گزارش، گستره تأثیرگذاری به ترتیب تاریخی مقدم شده است.

آل بویه (۴۴۸ - ۳۳۴)

حکمرانان آل بویه در سرزمینی چشم به دنیا گشودند که حوزه نفوذ تفکر شیعه به شمار می‌آمد و پیشینه چند دهه حکومت سادات زیدی مذهب را در حافظه تاریخی خود به یادگار داشت.^۳ طبرستان سرزمینی بود که به دلیل وجود کوههای بلند و صعب‌العبور و جنگلهای زیاد، محل امنی برای انقلابیون به شمار می‌آمد. گروه زیدیه به رهبری سادات حسنی و زیدی از استعداد طبیعی این سامان سود جست و به تبلیغ مذهب خود در این سرزمین پرداختند و سرانجام توانستند با رهبری داعی بزرگ، حسن بن زید، حکومت علویان را در این منطقه تشکیل دهند (۲۵۰ هـ). هرچند که بعد از سه دهه، در سال ۲۷۸ هجری، با هجوم سامانیان این دولت سقوط کرد، ولی داعی صغیر (ناصر اطروش) توانست دوباره بر این نواحی استیلا یابد (۳۰۱ هـ). جانشینان او تا زمان ظهور آل بویه بر بخشهایی از طبرستان حاکمیت داشتند.

علی، حسن و احمد فرزندان بویه ماهی‌گیر در چنین سرزمینی رشد یافتند. ایشان ابتدا در سمت فرماندهی دولت محلی مرداویج خدمت می‌کردند^۴ تا اینکه زمینه قدرت یافتن آنها فراهم شد و با گشودن دروازه‌های اصفهان و شیراز پایه‌های دولت خود را پی‌ریزی کردند و سپس با فتح خوزستان و بغداد (۳۳۲ هـ) قلمرو خود را گسترش دادند. ورود فاتحانه برادر کوچک‌تر (احمد) به بغداد، دولت آنان را به اوج اقتدار رساند. خلیفه عباسی، المستکفی، نیز با بخشیدن القاب عمادالدوله به علی، رکن‌الدوله به حسن و معزالدوله به احمد، قدرت آنان را به

۲. ابن اثیر در این باره می‌نویسد: «معزالدوله - نخستین امیر آل بویه در بغداد - تمام اموال و داراییهای خزانه دولت مرکزی را در اختیار گرفت و برای خلیفه روزانه پنج هزار درهم مقرر کرد»؛ *الکامل فی التاریخ*، ج ۵، ص ۲۶۹ - ۲۶۸، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۴ هـ.

۳. رسول جعفریان، *تاریخ اسلام از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان*، صفحه ۹۷ به بعد (روزگار علویان طبرستان)، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

۴. آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص ۸۸.

رسمیت شناخت. در این دوران همه امور به اراده و خواست سلطان بویه‌ای اداره می‌شد و خلیفه هیچ اختیاری نداشت و از خلافت جز نامی باقی نمانده بود. ابن کثیر در این باره می‌گوید:

خلافت آن‌سان ضعیف شد که خلیفه توانایی صدور هیچ فرمانی را نداشت و نمی‌توانست وزیری را تعیین یا برکنار نماید، تمامی امور حکومت در اختیار معزالدوله بود. آل بویه، بنی‌عباس را غاصب می‌دانستند و از این رو، حتی زمانی معزالدوله تصمیم گرفت که اساس خلافت عباسی را براندازد و به جای آنان فردی از علویان را به خلافت منصوب کند، ولی به خاطر برخی ملاحظات سیاسی از این کار خودداری ورزید.^۵

پرسش

از دیدگاه شما تلاشها، تبلیغات و نفوذ معنوی سادات در مناطق شمال ایران، چه نقشی در پرورش دولت‌مردان شیعی در سده چهارم و پنجم داشت؟

جواب: گروه زیدیه به رهبری سادات حسنی و زیدی از استعداد طبیعی این سامان سود جسته و به تبلیغ مذهب خود در این سرزمین پرداختند و سرانجام توانستند با رهبری داعی بزرگ، حسن بن زید، حکومت علویان را در این منطقه تشکیل دهند.

فاطمیان (۵۶۷ - ۲۹۶ هـ)

شیعیان اسماعیلی در دوره پایانی سده سوم هجری در عراق و یمن دست به تلاشهایی برای قیام و براندازی خلافت عباسی زدند که نتیجه‌ای در پی نداشت، اما آنان با قطع امید از نواحی نزدیک به پایتخت به سرزمینهای دوردست چشم دوختند. در این میان شمال آفریقا زمینه مناسب‌تری برای دعوت و قیام آنان داشت. رهبران این گروه با انتساب خود به اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام) خود را فاطمی و علوی معرفی و برتری خویش را بر خلفای عباسی اثبات می‌کردند. قیام فاطمیان در محدوده سرزمین تونس امروزی با ادعای مهدویت از سوی رهبر این گروه، ابوعبدالله المهدی، آغاز شد (۲۹۶ هـ) که با موفقیت همراه بود. او توانست حکومت خود را در این سرزمین پی‌ریزی کند. جانشینان بعدی او در سال ۳۶۱ توانستند بر مصر و شامات نیز استیلا یابند. خلیفه فاطمی پیش از ورود به مصر دستور ساخت پایتخت جدیدی را صادر کرد که «قاهره» نام گرفت. نخستین دانشگاه با عنوان «الأزهر» نیز در این دوران ساخته شد. از آنجا که فاطمیان خود شیعه بودند، به مذهب تشیع رسمیت بخشیدند. آنان در حوزه‌های گوناگون سیاست، فرهنگ، معاملات، حقوق و قضاء، بر اساس مذهب اسماعیلیه رفتار می‌کردند و در این راستا بود که قاضی نعمان مغربی، کتاب *دعائم الاسلام* را نگاشت تا برای افراد و نهادهای حکومتی‌ای که می‌خواهند بر اساس اندیشه‌های اسماعیلیه رفتار کنند، مرجع مناسبی باشد. شیرازه اصلی این کتاب روایات رسیده از معصومین تا امام صادق (علیه السلام) است. او نگاشته حدیثی دیگری با عنوان *شرح الاخبار* در زمینه شرح احادیث دارد. این دو کتاب، که

۵. *البدایة و النهایة*، ج ۱۱، ص ۲۴۰.

امروزه در فهرست کتب حدیثی شیعه به شمار می‌آیند، از جمله میراث علمی به جای مانده از دولت فاطمیان است که بر اساس اندیشه شیعه اسماعیلی نگاشته شده است.

حمدانیان (۳۹۲ - ۲۹۳)

ابوالهیجاء عبدالله در سال ۲۹۳ از سوی خلیفه عباسی به امارت موصل و توابع آن منصوب شد. پس از مرگ او در سال ۳۱۷ فرزندش حسن ناصرالدوله، جانشین پدر شد و برادرش علی سیفالدوله به امارت حلب و حمص در شامات رسید. این دو برادر در عمل دولت مستقلی بنا نهادند. ایشان به دلیل گرایش به تشیع، زمینه‌ساز ترویج و گسترش فرهنگ شیعی شدند که افزایش شمار شیعیان را نیز در پی داشت. ظاهراً ابن‌شعبه حرانی از محدثان حلبی در این دوران است. کتاب حدیثی *تحف العقول* یادگار او است. نعمانی نیز کتاب *الغیة* خود را در این دوران و در این شهر نگاشت. همچنین خاندان ابن‌زهره حلبی که در معارف شیعی صاحب اثر و تألیف هستند، در فضای فرهنگی به یادگار مانده از این دولت پرورش یافتند.^۶

مساعد بودن فضای فرهنگی و اجتماعی

پیدایش فضای سیاسی بیان شده، فضای فرهنگی - اجتماعی جامعه را برای تلاش دانشمندان شیعی مناسب ساخت. هرچند پیش از این دوران نیز، تعصبات خشک و بی‌منطق گذشته نسبت به شیعیان رو به کاهش بود اما آل‌بویه نیز با دوری گزیدن از تعصبات مذهبی، آزاد گذاشتن اندیشوران مذاهب گوناگون در بیان عقاید خود و ارج‌گذاری به دانشمندان همه مذاهب و فرق و ادیان، حتی اندیشمندان غیر مسلمان در جامعه، فضای ستایشگری از فرهیختگان و دانشوران را پدید آوردند که این امر حاکمیت فضای علمی و شکوفایی دانش را در پی داشت. این آزاداندیشی حاکمان بویه‌ای در کنار همسانی و هم‌رنگی توده مردم با آنان در دوری گزیدن از تعصبات مذهبی، بستری مناسب برای ترویج مبانی اعتقادی تمام فرقه‌ها فراهم کرد.

لازم به ذکر است که سلیقه اجرایی این گروه در احترام به عقاید مردم و پاسداشت باورهای گوناگون مذهبی آنان و برخورداری از روحیه گذشت و منش بزرگووارانه و مردم‌پسند و آلودگی کمتر به آفات قدرت، پایگاه مردمی نیرومندی به ایشان بخشید و بر اقتدارشان افزود.

آل بویه ترویج فرهنگ و شعائر شیعه را در دستور کار خود داشتند، اما برخی ملاحظات ایشان را از رسمی کردن مذهب تشیع باز داشت. صدور فرمانها، اجازه‌ها و کارهای ذیل در راستای همین هدف و برنامه ایشان بود:

- صدور فرمان عزاداری علنی برای امام حسین در روز عاشورا (۳۵۲ هـ)؛^۷

۶. از دیگر شخصیت‌های شیعی این سامان، ابوصلاح حلبی (زنده در طول سالهای ۴۴۷ - ۳۷۴ هـ) نویسنده *الکافی فی الفقه* است.

۷. *البدایه و النهایه*، ج ۱۱، ص ۲۷۶؛ *المنتظم*، ج ۱۴، ص ۱۵۰ به بعد.

- صدور فرمان شادمانی عمومی روز عید غدیر برای به امامت رسیدن امام علی (۳۵۲ هـ)؛^۸
- صدور فرمان نوشتن کتیبه‌هایی با مضامین شعائر شیعی بر مساجد بغداد (۳۵۲ هـ)؛^۹
- اجازه دادن به شیعیان برای گفتن عبارت «حی علی خیر العمل» و «أشهد أن علیاً ولی الله» در اذان؛^{۱۰}
- بازسازی حریمهای امامان شیعه.^{۱۱}

گرایش به تشیع و علاقه‌مندی به ترویج شعائر آن در کنار روحیه دانش‌دوستی و فرهیخته‌پروری، حاکمان آل‌بویه را به گزینش وزیرانی رهنمون ساخت که از لحاظ مذهبی، شیعی یا متمایل به اهل‌بیت و از لحاظ علمی، دانش‌آموخته علوم رایج روزگار خویش باشند. از این‌رو دانشوری چون محمد بن عمید یگانه عصر خویش در فلسفه، نجوم و ادبیات از سوی رکن‌الدوله (حاکم ری) به وزارت برگزیده شد^{۱۲} و شاگرد او صاحب بن عباد دانش‌اندوخته حدیث، کلام و ادب، وزیر مؤیدالدوله^{۱۳} و «ابوعلی سینا» وزیر شمس‌الدوله و شاپور بن اردشیر - مؤسس کتابخانه هشتاد هزار جلدی بغداد - وزیر بهاء‌الدوله شدند.

نزدیک شدن مردان سیاست و علم به یکدیگر و حضور دانشمندان و دانش‌دوستان در ارکان قدرت و پیرو ارج‌گذاری به دانشوران و فرهیختگان، بالندگی علمی و رواج روحیه دانش‌جویی و دانش‌آموزی را در بین توده مردم در پی داشت. در چنین دورانی اهل دانش در تمامی شاخه‌ها از احترام و حمایت حکومت بهره‌مند بودند و با پدید آمدن فضای علم‌دوستی و دانش‌جویی در جامعه، زمینه شکوفایی و رونق علمی فراهم گردید تا آنجا که به شکل یک نهضت درآمد؛ چیزی که امروزه و در دوران معاصر با عنوان رنسانس اسلامی از آن یاد می‌شود.

در چنین دورانی، شاهد بزرگداشت محدث بزرگ، شیخ صدوق از سوی وزیری دانشور، یعنی صاحب بن عباد هستیم.^{۱۴} شیخ صدوق نیز کتاب *عیون الاخبار* خود را برای اهداء به او می‌نویسد تا زینت‌بخش کتابخانه بزرگ، عمومی و مشهورش گردد.^{۱۵} در بغداد عضدالدوله، امیر بویه‌ای، شیخ مفید را ارج می‌نهد و با حضور بر بالین او و عیادتش، به وقت بیماری شیخ^{۱۶} و کمکهای مالی به او نمونه دیگری از بزرگداشت عالمان شیعی را به نمایش می‌گذارد.^{۱۷} گفته‌اند عضدالدوله گاه به ایشان می‌گفت: «از هرکه خواهی شفاعت کن تا ما آن را پذیرا باشیم».^{۱۸}

فضای آزاد پدیدآمده در زمینه فرهنگ و مذهب، ترویج بیشتر معارف و فرهنگ شیعی را در پی داشت، چراکه شیعیان فرصت یافتند در مجامع رسمی باورهای خود را ابراز نمایند، در جلسات مناظره و گفتگو شرکت کنند و با پاسخ‌گویی به پرسشها و شبهات، منطق نیرومند، استحکام اندیشه و حقانیت باورهای خود را هویدا

۸. همان.

۹. همان.

۱۰. *نشوار المحاضره*، ج ۲، ص ۱۳۳.

۱۱. *آل‌بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه*، ص ۴۸۱.

۱۲. *تتمة المنتهی*، ص ۳۱۲.

۱۳. *ریاض العلماء*، ج ۱، ص ۸۴.

۱۴. *آل‌بویه حامیان فرهنگ تشیع*، ص ۱۰۵.

۱۵. *عیون الاخبار الرضا*، ص ۳، مقدمه نویسنده.

۱۶. ابن حجر عسقلانی، *لسان المیزان*، ج ۵، ص ۳۶۸، بیروت، نشر مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ هـ.

۱۷. *روضات الجنات*، ج ۶، ص ۱۵۹.

۱۸. *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۷، ص ۲۲۴.

کنند. شیخ صدوق در ری، نیشابور و بغداد^{۱۹} و شیخ مفید در بغداد^{۲۰} به تشکیل این گونه جلسات همت گماردند، که البته توفیق شیخ مفید بیشتر بود،^{۲۱} چنان که خطیب بغدادی^{۲۲} و عبدالجبار معتزلی بدان اعتراف کرده‌اند.^{۲۳} او که پرانگیزی، توانایی علمی، پویایی اندیشه، منطق نیرومند، کوشایی، پشتکار و تلاش خستگی‌ناپذیر را در کنار پارسایی و زیرکی با هم جمع کرده بود، توانست بهترین و بیشترین بهره را از فرصت به دست آمده، ببرد و پیرو آن، توفیق زیادی بیابد و رشک و خشم مخالفان متعصب را چنان برانگیزد که برخی، به روز مرگ شیخ، جشن بگیرند و به تهنیت بنشینند.^{۲۴}

پرسش

از دیدگاه شما حضور اندیشمندان شیعی در جلسات مناظره و گفتگو چه نقشی در ترویج فرهنگ تشیع داشت؟
جواب: آنان با پاسخ‌گویی به پرسشها و شبهات، منطق نیرومند، استحکام اندیشه و حقانیت باورهای شیعه را هویدا می‌کردند که این امر سبب افزایش شمار شیعیان می‌شد.

تلاشهای حدیثی در سده‌های چهارم و پنجم

پیدایش این فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این دوران، بیش از همه عالمان شیعی را به تلاش افزون‌تر، واداشت. ایشان از فرصت به دست آمده بیشترین و بهترین بهره را بردند و با تلاش خستگی‌ناپذیر به طرح اندیشه‌های مذهب خود در شاخه‌های گوناگون علوم اسلامی پرداختند. این تلاشها در قالب کتابها و رساله‌هایی که ساختار اندیشه شیعی را واگویی می‌کردند، به بار نشست و برای نسلهای بعد به یادگار ماند. در این میان، سهم آثار حدیثی بیش از دیگر شاخه‌ها بود، چرا که حدیث، مادر و مرجع و محور بسیاری از علوم آن دوران بود و جویندگان و عرضه‌کنندگان آن افزون‌تر از دیگر دانشها بودند و چنین بود که بر شمار و گونه‌های نگارشهای حدیثی و معرفتی شیعه در قم، ری و بغداد افزوده شد و مدرسه‌های حدیثی قم و بغداد گسترش یافتند و پایه‌ها و مبانی روشنی از خود بر جای نهادند.^{۲۵} تلاشهای حدیثی شیعیان، منحصر به نگارشهای حدیثی نبود، آنان علاوه بر نگارشهای عمیق، زیبا و ماندگار متون حدیثی، نگارشهای زیبایی در

۱۹. رجال نجاشی، ص ۳۹۲، الرقم ۱۰۴۹؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۵۶؛ نمونه‌ای از مناظرات شیخ صدوق را می‌توانید در کتاب کمال الدین، ص ۸۷، ببینید که در حضور رکن‌الدوله بوده است و امیر اعتقاد خود را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) در آن کتاب بیان می‌کند.

۲۰. الرسائل العشرة، ص ۳۵.

۲۱. برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به ترجمه ابن‌نقیب سنی (عبدالله بن عبدالله) در البدایة و النهایه، ج ۱۲، ص ۲۲.

۲۲. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۳۱.

۲۳. روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۵۹.

۲۴. ر. ک: درس پنجم، مدرسه حدیثی بغداد.

۲۵. در مبحثی خاص ویژگیهای این دو مدرسه را بررسی خواهیم کرد.

علوم پیرامونی حدیث نیز سامان دادند. بهترین نگاشته‌های رجالی شیعه در این دوران پدید آمده است. نگارش‌های متفاوت در زمینه غریب‌الحديث، فقه‌الحديث و نقدالحديث نیز در این دوران تألیف شده است. فهرست‌نگاریهای جامع از مصنفات حدیثی نیز یادگار این دوران است. گزارش اجمالی از گونه‌های نگارشی این دوران را در پی می‌آوریم.

گونه‌های نگارش حدیثی^{۳۶}

۱- جامع‌نگاری

جامع‌نگاری با گردآوری مجموعه‌ای از احادیث ناظر به هم در ذیل عناوین و موضوعات گوناگون فقهی، به وسیله یاران امام رضا (علیه السلام) آغاز گردید و تا سده‌های چهارم و پنجم که جوامع بزرگی نگارش یافتند، سیر تکاملی خود را پیمود. جوامع مشهور شیعی که به کتب اربعه معروف‌اند و تا امروز بر تارک علم و اندیشه شیعه می‌درخشند، یادگار تلاش اندیشمندان زبردست و پرکار این دوران است.

الکافی: شیخ کلینی (م ۳۲۹) و پرورش‌یافته مدرسه حدیثی قم، با نگارش این کتاب مهم‌ترین جامع حدیثی شیعه را تدوین نمود. دو جلد نخست این مجموعه هشت‌جلدی با عنوان اصول، درباره موضوعات اعتقادی و کلامی و پنج جلد آن با عنوان فروع در زمینه موضوعات فقهی و جلد آخر آن با عنوان روضه در موضوعات پراکنده است. این کتاب گرچه ثمره مدرسه حدیثی قم بود، ولی زمینه نشر و نسخه‌برداری آن در بغداد، که دارای امکانات فراوان نشر بود، فراهم شد.

من لا یحضره الفقیه: این کتاب جامع احادیث فقهی است که شیخ صدوق (م ۳۸۱) یکی از مؤلفان برجسته مدرسه حدیثی قم، آن را نگاشته است.

تهذیب الأحکام: این کتاب را شیخ طوسی در شرح کتاب المقنعه استاد خود شیخ مفید (م ۴۱۳) نگاشته است. از آنجا که استاد و شاگرد هر دو پرورش‌یافته مدرسه حدیثی بغداد هستند، این اثر - که در زمان خود جامع‌ترین کتاب حدیثی فقهی است - از ثمرات مدرسه حدیثی بغداد به شمار می‌آید. شیخ طوسی پس از مدتی گزیده‌ای از این اثر را با عنوان الاستبصار عرضه کرد که در ردیف کتب اربعه به شمار می‌آید.

جوامع حدیثی دیگری نیز در این دوران نگارش یافتند که اکنون در اختیار ما نیستند، مانند الجامع محمد بن حسن بن ولید (استاد شیخ طوسی) و مدینه العلم شیخ صدوق.

۲- تکنگاری

تکنگاریها موضوعات گوناگونی دارند. هر موضوع اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و کلامی، می‌تواند دست‌مایه نگارش یک کتاب حدیثی در آن موضوع باشد. شمار تکنگاریهای این دوران به صدها عنوان می‌رسد. فضای علمی حاکم بر جامعه و مجموعه مباحثات پدیدآمده بین عالمان، رواج و افزایش این‌گونه نگارشها را در پی داشت. شیخ صدوق را می‌توان طلایه‌دار این‌گونه نویسندگی دانست. او نزدیک به سیصد رساله و کتاب حدیثی

۳۶. گونه‌های نگارشی در این مبحث به اجمال معرفی شده‌اند. نمونه‌های مورد اشاره نیز محدود به این دو قرن هستند. آشنایی بیشتر با این گونه‌ها و نمونه‌ها در درس سبک‌شناسی و جوامع حدیثی صورت خواهد گرفت.

دارد، که بیشتر آنها تکنگاری در موضوعات خاص هستند، مانند کتاب *التوحید* در زمینه الهیات، *کمال الدین* در امامت و مهدویت و *ثواب الاعمال* و *عقاب الاعمال* در برشماری آثار کارهای نیک و بد.

۳- امالی

این شیوه از نگارش حدیثی، خود محصول نوع خاصی از عرضه حدیث و دریافت آن است، که در آن استاد احادیث گوناگون را از حافظه یا کتابهای خود، برای شاگردان می‌خواند و املا می‌کند و شاگردان آن را می‌نویسند. به مجموعه نوشته شاگرد که به صورت کتاب درمی‌آمد، امالی آن استاد می‌گفتند. در این شیوه معمولاً تاریخ جلسه خواندن حدیث (املا) و مکان آن یادداشت می‌شد.

چهار کتاب امالی مشهور شیعه یعنی *امالی صدوق*، *امالی مفید*، *امالی طوسی* و *امالی سید مرتضی* از نگارشهای این دوران هستند که به جز کتاب آخر، همگی نگاشته حدیثی هستند. در بین زیدیه نیز *الامالی الخمیسیه* و *الامالی الاثنینیه* به نگارش در آمد که گردآوری احادیث خوانده شده یحیی بن حسین شجری گرگانی (م ۴۷۹ ه) در روزهای پنجشنبه و دوشنبه است.

۴- مسندنویسی

در این شیوه احادیث نقل شده از یک راوی در کنار هم و با محوریت او گردآوری می‌شوند و موضوع احادیث نقشی در ترتیب آنها ندارد.^{۲۷} این شیوه نگارش در بین شیعیان، که در گردآوری روایات موضوع محور بودند و به موضوع آنها اهمیت می‌دادند، جایگاه چندانی نیافت برخلاف سنیان که این شیوه را بیشتر می‌پسندیدند. در این دوران نمونه‌هایی از مسندنویسی با شیوه خاص شیعی گزارش شده است. *تحف العقول* را می‌توان نمونه‌ای از مسندنویسی شیعی برشمرد. ابن شعبه حرّانی در این کتاب روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) را در سیزده باب مرتب کرده است. گفتنی است که او روایات هر امام را در یک مجموعه گرد آورده است. ترتیب موضوعی احادیث و همچنین نقل روایت امام (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای او اهمیت نداشته است.

عیون اخبار الرضا (علیه السلام) نیز نمونه‌ای از مسندنویسی شمرده می‌شود. این مجموعه تمامی احادیث منقول از امام رضا (علیه السلام) را دارا است. علاوه بر آن روایاتی را که درباره امام رضا (علیه السلام) نقل شده است، نیز جمع‌آوری کرده است. این گونه نگارش با مسندنویسی معمول سنیان متفاوت است؛ زیرا آنان روایات یک راوی را در کنار هم گردآوری می‌کنند در حالی که در دو کتاب یادشده روایات یک معصوم و روایاتی که درباره آن معصوم (علیه السلام) است، در کنار هم گرد آمده است و هیچ توجهی به راوی حدیث نشده است.

گفتنی است در زمانهای پسین جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱) یکی از نویسندگان اهل سنت، به این گونه مسندنویسی روی آورد و *مسند حضرت فاطمه (علیها السلام)* و برخی دیگر از صحابه را بدین شیوه نگاشت.

۲۷. برای آگاهی بیشتر درباره مسندنویسی، به کتاب *مسندنویسی در تاریخ حدیث* تألیف دکتر کاظم طباطبایی و مقاله «مسند و مسندنویسی» نگاشته علی مختاری در *مجله علوم حدیث*، ش ۴، صفحه ۴۴ مراجعه کنید.

پرسش

چرا شیعیان به مسندنویسی به شیوه سنیان علاقه نشان نمی‌دادند؟
جواب: زیرا شیعیان برخلاف سنیان در گردآوری روایات، موضوع‌محور بودند و به موضوع روایات بیشتر اهمیت می‌دادند.

۵- نگارش‌های ذوقی و هنری

رونق بازار دانش‌آموزی، آموزش، پژوهش و نگارش در این دوران تا آنجا پیش رفت که اصحاب دانش به شیوه‌های رایج تألیف بسنده نکردند، بلکه برخی بر اساس علاقه، سلیقه و ذائقه خود و مخاطبان، یا برای تنوع در گونه ابلاغ معارف، شیوه‌های تازه‌ای را برای نگارش برگزیدند که نمایانگر ذوق هنری آنان بود. دسته‌بندی احادیث بر اساس اعداد موجود در آنها یکی از این شیوه‌ها است که ابو عبدالله برقی با نگارش *القرائن* پیشگام این گونه نگارش است. شیخ صدوق با نگارش *الخصال* و ابوالفتح محمد بن علی کراجکی (م ۴۴۹ ه) با نگارش *معادن الجواهر* در ردیف پس از او جای دارند.

دسته‌بندی احادیث در نگارش حدیثی بر اساس نوع سند نیز شیوه دیگری از این گونه تألیفات است؛ جعفر بن احمد قمی با گردآوری احادیثی که با تعریف درایه‌ای، سند آنها مسلسل به شمار می‌آمد، کتاب *المسلسلات* خود را نگاشت چنان‌که پیش از او عبدالله بن جعفر حمیری (م ۳۰۰) با گردآوری احادیث کوتاه‌سند، کتاب *قرب الأُسناد* را عرضه کرد.

۶- تفسیر مآثور

تفسیر نقلی یا تفسیر مآثور، گونه‌ای از گردآوری روایات است که در آن احادیث رسیده از معصومان، در شرح و تفسیر آیات قرآن، بر محوریت آیه‌ها و به ترتیب آیات و سوره‌های قرآن جمع‌آوری می‌شوند. پیشینه این شیوه نگارشی به زمان حضور امامان (علیهم السلام) می‌رسد. در سده چهارم و پنجم نیز این گونه نگارش‌ها مشاهده می‌شود. سه تفسیر ذیل از مشهورترین تفاسیر نقلی این دوره هستند که اکنون در دسترس ما هستند:

- تفسیر *فرات کوفی* (اوایل قرن ۴ ه)؛

- تفسیر *علی بن ابراهیم قمی* (اوایل قرن ۴ ه)؛

- تفسیر *عیاشی* (پس از سال ۳۲۰ ه).

برخی از این قبیل آثار نیز با گذشت زمان ناپدید شده‌اند و دیگر در دسترس نیستند، مانند تفسیر شیخ *صدوق*، تفسیر *علی بن بابویه* و تفسیر *محمد بن حسن بن ولید*.

شایان ذکر است تفسیر مآثور از همان ابتدا مورد توجه سنیان قرار گرفت با این تفاوت که آنان، اقوال صحابه و تابعین را نیز در شرح و تفسیر آیات بسان قول معصوم می‌آوردند. از این رو چنانچه اقوال صحابه و تابعین را از تفاسیر نقلی بزرگ ایشان، مانند تفسیر *طبری* و *الدر المنثور* سیوطی، حذف کنیم بخش ناچیزی باقی خواهد ماند.

۷- کلام نقلی

شمار زیادی از نگاشته‌های این دوران در موضوعات کلام نقلی، نگارش یافته‌اند. باورهای شیعی در حوزه عقاید با سایر مسلمانان، که اکثریت پیروان را دارا بودند، تفاوت داشت، از این رو با هجوم فکری و فشار سیاسی و فرهنگی مخالفان رو به رو بود. این هجوم، عالمان شیعی را واداشت تا از فضای باز فرهنگی و مذهبی این دوران سود جویند و با پاسخ‌گویی به شبهات، مکتوب‌کردن آنها و نگارش‌های گوناگون در شاخه کلام نقلی، از باورهای شیعی پاسداری نمایند و استواری، استحکام و منطق نیرومند اندیشه شیعی را نمایان و توده شیعیان را در برابر آفات و آسیب‌های اعتقادی بیمه کنند. در این راستا بدیهی می‌نمود که در کنار توجه به مباحث توحید، صفات الهی، مبدأ، معاد و نبوت، بیشترین سهم را به نگارش‌هایی در موضوع امامت، به ویژه امامت امام علی (علیه السلام)، که نقطه تمایز شیعیان با دیگران بود، اختصاص دهند. در این نگاشته‌ها از روایات سنیان فراوان استفاده می‌شد تا بتوان آنان را به حقانیت مذهب شیعه معترف ساخت. کتابهای ذیل نمونه‌هایی از این دست نگارش‌ها هستند:

- المسترشد فی الإمامة أمير المؤمنين از محمد بن جریر طبری شیعی؛
- فضائل أمير المؤمنين از ابن عقده زیدی مذهب؛
- الإمامة و التبصرة من الحيرة از ابن بابویه قمی؛
- إثبات الوصية از علی بن الحسین مسعودی؛
- کفاية الأثر از علی بن محمد خزاز قمی؛
- إيضاح دقائق النواصب از ابن شاذان قمی؛
- تفضیل أمير المؤمنين از شیخ مفید؛
- الاستنصار فی النص علی الأئمة الأطهار از ابوالفتح کراچی؛
- دلائل الإمامة از محمد بن جریر بن رستم طبری.^{۲۸}

برخی از این نگاشته‌ها در گذر زمان ناپدید شده و به دست ما نرسیده‌اند، مانند کتابهای ذیل از شیخ صدوق که نجاشی آنها را در فهرست آثار او آورده است^{۲۹} ولی اکنون در دسترس ما نیستند:

- إثبات النص علی الأئمة؛
- إثبات النص علی أمير المؤمنين علیه السلام؛
- إبطال الاختیار و إثبات النص؛
- إثبات الخلافة لأمير المؤمنين.

مطالعه اجمالی کتابهایی که مصنفات اصحاب را نام برده‌اند، همانند رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی کثرت تعداد این گروه نگاشته‌ها را نمایان می‌سازد.

۲۸. گفتنی است مؤلف دلائل الإمامة اگرچه همانا با مؤلف المسترشد فی الإمامة است، ولی فردی غیر از او است. همچنین این دو نفر با محمد بن جریر طبری سنی - صاحب کتاب تاریخ طبری و تفسیر طبری - متفاوت هستند، اگرچه هر سه هم‌نام بوده‌اند و با یکدیگر نیز معاصر هستند. آنان همچنین در یک محدوده جغرافیایی زندگی می‌کرده‌اند.

۲۹. رجال نجاشی، ج ۱، ص ۳۸۹، ش ۱۰۴۹.

۸- غیبت نگاری

موضوع غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از جمله مباحثی است که حتی پیش از تولد حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) و در عصر حضور معصومان (علیهم السلام) مورد توجه شیعیان به ویژه دانشوران و نویسندگان بوده و دستمایه نگارش برخی آثار قرار گرفته است. طبیعی است، در این دوره که هر دو گونه غیبت، یعنی غیبت صغری و غیبت کبری در حال تجربه است و برای شیعیان به ویژه در رویارویی با سنیان دغدغه آفرید و نویسندگان به نگارش در این زمینه رهنمون شدند و نگاشته‌های بیشتری در این موضوع پدید آمد. سه کتاب ذیل که مرجع، مصدر و محور غیبت‌نگاری در سده‌های بعد هستند، از یادگارهای این دوران است که با تکیه بر احادیث و محوریت آنها نگارش یافته‌اند. اگر چه کتاب آخر نیز در بردارنده استدلال و نتیجه‌گیری است.

- کتاب الغیبة (نعمانی)؛

- کمال الدین یا اکمال الدین و اتمام النعمة (شیخ صدوق)؛

- کتاب الغیبة (الطوسی).

۹- فضایل و مناقب^{۳۰}

در این شیوه نگارشی مجموعه‌ای از احادیث بازگوکننده برتریها و شایستگیها و افتخارات امام علی (علیه السلام) و گاه دیگر معصومان گردآوری می‌شود. در حقیقت این نوع نگارش، برآیند شکاف و اختلافی است که بر سر رهبری جامعه در پی انحراف از واقعه غدیر پدید آمد. شیعیان پیوسته در کنار اثبات امامت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) با ادله گوناگون از قرآن و حدیث، به بیان برتریها و شایستگیهای ایشان نیز می‌پرداختند.

در سده چهارم و پنجم که دوره رونق علمی و گرمی بازار نگارشهای حدیثی به شمار می‌آید، شاهد نگارش پر برگ و بارتر مجموعه فضایل‌نگاری هستیم؛ به گونه‌ای که به خاطر فراوانی و تنوع نسبت به دوران پیشین و پسین خود بی‌مانند است. از این گروه فضیلت‌نگاریها می‌توان به کتب زیر اشاره کرد:

- فضائل امیرالمؤمنین از ابن عقیله (ابوالعباس احمد بن محمد)؛^{۳۱}

- مناقب الامام امیرالمؤمنین از محمد بن سلیمان کوفی زیدی؛^{۳۲}

- نوادر الآثار بعلى خیر البشر از جعفر بن احمد قمی؛

- شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار از قاضی نعمان (ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی مغربی)؛

۳۰. فضایل، جمع «فضیلة» به معنای برتری است و مناقب جمع منقبة است. به آنچه که مایه افتخار و مباهات برای فرد است، منقبت گفته می‌شود.

۳۱. آقابزرگ طهرانی در الذریعه (ج ۵، ص ۱۰۲، ش ۴۲۴) از این کتاب با عنوان جزء فی فضائل علی علیه السلام و از نویسنده آن با نام ابوالعباس أحمد بن محمد بن سعید بن عقدة الکوفی (م ۳۳۳) یاد می‌کند.

۳۲. او متولد ۲۵۵ در کوفه و متوفی ۳۲۲ در یمن است. او پس از برپایی دولت زیدیه در یمن به رهبری یحیی بن حسین معروف به امام هادی عهده‌دار پست قضاوت آنان شد و تا زمان جانشینان او، ناصر و مرتضی، بر این پست باقی ماند. کتاب مناقبش بیش از سه هزار حدیث دارد که بیشتر رجال اُسناد آن، از رجال صحاح شش‌گانه سنیان است. (مقاله «کتابهای حدیثی منتشرشده از زیدیه»، تألیف آقای سید علی موسوی‌نژاد، مجله علوم حدیث، شماره ۲۵، صفحه ۱۷۰).

- ما نزل من القرآن فی علی از مرزبانی (ابوعبدالله محمد بن عمران)؛
 - مائة منقبة از ابن شاذان قمی (ابوالحسن محمد بن احمد القمی)؛
 - الأربعون حديثاً عن الأربعين فی فضائل أمير المؤمنين از ابوسعید محمد بن احمد بن حسین نیشابوری؛
 - المراتب فی فضائل أمير المؤمنين علی بن ابی طالب از قاضی اسماعیل بن احمد بستی زیدی (م ۴۲۰ هـ).^{۳۳}
- لازم به ذکر است که بسیاری از کتابهای فضایل و مناقب نیز به دست ما نرسیده‌اند که برخی از کتابهای شیخ صدوق از این گروه هستند.^{۳۴}

۱۰- تاریخ و سیره

تاریخ‌نویسی در سده چهارم با پشت سر گذاشتن نگارشهای تاریخی بزرگی مثل تاریخ طبری (م ۳۱۰ هـ)، نظر اهل قلم را به خود جلب کرده بود. در میان شیعیان نیز کسانی بودند که به تاریخ‌نگاری علاقه نشان می‌دادند، اما گزینه نخست آنان در موضوعات و مطالب تاریخی، سیره معصومان و بیان تاریخ زندگی آنان بود، چیزی که سخت مورد بی‌مهری تاریخ‌نگاران اهل سنت بود. از این رو شیعیان بیش از هر موضوع تاریخی به گزارش این‌گونه امور همت می‌گماردند و بدیهی بود که در این راه پیش از هر گزارشی به متون حدیثی گزارش‌کننده گزاره‌های تاریخی روی آورند و به آنها بها دهند. شایان ذکر است که جایگاه نگارشهای تاریخی و سیره با تکیه بر احادیث، پس از نگارشهای مبحث امامت و فضایل‌نگاری و مانند آنها قرار دارد.

به بیان سیره معصومان در سده‌های پیشین نیز توجه شده است. برخی از نگاشته‌های شیعی در این باره به این قرار است:

- عیون اخبار الرضا (شیخ صدوق ۳۸۱ - ۳۰۵)؛
- خصائص أمير المؤمنين (سید رضی ۴۰۶ - ۳۵۹)؛
- الجمل (شیخ مفید، م ۴۱۳)؛
- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد (شیخ مفید)؛
- المصابیح فی سيرة الرسول و آل البيت (احمد بن ابراهیم زیدی)؛
- تیسیر المطالب (بطحائی زیدی)؛
- تتمة المصابیح (علی بن بلال آملی زیدی)؛
- الهدایة فی تاریخ النبی و الأئمة و معجزاتهم (حسین بن حمدان خصبی).^{۳۵}

از این مجموعه کتابهای فراوانی در دسترس ما نیست. مقتل الحسین و الجمل، التاریخ و چندین کتاب دیگر از کتابهای شیخ صدوق از جمله این مجموعه است.

۳۳. این کتاب در دفتر ششم میراث حدیث شیعه، صفحه ۱۰۵ تا ۲۳۶ به کوشش آقایان مهدی مهریزی و علی صدراپی خویی، در سال ۱۳۸۰ شمسی به چاپ رسیده است.

۳۴. برای آگاهی بیشتر به مباحث ضمیمه مراجعه کنید.

۳۵. این شخص از غالیان است و نگرش انحرافی دارد.

۱۱- دعا و زیارت

شیعی بودن بسیاری از دولتهای این دوران، سفرهای زیارتی دولتیان به همراه رسیدگیهای مالی آنان به حریمهای امامان، آزادی سفر به این مکانها، افزایش شمار زائران و دفعات سفر زیارتی آنان را در پی داشت. این امر نیاز بیشتر، به نگاشتههای دعایی و زیارتی را نمایان می‌ساخت. فضای علمی پدیدآمده در این دوران و پدیدار شدن تنوع نگارشی، بستر خوبی را برای پاسخ‌گویی بدین نیاز فراهم کرد و نگارشهای دعایی و زیارتی پرفایده، ماندگار و ارزشمندی از این دوران به یادگار گذاشت. یادآور می‌شویم که در کنار نقل زیارت‌نامه‌ها و دعاهایی که برای حرم امامان توصیه می‌شد، به امور مستحبی دیگر، مانند اعمال عبادی و آداب مستحبی روزانه، نیز پرداخته می‌شد. کتابهای زیر نمونه‌ای از این نگاشته‌ها هستند که باقی مانده‌اند:

- کامل الزیارات (ابن قولویه قمی)؛
- کتاب المزار (شیخ مفید)؛
- مصباح المتهجد (شیخ طوسی)؛
- فضل زیارة الحسین (ابو عبدالله محمد بن علی شجری زیدی).
- کتابهای فراوانی نیز در دسترس ما نیستند، که اسامی برخی از آنها در کتابهای فهرست آمده است، همانند:
- زیارات قبور الائمه (شیخ صدوق)؛
- کتاب المزار (جعفر بن حسین بن علی قمی)؛
- کتاب المزار (ابونضر محمد بن مسعود عیاشی)؛
- الزیارات (حسین بن علی الخزاز القمی).

۱۲- فقه الحدیث

در این دوران به فهم دقیق حدیث، غریب‌الحدیث، آسیب‌شناسی و اختلاف حدیث و ... توجه شد. کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق نمونه خاص و زیبایی از مبحث غریب‌الحدیث است. برخی از تألیفات شیخ مفید، همانند رساله فی معنی المولی، رساله فی خبر ماریه، نحن معاشر الانبیاء هم این‌گونه هستند.

نقد حدیث در کتابهای مختلف شیخ مفید به شیوه منطقی و صحیح به چشم می‌خورد. رساله تصحیح الاعتقاد، که به تبیین و تصحیح معارف حدیثی و نقد نظرات شیخ صدوق پرداخته است، کهن‌ترین نمونه نقد صحیح حدیث است.

سید مرتضی در کتاب مالی خود به مواردی از تبیین و تأویل حدیث دست یازیده و نمونه‌ای جالب و خواندنی ارائه کرده است. سید رضی نیز در کتاب المجازات النبویه، نمایی زیبا از سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ارائه نموده است.

در این میان مهم‌ترین کتابی که به اختلاف حدیث و راههای جمع میان احادیث به ظاهر متفاوت، پرداخته کتاب الاستبصار فیما اختلف من الاخبار شیخ طوسی (رحمه الله) است.

این مؤلف و فقیه گرانمایه، ابتدا کتاب تهذیب الاحکام را به شیوه شرح حدیثی کتاب المقنع شیخ مفید نوشت. اهتمام او در این شرح، نقل اخبار متنافی و جمع میان آنها بود.

کتاب استبصار، گزیده کتاب تهذیب الاحکام است و تنها به اخبار اختلافی نظر دارد. این کتاب، تنها در بردارنده روایات فقهی است. از این رو در جمع اخبار مختلف، از روش فقهی سود جسته است.

در این زمینه کتابهای دیگری نیز نگاشته شده است که در گذر زمان مفقود شده‌اند. دو کتاب *جواب المسائل فی اختلاف الأخبار و المزورین عن معانی الاخبار* از شیخ مفید از جمله این آثار هستند.

۱۳- رجال

علم رجال در میان علوم پیرامونی حدیث، پیشینه‌دارترین آنها است، با این حال قدیمی‌ترین کتابهای رجال که امروزه در دسترس ما هستند، از یادگارهای این دو سده‌اند و نگاشته‌های پیش از این دوران یا ناپدید شده‌اند و یا اینکه مطالبشان در کتب رجال این دوران به کار رفته و خود به مرور از بین رفته‌اند.

رجال کشی و *رجال* طوسی از مشهورترین کتابهای رجال این دوره هستند. *فهرست نجاشی* و *فهرست* شیخ طوسی نیز مطالب رجال فراوانی داشته‌اند و در توثیق راویان حدیث دارای نقشی اساسی هستند. ظاهراً نویسندگان این دو کتاب، علاوه بر یادکرد نگاشته‌های شیعه، هدف رجال تعدیل و تضعیف راویان را نیز پیش رو داشته‌اند. *رجال ابن غضائری* نیز از جمله کتابهای مهم و تأثیرگذار است که در این دوران نگاشته شده و تا قرن‌ها مورد استفاده عالمان بوده و سپس ناپدید شده است. این کتاب به صورت بازایی شده از کتابهای رجال دیگر چاپ شده است. *ثقة الاسلام* کلینی نیز کتابی با نام رجال داشته است که در اختیار ما نیست.^{۳۶} شیخ صدوق نیز مجموعه‌ای رجال به نام *المصابیح* (در ۱۵ جزء) داشته است.^{۳۷} همچنین دو کتاب *المصابیح و الزیادات علی ابی‌العباس بن سعید فی رجال جعفر بن محمد* از احمد بن علی بن العباس بن نوح سیرافی استاد نجاشی^{۳۸} از جمله این نگارشها هستند.

۱۴- فهرست

موضوع فهرست‌نگاری کتابها و رساله‌های حدیثی و معرفی بزرگان شیعه، از جمله مباحثی بود که در این سالها اندیشمندان به آن توجه کردند. ریشه این توجه را باید در هجوم فرهنگی مخالفان به شیعیان دید. چنانچه گذشت، فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این دوران به سود شیعیان بود و آنان فرصت یافتند تا باورهای خود را آزادانه ابراز کرده و از آنها، به شیوه‌ای درست، منطقی و عقل‌مدارانه دفاع کنند. مخالفان که در گذشته همواره از فشارهای سیاسی و حکومتی برای سرکوب شیعه سود می‌جستند، با ایجاد شبهات فرهنگی، سعی در مقابله با شیعیان داشتند. هرچند که آنان در گذشته، به خاطر بهره‌مندی از قدرت سیاسی نیاز چندانی به برخورد فرهنگی و علمی نمی‌دیدند، اما در این دوران به ناچار، به هجمه‌های فرهنگی روی آوردند. یکی از اشکالاتی که مخالفان بر شیعیان وارد می‌کردند آن بود که شیعیان گروهی بی‌ریشه‌اند و پیشینه‌ای ندارند. در پاسخ‌گویی به این شبهه، شیخ مفید، سردمدار دفاع از ارکان تشیع، به شاگردان خود توصیه نمود که نگاشته‌های شیعی را فهرست کنند و برای آگاهی دیگران آنها را منتشر کنند تا پیشینه علمی شیعیان بر دیگران روشن شود.

بنابراین توصیه، دو کتاب مهم و پراهمیت، که تأثیر مهمی در تاریخ حدیث‌نگاری شیعه و حتی در علم رجال داشت، به نگارش درآمد. *فهرست أسماء مصنفی الشیعه* معروف به *رجال نجاشی* و *الفهرست*، نوشته شیخ

۳۶. *رجال النجاشی*، ص ۳۷۷.

۳۷. همان، ص ۳۹۰.

۳۸. همان، ص ۸۶، ش ۲۰۹.

طوسی دو کتابی است که به این مهم پرداخته‌اند. این دو نویسنده اسامی حدیث‌نگاران شیعه را جمع‌آوری کرده و وثاقت آنها را بررسی کرده‌اند، همچنین اسامی کتابهای آنان و طریق خود در استفاده از آن کتابها را نیز یاد کرده‌اند. ابن قولویه نیز کتابی به نام *الفهرست* داشت، که اثری از آن نیست.

۱۵- اخلاق

نگارش احادیث اخلاقی بیشتر به گونهٔ تکنگاری در بعضی موضوعات اخلاقی در میان محدثان رایج بوده است. نمونه‌های فراوانی از اسامی این کتابها در دست است. ثقة الاسلام کلینی جلد دوم اصول کافی را به این موضوع اختصاص داده و با عنوان ایمان و کفر بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی را تبیین کرده است. ابن شعبه حرانی در کتاب *تحف العقول* همت خود را در بیان احادیث اخلاق و آداب صرف کرده است. شیخ صدوق نیز در برخی از نگارشهای خویش، همانند *صفات الشیعه*، *مصادقة الأخوان* و حتی کتاب *مالی و خصال* به این موضوع توجه داشته است. کتاب *التمحیص* اسکافی نیز از این دست است. از این گونه نگارشها کتابهای فراوانی به دست ما نرسیده است؛ کتاب *الزهد* شیخ صدوق از این گروه است.

ضمیمه (۱)

- برای آگاهی بیشتر از دولت آل بویه به منابع ذیل مراجعه کنید:
- *تاریخ آل بویه*، مرحوم علی اصغر فقیهی، انتشارات سمت؛
 - *آل بویه نخستین سلسلهٔ قدرتمند شیعه*، علی اصغر فقیهی؛
 - *آل بویه حامیان فرهنگ تشیع*، سید سیف‌الله نحوی؛
 - *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، جوئل. ل. کرومر، ترجمهٔ محمدسعید ضیائی؛
 - مقالهٔ مدخل «آل بویه» در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*؛
 - مقالهٔ مدخل «آل بویه» در *دائرة المعارف تشیع*.
- برای آگاهی بیشتر از دولت فاطمیان به منابع ذیل مراجعه کنید:
- *تاریخ الخلفاء الفاطمیین بالمغرب*، ادريس عمادالدین (۸۷۲)، لبنان، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۸۵م، چاپ اول؛
 - *الخطط المقریزیه*، مقریزی (م ۸۴۵)، مکتبه الثقافیه الدینیّه؛
 - *فاطمیان در مصر*، عبدالله ناصری، پژوهشکدهٔ حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۷۹ش.

ضمیمه (۲)

شواهدی بر گرایش آل حمدان به ویژه سیف‌الدوله به تشیع وجود دارد که یکی از آنها کتیبهٔ موجود بر سردر مشهد الحسین در حلب است. برای آگاهی بیشتر به مقدمهٔ کتاب *غنیة النروع* ابن زهره حلبی، که توسط محقق

و مصحح آن نوشته شده است، مراجعه کنید. ناشر این کتاب مؤسسه امام صادق (علیه السلام) است و نسخه‌ای از این کتاب در نرم‌افزار معجم فقهی نیز موجود است. همچنین برای آگاهی بیشتر از تاریخ این دولت به کتاب *دولت حمدانیان*، تألیف فیصل سامر و ترجمه علی‌رضا ذکاوتی از انتشارات نشر حوزه و دانشگاه قم مراجعه کنید.

ضمیمه (۳)

فضایل‌نگاری

هرچند کار تعیین رهبری و جانشینی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سوی خود ایشان و با فرمان الهی در غدیر با نامزدی سرآمد شایستگیها و برتریها، علی بن ابی‌طالب انجام گرفت، اما این انتصاب برای گروههای پرنفوذ جامعه آن روز قابل تحمل نبود. درگذشت پیامبر این فرصت را به آنان داد تا به شیوه پیشین تعیین رهبری در جامعه عرب، یعنی ساز و کار انتخاب و بیعت، بازگردند و افراد دیگری را به جانشینی برگزینند. این بازگشت، تغییر مسیر رهبری از امامت به خلافت و سپس پادشاهی را در پی داشت. از همان آغاز انحراف جامعه از واقعه غدیر، ثابت‌قدمان بر انتصاب امام علی (علیه السلام) و پیروان ایشان که در اقلیت بودند و در زمانهای پسین به جامعه شیعه معروف شدند، بر آن بودند تا با شمارش برتریها و شایستگیهای ایشان، اولویت و اهلیت ایشان را برای جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) حتی با سازوکار انتخاب عمومی بازگویند و حقانیت امام علی و شیعیان ایشان را ثابت کنند. در گفتگوها و نشستهای علمی و مذهبی بین شیعیان و مخالفان آنها، در کنار استدلال به آیات و احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اثبات امامت علی بن ابی‌طالب، همواره به شایستگیها، برتریها و ویژگیهای بی‌مانند ایشان نیز اشاره می‌شد. برای نمونه می‌توانید به شرح مباحثات مأمون خلیفه عباسی با عالمان سنی در حقانیت امام علی و شایستگی ایشان برای خلافت مراجعه کنید که در آن علاوه بر استناد به آیات و احادیث، فضایل و برتریهای ایشان نسبت به سایر صحابه نیز مطرح شده است. شیخ صدوق در *عیون اخبار الرضا*^{۳۹} این مباحثات را گزارش کرده است. لازم به ذکر است این‌گونه مباحثات که از سوی خلیفه مطرح شده است، نشانه فزونی و گستره تلاش شیعیان در این زمینه است، به گونه‌ای که در عصر مأمون عباسی به دربار و به گویش خلیفه نیز راه یافته است.

و نیز مراجعه کنید به گزارش محمد بن عمر الواقدی از گفتگوی هارون الرشید با شافعی در عرفات، درباره فضایل امیرالمؤمنین که ابن حمزة الطوسی (م ۵۶۰) در کتاب *الثاقب فی المناقب*، صفحه ۲۲۹، حدیث شماره ۲۰۰ این گفتگو را گزارش کرده است. در این گزارش به فراوانی احادیث فضایل امیرالمؤمنین و شمار آنها نیز اشاره شده است.

با گذشت زمان و شروع نگارشهای اعتقادی، شیعیان نیز در این زمینه دست به قلم بردند و در کنار برشماری دلایل اثبات امامت امام علی (علیه السلام) از قرآن و حدیث، بخشی را نیز به بیان برتریها و شایستگیهای ایشان، اختصاص دادند. کتاب *الإمامة* صاحب بن عباد وزیر دانشور آل‌بویه یک نمونه جالب از این‌گونه نگارشها است که در دوران مورد بحث ما نگارش یافته است.^{۴۰} پس از چندی این موضوع، خود

۳۹. *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۲۰۴، باب ۴۵، ح ۲.

۴۰. *النریعه*، ج ۲، ص ۳۲۱، ش ۱۲۶۹.

دستمایه نگارشهای تازه‌ای با عنوان «فضائل امیرالمؤمنین» و مانند آن شد.^{۴۱} فضیلت‌نگاری برای امام علی (علیه السلام) به دیگر معصومان نیز سرایت کرد و فضایل آنان پس از فضایل امیرالمؤمنین بازگو شد.^{۴۲} نگارش «چهل حدیث» (اربعینیات) درباره فضایل امام علی و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، از نکاتی است که اهمیت فضایل‌نگاری در نگاه نویسندگان شیعی را بهتر نمایان می‌سازد. برای آگاهی بیشتر از این‌گونه نگارشها در موضوع فضایل، به مقاله «اربعینیات در فضائل امیرالمؤمنین» نوشته باقری بیدهندی در مجله علوم حدیث، شماره ۱۸، صفحه ۱۵۷ مراجعه کنید.

شایان ذکر است که فضایل‌نگاری برای امام علی (علیه السلام) و دیگر معصومان، ویژه شیعیان نبوده و در بین سنیان نیز رواج داشته است و حتی فردی چون نسائی صاحب جامع حدیثی/السنن (م ۳۰۳) با نگارش الخصائص فی فضائل علی، خشم متعصبان سنی را برمی‌انگیزد و پس از ضرب و شتم فراوان، از مسجد اموی شام اخراج می‌شود و در نهایت به سبب این ضرب و شتم رحلت می‌کند.

ضمیمه (۴)

غیبت‌نگاری

نگاشته‌های محدثین معمولاً در پی پاسخ به مشکلی عمومی و فراگیر در جامعه و باز کردن گره‌ای از معضلات فکری و عملی آنان بوده است.

غیبت امام زمان (علیه السلام) و عدم ارتباط مستقیم ایشان با مردم موجب پدید آمدن شبهه و اشکال در اذهان شیعی شد. از این‌رو برخی از مؤلفین شیعی، با نگارش کتابهایی درباره غیبت، برخی از این مشکلات را حل کردند و مبانی و دلایل غیبت را تشریح و استبعاد مردمان را زائل کردند. فضل بن شاذان، از شاگردان امام رضا (علیه السلام)، تألیفی درباره غیبت داشت.

پدید آمدن غیبت صغری و سپس غیبت کبری موجب ازدیاد نگارش در باب این موضوع شد که سه کتاب الغیبة نعمانی، کمال الدین صدوق و الغیبة طوسی از این گروه هستند.

الغیبة نعمانی

نعمانی شاگرد و کاتب شیخ کلینی بود. او غفلت و حق‌گریزی برخی از شیعیان را به سبب غفلت از امام عصر (علیه السلام) و دوری از دانشهای دینی می‌دانست. بدین جهت در این اثر سعی در جمع‌آوری احادیث منقول از ائمه (علیهم السلام) درباره غیبت و مسائل پیرامونی آن داشت. او در کتاب خود به مقدماتی چون «الاعتصام بحبل الله»، «ان الأئمة اثنا عشر اماما»، «من شک فی واحد من الأئمة»، «ان الله لا یخلو الأرض بغیر حجة» اشاره کرده است. در بسیاری از موارد او احادیثی را از اهل سنت نقل کرده است.

۴۱. در مبحث پیشین بدین کتب اشاره کردیم.

۴۲. النریعه، ج ۷، ص ۱۶۳، ش ۸۸۱.

آنچه از این مقدمات حاصل می‌شود، وجود امام دوازدهم (علیه السلام) است؛ بنابراین در مرحله بعد ایشان به بحث غیبت می‌پردازد. مباحث غیبت و انتظار، علائم ظهور، سیره امام مهدی (علیه السلام) و دیگر مباحث مربوط به امام مهدی (علیه السلام) در این کتاب آمده است. شیخ طوسی در کتاب *الغیبه* خود، این کتاب را ستوده است.

کمال الدین

شیخ صدوق در مقدمه کتاب خود یادآور شده است که در سفر به مشهد متوجه شدم که شیعیان نسبت به امام زمان (علیه السلام) و غیبت ایشان، دچار شبهه شده‌اند. تصمیم گرفتم در این موضوع کتابی بنگارم. امام زمان (علیه السلام) را در خواب دیدم و ایشان مرا بدین کار تشجیع نمود و روش نگارش را نیز برایم ترسیم نمود. موضوعات مطرح شده در این کتاب، اثبات لزوم وجود امام و خلیفه از منابع شیعه و سنی و انحصار تعیین امام (علیه السلام) از طریق انتصاب، غیبت امام مهدی (علیه السلام)، رد ادعای کیسانیه، واقفه و زیدیه، غیبت پیامبران پیشین و اثبات غیبت در کلام معصومین (علیهم السلام) است. شیخ صدوق در انتها به زندگانی امام زمان (علیه السلام) و غیبت ایشان و مسائل پیرامونی آن به گونه‌ای مشروح پرداخته است.

الغیبه شیخ طوسی

کتاب شیخ طوسی بیش از آنکه کتابی حدیثی باشد، کتابی کلامی است. شیخ آقابزرگ تهرانی در این باره می‌گوید:

قد تضمن أقوى الحجج و البراهین العقلية و النقلية علی وجود الإمام (علیه السلام) و غیبه ثم ظهوره فی آخر الزمان.^{۴۳}

ایشان به شبهه‌های خاص موجود در جامعه شیعی یا اعتراضات دیگر فرقه‌ها اشاره می‌کند و سعی در پاسخ‌گویی به تمامی آنها از طریق عقل و نقل دارد.

وجوب عصمت امام، فساد قول سایر فرقه‌ها (کیسانیه، واقفه و ...)، حکمت غیبت، اثبات ولادت امام زمان (علیه السلام)، طول عمر، روایات دوازده امام، اوصاف امام مهدی (علیه السلام)، کسانی که امام را دیده‌اند، معجزات امام مهدی، توقیعات ایشان، موانع ظهور، سفرای امام (علیه السلام)، علائم ظهور و ... از مباحث شیرین این کتاب است.

در یک جستجوی ساده لفظی در *رجال نجاشی*، که نویسنده آن در همین دوران می‌زیسته است (م ۴۵۰)، سی و سه نگاشته با نام *الغیبه* به دست آمد.

۴۳. *الدریعه*، ج ۱، ص ۹، مقدمه تحقیق، نشر مؤسسه معارف اسلامی، قم، سال ۱۴۱۱.

ضمیمه (۵)

امالی نگاری

یکی از شیوه‌های نقل و تحمل حدیث، املا بوده است یعنی آنکه استاد، احادیثی را می‌خوانده است و شاگردان آنها را می‌نوشته‌اند. به مجموعه‌ای که در پی این گفت و نوشت پدید می‌آید «امالی» می‌گویند. بنابراین کتابهای امالی به قلم استاد نیست بلکه تقریر بیانان ایشان است.

امالی‌نویسی در بین شیعیان رواج بیشتری داشته است. سه کتاب *امالی صدوق*، *امالی مفید* و *امالی طوسی* از مشهورترین کتابهایی هستند که به این روش نگارش یافته‌اند.

امالی صدوق

شیخ صدوق، معمولاً روزهای سه‌شنبه و جمعه هر هفته جلسه‌ی امالی حدیث داشت و گاه به مناسبت ایامی هم‌چون محرم یا ماه رمضان درباره‌ی موضوع ویژه‌ی آن ایام سخن می‌گفت. این جلسه‌ها حتی در سفر نیز ادامه داشت، به عنوان مثال در دوران امالی کتاب، شیخ صدوق سه بار به مشهد رفته و جلسات خود را در آن شهر تشکیل داده است.

امالی صدوق مجموعاً نود و هفت مجلس است. این جلسات از ۱۸ رجب ۳۶۷ هجری تا ۱۹ شعبان ۳۶۸ هجری ادامه داشته و در مجموع هزار و چهل و نه حدیث خوانده شده است. جلسات حدیثی ایشان کوتاه و معمولاً احادیث خوانده‌شده، کمتر از ده حدیث بود. موضوع احادیث نیز گوناگون بوده و علاوه بر مناسبت ایام به فضایل و مناقب اهل‌بیت، تاریخ و سیره، مواعظ و ... نیز پرداخته است. مقتل امام حسین (علیه السلام) در جلسات محرم (۲۹ تا ۳۱) نقل شده است.

امالی مفید

گزارشی از چهل و دو جلسه از سخنرانیهای حدیثی شیخ مفید است که معمولاً در ماه رمضان و در روز شنبه برگزار می‌شد. این جلسات از سال ۴۰۴ هجری تا سال ۴۱۱ هجری تشکیل شده است و در آن جلسات مجموعاً ۳۷۸ حدیث نقل شده است.

موضوع جلسات نیز متنوع بود، اگرچه روایات پیرامون امام علی (علیه السلام) و اهل‌بیت، رمضان و ... بیشتر به چشم می‌خورد.

لازم به ذکر است که متن *امالی مفید* دقیق‌تر از *امالی صدوق* است و اعتبار بیشتری دارد.

امالی طوسی

این کتاب برگرفته از سخنرانیهای حدیثی شیخ طوسی در سالهای پایانی عمر شریف ایشان (سالهای ۴۵۵ تا ۴۵۸ ه) است که در نجف برگزار شده است. شیخ در پی حمله‌ی سلجوقیان در سال ۴۴۸ به بغداد و سقوط آل بویه و تعرضهای سنیان متعصب، به ناچار به همراهی گروهی اندک از یاران خود به نجف هجرت کرد و حوزه‌ی نجف را بنیان نهاد. مجالس حدیثی ایشان به وسیله‌ی فرزند او نگارش یافته است. بدین سبب بعضی به آن، *امالی ابن‌الشیخ* گفته‌اند.

این کتاب به دو قسمت متمایز تقسیم می‌شود؛ هجده جلسه اول آن به طور معمول بلند و طولانی است و تاریخ جلسات نیز ذکر نشده است و هزار و صد و شصت و یک حدیث در این هجده جلسه نقل شده است. بیست و هشت جلسه دوم کوتاه‌تر است و در برخی از جلسات تنها سه یا چهار حدیث نوشته شده است. ظاهراً شیخ طوسی در این جلسات، یادداشتهایی را که از جلسات درس اساتید خود فراهم کرده بود، خوانده است، به عنوان مثال در نه جلسه اول تنها از شیخ مفید روایت نقل کرده است. فضایل و مناقب اهل بیت، حوادث تاریخی و مواعظ در *مالی طوسی* پررنگ‌تر است. سید مرتضی (رحمة الله علیه) نیز دارای کتاب *مالی* است، ولی بیشتر مطالب آن مربوط به مباحث قرآن و ادب است.

جلسه دوم

برخی از راویان و حدیث‌نگاران مشهور این دو سده

اهداف

- ✓ آشنایی با مشهورترین دانشوران محدث و حدیث‌نگار سده‌های سوم و چهارم هجری؛
- ✓ معرفی اجمالی آثار برجسته آنها.

درآمد

سده‌های سوم و چهارم هجری، آکنده از وجود راویان و محدثان مشهوری است که با آثار خویش ماندگار شده‌اند. آن‌گونه که از بررسی تاریخ و کاوش در مصنفات شیعی به دست می‌آید، این دوران فضای خاصی داشته است؛ که پیامد آن تربیت شاگردان و رواج محدثین و نگارشگران حدیث بوده است (در درس قبل، با نمای اجمالی این دوران آشنا شدید).

کتب اربعه شیعه، که مهم‌ترین مرجع حدیثی شیعیان است، در این دوران نگارش یافته و ماندگار شده است. ارکان مباحث رجالی (یعنی کتب اربعه رجالی) نیز در این دوران نگارش یافته است. بنیان ماندگار تفسیر مأثور، از این دوران به جا مانده است و ... این دوران آن‌سان زیبا و تأثیرگذار است که انسان را به حیرت وادار می‌دارد. از این رو، تنها به یادکرد مشهورترین و تأثیرگذارترین محدثان این دوره بسنده می‌کنیم؛ یعنی افرادی که در زمان خویش با نگارش اثری مهم، تأثیری شگرف بر فرهنگ و معارف شیعی گذاشته‌اند. بزرگوارانی چون ثقة الاسلام کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید رضی و شیخ طوسی در این گروه قرار می‌گیرند. به جز این گروه، از دیگر محدثان و مؤلفانی که به گونه‌ای از آوازه و شهرت برخوردارند نیز یاد خواهد شد. بنابراین از یادکرد بسیاری از افراد دیگر صرف نظر می‌کنیم.

۱- ثقة الاسلام کلینی (م ۳۲۹ هـ)

ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، در ری متولد شد و در شهر مقدس قم به تحصیل پرداخت. استادان حدیثی معروف او، علی بن ابراهیم قمی و محمد بن یحیی العطار بوده‌اند. نزدیک به هشتاد درصد احادیث کتاب کافی از این دو استاد حدیث نقل شده است.

به غیر از کتاب کافی، پنج کتاب دیگر نیز به شیخ کلینی منتسب است^{۴۴} که اکنون در دسترس ما نیستند. این کتابها عبارتاند از:

- ۱- کتاب الرد علی القرامطه؛
 - ۲- کتاب رسائل الأئمة (علیهم السلام)؛
 - ۳- کتاب تعبیر الرؤیا؛
 - ۴- کتاب الرجال؛
 - ۵- کتاب ما قیل فی الأئمة (علیهم السلام) من الشعر.
- سید ابن طاووس (م ۶۶۴ هـ) در کتابهای کشف المحجبه، فلاح السائل و فتح الأبواب برخی از روایات کتاب رسائل الأئمة را نقل کرده است.^{۴۵}
- کتاب کافی علاوه بر روایات فقهی، شامل روایات بنیادین معارف، چون «عقل و علم»، «حجت و ایمان و کفر» نیز است که در دو جلد آغازین کتاب اصول کافی قرار دارند.
- در طول تاریخ حدیث شیعه، از کتاب کافی و مؤلف آن مدح و ستایش فراوانی شده است، همچنین شرحها و حاشیه‌های گوناگونی نیز بر آن نوشته شده است.
- توضیحات مفصل درباره این کتاب و مؤلف آن، در دروس دیگر بیان خواهد شد.^{۴۶}

۲- ابن بابویه (م ۳۲۹ هـ)

علی بن حسین بن موسی قمی، پدر و استاد شیخ صدوق و از پایه‌های استوار حدیثی قم است. او با ثقة الاسلام کلینی هم طبقه بوده است و اساتید او نیز همانند اساتید کلینی هستند. منابع رجالی شیعه نزدیک به بیست کتاب را به او نسبت داده‌اند.^{۴۷}

کتاب الإمامة و التبصرة من الحیره، از جمله کتابهای او است که درباره آن بحث و تحقیق انجام شده است. نسخه‌ای از این کتاب نزد علامه مجلسی بوده که به نظر ایشان، از آن ابن بابویه بوده است،^{۴۸} اما محدث نوری^{۴۹} و برخی دیگر^{۵۰} این نظر را نمی‌پذیرند. در سالهای اخیر آقای محمد رضا حسینی جلالی به نسخه خطی این کتاب دست یافت و آن را به صورت تصحیح شده و همراه با مستدرکات آن، به جامعه علمی عرضه کرد. ایشان در مقدمه مفصل خویش تمامی اشکالات را بررسی کرده و به آنها جواب داده است. متون حدیثی این کتاب در کتابهای پس از آن، همچون کمال الدین، نقل شده است.

۴۴. رجال نجاشی، ص ۳۷۷.

۴۵. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۷۵.

۴۶. ر.ک: درس جوامع حدیثی شیعه.

۴۷. رجال نجاشی، ص ۲۶۲، ش ۶۸۴؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۵۷، ش ۳۹۲.

۴۸. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۶۱.

۴۹. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۲.

۵۰. الذریعة علی تصانیف الشیعه، ج ۲، ص ۳۴۱.

برخی از محققان، کتاب *فقه الرضا* را نیز به ابن بابویه نسبت داده‌اند. شباهتهای موجود بین این کتاب و رساله ابن بابویه به پسرش، با عنوان *کتاب الشریع*^{۵۱} این نظریه را پدید آورده است.^{۵۲} لازم به ذکر است که انتساب این کتاب به امام رضا (علیه السلام) اشتباه است.^{۵۳}

۳- محمد بن حسن بن ولید (م ۳۴۳ هـ)

او از معاصران ابن بابویه و استاد شیخ صدوق است. افکار و نظریه‌های او در حدیث و رجال با پذیرش و پیروی پسینیان در مدرسه حدیثی قم رو به رو شده است.

بیش از همه شاگردش، شیخ صدوق، از او تأثیر پذیرفته است؛ چنان که می‌گوید: «هر روایتی که استاد ما بر آن صحه نگذارد در نزد ما متروک و غیر صحیح است.»^{۵۴} همان‌گونه که در نظریه کلامی «پذیرش وقوع سهو از معصومان (علیهم السلام) جز در موارد ابلاغ معارف دینی» با استاد خود هم‌باور گشته است.^{۵۵}

نمونه دیگر، پیروی راوی‌شناسان (رجالیان) از او، در اعتماد نداشتن به برخی از راویان کتاب *نوادر/احمد بن محمد بن عیسی* است، تا آنجا که در کتابهای رجالی از این گروه با عنوان «مستثنیات کتاب نوادر» یاد شده است و از این رو، مورد اشکال قرار گرفته‌اند.^{۵۶}

او کتاب حدیثی با نام *کتاب الجامع* داشته که در اختیار شیخ صدوق و شیخ طوسی بوده است و این دو، روایات بسیاری از این کتاب، در نگاشته‌های خود نقل کرده‌اند.

۵۱. از این کتاب در *بحار الانوار*، ج ۸۰، ص ۱۴۲ و ج ۸۱، ص ۱۵۶، مطالبی نقل شده است.

۵۲. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به مقدمه کتاب *فقه الرضا* و کتاب *چهل مقاله*، رضا استادی، مقاله اول، نشر کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، سال ۱۳۷۱.

۵۳. علی بن حسین بن موسی گاه با نام علی بن موسی از او یاد شده و آن نام نیز به حضرت امام رضا (علیه السلام) تبدیل شده است.

۵۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۰، ذیل حدیث ۱۸۱۷. این رفتار شیخ باعث شد که در میان عالمان از زبان او چنین سخنی شهرت یابد: هر حدیثی را که استادمان محمد بن حسن بن ولید، صحیح بشمارد، صحیح می‌شماریم. (شیخ محمدتقی، هدایه المسترشدین، م ۱۲۴۸، ص ۴۰۰).

۵۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۰.

۵۶. احمد بن محمد بن عیسی، از محدثان بزرگ قم است و کتابی با نام *نوادر* داشته است. این کتاب جامع، در بر دارنده بسیاری از متون حدیثی به نقل از راویان گوناگون است و دستمایه محدثان و فقیهان بود. محمد بن حسن بن ولید، برخی از آن راویان را خوش نمی‌داشت و ثقه نمی‌دانست. او روایات این افراد را از کتاب استثنا کرده و بقیه روایات کتاب *نوادر* را پذیرفت. این افراد با عنوان «مستثنیات کتاب نوادر» شناخته می‌شوند. در روزگاران بعد بسیاری از عالمان شیعه، نظر رجالی محمد بن حسن بن ولید را پذیرفتند.

۴- ابن قولویه (م ۳۶۸ هـ)

جعفر بن محمد بن جعفر مشهور به ابن قولویه از محدثان و فقیهان قم است. او شاگرد کلینی و استاد شیخ مفید است. ابن قولویه در قم تحصیل و به برخی از شهرهای دیگر هم مسافرت کرده است. آثار او را در حدود بیست کتاب دانسته‌اند.^{۵۷}

کتاب کامل الزیارات تنها اثر باقی‌مانده از او است که منبع و مصدر قابل اعتماد عالمان در سده‌های پس از او بوده و بسیاری از زیارات ائمه (علیهم السلام) از آن نقل شده است.

افزون بر نقل زیارات و ادعیه، از جهت رجالی نیز به این کتاب توجه شده است. ابن قولویه در مقدمه کتاب یادآور شده که فقط از افراد ثقه و مورد اعتماد روایت نقل کرده است. از این رو برخی عالمان با استناد به این سخن، تمامی راویان ذکرشده در این کتاب را ثقه شمرده‌اند.^{۵۸}

شمار راویان موجود در این کتاب به بیش از هفتصد راوی و شمار روایات نقل‌شده در آن به هفتصد و پنجاه روایت می‌رسد.

۵- جعفر بن احمد قمی (متوفای نیمه دوم قرن چهارم)

او در شهرهای قم و ری سکونت داشته است و از محدثان خوش‌ذوق سده چهارم به شمار می‌آید. معاصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ) است و هر دو از یکدیگر، حدیث نقل کرده‌اند.^{۵۹} آثار او را، دویست و بیست کتاب دانسته‌اند.^{۶۰} رساله‌های کوچک حدیثی باقی‌مانده از او، بیانگر هنر او در نگارش است. برخی از نگاشته‌هایش عبارت‌اند از:

جامع الأحادیث

مجموعه‌ای در حدود هفتصد روایت است که شبیه جامع الصغیر سیوطی (م ۹۱۱ هـ) و غرر الحکم آمدی (م ۵۵۰ هـ)، بر اساس حرف اول متن مرتب شده است. این کتاب و پنج اثر دیگر این مؤلف در یک مجموعه چاپ شده است.^{۶۱}

۵۷. رجال نجاشی، ص ۱۲۳.

۵۸. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۵۰. البته آیت‌الله خویی در پایان عمرش از این نظر عدول کرده‌اند. (کلیات فی علم الرجال، ص ۳۰۱ به بعد).

۵۹. به عنوان نمونه شیخ صدوق در معانی الاخبار، ص ۶، ح ۳ و التوحید، ص ۱۸۸، ح ۱، و ص ۴۱۷، ح ۱، از او حدیث نقل کرده و او نیز در المسلسلات از شیخ صدوق روایت نقل کرده است.

۶۰. الدرر، ج ۲۱، ص ۲۱، ش ۳۷۵۱ و ج ۲۲، ص ۳۵۵، ش ۷۴۱۴.

۶۱. این مجموعه با تصحیح و تحقیق سید محمد حسینی نیشابوری و از سوی انتشارات آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است. (چاپ اول، سال ۱۳۷۱) از این رو شماره صفحات از کتاب جامع/احادیث که در آغاز این مجموعه آمده، شروع شده است.

المسلسلات

مجموعه‌ای از روایات است که با عنوان درایه‌ای حدیث مسلسل^{۶۲} همخوان است. به عنوان مثال یک حدیث به دلیل آنکه، نام بیشتر افراد زنجیره سند فاطمه است، به حدیث فواطم شهرت یافته است.^{۶۳} در بخشهایی از کتاب *المسلسلات*، از شیخ صدوق نیز روایت نقل شده است.^{۶۴}

کتاب الغایات

در بر گیرنده روایاتی است که با تعبیری مثل «برترین، نیکوترین، زیرک‌ترین، زشت‌ترین و منفورترین و ...» به کامل‌ترین وصفها اشاره دارند. روایات این کتاب همه مرسل‌اند.

کتاب العروس

این رساله مربوط به فضائل و آداب روز جمعه است. نگارنده با الهام از حدیث اول کتاب، که در آن، روز جمعه به عروس تشبیه شده، اثر خود را *العروس* نامیده است:

الإمام الصادق جعفر بن محمد (عليه السلام) قال: إذا كان يومُ القيامة بعثَ اللهُ الأيَّامَ في صُورٍ يعرفُها الخلقُ أنَّها الأيَّامُ، ثمَّ يبعثُ اللهُ الجُمُعَةَ أُمَامَهَا يَقْدُمُهَا كالعروسِ ذاتِ جمالٍ و كمالٍ تُهْدَى إلى ذِي دِينٍ و مالٍ.^{۶۵}

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: چون روز رستاخیز فرا رسد خداوند روزها را در هیئتهایی برانگیزد که مردم خواهند فهمید آنها روزهای هفته هستند. آن‌گاه پروردگار روز جمعه را پیشرو روزها قرار دهد، چون عروسی زیبا و کمال یافته که عازم خانه دامادی با دین و ایمان است.

۶۲. مسلسل به روایتی گفته می‌شود که تمام راویان زنجیره سند، یک عنصر مشترک به عنوان مثال در نام یا حالت یا گفتار داشته باشند، مانند اینکه نام همه محمد باشد یا همه با سوگند نقل حدیث کرده باشند.

۶۳. «بکیر بن أحنف قال: حدثنا فاطمة بنتُ علي بن موسى الرضا (عليه السلام) قالت: حدثتني فاطمة و زينب و أم كلثوم بناتُ موسى بن جعفر (عليهما السلام) قُلْنَ حدثتنا فاطمة بنت جعفر بن محمد (عليهما السلام) قالت: حدثتني فاطمة بنت محمد بن علي (عليهما السلام) قالت: حدثتني فاطمة بنت علي بن الحسين (عليهما السلام) قالت: حدثتني فاطمة و سكينه ابنتا الحسين بن علي (عليهما السلام) عن أم كلثوم بنت علي (عليه السلام) عن فاطمة بنت رسول الله (صلى الله عليه و آله) قالت: سمعتُ رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إلى السماء دخلتُ الجنةَ فإذا أنا بقَصْرِ مِنْ دُرَّةٍ بِيضَاءَ مُجَوَّفَةٍ، و عليها بابٌ مُكَلَّلٌ بالدرِّ و الياقوت، و على البابِ سِتْرٌ فرفعتُ رأسي فإذا مكتوبٌ على البابِ لا إله إلا الله محمدٌ رسولُ الله على ولي القوم.»

حضرت فاطمه زهرا (عليها السلام) می‌فرمایند: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: آن هنگام که مرا به آسمان بردند وارد بهشت شدم ناگهان قصری از در سفید و شفاف دیدم که دری در و یاقوت‌نشان داشت و بر در آن پرده‌ای آویخته، چون سرم را بلند کردم دیدم بر سردر آن نوشته: لا إله إلا الله محمد رسول الله على ولي القوم.

۶۴. *المسلسلات*، ص ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۶۱ و ۲۶۴.

۶۵. *العروس*، ص ۱۴۵.

۶- شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ)

محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، از مشهورترین راویان و حدیث‌نگاران شیعه است. او در پی دعای امام مهدی (علیه السلام) متولد شد.^{۶۶} مشهورترین اساتید او، پدرش و محمد بن حسن بن ولید هستند. به دعوت رکن الدوله از قم به ری مهاجرت کرد. سفرهای گوناگون او به سرزمینهای مختلف جهان اسلام مایهٔ شگفتی است. این سفرها سبب شده است که او استادان فراوان و گوناگونی از فرقه‌های مختلف مذهبی، داشته باشد.

اسامی نزدیک به دویست و پنجاه شیخ حدیثی او اکنون در دست است. شیخ طوسی دربارهٔ او گفته است: «در میان اساتید قم، از نظر قدرت حافظه و کثرت علم همانند او دیده نشده است».^{۶۷} همت اصلی او نگارش حدیث است. می‌توان گفت در تمام حوزه‌های معارف نقلی آن روزگار همچون فقه، اخلاق، کلام نقلی، دعا، تاریخ، فضائل و مناقب و فقه الحدیث، نوشته‌های حدیثی دارد. سلیقه و ذوق هنری او نیز از گونه‌های نگارشی او هویدا است. هرچند شمار اندکی از نوشته‌های او، برای ما باقی مانده است، اما از همین مقدار نیز می‌توان به ذوق، سلیقه و زاویهٔ دید او در نحوهٔ انتقال معارف حدیثی پی برد. در درس پیشین به برخی گونه‌های نگارشی او اشاره کردیم.

نگاشته‌های او نزدیک به سیصد اثر بوده است. شیخ صدوق در مقدمهٔ کتاب من لا یحضره الفقیه تعداد نوشته‌های خویش را تا آن زمان دویست و چهل و پنج اثر برشمرده است.^{۶۸} امروزه، تنها شمار اندکی از این مجموعهٔ بزرگ آثار، در دسترس ما هستند و اکثر آنها در سده‌های پیشین ناپدید شده‌اند. کتابهای رجالی و بسیاری از کتابهای کلامی با موضوع امامت و کتابهای فقهی ایشان از این گروه‌اند. برخی گفته‌اند کتاب مدینه العلم حتی تا سدهٔ نهم هجری در دسترس عالمان بوده است. این کتاب فقهی از من لا یحضره الفقیه بزرگ‌تر بوده است.

از نگاشته‌های شیخ صدوق، اکنون این کتابها در دسترس هستند:

۱- اکمال الدین و اتمام النعمه (یا کمال الدین)

۲- الأمالی (المجالس)

۳- التوحید

۴- ثواب الأعمال

۵- عقاب الأعمال

۶- عیون أخبار الرضا

۷- علل الشرایع

۸- الخصال

۹- معانی الأخبار

۱۰- من لا یحضره الفقیه

۱۱- فضائل الشیعه

۱۲- صفات الشیعه

۶۶. برای آگاهی بیشتر در این باره به بخش ضمیمه مراجعه کنید.

۶۷. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۳۷، ش ۱۲۵.

۶۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، مقدمه مؤلف.

۱۳- فضائل الأشهر الثلاثة

۱۴- الاعتقادات

۱۵- مصادقة الأخوان

۱۶- المواعظ^{۶۹}

۱۷- المقنع

۱۸- الهدایه

دو کتاب آخر، فقهی است و جزء نوشته‌های حدیثی به شمار نمی‌آیند. هرچند روایات متعددی در بر دارند. درباره هر یک از این کتابها می‌توان مفصل سخن گفت، اما از محدوده بحث ما خارج است.

۷- ابن خزاز قمی (متوفای نیمه دوم قرن چهارم)

او شاگرد شیخ صدوق و از متکلمان قم است. در کتاب مشهور خویش *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر* به جمع‌آوری روایاتی پرداخته است که بر دوازده امام دلالت دارند. بسیاری از اسناد این روایات به وسیله سنیان نقل شده است.

۸- عیاشی (متوفای نیمه اول قرن چهارم)

محمد بن مسعود عیاشی از عالمان خراسان و استاد کشی است. او در ابتدا سنی‌مذهب بود. در جوانی به شیعه گرایش پیدا کرد و در نزد عالمان شیعی تحصیل نمود. نجاشی او را از شخصیت‌های برجسته شیعیان دوازده‌امامی می‌داند، اما با این حال یادآور شده که او در بسیاری از موارد، از راویان ضعیف روایت نقل کرده است.^{۷۰}

تألیفات او را بیش از دویست عنوان برشمرده‌اند که بیشتر آنها فقهی هستند.^{۷۱} از این مجموعه عظیم، تنها جزء ناقصی از تفسیر او باقی مانده است. نسخه‌بردار این کتاب برای مختصر نمودن آن، اسناد کتاب را حذف و روایات آن را مرسل کرده است. این کتاب از مصادر مهم تفسیر *مأثور* و قابل توجه مفسران و محدثان بعد از خود بوده است. اگرچه در برخی از موارد، از دقت لازم برخوردار نیست، زیرا با نقل از راویان ضعیف، متونی شاذ و غیر قابل قبول را بدان وارد کرده است.

۶۹. این کتاب در سالهای اخیر یافت شده و انتساب آن به شیخ صدوق، ثابت نشده است.

۷۰. *رجال نجاشی*، ص ۳۵۰، ش ۹۴۴.

۷۱. *رجال نجاشی*، ص ۳۵۱؛ *شیخ طوسی، فهرست*، ص ۲۱۲، ش ۶۰۴.

۹- ابو عمرو گشی (متوفای نیمه اول قرن چهارم)

او از دانشوران خراسانی (سمرقند) است. شاگرد عیاشی و استاد محدثانی بزرگ چون ابن قولویه و تلّکبری است. کتاب رجال او معروف بوده است. شیخ طوسی گزیده‌ای از این کتاب را عرضه کرده که تاکنون نیز باقی مانده و عنوان اختیار معرفة الرجال^{۷۲} را یافته است. در این مجموعه، راویان شیعی بر حسب طبقه مرتب شده‌اند و روایاتی در شناخت، ستایش و یا نکوهش آنها نقل شده است.

۱۰- علی بن حسین مسعودی (متوفای نیمه اول قرن چهارم)

از مشهورترین نویسندگان سده چهارم هجری است. آزادمنشی او در نقل گزارشهای تاریخی، بر شهرت او افزوده است. اگرچه درباره شخصیت و عقاید او اختلاف نظر وجود دارد زیرا شخصی دیگر نیز با همین نام برخی کتابهای تاریخی را نگاشته است که مشهورترین آن کتاب مروج الذهب است. مؤلف کتاب اثبات الوصیه نیز همین نام و عنوان را دارا است. با وجود آنکه هر دو کتاب در حدود سالهای ۳۳۲ هجری نگاشته شده‌اند - نگارش مروج الذهب در سال ۳۳۲ آغاز شده^{۷۳} و اثبات الوصیه نیز در همین دوران نوشته شده است.^{۷۴} - ولی شیوه نگارش و باورهای این دو کتاب کاملاً با یکدیگر متفاوت است. مؤلف اثبات الوصیه، انسانی شیعی با باورهای عمیق امامی است و اعتقاد خود به دوازده امام را به طور صریح ابراز کرده و امام علی (علیه السلام) را به عنوان وصی بلافصل پیامبر (صلی الله علیه و آله) معرفی کرده است. در حالی که مؤلف مروج الذهب شخصی سنی می‌نماید که اگرچه فضائل امام علی (علیه السلام) را می‌ستاید، ولی امامت ایشان را باور ندارد. از زمانهای کهن درباره شیعه یا سنی بودن مسعودی بحث شده است. هر گروه برای ادعای خویش دلایلی آورده و به یکی از دو نگاشته او استناد کرده‌اند.^{۷۵} برخی از محققان معتقدند که مؤلف این دو کتاب، دو نفر هستند که همنام بوده و در یک عصر، ولی در دو منطقه جغرافیایی می‌زیسته‌اند. این نظریه با توصیف نجاشی از مسعودی در کتاب رجال نجاشی منافات دارد، زیرا نجاشی تمامی کتابهای مشهور را به علی بن حسین مسعودی شیعی نسبت می‌دهد.^{۷۶} نجاشی او را تا ۳۳۳ هجری زنده می‌شمرد. عبدالله الصاوی در مقدمه اخبار الزمان، مسعودی مورخ را معتزلی، شافعی و تا ۳۴۵ یا ۳۴۶ هجری زنده می‌داند و هیچ‌یک از کتابهای نجاشی را جزء کتب او برنمی‌شمرد.^{۷۷}

۷۲. آنچه امروزه به عنوان رجال گشی در دسترس ما است، همین کتاب است و کتاب اصلی از بین رفته است.

۷۳. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۳۲.

۷۴. اثبات الوصیه، ص ۲۳۱.

۷۵. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۱۶.

۷۶. رجال نجاشی، ص ۲۵۴.

۷۷. مقدمه اخبار الزمان، ص ۱۸ و ۲۰.

۱۱- محمد بن ابراهیم نعمانی (متوفای نیمه دوم قرن چهارم)

از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست. او در بغداد از محضر ثقة الاسلام کلینی استفاده کرده و سپس به شام رفته است.^{۷۸}

چندین کتاب به او نسبت داده شده است، کتاب الغیبه مشهورترین کتاب باقی مانده از او است. نعمانی کتاب الغیبه را برای محکم کردن پایه‌های اعتقادی شیعیان درباره امام مهدی (علیه السلام) نگاشته است. درباره این کتاب در درس پیشین توضیح مختصری دادیم.

۱۲- هارون بن موسی تلعبری (م ۳۸۵ هـ)

از محدثان مشهور و پر روایت است. بسیاری از اصول و مصنفات اصحاب ائمه (علیهم السلام) را روایت کرده و به نسلهای پس از خویش انتقال داده است، بدین جهت می‌توان او را نقطه اتصال بسیاری از مصنفات دانست. شیخ طوسی درباره او گفته است:

وی شخصیتی ارزشمند، مورد اطمینان، پر روایت و بی‌مانند است. همچنین او روایت‌کننده تمام اصول و مصنفات حدیثی است.^{۷۹}

بنا به گفته نجاشی او کتابی به نام الجوامع فی علوم الدین داشته است،^{۸۰} که اکنون در دست نیست. سید ابن طاووس دعای سحر ابو حمزه ثمالی را از طریق او نقل می‌کند.^{۸۱} از این رو آقا بزرگ تهرانی، راوی این دعا را ایشان می‌داند.^{۸۲}

او بیش از همه، از ابن همام روایت نقل کرده و رابطه نزدیکی با او داشته است. استاد مهم دیگرش ابن عقده است.^{۸۳} نجاشی و ابن غضائری نیز از شاگردان او هستند.

۱۳- محمد بن جریر طبری

در قرن چهارم هجری، سه نفر محدث با نام محمد بن جریر طبری یافت می‌شوند که از شمال ایران و منطقه طبرستان برخاسته‌اند. مشهورترین آنها محمد بن جریر طبری، نویسنده کتاب تاریخ طبری و تفسیر طبری است. او سنی مذهب است. دو همنام دیگر او شیعه مذهب بوده‌اند. اولی نویسنده کتاب المسترشد فی الإمامه است. او در این کتاب به اثبات امامت امام علی (علیه السلام) و شایستگی ایشان پرداخته است. شیخ طوسی

۷۸. مقدمه آقای غفاری بر کتاب الغیبه نعمانی، ص ۱۱. این مقدمه در بر دارنده اطلاعات ارزشمند دیگری درباره این کتاب و مؤلف آن است.

۷۹. رجال شیخ الطوسی، ص ۴۹، ش ۶۳۸۶.

۸۰. رجال نجاشی، ص ۴۳۹، ش ۱۱۸۴.

۸۱. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۵۷.

۸۲. الذریعه، ج ۸، ص ۱۸۷.

۸۳. مقاله «سال‌شمار آموزشی هارون بن موسی تلعبری»، سید محمد جواد شبیری، مجله علوم حدیث، ش ۳۲، ص ۱۰. شایان ذکر است که این مقاله با تفصیل بیشتری در شرح حال این راوی، در دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۸، ص ۹۱، موجود است.

در معرفی او نوشته است: «لیس بصاحب التاریخ»^{۸۴} محمد بن جریر طبری دیگر، نویسنده کتاب *دلائل الإمامة* است که علاوه بر اثبات امامت به شرح حال امامان و مناقب و معجزات آنان نیز پرداخته است.^{۸۵} کتابهای دیگری چون *مناقب فاطمة و ولدها، نوادر المعجزات و کتاب الرجال* نیز به محمد بن جریر نسبت داده شده است.

۱۴- حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۳۴ هـ)

او از سران غالیان - فرقه نصیری - است. در حلب می‌زیسته است و ابن عقده و تلکبری از او روایت نقل کرده‌اند. رجالیان او را به فساد عقیده متهم کرده و تضعیف کرده‌اند.^{۸۶} او کتابی در تاریخ ائمه (علیهم السلام) داشته است که گزیده‌ای از آن با نام *الهدایة الکبری* اکنون چاپ شده است. متأسفانه تفکر اشتباه و آمیخته به غلو حسین بن حمدان در برخی از کتابهای پس از او نیز تأثیر گذاشته است. محققان باید همیشه در ریشه‌یابی متون غلوآمیز و اخذ و نقد آن متون دقت و توجه کنند.

۱۵- ابن شعبه حرانی

حسین بن علی معروف به ابن شعبه مؤلف کتاب *تحف العقول* است. از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست. تا قرن نهم هجری ذکری از او و کتاب او نشده است. قرینه‌هایی بر اینکه او در قرن چهارم زندگی می‌کرده و معاصر با شیخ صدوق بوده است، اقامه کرده‌اند^{۸۷} که اثبات آنها محتاج دلایل بیشتری است. کتاب *تحف العقول* به سبب قوت متن و دارا بودن نظم خاص شایان توجه بوده و ستایش شده است. موضوع محوری آن اخلاق و آداب است و سخنان هر یک از معصومین (علیهم السلام) را در بابی مجزا ذکر کرده است. اگرچه اسناد کتاب حذف شده، ولی زیبایی و استواری متن آن موجب شهرت و مقبولیت آن گشته است. برخی از خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (علیه السلام) که به گونه تقطیع شده در نهج البلاغه و کتب دیگر آمده است، به صورت پیوسته و کامل‌تر در این کتاب ذکر شده است.

۸۴. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۷۱۲.

۸۵. جناب شیخ علی موسی الکعبی، درباره طبری‌ها و اشتراک و تفاوت آنان و آثار علمی ایشان، مقاله‌ای دارند با عنوان «الطبریون نظرة فی المتفق و المقترق» که در *مجلة علوم الحدیث* عربی، شماره‌های ۱۶ و ۱۷، به چاپ رسیده است.

۸۶. *رجال نجاشی*، ص ۶۷؛ *رجال ابن غضائری*، ص ۵۴، ش ۴۰، نشر دار الحدیث، سال ۱۳۸۰.

۸۷. *خاتمة مستدرک الوسائل*، ج ۱، ص ۱۸۷.

۱۶- محمد بن محمد بن أشعث کوفی

از راویان شیعی است که ساکن مصر بوده است. نجاشی او را قابل اعتماد دانسته است.^{۸۸} تلعبیری در سال ۳۱۳ بخشی از روایات او را که با عنوان اشعثیات شناخته می‌شده با واسطه محمد بن داود بن سلیمان کاتب، دریافت کرده است.^{۸۹} کتاب/شعثیات یا کتاب جعفریات، را به او منسوب می‌دانند. فضل‌الله راوندی بسیاری از احادیث این کتاب را در نوادر خویش آورده است. محدث نوری نیز بر این کتاب اعتماد داشته و آن را رواج داده است.^{۹۰}

۱۷- قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ هـ)

او از مبلغان و مؤلفان مشهور فاطمیان مصر است. درباره مذهب او اختلاف است. محل زندگی، آثار نگارشی و اظهار عقاید او دلالت بر آن دارد که اسماعیلی است، اما محدث نوری تأکید می‌کند که او امامی بوده و به تقیه رفتار می‌کرده است.^{۹۱} این نظر به هیچ عنوان قابل دفاع نیست. نوشته‌های او درباره امام مهدی (علیه السلام) و تطبیق آن بر فاطمیان، حتی با پوشش تقیه نیز قابل توجیه نیست.^{۹۲}

کتاب دعائم الاسلام که از جمله آثار او است، قانون و منبع احکام اسماعیلیه بوده است. در این کتاب روایات فراوانی از امام صادق (علیه السلام) گرد آمده است. محدث نوری بدان اعتماد کرده و احادیث آن را در کتاب مستدرک الوسائل نقل کرده است. از این طریق، احادیث این کتاب در کتاب جامع/احادیث شیعه نیز وارد شده است. اگرچه محققان شیعی به این کتاب اعتماد ندارند. کتاب دیگر او شرح الأخبار است که فضائل امامان شیعه، تا امام صادق (علیه السلام)، را بازگو کرده است. تفکر اسماعیلی مؤلف از مجموعه روایاتی که درباره امام مهدی (علیه السلام) آورده است، قابل دستیابی است.^{۹۳}

۱۸- سید رضی (م ۴۰۶ هـ)

محمد بن حسین موسی معروف به سید رضی، شاعر، ادیب، محدث و مفسر یگانه و برادر سید مرتضی است. والدین او از اشراف و بزرگان شیعه بودند. سید رضی مقام نقابت شیعیان را به عهده داشت و مورد احترام آل‌بویه و وزیران آنها بود. او در زمانه خویش به فرزاندگی و بزرگواری معروف و مشهور بود. سید رضی شاگرد

۸۸. رجال نجاشی، ص ۳۷۹.

۸۹. رجال طوسی، ص ۴۴۴، ش ۶۳۳۵.

۹۰. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۰.

۹۱. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۲۹.

۹۲. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۵۵ به بعد. همچنین رجوع کنید به مقاله آقای امیر جوان آراسته با عنوان «قاضی نعمان و مذهب او» در فصلنامه هفت آسمان، سال سوم، شماره نهم و دهم، ص ۸۳ - ۴۷، بهار و تابستان، سال ۱۳۸۰.

۹۳. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۵۵ به بعد (جزء‌های چهارده و پانزده کتاب).

شیخ مفید و مؤلف نهج البلاغه است. وجود کتابخانه‌های بزرگ و غنی بغداد این امکان را در اختیار سید رضی قرار داد تا زیباترین و ماندگارترین نگارش از سخنان امام علی (علیه السلام) را ارائه کند.

سید رضی ابتدا کتاب خصائص الأئمه را نوشت. او در این اثر سعی در معرفی و توضیح زندگانی و سیره امامان (علیه السلام) داشت. پس از نگارش سخنان امام علی (علیه السلام)، به تقاضای عده‌ای تصمیم گرفت تا این قسمت از کتاب را تکمیل و سخنان بلاغی امام علی (علیه السلام) را جمع‌آوری کند. نهج البلاغه در ماه رجب سال چهارصد هجری پایان یافت. نسخه‌های فراوان خطی از این کتاب در دست است.^{۹۴}

نهج البلاغه به عنوان کتابی سیاسی، اخلاقی و اجتماعی، مشهورترین کتاب حدیثی شیعه در میان غیر شیعیان است. شرح‌های فراوانی بر این کتاب نوشته شده است. امام خمینی (رحمة الله علیه) نهج البلاغه را افتخار شیعیان برشمرده است.^{۹۵}

چون تمامی احادیث نهج البلاغه مرسل است در سالهای اخیر برای مستندسازی آن کوششهایی انجام شده است. مصادر نهج البلاغه، تألیف سید عبدالزهراء الخطیب و نهج السعاده اثر محمد باقر محمودی از مشهورترین این تلاشها است.

کتاب حدیثی دیگر سید رضی، المجازات النبویه نام دارد. او پس از نگارشی درباره مجازهای قرآن، متوجه وجود این صنعت ادبی در احادیث نبوی شد و بر آن شد تا در کتاب جداگانه‌ای به گردآوری و شرح و تفسیر آنها بپردازد.

او در بررسی احادیث این کتاب، ذوق خود را در کاوش از شیوه‌های هنری نمایان ساخته است.^{۹۶} توضیحات او در ذیل احادیث، این کتاب را به منبع خوبی در برخی زمینه‌های فقه الحدیث، تبدیل کرده است.

۱۹- شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ)

محمد بن محمد بن نعمان معروف به ابن‌المعلم و شیخ مفید، نابغه بزرگ شیعی و هدیه الهی بر آنان است. او مهم‌ترین و پرآوازه‌ترین شخصیت کلامی شیعی در این دوران است. نبوغ و ذوق خارق العاده او موجب شد که شیعه از شکل یک اقلیت مطرود و غضب‌شده تبدیل به گروهی شود که با قوت استدلال خویش، هر سدی را از پیش پا برمی‌دارد. پشتکار و همت والای او در تبیین آرای منطقی شیعی، تطابق آنها با عقل و نقل، همچنین استفاده از عنصر عقل در نقد احادیث مخالفان و احادیث شیعی و بالاخره بهره‌گیری از فرصت‌های پدید آمده که با یاری زمانه و احترام حاکمان آل بویه همراه بود همه و همه از عوامل پیروزی او در طرح این عقاید بود. نظرات مبتکرانه او هنوز هم قابل توجه و بررسی است و این نشانه پیشی جستن او بر زمانه است. به راستی که جامعه شیعی مدیون زحمات این مرد بزرگ است.

۹۴. کتاب نهج البلاغه عبر القرون از سید عبدالعزیز طباطبایی. این کتاب به صورت مقاله و با عنوان «فی رحاب نهج البلاغه» در فصلنامه عربی تراث، ش ۲۹، سال هفتم و ش ۳۵ و ۳۶، سال نهم، ۱۴۱۴ هـ، ص ۱۶۸ - ۱۶۱ نیز منتشر شده است.

۹۵. وصیت‌نامه امام خمینی، ص ۲.

۹۶. گرایش او به ادبیات و صنایع ادبی و هنرهای موجود در این حوزه، از ویژگیهای بارز شخصیت علمی سید رضی است به گونه‌ای که بر دیگر ابعاد شخصیتی‌اش سایه انداخته است. اشعار فراوان او که دیوان شعرش او را تشکیل می‌دهند همچنین صاحب‌نظر بودنش در ادبیات گواه بر این امر است.

فعالیت‌های حدیثی او در انتقال روایات و کتب روایی از نسل قبل به نسل پسین و نگارش مجموعه‌های زیبا در حدیث، فقه الحدیث، تاریخ و سیره، دعا و زیارات و کلام نقلی است. شیخ طوسی شمار کتابهای ایشان را نزدیک به دویست عنوان می‌داند^{۹۷} که بیشتر آنها در زمینه‌های یادشده است. مقام و موقعیت شیخ مفید، اقتضا می‌کند که بسیار بیش از این بدو پرداخته شود، ولی ما حیات او را به اجمال وا می‌گذاریم و به معرفی خلاصه برخی کتابهای حدیثی او می‌پردازیم.

أمالی

این کتاب مجموعه‌ای از چهل و دو مجلس حدیثی شیخ مفید است که از سال ۴۰۴ تا ۴۱۱ هجری و بیشتر در ماه رمضان و در روز شنبه برپا می‌شده است. در مجموع سیصد و هشتاد و هفت روایت مسند در این کتاب آمده است. روایات کتاب، متونی قوی و استوار دارد و بیشتر در ارتباط با موضوعات کلامی و به خصوص امامت است. در مقایسه با کتابهای أمالی دیگر، أمالی مفید از دقت بیشتری برخوردار است.

الإرشاد

نام کامل آن *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد* است که به تاریخ زندگی، فضائل و سیره امامان معصوم پرداخته است. بیش از نیمی از کتاب درباره امام علی (علیه السلام)، فضائل و سخنان ایشان است که به گونه مبسوط نقل شده است. کتاب *إرشاد* کهن‌ترین و معتبرترین کتاب تاریخ امامان (علیهم السلام) است. چاپ جدید آن در دو جلد عرضه شده است.

المزار

مجموعه زیارات معصومین (علیهم السلام) است که با اقبال عالمان شیعه مواجه شده است.

الجمال

رویارویی امام علی (علیه السلام) با عایشه، طلحه و زبیر را می‌توان مهم‌ترین فتنه در سده اول هجری نامید. شیخ مفید در دو نگاشته کلامی و تاریخی خویش به این مهم پرداخته و حقانیت امام علی (علیه السلام) را اثبات کرده است. اکنون این دو نگاشته در یک مجلد و با عنوان *الجمال* در دسترس است.

مجموعه رساله‌های فقه الحدیثی و نقد الحدیثی

نزدیک به بیست عنوان از رساله‌های کوچک شیخ مفید، به ارزیابی برخی از متون و دقت و تأمل در آنها پرداخته است. این مجموعه، تطبیق نظرات فقه الحدیثی شیخ مفید است که دارای اهمیت فراوانی است.

۹۷. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۳۸، ش ۷۱۱. نجاشی نیز نام ۱۷۴ عنوان کتاب او را در *رجال* خود آورده است. (*رجال نجاشی*، ج ۲، ص ۳۲۷، ش ۱۰۶۸)

تصحیح الاعتقاد مهم‌ترین نوشته در این مجموعه است. این رساله حاشیه‌ای نقادانه بر کتاب الاعتقادات/ شیخ صدوق است و اختلافات مبنایی این دو عالم بزرگوار را در موارد فراوانی نشان می‌دهد. قوت و دقت استدلال شیخ مفید و شیوه او در مواجهه با نگرش شیخ صدوق در این رساله به خوبی روشن می‌شود. این کتاب، کهن‌ترین نگارش، و قوی‌ترین آنها، در مبانی و مصادیق فقه الحدیث و نقد الحدیث است. بعضی دیگر از رساله‌های فقه الحدیثی شیخ مفید از این قرارند:

- رسالة فی معنی المولی؛
 - مسألة فی معنی قول النبی «أصحابی کالنجوم»؛
 - رسالة حول خبر ماریه؛
 - تزویج امیر المؤمنین بنته من عمر؛
 - ایمان أبی طالب؛
 - جوابات أهل الموصل فی العدد و الرؤیه.
- کتاب آخر در نقد روایاتی است که ماه رمضان را همیشه سی روز برشمارند. این متون در مدرسه حدیثی قم پذیرفته شده بود، ولی شیخ مفید آنها را مردود دانست.

شیخ مفید و کتاب اختصاص

رجالیان در فهرست کتابهای شیخ مفید، نامی از کتاب اختصاص نیاورده‌اند، لیکن در مصادر متأخر از قرن دهم، از کتاب اختصاص به عنوان نگاشته شیخ مفید نام برده شده است.^{۹۸} درباره این کتاب و مؤلف آن اختلاف جدی وجود دارد. با توجه به اسناد روایات و متن آنها می‌توان اطمینان یافت که این کتاب نگارش شیخ مفید و حتی انتخاب او از کتابی دیگر نیست و به اشتباه، به شیخ مفید نسبت داده شده است.^{۹۹}

۲۰- سید مرتضی (م ۴۳۶ هـ)

علی بن حسین بن موسی مشهور به سید مرتضی و علم الهدی، از چهره‌های شاخص فقه و معارف در قرن پنجم است. او برادر بزرگ سید رضی، شاگرد شیخ مفید و استاد شیخ طوسی است و در بسیاری از علوم صاحب نظر است. کتاب الدرر فی الی اصول الشریعه که تصنیف او است را می‌توان به عنوان آغازین نگارش اصول فقه و فقه الحدیث شیعی موجود برشمرد.

وجاهت شخصیت او مورد تأیید شیعه و سنی است. سید مرتضی نزدیک به هفتاد کتاب نوشته، که بیشتر آنها در فقه، کلام و ادب بوده است. کتاب حدیث خاصی ندارد ولی در برخی کتابهای خود به برخی زمینه‌های

۹۸. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۰۹.

۹۹. ر. ک: مقاله «شیخ مفید و کتاب الاعتقاد» از سید محمدجواد شبیری که در مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید به چاپ رسیده است. (المقالات و الرسائل، ش ۹، أربع مقالات حول الشيخ المفید المقالة الرابعة، ص ۱۳۴). یادآور می‌شویم در مجموعه شماره ۹ که چهار مقاله جناب شبیری چاپ شده است، اطلاعات ارزشمند دیگری نیز درباره شیخ مفید آمده به خصوص مقاله سوم که درباره سایر آثار شیخ مفید است.

فقه الحدیثی همانند تأویل و نقد حدیث پرداخته است. کتاب *امالی* او حاوی نکات تغز و فراوانی در این زمینه‌ها است.^{۱۰۰}

۲۱- نجاشی (م ۴۵۰ هـ)

ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، از مشهورترین رجال تاریخی شیعه، شاگرد شیخ مفید و احمد بن حسین غضائری است. نگارش مشهور او در *فهرست اسماء مصنفی الشیعه*، دست‌مایه عالمان رجالی است. نکته‌سنجی و سخت‌گیری او در نقل از اساتید سبب شده است که اساتید بی‌واسطه او موثق شمرده شوند. تخصص او در رجال نیز موجب شده است که اقوال او بر قول شیخ طوسی مقدم شمرده شود.^{۱۰۱} او کتابهای دیگری هم داشته که به دست ما نرسیده است.^{۱۰۲}

۲۲- شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ)

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، شیخ الطائفه، از مشهورترین چهره‌های شیعی است. فقه، حدیث، تفسیر، کلام، رجال و اصول از زمینه‌های تخصص و تألیف او است. او در سال ۳۸۵ در طوس به دنیا آمد و در سال ۴۰۸ به بغداد رفت و در محضر شیخ مفید و سپس سید مرتضی شاگردی کرد.

دوران طولانی زعامت سید مرتضی این فرصت را در اختیار شیخ طوسی قرار داد تا ماندگارترین نوشته‌های خویش را در علوم مختلف عرضه کند. به غیر از فقه - که تخصص اصلی شیخ طوسی است و بدان نیز شهرت یافته است - نگارشهای دیگری هم دارد. *التبیین فی تفسیر القرآن*، *عدة الأصول* (العدة فی أصول الفقه) و *تلخیص شافعی* از جمله آثار او است. ماندگارترین آثار او، در زمینه حدیث و علوم پیرامونی آن است. کتاب *تهذیب الأحکام و الاستبصار*، نمونه‌ای از کارهای حدیثی - فقهی ایشان است.

او پس از درگذشت سید مرتضی در سال ۴۳۶ در بغداد، رهبری شیعیان را به عهده گرفت. در سال ۴۴۷، پس از هجوم سلجوقیان و سقوط آل بویه، مدرسه و کتابخانه او مورد هجوم قرار گرفت و ناچار به نجف هجرت کرد و حوزه نجف را بنیان نهاد. در نهایت شیخ طوسی در سال ۴۶۰ هجری در نجف درگذشت و در نزدیکی مرقد امام علی (علیه السلام) به خاک سپرده شد.^{۱۰۳}

۱۰۰. برای آشنایی بیشتر مراجعه شود به مجله علوم حدیث، ش ۳۴، مقاله «منابع و ابزارهای فقه الحدیث در *امالی* سید مرتضی»، نوشته علی نقی خدایاری.

۱۰۱. سید بحر العلوم در *الفوائد الرجالية*، ج ۲، ص ۲۱۲.

۱۰۲. برای آشنایی بیشتر به درس «آشنایی با کتب رجال شیعه» مراجعه شود.

۱۰۳. درباره شیخ طوسی و نوشته‌های مهم حدیثی او، به درس جوامع حدیثی شیعه مراجعه شود.

گزارش اجمالی از برخی کتابهای شیخ طوسی

تهذیب الأحکام

شیخ طوسی با هدف جمع‌آوری و حل روایات مختلف، به شرح کتاب *المقنعه*، نگارش شیخ مفید، پرداخته و احادیث مربوط به هر فرع فقهی را جمع‌آوری کرده است. مؤلف به احادیث اختلافی و چگونگی جمع میان آنها اهتمام خاص دارد. بیش از سیزده هزار و پانصد حدیث فقهی در این کتاب گردآوری شده است. از این رو، بزرگ‌ترین مجموعه احادیث فقهی، در زمان خود به شمار می‌آمده است. نگارش این کتاب قبل از سال ۴۱۳ هجری آغاز شده است. شیخ طوسی در آن زمان کمتر از بیست و هشت سال داشته است. مشیخه کتاب *تهذیب الأحکام* نیز اهمیتی خاص در شناسایی راویان، طبقات و مصنفان شیعه دارد.

الإستبصار فیما اختلف من الأخبار

این کتاب گزیده *تهذیب* است و تنها به اخبار اختلافی و وجه جمع آنها اشاره کرده است. از این رو، این کتاب در زمره کتابهای تطبیقی فقه الحدیث قرار می‌گیرد. در مبحث پیشین درباره این کتاب سخن گفتیم.

أمالی الطوسی

این کتاب با نام *أمالی ابن‌الشیخ* هم معرفی شده است. این اثر، مجموعه مجالس حدیثی شیخ طوسی است که در اواخر عمر و در نجف برگزار شده است. در مجموع چهل و شش مجلس و هزار و پانصد و سی و هفت حدیث دارد که دارای موضوعاتی مختلف در کلام، تاریخ و اخلاق است.^{۱۰۴} گزارشهای تاریخی در این کتاب نقشی پررنگ دارند. قسمتی از *أمالی* شیخ مفید نیز در این کتاب آمده است.

کتاب الغیبه

هدف اصلی این کتاب، پاسخ نقلی و عقلی به شبهات مربوط به مهدویت، شفاف‌سازی موضوع غیبت و انحصار^{۱۰۵} امام مهدی (علیه السلام) است. پردازش دیدگاههای فرقه‌های شیعی و پاسخ‌گویی بدانها، هسته اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. تاریخ زندگی امام مهدی و حوادث آینده، قسمتهای دیگر کتاب است. شیخ طوسی کتاب خویش را تکمیل‌کننده کتاب *غیبه نعمانی* می‌شمارد.

مصباح المتهجد

کهن‌ترین کتاب دعایی شیعه است که اکنون در اختیار و دسترس ما قرار دارد. این اثر از زمان تألیف با توجه و اقبال دانشمندان شیعه مواجه شده است. اعمال و دعاها، روز، هفته و ماه همراه با زیارات معصومین (علیهم السلام) در این کتاب ذکر شده است. این کتاب یکی از مصادر اصلی کتب ادعیه متأخر شیعه است. شیخ طوسی خلاصه‌ای از این کتاب را نیز نوشته است.

کتابهای رجال

سه کتاب رجال از شیخ طوسی در دست است. *رجال طوسی*، *فهرست طوسی* و *اختیار معرفة الرجال*، گزیده *رجال کشی*.

۱۰۴. معرفی بیشتر درباره این کتاب در بخش ضمیمه درس پیشین موجود است.

۱۰۵. منحصر کردن مهدی موعود (عج الله تعالی فرجه) در دوازدهمین امام شیعیان.

کتاب فهرست شیخ طوسی در مباحث رجالی، بیشتر مورد استفاده است. زیرا تعدیل و تضعیف آن دربارهٔ راویان بیش از کتاب *رجال طوسی* و *رجال کشی* است. *رجال طوسی* برای شناخت طبقات راویان در عصر ائمه (علیهم السلام) مفید است چراکه بر این اساس مرتب شده است. *اختیار معرفة الرجال* یا *رجال کشی* منتخبی از مجموعه روایات است که کشی به گونهٔ مسند نقل کرده و وضعیت برخی از راویان را نیز معلوم کرده است. بیشترین متون روایی دربارهٔ غالیان و طرد آنها، در این کتاب آمده است. شیخ طوسی در اواخر عمر خویش، در نجف، *گزیدهٔ رجال کشی* را بر شاگردان خویش خوانده است.

نکتهٔ مهم و قابل تأمل، در مجموعه آثار شیخ طوسی آن است که بهترین کتابهای حدیثی شیخ طوسی در رابطه با احادیث فقهی، در دوران جوانی او نوشته شده است. کتابهای دوران کهنسالی این شخصیت عظیم‌القدر و بلندمرتبه همانند *مالی* یا *مجالس*، در رتبهٔ پایین‌تری نسبت به کتاب *تهذیب/الأحكام* قرار دارد.

۲۳- کراچی (م ۴۴۹ هـ)

محمد بن علی کراچی از نویسندگان پرکار در قرن پنجم است. او شاگرد شیخ مفید و سید مرتضی است که در علوم مختلف صاحب نظر و دارای تألیفاتی بوده است. تألیفات او را حدود هفتاد جلد - و حتی نود و هفت عنوان - برشمرده‌اند^{۱۰۶} که بیشتر آنها در دسترس ما نیست. برخی کتابهای او از این قرار است:

کنز الفوائد

مجموعه‌ای از رساله‌های کوچک است که علاوه بر حدیث، مباحث کلامی و غیر آن را نیز در بر دارد. مباحث فقه الحدیثی نیز در آن یافت می‌شود.

معدن الجواهر

مجموعه‌ای از احادیث عددی است که بر اساس اعداد مرتب شده و بر حسب ترتیب معصومان سامان یافته است. سخنان برخی از حکما و بزرگان هم در پایان آمده است.

التعجب فی أغلاط العامة فی مسألة الإمامه

مؤلف به برخی از خطاهای آشکار سنیان، در مبحث امامت اشاره کرده است. او با ابراز تعجب از اشتباه فاحش آنان، آن موارد را نقد و بررسی کرده است. رویکرد کلامی، نقد الحدیثی مؤلف در این کتاب آشکار است.

۱۰۶. بر اساس شمارش کتاب *مکتبه العلامة/کراچی* که نوشته یکی از معاصران و شاگردان او و شامل ترجمه و فهرست آثار کراچی است. محقق و مصحح این کتاب، مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی است که در *مجلهٔ تراثنا*، سال یازدهم (۱۳۴۷ شمسی، برابر با ۱۴۱۶ قمری)، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۳۶۷ به بعد آمده است.

ضمیمه

درباره منابع و مصادر درس

برای آگاهی بیشتر از زندگی شخصی و علمی و آثار این محدثان می‌توانید به کتب رجال و تراجم، سرگذشت‌نویسی، مراجعه کنید. معمولاً ترتیب این کتب بر اساس نام اشخاص ترجمه شده است. مانند رجال نجاشی، رجال شیخ طوسی، از پیشینیان و اعیان الشیعه سید محسن امین و روضات الجنات خوانساری از پسینیان.

درباره کتابها و آثار قلمی نیز می‌توانید به کتاب اندریعه آقا بزرگ تهرانی مراجعه کنید که ترتیب آن بر اساس نام کتابها است.

کتابی با عنوان تاریخ حدیث شیعه به قلم گروهی از مؤلفان تألیف شده که مرکز تحقیقات دار الحدیث قم ناشر آن است. بخش سده‌های چهارم و پنجم، منبع بسیار خوبی برای درس گذشته و این درس است. لازم به ذکر است که در مقدمه بسیاری از کتابها، محققان و تصحیح‌کنندگان آنها، صفحاتی را به شرح زندگی مؤلف و توضیح درباره آن کتاب، اختصاص داده‌اند.

برنامه نرم‌افزاری جامع الاحادیث (نور ۲) در بخش کتاب‌شناسی خود، اطلاعات مفیدی درباره کتابهایی که منبع بحار الانوار به شمار می‌آیند، گرد آورده است. همچنین برنامه درایه النور دارای اطلاعات بسیار ارزشمندی درباره دو کتاب کافی و من لا یحضره الفقیه است.^{۱۰۷}

درباره سید رضی و نهج البلاغه

برنامه نرم‌افزاری منهج النور نیز درباره سید رضی و نهج البلاغه اطلاعات فراوان و ارزشمندی دارد به خصوص آن که مقالات کنگره سید رضی نیز در این برنامه وجود دارد. بنیاد نهج البلاغه از سال ۱۳۸۰ اقدام به نشر مجله‌ای با عنوان نهج البلاغه کرده است؛ این مجله می‌تواند مطالب ارزشمندی در پیرامون این کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

درباره شیخ صدوق

شیخ ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ هـ) معروف به شیخ صدوق و ابن بابویه، از محدثان و فقهای بزرگ طائفه امامیه و مؤلف کتاب من لا یحضره الفقیه، از کتب اربعه حدیثی شیعه است.

درباره تاریخ ولادت شیخ صدوق اطلاع دقیقی در دست نیست، تنها می‌دانیم که او پس از مرگ محمد بن عثمان عمری (م ۳۰۴ یا ۳۰۵ هـ) نایب خاص دوم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) در اثر دعای حضرت از کنیزی دیلمی زاده شد. پدر او به واسطه یکی از وکیلان امام زمان، از ایشان خواست تا برای پسردار شدنش دعا کنند. ایشان نیز دعا فرمودند و او را به دو فرزند پسر پر خیر و برکت بشارت دادند که یکی از آن دو شیخ صدوق بود. شیخ صدوق همواره به این امر که در پی دعای حضرت به دنیا آمده، مباهات می‌کرد. او توفیقات خویش را به علت دعای بابرکت حضرت ولی عصر می‌دانست.

۱۰۷. این دو برنامه نرم‌افزاری از محصولات مرکز کامپیوتر علوم اسلامی قم است.

از قرائنی همچون ظاهر گزارش فوق و روایت بسیار زیاد او از پدرش چنین برمی آید که او در اوایل زمان نیابت حسین بن روح و در حدود سال ۳۰۶ هجری متولد شده است.^{۱۰۸}

تحصیلات و اساتید

او از خردسالی به تحصیل علم و یادگیری حدیث پرداخت. جدیت او در دانش آموزی، حضور فعالش در مجلس درس محدث مشهور و معروف قم محمد بن حسن بن ولید و حافظه فوق العاده اش مایه شگفتی اهل قم بود و آنان این همه را از برکت دعای امام (علیه السلام) می دانستند.

شیخ صدوق در کتب خویش از بیش از دویست و پنجاه راوی، حدیث نقل می کند. بیش از همه، از پدرش روایت می کند. نام پدرش حدود سی درصد از اسناد او را شامل می شود. استاد مهم دیگر او که در حدود پانزده درصد اسناد صدوق را به خود اختصاص داده محمد بن حسن بن احمد بن ولید است.

صدوق به این استاد خود اعتماد کامل داشته، در جرح و تعدیل راویان از او پیروی می کرده و هر روایتی را که او صحیح نمی دانسته، متروک و ناصحیح می شمرده است. صدوق در تمامی کتب خود تنها از او با عبارت «شیخنا» یاد می کند.^{۱۰۹}

۱۰۸. فهرست بسیاری از منابع شرح حال صدوق را در مقدمه مالی شیخ صدوق، تحقیق مؤسسه البعثه، صفحه ۳۸ بنگرید.

- الغیبه شیخ طوسی، ۳۰۸/۲۶۱، ۳۲۰/۳۶۶.

- کمال الدین، ۵۰۲/۳۱.

- رجال نجاشی، ۲۶۱/۶۸۴، ۳۸۹/۱۰۴۹.

- الفهرست طوسی، ۲۷۳/۳۹۳، ۴۴۲/۷۱۰.

۱۰۹. به ویژه ر.ک: الفقیه، ج ۲، ص ۹۰؛ عیون، ج ۲، ص ۲۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۳؛ معانی الاخبار، ص ۳۱۴.

جلسه سوم

مدرسه حدیثی قم (۱)

اهداف درس

- ✓ آشنایی اجمالی با مفهوم حوزه و مدرسه حدیثی و نحوه شکل‌گیری آنها؛
- ✓ آشنایی با ویژگیهای مدرسه حدیثی قم.

حوزه‌های حدیثی شیعه

حدیث در سیر گذار خود پس از زمان صدور، مکانها و زمانها را درمی‌نوردید و در لابه‌لای جانها، جای می‌گرفت. گروهی سخن معصوم را در مدینه، کوفه، خراسان و سامرا می‌شنیدند و در سرزمینی دیگر به افراد مشتاق می‌رساندند. تلاشهای نخستین در نشر حدیث با ابتکار و سلیقه خود راویان و بدون ساختار و نظم ویژه‌ای در گوشه و کنار شهرهای اسلامی انجام می‌گرفت. اما در برخی شهرها با گذشت زمان، نشر حدیث و نحوه عرضه و دریافت آن به گونه‌ای نظم و سازمان می‌یافت و آن شهرها را به حوزه‌های کوچک حدیثی تبدیل می‌کرد.

رونق و شور حدیث‌آموزی در حوزه‌های حدیثی، روز به روز بر پویایی آنها می‌افزود و سلیقه‌ها، حساسیتها و ابتکارات گوناگون را در شیوه دریافت و عرضه حدیث نمایان می‌ساخت. بر این اساس و به مرور زمان برخی از حوزه‌های حدیثی با شیوه‌ها و دستور خاصی در عرصه حدیث فعالیت می‌کردند. بروز این ویژگیهای خاص آنها را با دیگر حوزه‌ها متمایز می‌ساخت. این گروه از حوزه‌های حدیثی در مسیر رشد و کمال خود مدرسه حدیثی نام گرفتند.^{۱۱۰} مدرسه حدیثی معمولاً مکان جغرافیایی خاصی را شامل می‌شود؛ همانند مدرسه حدیثی بصره در میان اهل سنت و مدرسه حدیثی بغداد در میان شیعیان.

نخستین حوزه حدیثی شیعه، مدینه بود، زیرا امامان (علیهم السلام) تا زمان امام جواد (علیه السلام) در این شهر استقرار داشتند. شیفتگان به دانش اهل بیت (علیهم السلام) از شهرهای گوناگون سرزمین پهناور اسلامی خود را بدین شهر مقدس می‌رساندند تا از خرمن فیض آن بزرگواران خوشه برچینند و حدیث ایشان را به ارمغان ببرند.

محمد بن مسلم طائفی، محدث بزرگ و عالی‌مقام شیعی، چهار سال در این شهر اقامت کرد تا از محضر امام باقر (علیه السلام) بهره برد.^{۱۱۱}

۱۱۰. اصطلاح مکتب حدیثی نیز در این مجموعه استفاده می‌شود که اشاره به مکتب فکری خاصی است که در منطقه جغرافیایی ویژه‌ای قرار نمی‌گیرد؛ همانند مکتب اخباریگری که نزدیک به دویست سال در نقاط مختلف ایران و عراق فعالیت می‌کرد.

۱۱۱. معجم رجال‌الحديث، ج ۸، ص ۲۶۶.

دومین حوزه حدیثی شیعه، حوزه کوفه است، شهری که در آن گرایشهای شیعی سابقه‌ای کهن حتی پیش از حضور امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن شهر دارد.^{۱۱۲}

هجرت امام علی (علیه السلام) به کوفه پس از جنگ جمل و حضور چهار ساله در این شهر حوزه حدیثی کوفه را غنی و نیرومند ساخت. حضور طولانی مدت یاران بزرگوار ایشان همانند حُجْر بن عَدِی، کُمیل بن زیاد، رُشَید هجرى، اَصْبَغ بن نُبَاتَه و ... در این شهر حوزه حدیثی شیعه را پررونق نمود.

سومین حوزه حدیثی شیعه، خراسان بود؛ منطقه‌ای که در زمان حضور سه‌ساله امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) با معارف اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر آشنا شد. حوزه حدیثی قم منطقه دیگری بود که در همین دوران شکل گرفت. این حوزه نوپا با سود جستن از شرایط مساعد، رشد و گسترش پیدا کرد و شخصیت‌های بزرگی در آن پرورش یافتند. حوزه حدیثی قم نخستین یا از نخستین حوزه‌های حدیثی است^{۱۱۳} که به مدرسه حدیثی تبدیل شد و برکات و ثمرات فراوان و دامنه‌داری از خود بر جای گذاشت. از این رو مدرسه حدیثی قم شایستگی آن را دارد که با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

قم اولین پایگاه خالص شیعی

قم و مناطق پیرامونی آن را سپاه اسلام در سال بیست و سه هجری به فرماندهی ابوموسی اشعری فتح نمود. برخی گفته‌اند که قم شهری اسلامی است و پیش از فتوحات مسلمانان پیشینه‌ای نداشته است.^{۱۱۴} این نظریه با مخالفت برخی دیگر رو به رو شده و هر دو گروه برای خود دلایلی داشته و به نقد مخالفان پاسخ داده‌اند که در برخی کتابها به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.^{۱۱۵}

آنچه درباره شهر قم مهم می‌نماید آن است که برخی از عربهای مهاجر، که بسیاری از آنان با حکومت مخالف بوده و با آنان معارضه داشتند، در اواخر قرن اول هجری به قم مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شدند. این گروه از خانواده سائب بن مالک اشعری و یا سعد بن مالک بودند^{۱۱۶} که در گذشته از خاندانهای شیعی ساکن کوفه و از مخالفان بنی‌امیه به شمار می‌آمدند.

۱۱۲. حضور افرادی همچون عمار بن یاسر، مالک اشتر، زید بن صوحان، صعصعة بن صوحان، عبدالله بن بدیل، کمیل بن زیاد، حجر بن عَدِی و ... در کوفه موجب رواج تفکر شیعی در این شهر شد. هسته اصلی معترضان عثمان بن عفان را این گروه تشکیل می‌دادند. عثمان همه این گروه را تبعید کرده بود که پس از آغاز شورش بدان شهر بازگشتند.

۱۱۳. تردید در آغازین مدرسه حدیثی شیعه به جهت مشخص نبودن موقعیت حوزه حدیثی کوفه است. در مورد اینکه آیا از میانی، دستور و شیوه خاصی در دریافت و عرضه حدیث برخوردار بوده است یا نه، باید گفت که بدیهی است حوزه حدیثی کوفه قدمتی بیش از حوزه حدیثی قم دارد. بنابراین اگر ثابت شود این حوزه از چنین ویژگیهایی برخوردار بوده نخستین مدرسه حدیثی شیعه مدرسه حدیثی کوفه خواهد بود و اما اگر مشخص شود که فقط مجموعه‌ای بوده است که راویان و محدثان در آنجا همدیگر را یافته و اطلاعات حدیثی خود را رد و بدل می‌کردند نخستین مدرسه، مدرسه حدیثی قم خواهد بود. به نظر می‌رسد شهر کوفه هیچ‌گاه این جایگاه خاص حدیثی را نیافته است.

۱۱۴. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.

۱۱۵. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۸۰ - ۷۴.

۱۱۶. رجال نجاشی، ص ۸۱.

اجتماع این گروه شیعه در این شهر در سالهای پسین قرن اول هجری موجب رواج تفکر شیعی و مهاجرت دیگر شیعیان شد؛ به گونه‌ای که شهر قم اولین مرکز خالص شیعی در ایران گشت که هیچ فردی از اهل سنت در آن وجود نداشت.^{۱۱۷} از این رو بود که در کلام امامان معصوم (علیهم السلام) از قم با عنوان پناهگاه شیعیان یاد شده است^{۱۱۸}؛ زیرا اظهار و ابراز عقاید شیعی در آن آزاد بود.

دوری از مرکز خلافت و نداشتن امتیاز خاص اقتصادی و جغرافیایی موجب گشت این شهر مورد هجوم حاکمان قرار نگیرد و عالمان آن بتوانند در فضایی آرام به تبیین، گسترش و روشمند کردن عقاید شیعی بپردازند.

افرادی از خانواده اهل بیت (علیهم السلام) که منطقه مرکزی عراق را برای خود ایمن نمی‌یافتند به قم مهاجرت کرده و در این منطقه سکنی گزیدند. وجود آرامگاه چهارصد امامزاده در قم و پیرامون آن از فزونی روند هجرت ایشان حکایت دارد.

روایات فراوانی در مدح قم و اهالی آن از امام صادق (علیه السلام) و ائمه دیگر صادر شده است که برخی ناظر به زمان صدور بوده و برخی نظر به آینده دارند.^{۱۱۹} حضور حضرت معصومه (سلام الله علیها) و سپس وجود بارگاه ایشان در سالهای آغازین قرن سوم هجری، حرکت شیعی قم را سرعت بیشتری بخشید.

زکریا بن آدم قمی، از اولین دانشمندان قم است که در متون حدیثی و رجالی مورد توجه قرار گرفته و توثیق صریح امام رضا (علیه السلام) نسبت به او نقل شده است.^{۱۲۰} شیخ طوسی او را به عنوان وکیل ممدوح امامان (علیهم السلام) معرفی کرده است.^{۱۲۱} وکالت او در آن زمان نشانگر فزونی شمار شیعیان قم است که انتخاب وکیل مستقلی را لازم و ضروری می‌نموده است. شیخ طوسی او را از یاران امام صادق (علیه السلام) تا امام جواد (علیه السلام) دانسته است.^{۱۲۲} احمد بن اسحاق قمی، نواده سعد بن مالک نیز وکیل امامان متأخر در قم بوده است.^{۱۲۳}

مدرسه حدیثی قم شهرت خویش را وامدار احمد بن محمد بن عیسی اشعری است. وی بر کسانی که در باور او احادیث غلوآمیز نقل می‌کردند و یا در نقل احادیث سهل‌انگاریهایی داشتند سخت می‌گرفت و حتی برخی را بدین اتهام از شهر اخراج کرد. برخورد وی با این دسته از راویان زمینه رونق نوع خاصی از شیوه عرضه و دریافت حدیث را که با باورهای او در نحوه فعالیت حدیثی همخوانی داشت فراهم کرد و از آن پس فعالیت‌های حدیثی بر اساس این شیوه نظم گرفت که باعث تمایز حوزه حدیثی قم با دیگر حوزه‌های حدیثی شد و اصطلاح مدرسه حدیثی قم را پدید آورد و این‌گونه است که نام این مدرسه همواره با آن بزرگ همراه است.

این مدرسه حرکت رو به کمال خویش را، که در حدود سال دویست هجری، آغاز کرده بود، تا سالهای پایانی سده چهارم ادامه دارد. یعنی در حدود دویست سال مرکز حدیثی مهم شیعه محسوب می‌گشت. در طول این مدت نسل‌های پیاپی از دانشمندان محدث شیعی پدید آمده و آثار ماندگاری از خود بر جای نهادند.

۱۱۷. معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷.

۱۱۸. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۴.

۱۱۹. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۱ - ۲۱۲.

۱۲۰. رجال کشی، ج ۲، ص ۸۵۹ - ۸۵۷.

۱۲۱. الغیبه، ص ۳۴۸.

۱۲۲. رجال طوسی، ص ۲۱۰، ۳۵۸، ۳۷۵.

۱۲۳. معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۵۲.

مدرسه حدیثی قم نقش مهم و تأثیرگذاری در انتقال معارف حدیثی و گره زدن حوزه حدیثی کوفه با مدرسه حدیثی بغداد ایفا کرد.

حوزه حدیثی کوفه در دوران امامان (علیهم السلام)، مهم‌ترین حوزه حدیثی شیعه به شمار می‌آید. پیدایش غالیان در آن شهر و دست‌درازی آنان به حدیث موجب گشت که این حوزه حدیثی دچار آسیب جدی شود؛ این آسیب در مدرسه حدیثی قم ترمیم شد. محدثان بزرگ و بزرگوار کوفه به قم رفتند و میراث حدیثی خویش را در اختیار عالمان آن سامان قرار دادند. سخت‌گیری عالمان قم موجب گشت تا متون منتقل‌شده به قم از پیرایه‌ها پیراسته و به متون شفاف و حیانی نزدیک شود.

جمعیت همگون شیعی در قم، وجود تعداد نسبتاً زیاد عالمان و محدثان، دور بودن از تعدی و ظلم خلفای عباسی، پدیدار شدن روحیه دانش‌گستری و دانش‌آموزی و ... موجب شد تا این مدرسه روز به روز بالنده‌تر گشته و به سوی کمال و شکوفایی رو کند و در این دوران نگاه‌های متعدد و گوناگون در آن تألیف شد که برخی از آنها هنوز نیز بر تارک نگاه‌های حدیثی شیعه جای دارد.

مشهورترین ویژگی عالمان قم نص‌گرایی شدید بود که برای پرهیز از افتادن در دام اصحاب رأی و نظر و پیراستگی معارف الهی شیعی از معارف غیرمطمئن بشری صورت می‌گرفت. مخالفت جدی برخی از عالمان شیعی با نقل احادیث ضعیف گونه‌ای دیگر از مبارزه آنان با مبادی معرفتی غیر قابل اعتماد بود.

اهمیت این مدرسه چنان زیاد بود که حسین بن روح، نایب سوم امام مهدی (علیه السلام)، کتاب *التأدیب* خود را برای بازبینی عالمان این دیار به این سامان فرستاد تا آنان نظر خود را درباره این کتاب بیان کنند.^{۱۲۴}

این ویژگیها مدرسه حدیثی قم را دارای وجهه‌ای مشخص و گران‌قدر کرده است. نگارش مهم‌ترین جامع حدیثی شیعه (*کافی*) در این حوزه حدیثی نشانگر میزان اعتماد پسینیان بر این مدرسه است. بازگویی این ستایشها بدان معنا نیست که این حوزه حدیثی هیچ‌گونه نقص و کاستی نداشته و محتاج نقد و بررسی نیست. انتقادهایی راجع به شیوه، روش و نگرش مدرسه حدیثی قم از همان دوران تاکنون وجود داشته که برخی از آنها متین و قابل قبول است.

اکنون ضمن بررسی ویژگیهای مدرسه حدیثی قم برخی از انتقادات را نیز برمی‌کاویم.

ویژگیهای مدرسه حدیثی قم

مدرسه حدیثی قم در طول دوران دویست ساله حیات خویش ویژگیها و خصوصیات را دارا بود که آن را از دیگر حوزه‌ها متمایز می‌ساخت. برخی از مشخصات این مدرسه حدیثی نیز با مدرسه حدیثی کوفه یا بغداد مشترک است.

۱- میراث‌داری

هجرت گروهی از راویان و محدثان حوزه‌های دیگر حدیثی به قم و مسافرت و رحله‌های حدیثی محدثان بزرگ موجب شد که مجموعه‌ای غنی و دراز دامن از نگاه‌ها و گزارشهای راویان مختلف در قم اجتماع کند.

۱۲۴. شیخ طوسی، *الغیبه*، ص ۳۹۰.

مهم‌ترین قسمت این مجموعه فراهم آمده از حوزه حدیثی کوفه بود. آوردیم که هسته اصلی دانشمندان حدیثی قم مهاجران شیعی کوفی بودند که حوزه قم را بنیان‌گذاری کردند. این افراد شالوده اصلی علمای حدیث را در قم تشکیل می‌دادند.

سعد بن مالک بن احوص، از خاندان اشعری، اولین فرد از این گروه است. ابراهیم بن هاشم نیز از مهاجران کوفه به قم است؛ نجاشی درباره او گفته است:

«او نخستین کسی بود که حدیث کوفیان را در قم منتشر کرد.»^{۱۲۵}

حسین بن سعید اهوازی، مشهورترین نگارشگر کتابهای ثلاثین، (کتابهای سی‌گانه احادیث فقهی) انتقال‌دهنده دیگر حدیث به قم است. کتاب او را که شاگردش، احمد بن محمد بن عیسی، در قم منتشر کرد به شاگرد وی منسوب و به نادر احمد بن محمد بن عیسی مشهور شد. برخی از محققان نادر احمد بن محمد بن عیسی را همان کتاب حسین بن سعید می‌دانند.^{۱۲۶}

در آن دوران رحلات (مسافرت‌های) حدیثی نیز برای عرضه و دریافت حدیث مرسوم بود. بسیاری از محدثان قم به شهرهای کوچک و بزرگ مسافرت کرده، احادیث آن دیار را شنیده و روایات خویش را برای آنان بازگو می‌کردند.

نسل اول این محدثان به مدینه، مکه، کوفه و مرو مسافرت کردند. نسلهای بعد نیز رخت سفر به بغداد، بصره، سامرا، اهواز، نیشابور، سمرقند و حتی شام و مصر بستند.^{۱۲۷} برخی از محدثان این سرزمینها نیز با مسافرت خویش به قم، گسترش حدیث در قم و بهره‌گیری از میراث حدیثی قم را در آنجا توأمان به انجام می‌رساندند.

شیخ صدوق سرآمد محدثان اهل قم در فراوانی سفرهای حدیثی است. وجود نام بیش از دویست نفر از غیر قمیان در فهرست مشایخ او و تصریح به مکانهای گوناگون جلسات املای حدیث در کتاب/مالی وی گویای درستی این ادعایند. بیش از پانزده حوزه حدیثی در آثار شیخ صدوق مورد اشاره قرار گرفته است.^{۱۲۸}

۲- نص‌گرایی

مهم‌ترین ویژگی مدرسه حدیثی قم نص‌گرایی و اعتماد به متون نقلی است. آنان سعی می‌کردند تنها در محدوده نقلیات کاوش و جستجو کنند و از دخالت مستقل و جسورانه عقل در تحلیل و تأویل خبر بپرهیزند. اگر شیخ صدوق را نماینده مدرسه حدیثی قم بشماریم و از زاویه دید او به اخبار، کلام نقلی و عقاید بنگریم تفاوت آشکار این مدرسه با مدرسه حدیثی بغداد را بهتر شاهد خواهیم بود.

پرهیز از دخالت ندادن هر چه جز حدیث در ساماندهی فکری و باورهای دینی موجب گشت مباحث اعتقادی، کلامی و فقهی از مستقلات عقلی دوری‌گزیند و در مباحث نقلی تبلور یابد و حتی نگاشته‌های فقهی نیز نقل مضمون روایات معصومین (علیهم السلام) بود. چیزی که اکنون با عنوان فقه مأثور از آن یاد

۱۲۵. رجال نجاشی، ص ۱۶.

۱۲۶. این کتاب از سوی مؤسسه امام مهدی در سال ۱۴۰۸ به چاپ رسیده است. مصحح محترم آن، جناب آقای ابطحی اصفهانی، در مقدمه کتاب (ص ۱۲ - ۱۰) به اختلاف نظر درباره اینکه کتاب از احمد بن محمد بن عیسی یا حسین بن سعید بن حماد اهوازی است اشاره کرده و با استناد به کلام شیخ حر عاملی در حاشیه نسخه خطی این کتاب آن را از آن شاگرد، یعنی احمد می‌داند.

۱۲۷. ر.ک: محمدرضا جباری، شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم/از آغاز تا قرن پنجم هجری، ص ۱۳۱ - ۱۰۲.

۱۲۸. رجوع کنید به مقدمه کتاب کمال‌الدین، نگاشته استاد علی اکبر غفاری، ص ۶.

می‌شود. کتابهای *الهدایه* و *المقنع* (در فقه) و *الاعتقادات* (در عقاید) نمونه شفاف نص‌گرایی مدرسه حدیثی قم است. شیوه فقه مأثور به حوزه‌های حدیثی دیگر شیعه نیز گسترش یافت.

۳- پرهیز از رأی و اجتناب از عقل‌گرایی

شیوه و روش اهل رأی، که سردمدار آن ابوحنیفه (فقیه سنی کوفه) بود مورد مخالفت شدید ائمه (علیهم السلام) قرار گرفت و استفاده از تمثیل^{۱۲۹} و استحسان^{۱۳۰} در یافتن احکام شرعی و فقهی مردود اعلام گشت. بدیهی است که آگاهی یافتن از اعتباریات شارع مقدس از طریق استحسان و قیاس (تمثیل) به هیچ وجه ممکن نیست.

نتیجه طبیعی تفکر نص‌گرایی مدرسه قم آن بود که از تفکر عقل‌گرای رایج در آن زمان دوری جوید. آنان نه تنها قیاس در احکام فقهی را مردود می‌دانستند، بلکه دیگر حوزه‌های معرفتی را نیز با فقه همراه کردند. آنان گمان می‌کردند هر گونه اجتهاد و استنباط، حتی در حوزه‌هایی که در قلمرو فقه و اعتباریات شارع نیست، ملحق به قیاس و مردود می‌باشد و بدین ترتیب دایره قیاس و استنباط مذموم را که محدوده خاصی داشت گسترش دادند. این‌گونه بود که عالمان و دانشمندان قم از روش نقد تعقلی در سایر حوزه‌های فکری نیز خودداری کردند.

شیخ صدوق با استناد به روایاتی که در آنها از جدل و کلام انتقاد شده است^{۱۳۱} جدل و بحث درباره خدا و امور دین را ممنوع می‌شمارد.^{۱۳۲} تفکر حاکم بر مدرسه بغداد برخلاف مدرسه قم این‌گونه نگرش را برنمی‌تافت.

موضعگیری شدید و منتقدانه شیخ مفید و شاگردانش موجب شد که این طرز تفکر به کناری نهاده شود. تندترین انتقادات شیخ مفید از شیخ صدوق و طرز تفکر عالمان قم در دو کتاب *تصحیح الاعتقاد* و *رسالة حول العدد آمده است*.

شیخ مفید درباره تفکر نص‌گرا و پرهیز از خرد ورزی برخی محدثان می‌نویسد:

لكن أصحابنا المتعلقين بالأخبار أصحاب سلامة و بعد ذهن و قلة فطنة يَمرون على وجوههم فيما سمعوه من الأحاديث و لا ينظرون في سندها و لا يفرقون بين حقها و باطلها و لا يفهمون ما يدخل عليهم في إثباتها و لا يحصلون معاني ما يطلقونه منها.^{۱۳۳}
اما [متأسفانه] محدثان نص‌گرای امامیه افرادی پاکدل، کم‌دقت و کم‌درایت هستند؛ در احادیثی که می‌شنوند چندان دقت نمی‌کنند، در اسناد آنها نمی‌نگرند، سره و ناسره آنها را از هم تشخیص نمی‌دهند، پیامدهای پذیرش آنها را در نمی‌یابند و مفاهیم احادیثی را که نقل می‌کنند نمی‌پالایند.

خضوع قمیها در مقابل روایات و اجتناب از تحلیل و نقد آن موجب شد که برخی از آنان به سبب وجود پاره‌ای از روایات، سهو پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در امور غیر مربوط به ابلاغ رسالت بپذیرند. همچنان‌که

۱۲۹. تمثیل، یعنی همانند سازی دو حکم به سبب شباهت موجود در آنان با یکدیگر.

۱۳۰. انتساب حکم به شارع به سبب ملاحظات و مناسباتی که فقیه به دلخواه خود استنتاج نموده و آن را برتر می‌شمرد بدون آنکه دلیل شرعی بر آن وجود داشته باشد (رجوع کنید به اصطلاح الاصول: ص ۳۲).

۱۳۱. شیخ صدوق، *التوحید*، ص ۴۵۹، ح ۲۶.

۱۳۲. *الاعتقادات*، ص ۴۲.

۱۳۳. *تصحیح الاعتقاد/الإمامیه*، ص ۸۸.

به جهت نقل پاره‌ای از احادیث، ماه رمضان را همیشه سی روزه بدانند و دخالت اعتبار در امور تکوینی را پذیرا باشند.

۴- برخورد شدید با نقل احادیث ضعیف

گونه‌ی مواجهه‌ی عالمان قم با راویان ضعیف و روایات آنان مشهور است. اخراج برخی از راویان مشهور و صاحب کتاب از قم، تنها به این دلیل صورت گرفت که آنان از احادیث ضعیف روایات زیادی نقل کرده بودند. احمد بن محمد بن خالد برقی، صاحب کتاب *محاسن*، به دستور همنام خود، احمد بن محمد بن عیسی، تنها به همین دلیل از قم اخراج شده است.^{۱۳۴}

برخوردی چنین شدید و غیرمتعارف نشان‌دهنده‌ی رواج فرهنگ نقل حدیث از افراد معتمد و ثقه در قم است. همچنین درباره‌ی احمد بن محمد بن عیسی نوشته‌اند که او از ابن محبوب روایت نقل نمی‌کرده است، چون وی روایات علی بن ابی حمزه بطائنی را گزارش می‌نموده است.^{۱۳۵}

شایان ذکر است که احمد بن محمد بن عیسی، در پایان عمر خویش نسبت به این دو برخورد افراطی خویش ابراز پشیمانی کرده است،^{۱۳۶} لذا روایات احمد از ابن محبوب در اواخر عمر وی بوده است.

محمد بن حسن بن ولید، استاد شیخ صدوق، نیز برخوردی مشابه با راویان ضعیف داشته است. او افراد چندی از جمله راویان گزارش‌کننده‌ی روایات کتاب *نوادیر* / *الحکمه* را تضعیف و روایات این گروه را غیرمعتبر شمرده است. او همچنین همه‌ی کتابهای محمد بن حسن صفار را به جز کتاب *بصائر الدرجات* نقل کرده و نسبت به آن بی‌اعتماد بوده است.^{۱۳۷}

نکته‌ی مهم آن است که مدرسه‌ی قم در تمامی دورانها برخوردی این‌چنین نداشته است و راویانی همچون سیّاری که فردی حدیث‌ساز و دروغ‌پرداز بوده است، نیز در راویان قم به چشم می‌آیند، همچنین در میان استادان حدیثی شیخ صدوق راویان توثیق‌نشده‌ی فراوانی وجود دارند که در مقایسه با استادان حدیثی شیخ مفید بسیار بیشتر می‌نمایند. بنابراین اگرچه برخی از زمانها حضور راویان ضعیف در قم سخت بوده است، ولی در اوقات دیگر نقل از راویان ضعیف به خصوص اگر در شهر دیگری ساکن بودند امری عادی به شمار می‌رفته است.

۵- مبارزه با متون غلوآمیز

آنچه مدرسه‌ی حدیثی قم را شهره ساخته و آوازه‌ی آن را در آفاق پراکنده برخورد شدید و نسبتاً بدون مسامحه‌ی عالمان قم در برابر خطر غالیان و تفکر غالیانه بود. تعریف تقریباً خاص قمیها از غلو، موجب رواج گستره‌ی مفهوم و در بر گرفتن افرادی گشت که در مکتبها و حوزه‌های دیگر غالی شمرده نمی‌شدند. علاوه بر آن به جهت یکدست بودن شهر قم و اقتدار عالمان شیعی در آن، گروندگان به تفکر غالیانه به شدت مجازات می‌شدند. برخی از محدثان مشهور به اتهام غلو از شهر قم اخراج و امکان حضور در مجامع علمی و حدیثی آن را از دست دادند.

۱۳۴. معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۴۹.

۱۳۵. رجال نجاشی، ص ۸۲.

۱۳۶. معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۴۹.

۱۳۷. همان، ج ۱۶، ص ۲۶۴.

سهل بن زیاد از این گروه به شمار می‌رود. نجاشی درباره او نوشته است:
 كان ضعيفاً في الحديث، غير مُعْتَمَدٍ عليه فيه؛ و كان أحمدُ بنُ محمد بنِ عيسى يَشْهَدُ
 عليه بِالْغُلُوِّ وَ الْكِذْبِ، وَ أَخْرَجَهُ مِنْ قُمْ إِلَى الرِّيِّ وَ كان يَسْكُنُهَا.^{۱۳۸}
 وی در حدیث ضعیف و غیر قابل اعتماد است؛ احمد بن محمد بن عیسی به غلو و
 دروغ‌پردازی وی گواهی می‌داد و [سرانجام] او را از قم اخراج و به ری فرستاد. [بدین
 ترتیب] سهل مدتها در ری زیست.

ابن غضائری نیز اخراج او را این‌گونه گزارش نموده است:
 «أَخْرَجَهُ عَنْ قُمْ وَ أَظْهَرَ الْبَرَاءَةَ مِنْهُ وَ نَهَى النَّاسَ عَنِ السِّمَاعِ مِنْهُ وَ الرَّوَايَةِ عَنْهُ.»^{۱۳۹}
 همچنین گفته‌اند: محمد بن حسن بن ولید، سهل بن زیاد را از مستثنیات کتاب نادر/الحکمه معرفی کرده
 و روایات او را معتبر نشمرده است.^{۱۴۰}
 برخوردی این‌چنین با ابوسمینه نیز صورت گرفته است. او از کوفه به قم مهاجرت کرد و میهمان احمد بن
 محمد بن عیسی گشت. آنگاه که غالی بودن او شهرت پیدا کرد میزبان، نه تنها او را از منزل خویش بلکه از
 شهر قم اخراج نمود.^{۱۴۱}

حسین بن عبیدالله قمی، علی بن محمد بن شیره قاشانی، قاسم بن حسن بن علی بن یقطین، احمد بن
 حسین بن سعید اهوازی و ... از کسان دیگری هستند که به اتهام غلو مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند.^{۱۴۲} برخی
 از متهمان به غلو تا مرحله اعدام نیز پیش رفته‌اند. درباره محمد بن اورمه (استاد ابوسمینه) نوشته‌اند:

ذَكَرَهُ الْقَمِيُونُ وَ غَمَزُوا عَلَيْهِ وَ رَمَوْهُ بِالْغُلُوِّ حَتَّى دَسَّ عَلَيْهِ مَنْ يَفْتِكُ بِهِ، فَوَجَدَهُ يُصَلِّي مِنْ
 أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ فَتَوَقَّفُوا عَنْهُ. وَ حَكَى جَمَاعَةٌ مِنْ شُيُوخِ الْقَمِيَّينَ عَنْ ابْنِ الْوَلِيدِ أَنَّهُ قَالَ:
 "مُحَمَّدُ بْنُ أَوْرَمَةَ طُعِنَ عَلَيْهِ بِالْغُلُوِّ، وَ كُلُّ (فَكْلٍ) مَا كَانَ فِي كُتُبِهِ مِمَّا وَجَدَ فِي كُتُبِ
 الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ غَيْرِهِ فَقُلَّ بِهِ، وَ مَا تَفَرَّدَ بِهِ فَلَا تَعْتَمِدُهُ"، وَ قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا: "إِنَّهُ
 رَأَى تَوْقِيعاً مِنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى أَهْلِ قُمْ فِي مَعْنَى مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ
 وَ بَرَائَتِهِ مِمَّا قُذِفَ بِهِ."^{۱۴۳}

اهل قم وی را به بدی یاد کرده‌اند، او را مورد طعن قرار داده و به وی نسبت غلو
 داده‌اند؛ آن‌سان که شخصی برای ترور وی به کمین نشست. در این حال مشاهده کرد
 که از آغاز شب تا پایان شب نماز می‌خواند و بدین ترتیب [از سوء قصد به او] دست نگه
 داشتند. جماعتی از بزرگان قم از قول ابن‌ولید آورده‌اند که گفت: "محمد بن اورمه متهم
 به غلو است؛ لذا روایات کتب وی را که در کتابهای حسین بن سعید و دیگران نیز

۱۳۸. رجال نجاشی، ص ۱۸۵.

۱۳۹. معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۳۵۶.

۱۴۰. رجال نجاشی، ص ۳۴۸؛ کتاب نادر/الحکمه، یکی از گسترده‌ترین و معروف‌ترین نگارشهای جامع حدیثی آن دوران است.
 محمد بن حسن بن ولید، ضمن تأیید اصل کتاب و راویان آن، بیش از بیست نفر از افرادی که در این کتاب از آنان نقل حدیث
 شده است را ضعیف شمرده است. این افراد با اصطلاح مستثنیات کتاب نادر/الحکمه معرفی می‌شوند.

۱۴۱. معجم رجال الحديث، ج ۱۷، ص ۳۱۹.

۱۴۲. ذیل نام این افراد به رجال نجاشی و معجم رجال الحديث رجوع شود. بسیاری از این افراد در کتاب ابن‌غضائری یاد
 شده‌اند.

۱۴۳. رجال نجاشی، ص ۳۲۹.

موجود است بپذیر و به آنچه تنها او نقل کرده اعتماد مکن". یکی از محدثان امامیه می‌گوید که وی توقیعی از امام رضا (علیه السلام) خطاب به مردم قم در ارتباط با محمد بن آورمه دیده که امام (علیه السلام) وی را از اتهاماتی که به او نسبت داده‌اند بری دانسته است.

چند نکته

درباره مواجهه قمیها با غالیان و متون غالیانه، چند نکته شنیدنی است:

۱- تعریف غلو در مدرسه حدیثی قم

تعریف غلو در نزد محدثان قم بسیار وسیع و گسترده بوده است. شیخ صدوق (رحمه الله) درباره سهو النبی (صلی الله علیه و آله) نوشته است:

إِنَّ الْغُلَاةَ وَالْمُفَوِّضَةَ، لَعَنَهُمُ اللَّهُ، يُنْكِرُونَ سَهْوَ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ يَقُولُونَ: "لَوْ جَازَ أَنْ يَسْهَوْ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي الصَّلَاةِ لَجَازَ أَنْ يَسْهَوْ فِي التَّبْلِيغِ..." وَ كَانَ شَيْخُنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، رَحِمَهُ اللَّهُ، يَقُولُ: "أَوَّلُ دَرَجَةٍ فِي الْغُلُوِّ نَفْيُ السَّهْوِ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، وَ لَوْ جَازَ أَنْ تُرَدَّ الْأَخْبَارُ الْوَارِدَةُ فِي هَذَا الْمَعْنَى لَجَازَ أَنْ تُرَدَّ جَمِيعُ الْأَخْبَارِ".^{۱۴۴}

غالیان و اهل تفویض، که لعنت خدا بر آنان باد، سهو النبی را انکار می‌کنند و می‌گویند اگر جایز باشد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نماز دچار سهو (خطا و اشتباه) شود، جایز خواهد بود که در ابلاغ رسالت نیز دستخوش لغزش شود...". استاد ما، محمد بن حسن بن احمد بن ولید (که خدا وی را رحمت کند) می‌فرمود: "اولین مرحله غلو، انکار سهو النبی است و اگر جایز باشد که روایات رسیده در این باره را رد کرد جایز خواهد بود که همه روایات را پذیرفت.

این دیدگاه در مقایسه با دیدگاه مشهور شیعیان، پس از شیخ مفید (رحمه الله)، که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان را از سهو و نسیان در همه امور منزه می‌شمارند عجیب می‌نماید.

۲- برخورد متناوب با متهمان به غلو و یا ناقلان از راویان ضعیف

ظاهراً برخوردهای تند با متهمان به غلو در تمامی سالهای رواج مدرسه حدیثی قم یکسان نبوده است؛ برای نمونه سهل بن زیاد با این اتهام از قم اخراج شد، ولی بیش از دو هزار حدیث به نقل از او در کافی، مهم‌ترین کتاب حدیثی شیعه و افتخار مدرسه حدیثی قم، نقل شده است.^{۱۴۵} به نظر می‌رسد تنها در دوران ریاست احمد بن محمد بن عیسی با متهمان به غلو و یا ناقلان از راویان ضعیف برخوردهای بی‌محابا شده است، ضمن آنکه روشن نیست سخت‌گیرهای احمد بن محمد بن عیسی حتی نسبت به برقی و ابوسمینه به جهت باور وی به خطای ایشان بوده باشد. محتمل است که او در اندیشه نهادینه کردن اصول مورد نظر خود، مبنی بر عدم اعتماد به احادیث غالیان و نقل از راویان ضعیف، چنین رفتار کرده است، همان‌گونه که اظهار پشیمانی

۱۴۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۰ - ۳۵۹.

۱۴۵. اگرچه تعداد زیادی از این روایات، سند و طریق دیگری به غیر از سهل بن زیاد نیز دارند، ولی ذکر و یاد سهل بن زیاد در این کتاب نشانه اهمیت دادن به وی است.

پسین او می‌تواند نشانه این سیاست باشد. شیخ صدوق نیز از سهل بن زیاد نقل روایت کرده است، حتی برخی گزارشهای سیاری و ابوسمینه نیز در کتاب کافی موجود است.^{۱۴۶}

۳- مراتب غلو

گفتیم که عاملان ترور محمد بن اورمه، آن‌گاه که نماز خواندن مستمر او را مشاهده کردند او را غالی نشمرده و از ترور او صرف نظر کردند. از این سخن معلوم می‌شود که از منظر آنان مرحله نهایی غلو که شخص را مستحق قتل می‌ساخته آن بوده است که غلو در ذات داشته و از انجام تکالیف و دستورات دینی سرپیچی کند؛ بنابراین مبارزه آنان با کسانی که غلو در صفات داشته و معصومان (علیهم السلام) را افرادی با ویژگیهای خاص و ماورائی می‌دانستند بدان معنا نبود که آنها را از مسلمانی نیز خارج بدانند. نهایت آنکه چون غلو در صفات مقدمه‌ای برای پیدایش غلو در ذات بود از ترویج این عقاید جلوگیری می‌کردند.^{۱۴۷}

۴- رویکرد دوگانه

شیخ صدوق همانند استاد خویش (ابن ولید) سهو النبی را می‌پذیرد و انکار آن را اولین مرحله غلو می‌شمارد.^{۱۴۸} با این وجود او راوی (ناقل) اصلی زیارت جامعه کبیره است.^{۱۴۹} شاید اگر شیخ صدوق این متن زیبای امام‌شناسی را نقل نمی‌کرد ما نیز اکنون از فیض این معارف محروم بودیم.^{۱۵۰}

سؤال اساسی این است که چگونه کسی که عدم سهو النبی را نمی‌پذیرد و آن را نشانه غلو می‌شمارد فرازهای بلند زیارت جامعه را، که بسی بالاتر و مهم‌تر از عدم السهو است، باور دارد و آنها را در کتابهای خویش نقل می‌کند. به نظر می‌رسد علت قبول نظریه سهو النبی تنها بدان جهت است که عالمان قم و از جمله شیخ صدوق نقد احادیث را با دلایل غیرقطعی، خصوصاً دلایل عقلی، نمی‌پذیرفتند و گمان داشتند در صورت رد این‌گونه احادیث با نقد عقلی ممکن است تمام روایات نقد و رد شوند؛ زیرا عقل توانایی درک تمام امور مطرح‌شده در احادیث را ندارد و ممکن است با پی نبردن به حقیقت، آنها را رد کند؛ چنان که شیخ صدوق می‌نویسد:

و لو جازَ أَنْ تُرَدَّ الْأَخْبَارُ الْوَارِدَةُ فِي هَذَا الْمَعْنَى لَجَازَ أَنْ تُرَدَّ جَمِيعُ الْأَخْبَارِ.^{۱۵۱}

بنابراین راز پذیرش سهو النبی از یکسو و نقل متن زیارت جامعه کبیره از سوی دیگر چیزی جز نص‌گرایی و اخبارگرایی شدید قمیان نیست.^{۱۵۲} آنان همان‌گونه که روایات سهو النبی را قبول داشتند فرازهای زیارت جامعه کبیره را نیز می‌پذیرفتند.

۱۴۶. کافی، ج ۱، ص ۲۴، ۷۴، ۳۶۹، ۴۱۴ و ۴۵۳؛ ج ۲، ص ۲۵۰، ۶۲۴ و

۱۴۷. ر.ک: نعمت‌الله صفری، غالبان.

۱۴۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۹.

۱۴۹. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۵.

۱۵۰. شیخ طوسی در تهذیب الاحکام این روایت را به نقل از شیخ صدوق نقل کرده است، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۵.

۱۵۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۰ - ۳۵۹.

۱۵۲. شیخ صدوق و قمیان چون در برخی روایات نقل‌شده، دیده بودند که خطای پیامبر در غیر از موارد ابلاغ معارف دینی پذیرفته شده آن را قبول کرده و بدان ایمان داشتند؛ از این رو در رویارویی با بغدادیان، که پیامبر را حتی در موارد عادی و شخصی زندگی مصون از خطا و معصوم می‌دانستند و دلیل آن را عقل می‌شمردند، آنان را به غلو متهم می‌کردند.

۵- کثرت نگارش

مدرسه حدیثی قم از جهت کثرت نگارشهای حدیثی و مرتبط با حدیث، مدرسه‌ای نمونه و مثال‌زدنی است. نگارشهای متفاوت در موضوعات گوناگون حدیثی در سالهای مختلف تألیف شده است. یکی از محققان نزدیک به هزار کتاب حدیثی را از مدرسه قم از کتابهای فهرست استخراج نموده است.^{۱۵۳} می‌دانیم که تنها شیخ صدوق نزدیک به سیصد نوشته حدیثی داشته است که اسامی تمام آنها نیز در اختیار ما نیست. بسیاری از این آثار و مؤلفان آنها نیز در کتابهای رجالی یاد نشده‌اند. بنابراین مدرسه حدیثی قم عالمانی بزرگ و مؤلفانی گرانقدر داشته است که حتی اسامی تمامی آنها نیز برای ما آشنا نیست. در ادامه، به برخی مشاهیر حدیثی و همچنین برخی آثار ماندگار آنان خواهیم پرداخت.

۱۵۳. محمدرضا جباری، شناخت و تحلیل مدرسه حدیثی قم، ص ۲۴۸ - ۱۹۳.

جلسه چهارم

مدرسه حدیثی قم (۲)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ شماری از نامدارترین دانشوران مدرسه حدیثی قم و آثار ماندگار این مدرسه؛
- ✓ انتقادهای مطرح شده بر این مدرسه حدیثی.

محدثان مشهور مدرسه حدیثی قم

مدرسه حدیثی قم در طول نزدیک به دویست سال پناهگاه و مکان امید بسیاری از محدثان شیعی بوده است. کتابهای رجال و فهرست نام نزدیک به سیصد و پنجاه نفر از دانشمندان و محدثان قم را ذکر کرده‌اند. با اینکه بسیاری از محدثان مشهور از شاگردان این مدرسه‌اند، ولی با عنوان قمی معرفی نشده‌اند؛ بنابراین شمار محدثان قم بسیار فراتر از این تعداد است؛ به عنوان مثال تأمل در اساتید ثقة الاسلام کلینی در کتاب کافی معلوم می‌شود که نزدیک به ۹۵ درصد احادیث کتاب کافی از استادان و مشایخ قم نقل شده است. بنابراین شیخ کلینی را نیز می‌باید از ثمرات مدرسه حدیثی قم دانست؛ هرچند او هیچ‌گاه با عنوان القمی توصیف نشده و تنها کلینی یا رازی خوانده شده است. برای تبیین عظمت مدرسه حدیثی قم تنها ذکر این مطلب کافی است که یکی از محققان به نام سیصد و پنجاه نفر از محدثان قم تا پایان قرن چهارم هجری اشاره کرده است.^{۱۵۴} اکنون به اجمال برخی از مشهورترین محدثان قم را معرفی می‌کنیم.

۱- احمد بن محمد بن عیسی

او از اصحاب امام هشتم، امام نهم و امام دهم (علیهم السلام) است. ریاست مقتدرانه او بر حوزه قم سبب شهرت این مدرسه و معروفیت آن به دقت در عصر خود شده است. نجاشی او را شیخ قمیان و فقیه آنان معرفی کرده است.^{۱۵۵}

ذهبی، از دانشمندان سنی، نیز او را «بزرگ شیعیان در قم و برخوردار از شهرت و تألیفات» دانسته است.^{۱۵۶}

۱۵۴. محمدرضا جباری، شناخت و تحلیل مدرسه حدیثی قم (رساله دکتری).

۱۵۵. رجال نجاشی، ص ۸۲.

۱۵۶. لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۰.

سؤالات او از امام رضا (علیه السلام) در کتاب *المسائل* جمع شده است. او کتابهای حدیثی دیگری نیز داشته است. دوران ریاست او بر قم به سبب سخت‌گیری و احتیاط بسیار زیادش با اخراج برخی از محدثان مشهور همانند: برقی، سهل بن زیاد و ... همراه بود؛ هرچند که به نظر می‌رسد این تندرویها در دوره پایانی عمرش کاهش یافته است. احمد بن محمد بن ادريس تا اواخر قرن سوم هجری زنده بود. از او بیش از دو هزار و سیصد روایت در کتب اربعه نقل شده است.^{۱۵۷}

۲- زکریا بن آدم

او از اصحاب امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد (علیهم السلام)^{۱۵۸} و مورد اعتماد و توثیق امام رضا (علیه السلام) است. علی بن مسیب می‌گوید:

خدمت امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: «من از شما دورم و همیشه به شما دسترسی ندارم. به نظر شما دانشهای دینی‌ام را از چه کسی دریافت کنم؟» ایشان فرمودند: «از زکریا بن آدم که در امور دنیا و آخرت فردی امین و مورد اعتماد است.»^{۱۵۹} ظاهراً او وکیل امام رضا (علیه السلام) و امام جواد (علیه السلام) در قم بوده است.^{۱۶۰} هنگامی که زکریا بن آدم تصمیم خود را مبنی بر ترک خاندانش (ظاهراً مقصود مردم قم است)، به دلیل نارضایتی از آنان، با امام رضا (علیه السلام) در میان گذاشت امام رضا (علیه السلام) به او فرمود:

این کار را نکن؛ چرا که به برکت وجود تو بلاها از خاندانت برطرف می‌شود، همان‌گونه که به برکت موسی بن جعفر بلاها از اهل بغداد برطرف می‌شود.^{۱۶۱}

۳- ابراهیم بن هاشم

او از دانشمندان و راویان پرحدیث کوفی است که به قم مهاجرت کرده است. درباره ابراهیم بن هاشم گفته‌اند: «او نخستین کسی است که احادیث کوفیان را در قم منتشر کرد.»^{۱۶۲} بیشترین روایات او از طریق فرزندش، علی بن ابراهیم گزارش شده است. بیش از شش هزار و چهارصد روایت به نقل از او در کتب اربعه آمده است.^{۱۶۳}

۱۵۷. معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۹۰.

۱۵۸. رجال طوسی، ص ۲۱۰، ۳۵۸ و ۳۷۵.

۱۵۹. رجال کشی، ج ۲، ص ۸۵۷.

۱۶۰. همان، ص ۸۵۹.

۱۶۱. همان، ص ۸۵۷.

۱۶۲. رجال نجاشی، ص ۱۶.

۱۶۳. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۹۱.

۴- علی بن ابراهیم قمی

او از فرزندان ابراهیم بن هاشم و از مشهورترین راویان قم و پرروایت‌ترین آنها در دوران غیبت صغری است. بیش از هفت هزار و صد روایت او در کتب اربعه نقل شده است.^{۱۶۴} او استاد شیخ کلینی و ابن بابویه، پدر شیخ صدوق است. علی بن ابراهیم قمی کتابهای بسیاری نگاشته که تفسیر علی بن ابراهیم - از کهن‌ترین تفاسیر روایی در دسترس - از آن جمله است.^{۱۶۵} نجاشی درباره او گفته است:

ثقة في الحديث، ثبت،^{۱۶۶} معتمد، صحيح المذهب، سمع فأكثر و صنف كتباً و أضر^{۱۶۷} في وسط عمره.^{۱۶۸}

۵- سعد بن عبدالله اشعری

نجاشی او را چنین ستوده است: «شیخ هذه الطائفة و فقیهها و وجهها»^{۱۶۹} و شیخ طوسی درباره او گفته است: «جليل القدر، واسع الأخبار، كثير التصانيف، ثقة».^{۱۷۰}

او شاگرد احمد بن محمد بن عیسی و استاد شیخ کلینی است. نگارشهای حدیثی او نیز در کتابهای فهرست یاد شده است. سعد بن عبدالله اشعری کتابی با نام بصائر الدرجات^{۱۷۱} داشته است که برخی متون آن در مختصر بصائر الدرجات آمده است. او در حدود سال ۲۹۹ هجری وفات نموده است.

در کتاب کمال الدین شیخ صدوق گزارشی بیان شده است مبنی بر آن که او امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در محضر امام عسکری (علیه السلام) ملاقات کرده است.^{۱۷۲}

۶- احمد بن اسحاق قمی

او از گرامی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین راویان قم است که افتخار مصاحبت با امام جواد،^{۱۷۳} امام هادی^{۱۷۴} و امام

۱۶۴. همان، ج ۱۲، ص ۲۱۳.

۱۶۵. رجال نجاشی، ص ۲۶۰.

۱۶۶. ثبت همانند الفاظ دیگری که در این متن به کار رفته برای تعدیل و توثیق راوی است. مرحوم کلباسی در سماء المقال، ج ۲، ص ۱۸۷ می‌نویسد: «در کتب شرح حال نویسی راویان، منظور از واژه ثبت این است که راوی در نقل حدیث مورد اعتماد است و متن را با دقت نقل می‌کند».

۱۶۷. اضر در اینجا به معنای از دست دادن بینایی چشم است.

۱۶۸. رجال نجاشی، ص ۲۶۰؛ ترجمه: او از شیعیان امامیه، ثقة و در نقل حدیث مورد اعتماد است؛ احادیث بسیار زیادی نقل کرده و کتابهایی هم تصنیف کرده است. در وسط عمرش نابینا شد.

۱۶۹. رجال نجاشی، ص ۱۷۷.

۱۷۰. فهرست شیخ طوسی، ص ۱۳۵.

۱۷۱. لازم به ذکر است که این کتاب، به غیر از کتاب بصائر الدرجات، نگاشته محمد بن حسن صفار قمی است که معاصر سعد بن عبدالله بوده است. کتاب بصائر الدرجات که اکنون موجود است، نگاشته صفار است.

۱۷۲. کمال الدین، ص ۴۵۴؛ متن اشاره شده اشکالاتی دارد که موجب می‌شود اعتماد به آن کاهش یابد.

۱۷۳. رجال طوسی، ص ۳۷۳؛ رجال نجاشی، ص ۹۱.

۱۷۴. همان.

حسن عسکری^{۱۷۵} (علیه السلام) را داشته و توفیق دیدار امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نیز به دست آورده است.^{۱۷۶}

او وکیل امام حسن عسکری (علیه السلام) بر موقوفات منطقه قم و رابط مردم با آن حضرت بود؛ همچنان که در دوران غیبت صغری نیز او رابط مردم قم با نایب اول و نایب دوم امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود.^{۱۷۷}

رجالیان کهن او را با این تعابیر ستوده‌اند: ثقة^{۱۷۸}، الشیخ الصدوق^{۱۷۹}، کبیر القدر^{۱۸۰}، شیخ القمیین^{۱۸۱}، وافد^{۱۸۲}، صالح^{۱۸۳}، خاصة^{۱۸۴}، کرامته^{۱۸۵} علی الله و علی حججه.

۷- احمد بن محمد بن خالد برقی

خانواده او ساکن کوفه بودند و در زمان امام صادق (علیه السلام) به قم مهاجرت کرده و در منطقه برق رود سکنی گزیدند. احمد بن محمد، همانند پدرش، از راویان و محدثان قم بود. نجاشی او را توثیق کرده، ولی به دلیل اعتماد بر احادیث مرسل و نقل از راویان ضعیف از او انتقاد کرده است.^{۱۸۶}

او یکی از پرتألیف‌ترین نگارندگان حدیث در دوران خویش است. بیش از صد نگاشته از او ذکر شده است. کتاب المحاسن او، که تنها قسمتی از آن اکنون در اختیار است، تمامی انواع نگاشته‌های او را در بر دارد.^{۱۸۷} ذوق نگارش خاص و سلیقه چینش زیبا و بدون پیشینه از جمله ویژگیهای او است. شیخ صدوق بسیاری از گونه‌های نگارشی خویش را همانند او به انجام رسانده است.^{۱۸۸}

احمد بن محمد بن عیسی، برقی را، به جرم نقل گسترده احادیث مرسل و گزارش از راویان ضعیف، از قم اخراج کرد. پشیمانی احمد بن محمد بن عیسی از این عمل و حضور با پای برهنه در تشییع جنازه برقی در

۱۷۵. رجال طوسی، ص ۳۷۳؛ رجال نجاشی، ص ۹۱.

۱۷۶. فهرست شیخ طوسی، ص ۷۰؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۴۲.

۱۷۷. دلائل الإمامه، ص ۵۰۳.

۱۷۸. رجال طوسی، ص ۳۹۷؛ الغیبه طوسی، ص ۴۱۷.

۱۷۹. دلائل الإمامه، ص ۵۰۳؛ الغیبه، ص ۲۸۷.

۱۸۰. فهرست شیخ طوسی، ص ۷۰.

۱۸۱. همان.

۱۸۲. همان؛ رجال نجاشی، ص ۹۱. (قيل في تفسيره: إنه الذي كان يأتي الأئمة لأخذ العلم عنهم عليهم السلام (م ت)؛ تفرشی، نقد الرجال، ج ۱، ص ۱۰۵، پاورقی - یعنی اهل قم او را به نمایندگی خود نزد معصوم (علیه السلام) می‌فرستادند.)

۱۸۳. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۱.

۱۸۴. رجال نجاشی، ص ۹۱؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۷۰؛ از خواص (یاران ویژه) حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) است.

۱۸۵. کمال الدین، ص ۳۸۴؛ یعنی شایسته تکریم پروردگار و حجت‌های (ائمہ - علیهم السلام) - اوست.

۱۸۶. رجال نجاشی، ص ۷۶.

۱۸۷. رجال نجاشی، ص ۷۷.

۱۸۸. به عنوان کتاب الخصال، برگرفته از شیوه کتاب القرائن در نگارش احادیث عددی است.

کتابهای رجالی گزارش شده است. احمد بن محمد بن خالد برقی در حدود سالهای ۲۷۴ یا ۲۸۰ هجری درگذشت.^{۱۸۹}

۸- محمد بن یحیی العطار

او از بزرگان قم در زمان خویش و استاد شیخ کلینی است. بیش از پنج هزار روایت به نقل از او در کتاب کافی نقل شده است. او معاصر سعد بن عبدالله اشعری و محمد بن حسن صفار بوده است. نجاشی درباره او نوشته است: «شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة، عین، کثیر الحدیث، له کتب».^{۱۹۰}

۹- عبدالله بن جعفر حمیری

مؤلف کتاب مشهور قرب الأَسناد و از اصحاب امام هادی^{۱۹۱} و امام عسکری (علیهم السلام) است.^{۱۹۲} او نگارشهای فراوانی داشته است که نام آنها در کتابهای فهرست ذکر شده است.^{۱۹۳} کتاب قرب الأَسناد، مجموعه روایات عالی السندی است که از امام صادق تا امام رضا (علیهم السلام) در اختیار او بوده است. او در سالهای پایانی قرن سوم هجری به کوفه رفته و در آنجا نقل حدیث کرده است. نجاشی درباره او چنین نوشته است:

شیخُ القمیین و وجهُهم قَدِمَ الکوفةَ سنةَ نيف و تسعين و مائتين و سمِعَ أهلها منه فأکثروا و صَنَفَ کُتُباً کثیرةً.^{۱۹۴}

بزرگ اهل قم و فرد شاخص آنان، سال دویست و نود و اندی وارد کوفه شد، مردم آن دیار از او روایت شنیدند و بسیار نقل کردند. او کتابهای بسیاری به رشته تحریر درآورده است.

۱۰- محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ه)

او از مشهورترین راویان مدرسه حدیثی قم است. نجاشی او را این گونه ستوده است: کان وجهاً فی أصحابنا القمیین، ثقة، عظیم القدر، راجحاً، قليل السقط فی الروایة.^{۱۹۵}

۱۸۹. رجال نجاشی، ص ۷۷.

۱۹۰. همان، ص ۳۵۳.

۱۹۱. رجال طوسی، ص ۳۸۹.

۱۹۲. همان، ص ۴۰۰.

۱۹۳. فهرست شیخ طوسی، ص ۱۶۷.

۱۹۴. رجال نجاشی، ص ۲۱۹.

۱۹۵. رجال نجاشی، ص ۳۵۴.

در میان محدثان امامیه اهل قم فردی برجسته، ثقه و عظیم القدر بود، بر دیگران برتری داشت و در امر حدیث به ندرت دچار لغزش می‌شد.

او از صحابه امام عسکری (علیه السلام) است.^{۱۹۶} محمد بن حسن صفار غیبت صغری را درک نموده و در سال ۲۹۰ رحلت کرده است.^{۱۹۷} او کتابهای متعددی تألیف کرده است که از جمله آنها می‌توان به کتاب بصائر الدرجات اشاره کرد که اکنون نیز در دسترس ما قرار دارد. نام او در بیش از هشتصد سند از اسناد روایات کتب اربعه مشاهده می‌شود.^{۱۹۸}

۱۱- محمد بن حسن بن ولید

او استاد شیخ صدوق و از چهره‌های شاخص مدرسه حدیثی قم است. درباره او چنین گفته‌اند: «شیخُ القمیین و فقیههم و متقدمهم و وجههم، ثقةٌ ثقةٌ، عینٌ، مسکونٌ إلیه»،^{۱۹۹} «جلیلُ القدرِ بصیرٌ بالفقه»،^{۲۰۰} «عارفٌ بالرجال، مؤثوقٌ به، له کتبٌ ...»^{۲۰۱}

محمد بن حسن بن ولید حدوداً با ثقة الاسلام کلینی و علی بن حسین بن بابویه معاصر بوده و در سال ۳۴۳ در گذشته است.^{۲۰۲} درباره او پیش‌تر سخن گفتیم.

۱۲- جعفر بن محمد بن قولویه

نجاشی ضمن توثیق او به سرآمد بودن در زیباییها، اعتبار و دانش فقه او نیز اشاره می‌کند: «مِنْ ثِقَاتِ أَصْحَابِنَا وَ أَجْلَائِهِمْ فِي الْحَدِيثِ وَ الْفَقْهِ ... وَ كُلُّ مَا يُوصَفُ بِهِ النَّاسُ مِنْ جَمِيلٍ وَ ثَقَّةٍ وَ فَقْهٍ فَهُوَ فَوْقَهُ، لَهُ كُتُبٌ حَسَنَةٌ».^{۲۰۳}

نگاشته‌های حدیثی او فراوان و به عدد ابواب فقه بوده است. کتاب مشهورش به نام کامل الزیارات، کهن‌ترین کتاب زیارتی در دسترس است. او در سال ۳۶۷ در بغداد رحلت کرد^{۲۰۴} و در کنار حرم امام کاظم (علیه السلام) دفن شد.

۱۹۶. الفهرست شیخ طوسی، ص ۲۱۹.

۱۹۷. رجال نجاشی، ص ۳۵۴.

۱۹۸. معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۷۲، ش ۱۰۵۵۵ و ج ۲۴، ص ۹۱ و

۱۹۹. رجال نجاشی، ص ۳۸۳.

۲۰۰. رجال شیخ طوسی، ص ۴۳۹.

۲۰۱. فهرست شیخ طوسی، ص ۲۳۷.

۲۰۲. رجال نجاشی، ص ۳۸۳.

۲۰۳. رجال نجاشی، ص ۱۲۳.

۲۰۴. رجال طوسی، ص ۴۱۸.

خاتمه

سه نفر از بزرگ‌ترین محدثان قم که مشهورتر از آن‌اند که در این خلاصه ذکر شوند عبارتند از؛ محمد بن یعقوب کلینی، علی بن الحسین بن بابویه (پدر شیخ صدوق) و محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق) که در درس پیش به اجمال معرفی شدند.^{۲۰۵}

آثار ماندگار

نگاشته‌های مدرسه حدیثی قم بسیار فراوان بوده است. نام نزدیک به هزار کتاب از این نوشتارها ذکر شده است. اما متأسفانه تعداد بسیار کمی از این مجموعه اکنون در دسترس است. بیشتر این آثار در گردش روزگار از میان رفته و به ما رخ ننموده است.

نزدیک به سی کتاب از این مجموعه عظیم در دسترس است که پانزده عنوان آن از نگاشته‌های شیخ صدوق است. فهرست اجمالی این آثار عبارت‌اند از:

۱- محاسن برقی، ۲- بصائر الدرجات صفار، ۳- تفسیر علی بن ابراهیم، ۴- قرب الأسناد، ۵- کافی، ۶- الإمامة و التبصرة، ۷- کامل الزیارات، ۸- من لا یحضره الفقیه، ۹- التوحید، ۱۰- معانی الأخبار، ۱۱- علل الشرایع، ۱۲- خصال، ۱۳- ثواب الأعمال، ۱۴- عقاب الأعمال، ۱۵- کمال الدین، ۱۶- عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ۱۷- فضائل الشیعه، ۱۸- صفات الشیعه، ۱۹- مصادقة الإخوان، ۲۰- فضائل الأشهر الثلاثة، ۲۱- الأمالی، ۲۲- کفایة الأثر، ۲۳- جامع الأحادیث، ۲۴- الغایات، ۲۵- المسلسلات، ۲۶- الأعمال المانعة من الجنه، ۲۷- العروس، ۲۸- نوادر الأثر فی علی خیر البشر، ۲۹- مائة منقبة.

برخی از این کتابها اجزایی دارند؛ مثلاً کتاب محاسن موجود کتابهای (ابواب) چون کتاب السفر، کتاب القرائن، کتاب ثواب الأعمال، کتاب عقاب الأعمال، کتاب الصفوة و النور و الرحمة، کتاب مصابیح الظلم، کتاب العلل، کتاب المآكل، کتاب الماء، کتاب المنافع و کتاب المرافق را در بر دارد. فضائل الأشهر الثلاثة نیز به سه کتاب درباره ماههای رجب، شعبان و رمضان تقسیم شده است.

برخی از نگاشته‌های این مجموعه اهمیتی فراوان یافته‌اند. کتاب کافی و کتاب من لا یحضره الفقیه از جمله کتب اربعه‌اند که در طول تاریخ شیعه در نزد تمامی عالمان شیعی اهمیتی خاص داشته‌اند.^{۲۰۶} محاسن برقی به عنوان کهن‌ترین جامع حدیثی در دسترس شیعه، بصائر الدرجات با عنوان مشهورترین اثر حدیثی ماندگار در باب امامت، تفسیر علی بن ابراهیم با وصف کهن‌ترین تفسیر مأثور شیعی، کامل الزیارات با ویژگی قدیم‌ترین کتاب درباره زیارت ائمه (علیهم السلام) و مجموعه کتابهای حدیثی شیخ صدوق اکنون در دسترس محققان و پژوهشگران حدیث قرار دارد.

۲۰۵. زندگی‌نامه مفصل ثقة الاسلام کلینی و شیخ صدوق در درس جوامع حدیثی شیعه خواهد آمد.

۲۰۶. درباره این دو کتاب به تفصیل در درس جوامع حدیثی شیعه بحث خواهد شد.

بررسی انتقادات

مدرسه حدیثی قم در اواخر دوران خود، با انتقادات شدید مدرسه حدیثی بغداد رو به رو شد. انتقادات مطرح شده به دلیل دو ویژگی خاص مدرسه حدیثی قم - یعنی نص‌گرایی افراطی و پرهیز از نقد عقل‌گرایانه - بر این مدرسه وارد شده است. برآیند طبیعی این دو ویژگی، اعتقاد به مباحثی بود که با برداشتهای مدرسه حدیثی بغداد ناهمگون می‌نمود. آینده‌نگری شیخ مفید همراه با وجاهت فوق‌العاده ایشان باعث شد که برخی برداشتهای ساده و بسیط مدرسه حدیثی قم از مجموعه باورهای شیعی حذف شود و اندیشه عقل‌مدارانه شیخ مفید جایگزین آن شود. این تفکر شیعیان را قادر می‌ساخت در مجامع فرهنگی با توان و نیروی افزون‌تری به رقابت با دیگر اندیشه‌ها بپردازند و از حریم باورهای خود پاسداری کنند. شاید به جهت اهمیت این موضوع است که انتقادات شیخ مفید از شیخ صدوق و مدرسه حدیثی قم بسیار سخت و شدید بوده است. با آنکه او از شاگردان شیخ صدوق بوده اما چنان به تفکر او حمله کرده است که برخی آن را برخلاف انتظار دانسته و در اثبات آن نگاشته‌ها به شیخ مفید تردید کرده‌اند.^{۲۰۷} مهم‌ترین انتقاد شیخ مفید از شیخ صدوق - به عنوان نماینده مدرسه حدیثی قم - روش اخباریگری محض و خالص او بود. کتاب تصحیح الاعتقاد، مهم‌ترین کتاب در بررسی انتقادات شیخ مفید است،^{۲۰۸} که نویسنده در آن بر روش اهل حدیث خرده گرفته است:

و الذی صرّح به أبو جعفر - رَحِمَهُ اللهُ - فِي مَعْنَى الرُّوحِ وَ النَّفْسِ هُوَ قَوْلُ التَّنَاسُّخِ بِعَيْنِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّهُ قَوْلُهُمْ فَالْجَنَائَةُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِهِ وَ عَلَى غَيْرِهِ عَظِيمَةٌ فَأَمَّا مَا ذَكَرَهُ مِنْ أَنَّ الْأَنْفُسَ بَاقِيَةٌ، فَعِبَارَةٌ مَذْمُومَةٌ وَ لَفْظٌ يُضَادُّ أَلْفَاظَ الْقُرْآنِ؛ قَالَ اللهُ تَعَالَى: كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ...^{۲۰۹} وَ لَوْ عَرَفَ مُثَبِّتُهُ مَا فِيهِ لَمَّا تَعَرَّضَ لَهُ، لَكِنْ أَصْحَابُنَا الْمُتَعَلِّقِينَ بِالْأَخْبَارِ أَصْحَابُ سَلَامَةٍ وَ بَعْدِ ذَهْنٍ وَ قَلَّةِ فُطْنَةٍ يَمْرُونَ عَلَى وَجْهِهِمْ فِيمَا سَمِعُوهُ مِنَ الْأَحَادِيثِ وَ لَا يَنْظُرُونَ فِي سَنَدِهَا وَ لَا يَفْرُقُونَ بَيْنَ حَقِّهَا وَ بَاطِلِهَا وَ لَا يَفْهَمُونَ مَا يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ فِي إِثْبَاتِهَا وَ لَا يُحْصِلُونَ مَعَانِيَ مَا يُطْلِقُونَهُ مِنْهَا.^{۲۱۰}

آنچه ابو جعفر (شیخ صدوق)، که رحمت خدا بر او باد، درباره روح و نفس بدان تصریح کرده دقیقاً همان باور قائلان به تناسخ است بدون اینکه او بدین امر متوجه باشد؛ بنابراین گناه ناشی از آن بر او و دیگر هم‌باورانش گناهی بزرگ است. آنچه او درباره از میان نرفتن نفوس یادآور شده جمله‌ای نکوهیده و کلامی مخالف الفاظ قرآن است. خداوند متعال می‌فرماید: «هر چه بر [زمین] است فانی‌شونده است و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند.» ... آن که آن را صحیح می‌پندارد اگر بر مفهوم آن آگاه بود، بدان نمی‌پرداخت، اما [متأسفانه] محدثان نص‌گرای امامیه افرادی پاکدل،

۲۰۷. مکتب حدیثی قم، ص ۴۰۸.

۲۰۸. کتاب الاعتقادات شیخ صدوق بر اساس نص‌گرایی و اخبار‌گرایی در عقلانی‌ترین موضوع دینی یعنی حوزه عقاید نوشته شده است و نص‌گرایی شیخ صدوق در این کتاب بیش از دیگر آثار او هویدا است. انتقادهای تند شیخ مفید در تصحیح الاعتقادات بهترین نمونه برخورد با اخباریگری و نص‌گرایی در آن دوران است.

۲۰۹. الرحمن / ۲۶ و ۲۷.

۲۱۰. تصحیح الاعتقاد، ص ۸۸.

کم دقت و کم درایت‌اند؛ در احادیثی که می‌شنوند چندان دقت نمی‌کنند و در اسناد آنها نظر نمی‌کنند و سره و ناسره آنها را از هم تشخیص نمی‌دهند و پیامدهای پذیرش آنها را در نمی‌یابند و مفاهیم احادیثی را که نقل می‌کنند، نمی‌پالایند.

شیخ مفید همچنین به نبود روحیه ژرف‌نگری در شیخ صدوق و مدرسه حدیثی قم اعتراض می‌کند. او در بحث اراده و مشیت نوشته است:

الذی ذَكَرَهُ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ - رَحِمَهُ اللَّهُ - فِي هَذَا الْبَابِ لَا يَتَحَصَّلُ وَمَعَانِيهِ تَخْتَلِفُ وَ تَتَنَاقِضُ وَ السَّبَبُ فِي ذَلِكَ أَنَّهُ عَمِلَ عَلَى ظَوَاهِرِ الْأَحَادِيثِ الْمُخْتَلِفَةِ وَ لَمْ يَكُنْ مِمَّنْ يَرَى النَّظَرَ، فَيُمَيِّزُ بَيْنَ الْحَقِّ مِنْهَا وَ الْبَاطِلِ وَ يَعْمَلُ عَلَى مَا يُوجِبُ الْحُجَّةَ. وَ مَنْ عَوَّلَ فِي مَذْهَبِهِ عَلَى الْأَقَاوِيلِ الْمُخْتَلِفَةِ وَ تَقْلِيدِ الرُّوَاةِ كَانَتْ حَالُهُ فِي الضَّعْفِ مَا وَصَفْنَاهُ.^{۲۱۱}

آنچه شیخ صدوق در این فصل (اراده و مشیت خداوند) بیان کرده است، اثبات‌شدنی نیست و مطالب آن با یکدیگر تخالف و تناقض دارند؛ علت آن است که او بر پایه ظواهر احادیث متناقض عمل کرده و بسان کسانی نبوده است که نظر می‌کند و درست و نادرست را از هم جدا می‌کنند و بر پایه آنچه از حجت برخاسته است عمل می‌کنند و کسی که در رویکرد خویش بر سخنان گوناگون و تقلید از راویان تکیه می‌کند ضعف او انسان است که شرح دادیم.

همچنین درباره نظر قمیها در باب غلو نوشته است:

فَأَمَّا نَصُّ أَبِي جَعْفَرٍ - رَحِمَهُ اللَّهُ - بِالْغُلُوِّ عَلَى مَنْ نَسَبَ مَشَايِخَ الْقُمِيِّينَ وَ عُلَمَائِهِمْ إِلَى التَّقْصِيرِ، فَلَيْسَ نِسْبَةُ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ إِلَى التَّقْصِيرِ عِلَامَةً عَلَى غُلُوِّ النَّاسِ؛ إِذْ فِي جُمْلَةِ الْمُشَارِ إِلَيْهِمْ بِالشَّيْخُوخَةِ وَ الْعِلْمِ مَنْ كَانَ مُقَصِّراً ... وَ قَدْ سَمِعْنَا حِكَايَةَ ظَاهِرَةً عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - لَمْ نَجِدْ لَهُ دَافِعاً فِي التَّقْصِيرِ وَ هِيَ مَا حُكِيَ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: «أَوَّلُ دَرَجَةٍ فِي الْغُلُوِّ نَفْيُ السَّهْوِ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ الْإِمَامِ (عَلَيْهِ السَّلَام)» فَإِنْ صَحَّتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ عَنْهُ، فَهُوَ مُقَصِّرٌ مَعَ أَنَّهُ مِنْ عُلَمَاءِ الْقُمِيِّينَ وَ مَشِيخَتِهِمْ وَ قَدْ وَجَدْنَا جَمَاعَةً وَرَدُوا إِلَيْنَا مِنْ قُمْ، يُقَصِّرُونَ تَقْصِيراً ظَاهِراً فِي الدِّينِ وَ يُنْزِلُونَ الْأَئِمَّةَ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) عَنْ مَرَاتِبِهِمْ وَ يَزَعُمُونَ أَنَّهُمْ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) كَانُوا لَا يَعْرِفُونَ كَثِيراً مِنَ الْأَحْكَامِ الدِّينِيَّةِ حَتَّى يَنْكُتَ فِي قُلُوبِهِمْ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) وَ رَأَيْنَا مَنْ يَقُولُ: «إِنَّهُمْ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) كَانُوا يَلْتَجِئُونَ فِي حُكْمِ الشَّرِيعَةِ إِلَى الرَّأْيِ وَ الظَّنِّ» وَ يَدْعُونَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ هَذَا هُوَ التَّقْصِيرُ الَّذِي لَا شُبْهَةَ فِيهِ.^{۲۱۲}

اما در مورد تصریح شیخ صدوق به غلو کسانی که به بزرگان و دانشوران قم نسبت کوتاهی (در شناخت امامان - علیهم السلام -) می‌دهند باید گفت نسبت دادن این گونه

۲۱۱. همان، ص ۴۹.

۲۱۲. تصحیح/اعتقاد، ص ۱۳۵.

کوتاهی به قمیها دلیل غلو نیست؛ زیرا واقعاً در میان این مشاهیر سیادت و دانش، اهل تقصیر (کوتاهی) نیز وجود دارند. ... نقلی روشن از محمد بن حسن بن ولید شنیده‌ایم که از حمل آن بر کوتاهی (در شناخت امامان - علیهم السلام -) او ناگزیریم، از قول او آورده‌اند که گفته است: «نخستین درجه غلو انکار لغزش پیامبر (صلی الله علیه آله) و امام (علیه السلام) است»؛ پس اگر این نقل درست باشد، با وجود اینکه او از دانشوران و بزرگان قم است، مقصر است. ما خود جمعی از اهل قم را، که نزد ما آمده بودند، دیدیم که آشکارا تقصیر روا می‌داشتند و ائمه را از جایگاه خود پایین می‌آوردند و می‌پنداشتند که ائمه اطهار بسیاری از مسائل دینی را نمی‌دانند تا بدانها الهام شود و شاهد بودیم فردی می‌گفت: «ائمه اطهار در استنباط احکام به رأی و ظن روی می‌آوردند.» این افراد، در حالی که در تقصیر (کوتاهی) آنان تردیدی نیست، ادعای دانش نیز می‌کنند!

شیوه محدثان قم در پذیرش اخبار - حتی خبر واحد - و نقد نکردن آن موجب شد که باور به نوعی جبر به آنان انتساب یابد. شیخ اسدالله تستری گونه‌ای از جبرگرایی را به شیخ صدوق نسبت داده است،^{۲۱۳} ولی سید مرتضی (رحمة الله علیه) از این فراتر رفته و قمیها را مجبر و مشبه خوانده است:

إِنَّ الْقُمِيِّينَ كُلَّهُمْ أَجْمَعِينَ مِنْ غَيْرِ اسْتِثْنَاءٍ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ - إِلَّا أَبَا جَعْفَرٍ ابْنَ بَابُوَيْهٍ رَحِمَهُ اللَّهُ - بِالْأَمْسِ كَانُوا مُشَبَّهَةً مُجْبَرَةً وَ كُتِبَ لَهُمْ وَ تَصَانِيفُهُمْ تَشْهَدُ بِذَلِكَ.^{۲۱۴}

در گذشته همه اهل قم - به جز شیخ صدوق - اهل تشبیه و جبرگرایی بودند و کتابها و نگارشهای آنها گواه آن است.

این سخن سید مرتضی، اگرچه با اغراق و بزرگ‌نمایی شدید همراه است، ولی از روش خاص حاکم بر مدرسه حدیثی قم حکایت می‌کند که سبب‌ساز این انتقادات گردیده است.

ابوالحسن عاملی، یکی از شاگردان علامه مجلسی، در نگاشته‌ای به نام تنزیه القمیین عن المطاعن به این اتهام پاسخ داده و توجیهاتی برای عمل قمیها بیان کرده است.^{۲۱۵}

ضمائم

اول: منبع‌شناسی

برای اطلاعات بیشتر درباره مدرسه حدیثی قم می‌توانید به منابع ذیل مراجعه کنید:

۱- مکتب حدیثی قم، رساله دکتری آقای محمدرضا جباری؛

۲۱۳. کشف القناع، ص ۲۱۰.

۲۱۴. رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۳۱۰.

۲۱۵. ر. ک: به میراث اسلامی ایران، ج ۴. گزارشی از این کتاب در مکتب حدیثی قم، ص ۴۱۸ - ۴۱۴، آمده است.

- ۲- شرح لمعه شهید ثانی با تصحیح و پاورقی آقای کلاتر که در مقدمه به مدارس حدیثی شیعه و تطور دانش فقه شیعی پرداخته است. بخش مربوط به مدرسه حدیثی قم و ری در صفحات ۵۳ - ۴۳ جلد یکم این مجموعه ده جلدی آمده است. این کتاب در نرم افزار معجم فقهی نیز موجود است؛
- ۳- در میان مقالات کنگره شیخ مفید نیز مقاله‌ای به بررسی مدرسه بغداد پرداخته که ضمن آن به تناسب، مدرسه حدیثی قم به وسیله بغدادیان نقد شده است.
- ۴- مقاله «شجره علمی خاندان اشعری قم»، محمد حاج تقی، فصلنامه علمی تخصصی علوم حدیث، شماره پنجم، پاییز ۱۳۷۶؛
- ۵- مدرسه قم و بغداد، اندرو نیومن، ترجمه سید صادق آگاه اشکوری، نشر زائر قم.

دوم: اصطلاح شیخ القمیین

نجاشی در رجال خود از هفت نفر به عنوان شیخ قمیان یاد کرده است. برخی از آنان با یکدیگر هم دوره‌اند. ظاهراً منظور او این است که در میان قمیان فرد مورد اشاره از بزرگان شهر است نه آنکه تنها مصداق این عنوان باشد.

- ۱- أحمد بن محمد بن عیسی اشعری^{۲۱۶}
 - ۲- عبدالله بن جعفر الحمیری، أبو العباس القمی^{۲۱۷}
 - ۳- علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی^{۲۱۸}
 - ۴- محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک الأشعری، أبوعلی^{۲۱۹}
 - ۵- محمد بن علی بن محبوب الأشعری القمی، أبو جعفر^{۲۲۰}
 - ۶- محمد بن أحمد بن داود بن علی، أبو الحسن^{۲۲۱}
 - ۷- محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید، أبو جعفر^{۲۲۲}
- هرچند که درباره قمی بودن نفر آخر تردید داشته است:
- شیخ القمیین و فقیههم و متقدمهم و وجههم و یقال: إنه نَزِلُ قُم و ما کان أصله منها.^{۲۲۳}

۲۱۶. رجال نجاشی، ص ۸۱.

۲۱۷. همان، ص ۲۱۹.

۲۱۸. همان، ص ۲۶۱.

۲۱۹. همان، ص ۳۳۸.

۲۲۰. همان، ص ۳۴۹.

۲۲۱. همان، ص ۳۸۴.

۲۲۲. همان، ص ۳۸۳.

۲۲۳. ... و می‌گویند او تنها ساکن قم بوده و اصالتاً قمی نبوده است.

سوم: هماهنگی سازمانی میان ارکان مدرسه حدیثی قم

ویژگیهای چندگانه‌ای که برای حوزه حدیثی قم گفته شد امری دائمی و بی‌استثنا نبوده است و این حوزه حدیثی بخش عمده آنها را در زمان احمد بن محمد بن عیسی در بر داشته است؛ با این حال به نظر می‌رسد اندیشه این راوی بزرگ در شکل‌گیری نظام فکری محدثان قمی تأثیر خود را گذاشته است و پدیدآور مکتبی شده است که ارکان سازمانی آن با هم سازگار و میان آنها ارتباط منطقی برقرار بوده است. تأمل در ویژگیهای یادشده مکتب حدیثی قم ارتباط منطقی میان ارکان این سازمان فکری را روشن می‌سازد. اگر حوزه حدیثی قم از عقل‌گرایی رایج آن دوران به دلیل نگرانی از غلطیدن در وادی خطرناک رأی‌گرایی و قیاس‌دوری می‌گزیند، از سوی دیگر با سخت‌گیری در پذیرش متون غلوآمیز و روایات راویان ضعیف به گونه‌ای از نفوذ روایات ساختگی، ضعیف و آلوده به افراط‌گری جلوگیری می‌کرد. معلوم نیست اگر قمیان چنین سخت‌گیریهایی نداشتند، چه بلایی بر سر مجموعه روایات شیعی این حوزه می‌آمد و آیا باز هم ما شاهد میراث پرگوهر درخشنده‌ای مثل کافی بودیم یا نه؟ به ویژه آنکه حوزه حدیثی قم محیطی بسته و شیعی خالص بوده و به دلیل روبه‌رو نبودن با انتقاد دیگر نحله‌ها به گونه‌ای طبیعی در معرض چنین آفاتی، به ویژه غلو، قرار داشته است.

چهارم: عناوین دیگر مدرسه حدیثی قم

مدرسه حدیثی قم را مدرسه نقلی نیز نامیده‌اند؛ چرا که آنان حتی در اعتقادات، که استناد به دلیل عقلی در آن جایگاه بسیار مهمی دارد، به روایات نقل‌شده بسنده می‌کردند؛ چنان‌که این نکته در دو اثر اعتقادی شیخ صدوق، *الإعتقادات* و *التوحید* نیز مشاهده می‌شود. پدر شیخ صدوق نیز در مقدمه کتاب فقهی خود، *الرساله* می‌نویسد:

آنچه در این کتاب آمده برگرفته از امامان هدایت است؛ بنابراین، متونی که در ظاهر به معصوم نسبت داده نشده و حکمی را بیان کرده است در حقیقت روایتی است که به صورت مرسل آمده و متن پیش روی اجتهاد، استنباط و نظر فقهی نویسنده نیست.^{۲۲۴}

برخی محققان نص‌گرایی و اخباری‌گری قمیان را نتیجه طبیعی فراوانی محدثان و روایات موجود در قم می‌دانند که پاسخگوی نیازهای آنان بوده است و اجتهاد و استنباط در جایی نیاز بوده که به دلیل نبود دلیل روایی، دانشوران و عالمان دینی به‌ناچار به اجتهاد و دلیل عقلی رو می‌آوردند،^{۲۲۵} اما این سخن نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا مدرسه حدیثی قم خود وامدار محدثان عراقی، به ویژه کوفیان، بوده و نمی‌توان گفت شمار احادیث در دسترس محدثان عراق و بغداد کمتر از احادیث قمیان بوده است. احتمال دارد که وجود مجتهدان بزرگ اهل سنت در عراق – همچون ابوحنیفه و شافعی – در پیشینه مکتب بغداد و کوفه بر وارد کردن رأی و نظر و به گونه‌ای عقل، استحسانات و مصالح و سلم در مذهب آنان تأثیر داشته است و همچنین ممکن است که

۲۲۴. الذریعه، ج ۱۳، ص ۴۶.

۲۲۵. الشیخ عبدالهادی الفضلی، *دروس فی اصول فقه الإمامیه*، ص ۵۸.

مسائل بیشتری در عراق مطرح بوده و نزدیکی پایتخت و نیز اختلاف مذهبی موجود ذخیره و میراث نقلی را پاسخگو نمی‌دیده است.

جلسه پنجم

مدرسه حدیثی بغداد

اهداف درس

آشنایی با:

✓ حوزه و مدرسه حدیثی بغداد؛

✓ اصول و مبانی عقل‌مدار این مدرسه.

درآمد

هدف از این پژوهش، بررسی ویژگی‌ها و مبانی مدرسه‌ای است که شیخ مفید (۴۱۳ - ۳۳۶ هـ) آن را در بغداد پایه‌گذاری کرد و به دست شاگردانی مانند سید مرتضی (م ۴۳۵ هـ) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ) به اوج خود رسید. این مدرسه به گونه‌ای جامع طراحی شده بود و فقه، کلام و تاریخ را نیز در بر می‌گرفت. هر چند در این درس ما تنها به آموزه‌های حدیثی این مدرسه توجه خواهیم کرد. تأثیر مدرسه بغداد بر تفکر شیعی، به ویژه در حدیث، کلام و فقه، بسیار عمیق و گسترده است؛ به گونه‌ای که می‌توان تفکر شیعی را ادامه تفکر مدرسه بغداد به شمار آورد.

شیعیان بغداد

بغداد شهری با سابقه^{۲۲۶} در ساحل دجله است که به دستور منصور دوانیقی (م ۱۵۸ هـ) ساخته شد و از همان آغاز بنا، پایتخت خلافت اسلامی شد. انتخاب مکان، سازماندهی تأسیس، طراحی بافت شهری و سایر پیش‌بینی‌های لازم برای ساماندهی نیازهای مرکز خلافت، از ویژگی‌های متمایز این شهر نسبت به شهرهای دیگر عربی است.^{۲۲۷}

شیعیان از ابتدای تأسیس بغداد، در این شهر سکونت یافته و محله کُرخ را پایگاه خویش ساختند. علاوه بر کُرخ، برخی محلات دیگر بغداد نیز شیعه‌نشین بود.

حرم مطهر امام کاظم و امام جواد (علیهما السلام) موجب جلالت شیعه در این شهر شد. افراد شاخصی همانند خاندانهای علی بن یفطین، نوبختی، علویان و ... نیز در این شهر ساکن بوده و روزگار گذرانیده‌اند. حضور نمایان چهارگانه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بغداد، سبب اهمیت بیشتر این شهر نزد شیعیان شد. تسلط امیران آل‌بویه بر بغداد (۴۴۷ - ۳۳۴ هـ) موجب شد شهر بغداد به عنوان شهری شیعی

۲۲۶. دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۵۳۹.

۲۲۷. ر.ک: زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، ص ۴۸ - ۱۹.

مشهور شود و در نتیجه شیعیان آزادی عمل یابند. در طول این دوران، مرکز خلافت اسلامی، به محلی برای آمد و شد عالمان شیعه تبدیل شده بود و به این وسیله بذر علوم و معارف اهل بیت در این شهر پراکنده می‌شد.

این وضعیت تا سال ۴۴۷ هجری بسامان بود، اما پس از هجوم سلجوقیان و برافتادن آل بویه، وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شیعیان نابسامان شد؛ با این حال منطقه کرخ بر وضعیت شیعی خویش باقی ماند، چنانکه تاکنون نیز این موقعیت را حفظ کرده است.

حوزه حدیثی بغداد

حوزه حدیثی شیعی بغداد را می‌توان همزاد این شهر دانست. از ابتدای تأسیس شهر به دست منصور، شیعیان به این شهر منتقل شدند. بسیاری از این مهاجران از گروه محدثان و عالمان بودند. برخی از آنان اصالتاً کوفی بودند و روایات خود را در کوفه و مدینه شنیده بودند و بعضی دیگر نگارنده کتابهای حدیثی بودند. تجمع این گروه نسبتاً گسترده و سرشناس، موجب شد که هسته علمی جامعه شیعه همچون هسته اجتماعی آنان در بغداد جلوه‌گر شود.

گروهی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) هم در بغداد مستقر شده و به نشر حدیث پرداختند؛ از جمله این افراد می‌توان به ابوالیسع کرخی بغدادی،^{۲۲۸} قاسم بن عروه،^{۲۲۹} ظریف بن ناصح،^{۲۳۰} حفص بن البختری،^{۲۳۱} عبدالرحمن بن حجاج،^{۲۳۲} یحیی بن حجاج کرخی^{۲۳۳} و هشام بن حکم^{۲۳۴} اشاره کرد. بعضی از این افراد، در بغداد به تجارت مشغول بودند که هشام بن حکم صحابی بزرگ و متکلم مشهور شیعی از این افراد است.

در سالهای بعد، شیعیان متولد بغداد، افزون شدند. تأمل در راویان بغدادی نشان می‌دهد که نسل بعدی محدثین شیعی، مشهورتر و استوارتر هستند. ابن ابی عمیر، برجسته‌ترین فرد از این گروه است. نجاشی درباره او می‌نویسد:

بَغْدَادِيُّ الْأَصْلِ وَالْمَقَامِ، لَقِيَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ سَمِعَ مِنْهُ أَحَادِيثَ كَنَاهٍ فِي بَعْضِهَا فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): "يَا أَبَا أَحْمَدَ"، وَ رَوَى عَنْ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام)، جَلِيلُ الْقَدْرِ، عَظِيمُ الْمَنْزَلَةِ فِينَا وَ عِنْدَ الْمُخَالِفِينَ ... وَ كَانَ حُبْسَ فِي أَيَّامِ الرَّشِيدِ، فَقِيلَ لِيَلِيَ الْقَضَاءَ ... وَقِيلَ بَلْ لِيَدُلَّ عَلَى مَوَاضِعِ الشَّيْعَةِ وَأَصْحَابِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام).^{۲۳۵}

۲۲۸. رجال نجاشی، ص ۲۹۶.

۲۲۹. همان، ص ۳۱۴.

۲۳۰. همان، ص ۲۰۹.

۲۳۱. همان، ص ۱۳۴.

۲۳۲. همان، ص ۲۳۷.

۲۳۳. همان، ص ۵۵.

۲۳۴. همان، ص ۴۳۳.

۲۳۵. همان، ص ۳۲۶.

اصالتاً بغدادی و ساکن آنجا است. با ابوالحسن، موسی بن جعفر (علیه السلام)، دیدار داشته و از ایشان احادیثی نقل کرده است که آن حضرت وی را در شماری از آنها با کنیه خطاب کرده‌اند و فرموده‌اند: ای اباحمد. وی از امام رضا (علیه السلام) نیز روایت نقل کرده است. سترگ‌مرتبه است؛ در میان امامیه و مخالفین [امامیه] جایگاه والایی دارد ... وی در روزگار هارون الرشید عباسی زندانی شد. گویند برای اینکه مسند قضاوت را بر عهده بگیرد ... و یا برای اینکه پایگاههای شیعیان و یاران موسی بن جعفر (علیه السلام) را افشا کند.

بسیاری از اصحاب امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) نیز در بغداد متولد شده و در آن شهر به تحصیل و تدریس مشغول شدند. بر خلاف طبقه پیشین از محدثین بغداد، که معمولاً در کوفه تحصیل کرده بودند، این گروه، دانش‌آموخته حوزه حدیثی بغداد بودند.

علاوه بر آن، برخی از آنان در امور حکومتی مربوط به خلافت عباسیان نیز اشتغال داشتند. برای نمونه علی بن یقطین بغدادی (۱۸۲ - ۱۲۴ هـ) در سمت وزارت هارون الرشید به فعالیت پرداخت. او از اصحاب خاص امام کاظم (علیه السلام) است. فضل بن سلیمان بغدادی نیز کاتب منصور و مهدی عباسی بوده و از شاگردان امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) است.

اسامی بسیاری از راویان شیعی که بغدادی بوده و در اواخر قرن سوم در کوفه می‌زیسته‌اند، در رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی آمده است.

حضور نایبان خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بغداد، اهمیت فوق العاده‌ای به این حوزه حدیثی بخشیده بود. بغداد در فاصله سالهای ۲۶۰ تا سال ۳۲۹ هجری، پناهگاه و جایگاه نایبان خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و مرکز ثقل جامعه شیعی محسوب می‌شد. هجرت مسلمانان شیعی از تمامی نقاط جغرافیایی به این شهر یا بازدید از آن در این دوران، فراوان در منابع مختلف گزارش شده است. علاوه بر شیعیان دوازده امامی، گروههای دیگر نیز در بغداد حضور علمی داشتند که از آن میان می‌توان به معتزله، اشاعره، زیدیه، اهل حدیث، عثمانیه و ... اشاره کرد. از این رو، گفتگوهای علمی بین‌مذهبی در بغداد، رایج بوده است. حتی معتزله نیز، که در بسیاری از موارد با شیعیان موافق بودند، با آنان به بحث می‌پرداختند.^{۲۳۶}

ظاهراً فضای عمومی حدیث شیعی، در این دوران به قدری پر رونق بود که ثقة الاسلام کلینی، نگاشته جامع خویش را از قم و ری به بغداد آورد و آن را در آن شهر منتشر نمود و همان‌جا آن را بر راویان شیعه خواند و به آنان اجازه نقل روایت داد. پدر شیخ صدوق نیز در سال ۳۲۸ هجری به بغداد آمد و اجازه روایت کتابهایش را به عالمان بغداد اعطا کرد.^{۲۳۷}

در سالهای پس از آن (۳۵۲ هجری به بعد) شیخ صدوق نیز به بغداد مسافرت کرد و برای عالمان آن دیار حدیث گفت.

برخی دیگر از عالمان مشهور قم، همانند ابن قولویه (م ۳۶۹ هـ) و ابن داود قمی (م ۳۶۸ هـ) نیز از وطن خویش به بغداد مهاجرت کردند و در آن سکنی گزیدند. طبیعی است که پیدایش حکومت‌های مستقل شیعی در ایران و

۲۳۶. ر.ک: مناسبت فرهنگ معتزله و شیعه از آغاز تا شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، جزوه شماره ۷۱۰.

۲۳۷. رجال نجاشی، ص ۲۶۱.

عراق و حمایت آنان از دانش و دانشمندان و ایجاد فضای باز سیاسی و فرهنگی برای طرح مسائل حساس و مهم دینی و مذهبی نقش بسزایی در این مهاجرتها داشته است. آنچه تاکنون گفته شد، تصویری از حوزه حدیثی بغداد، در فاصله سالهای ۱۶۰ تا ۳۵۰ هجری بود. اکنون به بررسی مدرسه حدیثی بغداد و بنیان گذار نابغه آن، مرحوم شیخ مفید (رحمة الله علیه)، می پردازیم.

مرکزیت علمی

بغداد در درازنای تاریخ، دوره های گوناگون و پرتلاطمی را پشت سر گذاشته است. در سده های چهارم و پنجم، شهر بغداد گونه های مختلف علمی و ارائه نظریه های متفاوت را در شاخه های گوناگون علوم تجربه کرد. در این دوران، ادیبان، شاعران، فیلسوفان، فقیهان، منجمان، اهل کلام، مفسران و دیگران در بغداد حضور داشتند و به تربیت دانش پژوهان و مباحثه با یکدیگر مشغول بودند.

در میان همه نحله های فکری، محدثان جایگاه ویژه ای داشتند. خطیب بغدادی، نام بیش از پنج هزار نفر از محدثان سنی را که در این سالها در بغداد سکونت داشته یا به این شهر سفر کرده اند، در کتاب خویش ذکر کرده است.^{۲۳۸}

از دیگر نشانه های رواج تفکر حدیثی در بغداد، عزیمت محدثانی بزرگ چون ثقة الاسلام کلینی و ابن قولویه یا مسافرت شیخ صدوق بدان شهر برای نقل حدیث است.

تفکر معتزله در بغداد، جایگاه ویژه ای داشت. معتزله بغداد، مبانی و نظریه های خاصی داشتند که آنان را از دیگر متفکران معتزله، از جمله معتزله بصره، متمایز می ساخت. رواج تفکر اعتزال در این سرزمین، سبب پیدایش تفکر عقل گرایانه و مواجهه و مباحثه دانشمندان شد.^{۲۳۹}

شماری از ملحدین و غیرمسلمانان نیز در بغداد حضور داشتند و به ترویج عقیده خویش می پرداختند. حتی برخی از این افراد با دانشمندان مسلمان و شیعه، دوستی عمیق و رابطه ای صمیمانه داشتند. ابراز علاقه ابوالعلاء معری به سید مرتضی و سید رضی و دوستی متقابل این دو دانشمند شیعی با او، نشان دهنده فضای علمی باز بغداد است.^{۲۴۰}

طبیعی است که این فضا و موقعیت، به برخوردی دقیق، عمیق و همه جانبه با تمامی گرایش های فکری نیازمند است. مبانی علمی دقیق و معیارهای اصولی صحیح، موجب سالم ماندن تفکر شیعی از گزند گرایش های دیگر و تمایز این تفکر از نحله های فکری دیگر می گردید.

۲۳۸. ر.ک: عبدالقادر عطا، مقدمه تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۲.

۲۳۹. ر.ک: رسول جعفریان، مناسبات فرهنگی معتزله و شیعه، ص ۲۹.

۲۴۰. العذیر، ج ۴، ص ۲۷۲.

بنیان گذار مدرسه بغداد

مدرسه بغداد با نام بزرگ‌مردی گره خورده است که حق زیادی بر گردن تفکر ناب شیعی دارد. یادکرد فعالیت‌های شیخ مفید (رحمة الله علیه) و مدرسه حدیثی و کلامی بغداد، به گونه‌ای ادای دین به ساحت آن شخصیت بزرگوار شیعی است.

شیخ مفید در سلسله عالمان امامیه، تنها یک متکلم و فقیه سرآمد و برجسته نیست، بلکه فراتر از این، او مؤسس و سرحلقه جریان علمی رو به تکاملی است که در دو رشته کلام و فقه، تا امروز در حوزه‌های علمی شیعه امتداد یافته و با وجود تأثیرپذیری‌های گوناگون تاریخی و جغرافیایی و مکتبی، ویژگی‌های اصلی و خطوط اساسی آن همچنان بر جای مانده است.^{۲۴۱}

شیخ مفید کسی است که علوم گذشتگان، با همه تکامل خود، در او جمع شده بود و به برکت چنین شخصیت چندبعدی و همه‌جانبه‌ای که داشت، حوزه علمی بغداد را پایه‌گذاری کرد. این حوزه قرن‌ها پس از آن دوام یافت و در آن فقه، کلام، اصول، ادب، حدیث و رجال در کنار و مکمل یکدیگر تدریس و تحقیق می‌شد.^{۲۴۲}

زندگی شخصی و شخصیت فردی شیخ مفید (رحمة الله علیه) را در مباحث پیشین بررسی کردیم؛ بنابراین، در این قسمت تنها به بیان نقش بنیان‌گذاری ایشان در مدرسه بغداد بسنده می‌کنیم.

مدرسه حدیثی بغداد

به نظر می‌رسید که پس از پایان دوره غیبت صغری (سال ۳۲۹ هـ) شهر و حوزه حدیثی بغداد اهمیت خود را در میان شیعیان از دست می‌دهد، اما دو حادثه ویژه موجب اشتها بیشتر از پیش این حوزه حدیثی شیعه شد و نام آن را در تفکر شیعی ماندگار ساخت.

هر چند این دو واقعه در آغاز، هیچ ارتباطی با هم نداشتند، ولی برآیند پدیدآمده به وسیله آن دو، نتیجه‌ای بسیار نیکو بود.

۱- تصرف بغداد

واقعه اول، تسلط سرداران آل بویه بر شهر بغداد در سال ۳۳۴ هجری بود. این اتفاق سبب شد که تفکر شیعی موجود در شهر بغداد رخ بنماید و قدرت عرض اندام و هم‌آوردی پیدا کند. شیعیان در این دوران به اقلیتی قدرتمند و بالاراده تبدیل شده بودند. حمایت سیاسی آل بویه از شیعیان، موجب دلگرمی آنان شد و نگاه ایشان را

۲۴۱. همان، ص ۵.

۲۴۲. همان، ص ۱۱.

به آینده‌ای روشن‌تر امیدوار کرد. سال ۳۵۲ هجری اولین سالی بود که عزاداری عاشورا و جشن عید غدیر به گونه‌ای علنی و در سطحی وسیع برگزار می‌شد. بغداد در فاصله سالهای ۳۶۷ تا ۳۷۲، که دوران امارت عَضْدُ الدوله بود، رونق افزون‌تری یافت. او علاوه بر خدمات فراوان در آبادانی بغداد، عالمان را به تحقیق و پژوهش در رشته‌های مختلف تشویق کرد و از این رهگذر به رشد و اعتلای دانش کمک فراوان نمود.

۲- ظهور شیخ مفید

واقعه دوم، تولد نابغه بزرگ شیعی، محمد بن محمد بن نعمان، مشهور به شیخ مفید، در سال ۳۳۶ هجری در عُکْبَرَا (منطقه‌ای در شصت کیلومتری بغداد) بود. مدرسه حدیثی بغداد مرهون شخصیت، تفکر و اقدامات این بزرگ‌مرد شیعی است. بدین سبب، زندگی، عقیده و کوشش‌های او به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. شیخ مفید در یازدهم ذیقعد سال ۳۳۶ هجری متولد شد.^{۲۴۳} پدر او معلم بود و به این سبب او را ابن‌المعلم نامیدند. وی در کودکی به همراه پدر به بغداد آمد و در حوزه بغداد به تحصیل پرداخت. برخی از مشایخ حدیثی او پیش از دوازده سالگی او رحلت کرده‌اند.^{۲۴۴} وی در سن نوزده سالگی از شیخ صدوق، که در سال ۳۵۵ هجری به بغداد آمده بود، حدیث شنید.^{۲۴۵}

بیشتر اساتید او از محدثان یا متخصصان علم کلام هستند و فقها و مورخان در فهرست اساتید او چندان به چشم نمی‌خورد.

یکی از محققان، نام ۷۱ نفر از مشایخ شیخ مفید را جمع‌آوری کرده است که همگی از شهرهای گوناگون هستند. اگر چه معلوم نیست که شیخ مفید در خارج از بغداد از آنان استفاده کرده باشد.

سطح بالایی دانش شیخ مفید و قدرت او در مباحثه با مخالفان، موجب شهرت سریع وی شد و شاید از همین رو در سن جوانی به مفید ملقب شد.^{۲۴۶} او ۳۵ ساله بود که رهبری شیعیان بغداد را به عهده گرفت. مقام علمی و موقعیت اجتماعی او چنان بود که عضد الدوله، امیر دانش‌دوست آل بویه، به عیادت او می‌رفت و شفاعتش را در حق دیگران پذیرا می‌شد.^{۲۴۷} شیخ مفید در زمان مرگ عضد الدوله تنها ۳۶ سال داشت. او تمامی کتابهای مخالفان را در حافظه خود داشت تا بتواند شبهه‌های آنان را پاسخ گوید.^{۲۴۸} وی همچنین در خانه خویش، مجلس بحث و مناظره بر پا می‌ساخت. در آن مجالس، عالمان مذاهب گوناگون حضور می‌یافتند و او با تمامی آنان به بحث می‌پرداخت.^{۲۴۹}

۲۴۳. رجال نجاشی، ص .

۲۴۴. ر.ک: گذری بر حیات شیخ مفید، ص ۱۱.

۲۴۵. رجال نجاشی، ص .

۲۴۶. ر.ک: معجم‌الادباء، ج ۱۴؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۱۶، این دو کتاب جریان شرکت شیخ مفید در مجلس درس علی بن عیسی رُمّانی را نقل کرده‌اند. سؤال و جواب شیخ مفید موجب درماندگی استاد معتزلی شد و او را به لقب شیخ مفید ستود. طبیعی است که این واقعه مربوط به دوران جوانی او بوده است.

۲۴۷. سیر/اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

۲۴۸. همان.

۲۴۹. المنتظم، ج ۸، ص ۱۱.

تیزهوشی، حاضر جوابی، علم سرشار، زبان نیکو و قدرت تحمل او از مجموعه مباحثه‌هایش هویدا است.^{۲۵۰} ابویعلی جعفری، داماد شیخ مفید، در توصیف او گفته است:

وی به جز پاسی از شب در بستر نمی‌خفت و سپس از جای برخاسته و نماز می‌خواند و مطالعه و تدریس می‌کرد و یا قرآن تلاوت می‌نمود.^{۲۵۱}

صداقت او بسیار و خشوع و فروتنی او نیکو بود. زندگی بسیار ساده و لباسی خشن داشت.^{۲۵۲} میزان تأثیرگذاری او بر جامعه شیعه و سنی از دشنامهای دشمنانش روشن می‌شود. خطیب بغدادی درباره او گفته است:

شَيْخُ الرَّافِضَةِ وَالْمُتَعَلِّمُ عَلَى مَذَاهِبِهِمْ. صَفَّ كُتُبًا كَثِيرَةً فِي ضَلَالَتِهِمْ [!!!] وَالذَّبُّ عَنْ إِعْتِقَادِهِمْ وَمَقَالَاتِهِمْ وَالطَّعْنُ عَلَى السَّلَفِ الْمَاضِينَ مِنَ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ وَعَامَّةِ الْفُقَهَاءِ الْمُجْتَهِدِينَ وَكَانَ أَحَدَ الْأَثَمَةِ الضَّلَالِ [!!!]. هَلَكَ بِهِ خَلْقٌ مِنَ النَّاسِ إِلَى أَنْ أَرَاكَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ مِنْهُ.

شیخ رافضیان و دانای بر مذاهب آنان است. کتابهای فراوانی در [موضوع] گمراهی آنان و دفاع از عقیده و پندارهای رافضیان و خرده‌گیری بر صحابه و تابعان و فقیهان تلاشگر پیشین نگاشته است. او یکی از سردمداران گمراهی است. به واسطه وی شماری از مردم به هلاکت افتادند تا آنکه خداوند مسلمانان را از دست وی آسوده کرد.

مهم‌ترین اقدام شیخ مفید، تشکیل مدرسه‌های علمی برای شیعیان و آموزش و تربیت کودکان شیعه بود. در توصیف روش کار او آورده‌اند که وی در مکتب‌خانه‌ها و کارگاههای بافندگی جستجو می‌کرد و کودکان تیزهوش و مستعد را در نظر می‌گرفت و با دادن پول به والدین آنان، آنها را به مکتب من برد و به آنان دانش می‌آموخت.^{۲۵۳} به این سبب، شاگردان تیزهوش بسیاری در محضر او گرد آمدند و به تحصیل مشغول شدند.

ظاهراً آموزشهای او تنها به فقه و حدیث محدود نمی‌شد. او به مباحث اعتقادی، به ویژه امامت، اهتمامی ویژه داشت. تلاش او در زدودن شبهه‌های مخالفان در مجموعه رساله‌های کوچک و بزرگ او هویدا است. نوشته‌های او بیش از دویست اثر است. غنای آثار، استواری اندیشه و تأثیر شگرف او در آرا و نظرات دانشمندان متأخر شیعی چنان بود که درباره وی گفته‌اند: «او را برگردن هر دانشمند و پیشوایی حق و منت است».^{۲۵۴}

دانشمندان بزرگی در حوزه درسی شیخ مفید حضور یافتند و به مقامات بلند علمی راه پیدا کردند. این گروه، مدرسه علمی بغداد را رونق بخشیدند و موجب تداوم مباحثات علمی آن شدند. برای آشنایی با مدرسه حدیثی بغداد، آشنایی با شیوه تفکر و روش علمی این گروه نیز لازم است. متأسفانه، بررسی تفصیلی فعالیتهای فرهنگی این افراد مجالی گسترده می‌طلبد. بنابراین، تنها به ذکر نام مشهورترین افراد این گروه می‌پردازیم:

۱- سید مرتضی (۴۳۶ - ۳۵۵ هـ)؛

۲- شیخ طوسی (۴۶۰ - ۳۸۵ هـ)؛

۲۵۰. ر.ک: الفصول المختاره، ص

۲۵۱. لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸.

۲۵۲. العبر، ج ۲، ص ۲۲۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

۲۵۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

۲۵۴. لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸.

۳- سید رضی (۴۰۶ - ۳۵۹ هـ)؛

۴- ابوالعباس نجاشی (۴۵۰ - ۳۷۲ هـ)؛

۵- ابوالفتح کراجکی (۴۴۹ هـ)؛

۶- سلار دیلمی (۴۴۸ هـ).

در پایان مناسب است که گفتار ابن ابی طیّ (م ۶۳۰ هـ)، مؤلف خوش ذوق شیعی، را نیز درباره وی نقل کنیم که جامع تمامی گفتارها است:

در تمامی گونه‌های علم از جمله قرآن، حدیث، فقه، تاریخ، رجال، تفسیر، نحو و شعر یگانه و سرآمد او بود. با صلابت و جلالت در دوران آل بویه با پیروان هر عقیده مناظره می‌کرد و مرتبتی بالا نزد خلفا داشت. او بر خود مسلط بود و با دیگران بسیار نیکه خشوع فراوان داشت، نماز و روزه‌اش بسیار بود. لباس خشن می‌پوشید و همواره به مطالعه و آموزش دیگران مشغول بود. از پرحافظه‌ترین مردمان بود. درباره او گفته‌اند که هیچ کتابی از مخالفین شیعه وجود نداشت که در حافظه‌اش نباشد و به این گونه توانست که شبهه‌افکنی آنان را درباره شیعه پاسخ گوید.^{۲۵۵}

اصول و مبانی مدرسه بغداد

وجود نحله‌های گوناگون فقهی، کلامی، حدیثی و تفسیری در بغداد و مباحثات فراوان میان فرقه‌ها، سبب شد شیخ مفید (رحمة الله علیه)، به طراحی روش و منهج فکری جامعی بپردازد که تمامی این علوم را پوشش دهد و آنها را در یک مجموعه مسنجم گرد آورد. اصول و مبانی این مدرسه باید دقیق بنا می‌شد تا بتواند تمامی شبهات وارد شده از طرف گروه‌های مختلف فکری را پاسخ‌گو باشد و در عین حال استقلال فکری مذهب شیعه را به نمایش بگذارد، از طرف دیگر قادر به گفت و گو و مباحثه با دیگر فرقه‌های فکری باشد و شایستگی آن را داشته باشد که به ابطال مبانی فکری و باورهای ذهنی گروه‌های مخالف بپردازد. اصول و مبانی فکری حاکم بر مدرسه شیعی بغداد را این گونه می‌توان تصویر کرد:

۱- اهتمام به عقل و تعقل

عقل، به عنوان منبع معرفت و تعقل، به عنوان روش دستیابی به معارف، در مکتب بغداد نقش اساسی دارد. اهمیت بخشیدن به عقل در مباحث اساسی و بنیادین معارف، امری است که در قرآن کریم و روایات شیعی به آن تأکید شده است.^{۲۵۶}

موقعیت شهر بغداد و وجود گروه‌های مختلف فکری اقتضا می‌کرد که مشترکات و مقبولات گروه‌های فکری، در مباحثات مورد توجه قرار گیرد. عقل، به عنوان هدیه الهی مشترک بین انسانها، از این منظر مورد

۲۵۵. سیر/اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

۲۵۶. رجوع کنید به آیات فراوان قرآن که به تعقل، تفکر و تدبیر توصیه کرده است؛ همچنین کتاب «العقل و الجهل» را در مصادر حدیثی شیعی همچون کافی و بحار/الأنوار مطالعه کنید.

توجه بود. گرایش عقلی معتزله در بغداد طرفداران زیادی داشت که لازمه آن اهتمام عالمان شیعی به عقل و تعقل بود.

از منظر دیگر، در شهر بغداد اقبال به مباحثات کلامی و عقایدی بسی بیشتر از مباحثات فقهی بود. گرایش به فقه توجه به منابع نقلی را می‌طلبد، اما مباحثات کلامی به اعتبارات شرعی و جعل و رفع حکم وابسته نیست. بنابراین، عقل‌گرایی در مدرسه بغداد بسی گسترده‌تر از مدارس دیگر حدیثی اعم از کوفه، قم و حله بود. در مدرسه شیعی بغداد شیوه عقل‌گرایانه و عقل‌مدار کاملاً هویداست. شیخ مفید در تبیین معیارهای نقد حدیث می‌نویسد:

إِنْ وَجَدْنَا حَدِيثًا يُخَالِفُ أَحْكَامَ الْعُقُولِ، أَطْرَحْنَاهُ لِقَضِيَةِ الْعَقْلِ بِفَسَادِهِ.^{۲۵۷}

اگر حدیثی را بیابیم که با احکام عقلانی در تضاد است، آن را به سبب حکم عقل به فسادش، رد می‌کنیم.

ایشان پس از بحث درباره روح و بررسی دقیق معانی آن، به نقد شیوه اصحاب حدیث می‌پردازد و می‌نویسد:

لَكِنَّ أَصْحَابَنَا الْمُتَعَلِّقِينَ بِالْأَخْبَارِ أَصْحَابُ سَلَامَةٍ وَبُعْدِ ذَهْنٍ وَقَلَّةِ فِطْنَةٍ يَمُرُّونَ عَلَى وَجْهِهِمْ فِيمَا سَمِعُوهُ مِنَ الْأَحَادِيثِ وَلَا يَنْظُرُونَ فِي سَنَدِهَا وَلَا يَفْرُقُونَ بَيْنَ حَقِّهَا وَبَاطِلِهَا وَلَا يَفْهَمُونَ مَا يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ فِي إِثْبَاتِهَا وَلَا يُحْصِلُونَ مَعَانِيَ مَا يُطْلَقُونَهُ مِنْهَا.^{۲۵۸}

اما [متأسفانه] محدثان نص‌گرای امامیه، افرادی پاکدل، کم‌دقت و کم‌درایت هستند. در احادیثی که می‌شنوند، چندان دقت نمی‌کنند و در اسناد آنها نظر نمی‌کنند و سره را از ناسره تشخیص نمی‌دهند و پیامدهای پذیرش آنها را در نمی‌یابند و مفاهیم احادیثی را که نقل می‌کنند، نمی‌پالایند.

سید مرتضی، این شیوه را به گونه‌ای شدیدتر اعمال کرده است. ایشان در پاسخ به سؤالی درباره قدرت خداوند بر امر محال و قرار دادن جهان در یک تخم‌مرغ و استناد این سخن به روایتی در کتاب کافی نوشته است:

إِنَّ الْحَدِيثَ الْمَرْوِيَّ فِي كُتُبِ الشَّيْعَةِ وَكُتُبِ جَمِيعِ مُخَالِفِينَا يَتَضَمَّنُ ضَرْبَ الْخَطَا وَصُنُوفَ الْبَاطِلِ ... وَلِهَذَا وَجَبَ نَقْدُ الْحَدِيثِ بَعْرُضِهِ عَلَى الْعُقُولِ فَإِذَا سَلَّمَ عَلَيْهَا عُرِضَ عَلَى الْأَدْلَةِ الصَّحِيحَةِ كَالْقُرْآنِ وَمَا فِي مَعْنَاهُ فَإِذَا سَلَّمَ عَلَيْهَا جُوزَ أَنْ يَكُونَ حَقًّا وَالْمُخْبِرُ بِهِ صَادِقًا.^{۲۵۹}

این حدیث، که در کتابهای شیعه و مخالفان ما نقل شده، دارای خطا و بخشهای باطل است ... بنابراین، باید با عرضه بر عقل سنجیده شود و چنانچه تسلیم عقل باشد، بر معیارهای صحیح قرآنی عرضه می‌شود و اگر [باز] تسلیم آنها باشد، حق است و راوی آن راستگو.

همچنین درباره میزان اعمال،^{۲۶۰} سی روز بودن ماه رمضان^{۲۶۱} و موارد دیگر نیز بر سنجش حدیث با عقل تأکید کرده است.

۲۵۷. تصحیح/اعتقاد، ص ۱۴۹.

۲۵۸. تصحیح/اعتقادات/الإمامیه، ص ۸۸.

۲۵۹. رسائل الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۴۱۰.

۲۶۰. همان، ص ۱۱۴.

۲- اعتدال در عقل‌گرایی یا محدودیت عقل

برخی به اشتباه گمان کرده‌اند که مکتب بغداد، خردگرایی محض را انتخاب کرده و دست از نقل کشیده است. این گروه، عالمان شیعه را تحت تأثیر معتزله بغداد می‌شمردند و حتی گاهی، برخی از آنان را معتزلی می‌خواندند. سید مرتضی (رحمة الله علیه) به شدت با این اتهام مواجه شده است و برخی از تراجم‌نویسان او را معتزلی شمرده‌اند.^{۲۶۲}

حتی این اتهام متوجه شیخ مفید هم شده است. شیخ در *المسائل الصاغانية* به این مطلب اشاره کرده است.^{۲۶۳}

زمینه بروز این اتهام به دوران پیش از شیخ مفید برمی‌گردد. گرایش به قیاس در فقه ابن‌جُنید واقعیتی است که همه بر آن اذعان دارند. خاندان نوبختی، از دانشمندان بزرگ کلامی شیعه، به گرایش‌های معتزلی دچار شدند و در فهم مباحث کلامی به عقل‌گرایی افراطی روی آوردند. حتی برخی از عالمان، مانند صاحب بن عبّاد، خود را شیعی و معتزلی خواندند (!!!) یا برخی دیگر پاره‌ای از اصول معتزله را پذیرفتند.^{۲۶۴} اما باید گفت که مدرسه بغداد در سایه‌سار تفکر شیخ مفید (رحمة الله علیه)، از این آفت مصون ماند.

شیخ مفید در موارد فراوان تصریح می‌کند که عقل به خودی خود قدرت فهم و درک بسیاری از مسائل کلامی را ندارند و به دلیل نقلی محتاج است. ایشان در ابتدای کتاب *اوائل المقالات* می‌نویسد:

الْقَوْلُ فِي أَنَّ الْعَقْلَ لَا يَنْفَكُ عَنِ سَمْعٍ وَأَنَّ التَّكْلِيفَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِالرُّسُلِ (عليهمُ السَّلام):
وَاتَّفَقَتْ الْإِمَامِيَّةُ عَلَى أَنَّ الْعَقْلَ مُحْتَاجٌ فِي عَمَلِهِ وَنَتَائِجِهِ إِلَى السَّمْعِ وَأَنَّهُ غَيْرُ مُنْفَكٍّ عَنِ
سَمْعٍ يَنْبَهُ الْعَاقِلُ عَلَى كَيْفِيَّةِ الْاسْتِدْلَالِ وَأَنَّهُ لَا بُدَّ فِي أَوَّلِ التَّكْلِيفِ وَابْتِدَائِهِ فِي الْعَالَمِ مِنَ
رَسُولٍ؛ وَوَأَفْقَهُمْ فِي ذَلِكَ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ وَأَجْمَعَتِ الْمُعْتَزِّلَةُ وَالْخَوَارِجُ وَالزَّيْدِيَّةُ عَلَى
خِلَافِ ذَلِكَ وَزَعَمُوا أَنَّ الْعُقُولَ تَعْمَلُ بِمَجْرَدِهَا مِنَ السَّمْعِ وَالتَّوْقِيفِ.^{۲۶۵}

گفتار در اینکه عقل از قرآن و سنت قابل تفکیک نیست و تکلیف جز به وسیله فرستادگان [الهی] بایسته نیست:

امامیه هم‌داستان‌اند که عقل در عملکرد و دستاوردهایش به قرآن و سنت نیازمند است و عقل از نصی که فرد اندیشمند را بر نحوه استدلال آگاه سازد، تفکیک ناشدنی است و عقل در آغاز تکلیف و [حتی] در آغاز پیدایش خود در عالم هستی گریزی از یک پیام‌رسان ندارد.

اصحاب حدیث نیز در این باب با امامیه هم‌داستان‌اند، اما معتزله، خوارج و زیدیه با آنان مخالف‌اند و پنداشته‌اند که عقل می‌تواند مستقل از قرآن و سنت و اوامر توقیفی عمل کند.

و در مورد دیگر می‌نویسد:

۲۶۱. جوابات اهل الموصول فی العدد و الرؤیه، ص ۲۲.

۲۶۲. ر.ک: مناسبات فرهنگی معتزله و شیعه، ص

۲۶۳. المسائل الصاغانية، ص ۴۱.

۲۶۴. رجال نجاشی، ص ۳۸۱؛ درباره محمد بن بشر حَمْدُونی.

۲۶۵. اوائل المقالات، ص ۴۴.

إِنَّ اسْتِحْقَاقَ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَهُ، بِهَذِهِ الصِّفَاتِ (أَعْنِي كَوْنَهُ - تَعَالَى - سَمِيعاً بَصِيراً وَرَئِياً وَمُدْرِكاً) كُلُّهَا مِنْ جَهَةِ السَّمْعِ دُونَ الْقِيَاسِ وَدَلَائِلِ الْعُقُولِ.^{۲۶۶}
اینکه خداوند قدیم، سبحانه، بایستة این صفات، یعنی سمیع و بصیر و بینا و مدركه است بر پایه قرآن و سنت است، نه بر اساس قیاس و دلایل عقلی.

و در مورد بداء تصریح می کند:

قَوْلُ الْإِمَامِيَّةِ فِي الْبَدَاءِ طَرِيقَةُ السَّمْعِ دُونَ الْعَقْلِ.^{۲۶۷}
باور امامیه در خصوص بدا از راه نص است نه عقل.

به این سبب برخی از محققین پس از اشاره به برخی از نکات بالا نوشته اند:

وارد شدن عنصر سَمْع در بنای مکتب کلامی شیخ مفید، موجب آن شده است که به مدد بیانات ائمه (علیهم السلام) بسیاری از مباحث دشوار، که دست یافتن به سخن حق در آن مسیری طولانی را می طلبد، به آسانی در مجموعه کلامی آن بزرگوار جای گیرد و خط سیر کلامی شیعه را پس از مفید، از انحرافها و اضطرابهای فکری نجات بخشد.^{۲۶۸}
به این سبب شیخ مفید به عنوان تثبیت گر هویت مستقل مکتب تشیع معرفی شده است.^{۲۶۹}
کتاب النقص علی ابن الجنید نیز برای روشن کردن محدوده عقل و استفاده نکردن از قیاس در استنباطهای فقهی نگاشته شده است.

۳- آفرینش شیوه های منطقی و صحیح در جمع بین عقل و نقل

گفتیم که معتزله، نسبت به نقل بی اعتنا بودند و به استنتاجات عقلی خویش تکیه داشتند. این شیوه، پیشینه ای کهن داشت و به اصحاب رأی در کوفه و بصره منتهی می شد.
در مقابل، شیوه اهل حدیث و اخبارگرایان سنی و شیعه این بود که به متون نقلی بها می دادند و نسبت به استنتاجات و نظرات عقل بی اعتنا بودند.

افراط و تفریط در دو سوی این روشها هویداست. اما دانشوران مدرسه بغداد، به ویژه بنیان گذار آن شیخ مفید (رحمة الله علیه)، سعی در تعادل و توازن بین عقل و نقل داشتند و این شیوه را، هم در فقه و هم در کلام، به کار برده اند.

عدول از شیوه فقیهان قدیم، که تنها به فقه مأثور می پرداختند، در مدرسه بغداد شکلی جدی به خود گرفت و با شیخ طوسی به اوج رسید. البته این شیوه موجب نشد که عالمان مدرسه بغداد همانند ابن جنید و ابن ابی عقیل عمّانی در ورطه اهل رأی و نظر نیز بیفتند.
شیخ مفید در تبیین این روش و نقد دو روش پیشین نوشته است:

۲۶۶. همان، ص ۵۹.

۲۶۷. تصحیح الاعتقاد، ص ۶۵.

۲۶۸. ر.ک: پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره شیخ مفید، ص ۴۲.

۲۶۹. همان، ص ۱۲؛ مطالعه پیام نغز و پربار رهبر معظم انقلاب اسلامی به کنگره شیخ مفید برای شناخت ایشان در مکتب فکری بغداد لازم است.

لا يجوز لأحد من الخلق أن يحكم على الحق فيما وقع فيه الاختلاف من معنى كتاب أو سنة أو مدلول دليل عقلي إلا بعد إحاطة العلم بذلك ... والذي رواه ابو جعفر (رحمة الله عليه) فليس يجب العمل بجميعة، إذا لم يكن ثابتاً ... واصحاب الحديث ينقلون الغث والسمين ولا يقتصرون في النقل على المعلوم ... فأما كتب أبي علي، [محمد بن الجنيد] فقد حشاها باحكام عمل فيها على الظن واستعمل فيها مذهب المخالفين في القياس المرذل.^{۲۷۰}

جایز نیست که کسی در معنای قرآن یا سنت یا مدلول دلیل عقلی، که در آنها اختلاف آرا وجود دارد، بدون احاطه علمی بر آنها حکم به حقانیت کند ... و در صورتی که [صدور] آنچه شیخ صدوق (رحمة الله عليه) روایت کرده است، اثبات نشده باشد، لازم نیست به هیچ یک عمل شود ...، زیرا اصحاب حدیث سره و ناسره را نقل می کنند و در نقل روایات بر آنچه به [صدور] آن علم است، اکتفا نمی کنند ... ابوعلی و ابن جنید کتابهای خویش را از احکامی آکنده کرده اند که در آنها بر پایه ظن عمل کرده اند و از قیاس ناپسند، که روش مخالفان است، بهره برده اند.

با توجه به این مبانی، این سخن بسیار صحیح خواهد بود که:

هر یک از دو جریان [پیشین] از جهتی ناقص است؛ در جریان اول، فتوا همان متن روایت است، بدون تفریع و ردّ فرع بر اصل و بحث و مناقشه و نقد و استنتاج. اجتهاد به معنای مصطلح آن، در فقه دخال و تأثیری ندارد و در جریان دوم اگر چه استدلال و نظر هست، لیکن گویا، آن نیست که به اقتضای تعالیم مکتب اهل بیت (علیهم السلام) باید باشد، است

فقه مفید از این هر دو عیب پاک و دارای هر دو مزیت است؛ یعنی هم بر روشهای معتبر نزد امامیه تکیه دارد و هم از اجتهاد مصطلح و دخالت دادن عنصر استدلال و استنباط نظری در فقه بهره مند است. بنابراین، او همان کسی است که قالب علمی مقبول و معتبر را نزد شیعه به دست آورد و موارد ماثور و اصول متلقات را نظم علمی بخشید و آن را در حوزه فقه شیعه باقی گذارد.^{۲۷۱}

این شیوه در علم کلام، دقیق تر و شیواتر مورد عمل قرار گرفت. دخالت عنصر سماع، که به معنای شنیدن متون و حیانی از معصومین (علیهم السلام) است، در کنار معیار و مبنای عقل در حوزه مباحث کلامی، از ویژگیهای مدرسه حدیثی بغداد است. شیخ مفید در آثار خویش به این واژه فراوان توجه دارد.^{۲۷۲}

۲۷۰. المسائل السرویه، ص ۷۳.

۲۷۱. از پیام رهبر انقلاب به کنگره شیخ مفید، ص ۳۱.

۲۷۲. مراجعه شود به آثار شیخ مفید که دهها بار این واژه را به کار برده و گاه آن را تنها طریق دستیابی به شناخت هستی دانسته است؛ برای نمونه: «والکلام في عذاب القبر: طريقه السمع دون العقل ...»؛ المسائل السرویه، ص ۶۲. سید مرتضی (رحمة الله عليه) نیز این واژه را به کار برده است؛ رک: به کتاب تنزیه الانبیاء، ص ۵۸ و ...

۴- تثبیت هویت مستقل مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

خطر بزرگی که پس از آغاز دوران غیبت کبری تفکر شیعی را تهدید می‌کرد، نفوذ تفکرات بیگانه با این مذهب در درون آن بود. در زمان حضور امامان (علیهم السلام)، امام به عنوان مرزبان بیدار و هوشیار، نگهبان این تفکر بود. پس از آغاز غیبت، این وظیفه مهم بر عهده دانشمندان شیعه قرار گرفت. آنان باید با استفاده از میراث ارزشمند ائمه (علیهم السلام)، به تبیین چارچوب دقیق فکری شیعه، به عنوان یک نظام فکری و عملی، می‌پرداختند به گونه‌ای که بتوانند هم از انحراف و خروج از حیطه مبانی مذهب جلوگیری کنند و هم آزادی فکری درون مذهبی را محدود نکنند تا تشیع بتواند به نیازهای زمانه پاسخ گوید و در مواجهه با مشکلات فکری و عملی سربلند بیرون آید.

مدرسه حدیثی قم، در قبال انحراف بیرونی به شدت و بی‌ملاحظه واکنش نشان می‌داد، ولی قدرت پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه را نداشت؛ به این سبب گرایش‌های معتزلی در میان متفکران شیعی پیدا شد.^{۲۷۳} مبارزه حذفی با خطر غلو؛ یعنی اخراج و تبعید متهمان به غلو، با تعریف خاص قم نیز مشکل را حل نکرد. اما مدرسه بغداد، به رهبری شیخ مفید (رحمة الله علیه) هویت مستقلی برای پیروان مکتب اهل بیت تثبیت کرد. این امر در بغداد و در حضور نحله‌های فکری متفاوت بسیار بااهمیت می‌نمود. تأسیس فقه تفریعی شیعه با استفاده از اصل اجتهاد و با بهره‌برداری از سرمایه حدیث اهل بیت (علیهم السلام)، از ثمرات مدرسه بغداد است که تاکنون ادامه دارد.

نگارش اولین کتابهای اصولی، همانند *التذکره باصول الفقه*، نگاشته شیخ مفید (رحمة الله علیه)، *النریعه*، به قلم سید مرتضی (رحمة الله علیه) و *عدة الاصول* نوشته شیخ طوسی (رحمة الله علیه) از ثمرات این تفکر است. همچنین نگارش کتابهای کلامی چون بسیاری از کتابها و رساله‌های شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و کراجکی نیز در این راستا است.

شیخ مفید (رحمة الله علیه)، در کتاب *اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات* به بیان تفاوت میان شیعه و معتزله پرداخته و آنها را بر فراز آورده است.

تبیین نظر شیعه در برخی از مسائل، همانند صفات خدا، عصمت و امامت از ویژگیهای این مکتب فکری است.

تفکر حاکم بر مدرسه بغداد را می‌توان، تفکری منطقی و روزآمد و در خلاف جهت تفکر حاکم بر اخباریان^{۲۷۴} به شمار آورد.

۲۷۳. خاندان بنی‌نوبخت نمونه خوبی از شیعیان متمایل به تفکر اعتزال هستند. ابن‌جنید نیز نمونه فقهی این گرایش است.

۲۷۴. ر.ک: به جلسه دوازدهم همین مجموعه.

محدثان مشهور مدرسه بغداد

در مباحث پیشین، مهم‌ترین محدثان و شخصیت‌های تأثیرگذار مدرسه بغداد را مورد بررسی قرار دادیم. شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی و سید رضی، چهار نفر از سرشناس‌ترین عالمان این مدرسه هستند که با توجه به شهرت این افراد و اشاره‌هایی که در درسهای پیشین به زندگی‌نامه‌های ایشان داشتیم، از توضیح بیشتر درباره این افراد صرف‌نظر می‌کنیم.^{۲۷۵}

آثار ماندگار حدیثی

کتابهای تهذیب الأحکام، الاستبصار، نهج البلاغه، امالی مفید، امالی طوسی و الغیبه از مشهورترین آثار ماندگار حدیثی مدرسه بغداد هستند که در درسهای پیشین این کتابها و آثار دیگر این مدرسه را مورد بررسی قرار دادیم.

۲۷۵. در مورد سید رضی و اثر ماندگار او نهج البلاغه، در مباحث آینده به تفصیل بحث خواهیم کرد.

جلسه ششم

حوزه‌های حدیثی

اهداف

- ✓ آشنایی با تقسیمات حوزه‌های حدیثی شیعه؛
- ✓ شناخت اجمالی مهم‌ترین حوزه‌های حدیثی خراسان بزرگ و برخی دانشوران آن؛
- ✓ آشنایی اجمالی با حوزه‌های حدیثی ری و مصر.

درآمد

دقت و تأمل در متون حدیثی و تاریخی مربوط به سده‌های چهارم و پنجم، بیانگر این است که علاوه بر مدرسه‌های حدیثی قم و بغداد، حوزه‌های کوچک و بزرگ حدیثی شیعی فراوانی نیز در گوشه و کنار سرزمینهای اسلامی وجود داشت. تعدد و تنوع این حوزه‌های حدیثی، مرهون گستردگی جغرافیای مناطق شیعی و تلاش عالمان و حدیث‌پژوهان در شهرهای گوناگون بود.

با نگاه به سازمان وکالت ناحیه مقدسه،^{۲۷۶} تنوع جغرافیایی مناطق شیعه‌نشین در این دو سده، روشن‌تر می‌شود. در ابتدای سده چهارم و در سالهای پایانی غیبت صغری، وکیلان مستقیم و یا باواسطه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شهرهای گوناگون پراکنده بودند، به طوری که شهرهایی چون بغداد، قم، آوه، ری، همدان، نیشابور و ... هر کدام وکیلی خاص برای ناحیه خود داشتند. طبیعی است که تعداد شیعیان این شهرها و احتیاج علمی و درآمد اقتصادی آنها به حدی بوده است که می‌بایست شخصی خاص، متولی این امور گردد. این گونه شهرها، حوزه حدیثی و معارفی نیز داشتند و هر مقدار شهر و تعداد شیعیان ساکن در آن گسترده‌تر و بیشتر می‌شد، حوزه حدیثی آن نیز قدرتمندتر می‌شد.

۲۷۶. «سازمان وکالت» اصطلاحی است که به تشکیلات منظم وکلای امامان معصوم (علیهم السلام) اشاره دارد. پیدایش وکیلان از آغاز دوران امامت و گسترش این افراد در دوران پس از امام باقر (علیه السلام)، اقتضای آن داشت که سازمانی تشکیلاتی به این افراد و رابطه بین آنها بیفزاید. این تشکیلات منظم در زمان امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام)، شاکله نهایی خود را پیدا کرده و برای هر منطقه شیعه‌نشین، فرد یا افرادی را به عنوان «وکیل ناحیه مقدسه» معرفی نمود. آقای دکتر محمدرضا جباری در کتاب دراز دامن سازمان وکالت، تحقیق مفصلی در مورد این وکیلان انجام داده است.

تقسیم‌بندی حوزه‌های حدیثی

به منظور آشنایی دقیق‌تر با حوزه‌های حدیثی، آنها را به چند گروه اصلی تقسیم و حوزه‌ها را در گروه‌های کوچک‌تر بررسی می‌کنیم.

منطقه ایران؛ شامل حوزه‌های: خراسان بزرگ (سمرقند، گش و نیشابور)، جبل (طبرستان و قزوین)، مرکزی (قم، ری، کاشان و همدان) و جنوب (اهواز و فارس).

منطقه عراق؛ شامل حوزه‌های: بغداد و کوفه.

منطقه سامات؛ شامل حوزه‌های: مصر، شام و حلب.

حوزه‌های حدیثی خراسان

خراسان، منطقه‌ای بزرگ در شرق سرزمین‌های اسلامی است که در دوران خلیفه دوم و سوم و در زمان امامت امام علی (علیه السلام) به تصرف مسلمانان درآمد. خراسان آن روزگار، علاوه بر خراسان موجود در زمان ما، کشورهای شرق دریای خزر، قسمتی از افغانستان و ... را نیز در بر می‌گرفت.^{۲۷۷}

بیشتر مناطق خراسان محل سکونت اهل تسنن بود و حوزه‌های حدیثی سنی نیز در آن دیار پررونق بود. شیعیان در بعضی از شهرهای خراسان، همانند سبزوار، اکثریت داشتند و در شهرهای دیگر نیز رابطه خوبی با اهل سنت داشتند. سنّیان منطقه خراسان به علت همجواری با بارگاه ملکوتی امام رضا (علیه السلام) و دوری از منطقه حجاز، در برخورد با شیعیان و فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) تعصب کمتری داشتند. وجود راویانی با عنوان خراسانی، مَروزی، هِروی،^{۲۷۸} بلخی و ... در میان اصحاب امامان (علیهم السلام)،^{۲۷۹} بیانگر رواج تفکر شیعی در این منطقه است.

ارتباط محدثان سنی و شیعه، نسبتاً مناسب بود و گاه برخی از محدثان یک فرقه از محدثان فرقه دیگر حدیث نقل می‌کردند. شیخ صدوق اساتید سنی فراوانی داشت که بسیاری از آنان خراسانی بودند؛ وی به شهرهای بلخ، سرخس، ایلاق، سمرقند، فرغانه و مشهد سفر کرده^{۲۸۰} و در ایلاق تصمیم گرفت که کتاب من لا یحضره الفقیه را بنا به درخواست ابوعبدالله نعمت، تألیف کند.^{۲۸۱}

خراسان حوزه‌های حدیثی گسترده و متنوعی داشت که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۲۷۷. ر.ک: معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵۰.

۲۷۸. مروزی، یعنی کسی که در مرو زندگی می‌کرده است. لقب هروی نیز برای ساکنان و منسوبان به هرات به کار می‌رفته است؛ همانند ابوالصلت هروی.

۲۷۹. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۴۰۷، ۱۳۹، ۱۸۹، ۷۲، ۲۵.

۲۸۰. مقدمه معانی/الاخیار به قلم علی‌اکبر غفاری، ص ۲۵ - ۱۷.

۲۸۱. ر.ک: من لا یحضره الفقیه، ج ۱، مقدمه شیخ صدوق.

۱- سمرقند

منطقه‌ای در شمال خراسان و از شهرهای باستانی بود که پیشینه‌ای علمی داشت. عالمان شیعه در سمرقند حوزه علمی قابل توجهی بنیان گذاردند.

نجاشی درباره یکی از دانشمندان این دیار به نام عیاشی، که خانه‌اش را به مدرسه‌ای علمی تبدیل کرده بود، نوشته است:

داره التي كانت مرتعاً للشيعة وأهل العلم.^{۲۸۲}

خانه‌اش مرتع (محل رفت و آمد و بهره‌گیری) شیعیان و دانشمندان بود.

همچنین به این نکته اشاره کرده است:

أنفق أبو النضر على العلم والحديث تركة أبيه سائرها و كانت ثلاثمائة ألف دينار و كانت داره كالمسجد بين ناسخ أو مقابل أو قارئ أو معلق مملوءة من الناس.^{۲۸۳}

ابونضر [محمد بن مسعود، معروف به عیاشی] تمام ارث پدرش را، که سیصد هزار دینار بود، در راه علم و حدیث صرف کرد. خانه‌اش در میان ناسخان و مقابله‌گران و قاریان و حاشیه‌نگاران، همچون مسجد، آکنده از مردمان بود.

نزدیک به ده نفر از مشایخ حدیث ابوعمر و کشی که نامشان در کتاب رجال او آمده است، به سمرقند و کش (از شهرهای نزدیک سمرقند) منسوب هستند.

محمد بن مسعود عیاشی و ابوعمر و کشی، دو تن از مشهورترین عالمان این حوزه حدیثی هستند.

محمد بن مسعود عیاشی

وی قبل از گرویدن به تشیع بر مذهب اهل سنت بود. نجاشی او را «ثقة، صدوق، عین من عیون هذه الطائفة» خوانده است، که اساتیدی از کوفه، بغداد و قم داشته است. وی حدوداً هم طبقه کلینی^{۲۸۴} و فردی کثیر التالیف بود. شیخ طوسی و ابن ندیم کتابهای او را بیش از دویست عنوان دانسته‌اند.^{۲۸۵} نجاشی نام یکصد و هفتاد کتاب او را ذکر کرده است^{۲۸۶} که تفسیر عیاشی، تنها کتاب باقیمانده از اوست و از مهم‌ترین منابع تفسیر ماثور شمرده شده که بیش از دو هزار حدیث دارد.^{۲۸۷}

۲۸۲. رجال نجاشی، ص ۳۷۲.

۲۸۳. همان، ص ۳۵۱.

۲۸۴. مقدمه تفسیر عیاشی، ص ۵.

۲۸۵. فهرست شیخ طوسی، ص ۲۱۲؛ فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۴.

۲۸۶. رجال نجاشی، ص ۳۵۱.

۲۸۷. ر.ک: مقدمه تفسیر عیاشی به قلم علامه طباطبائی، ص ۵ - ۱.

ابوعمر و کُشی

محمد بن عمرو کُشی یکی دیگر از محدثان مشهور سمرقند است که شاگرد عیاشی و استاد تلّکُبری بوده است. نجاشی درباره وی نوشته است:

كَانَ ثِقَةً عَيْنًا وَ رَوَى عَنِ الضُّعَفَاءِ كَثِيرًا وَ صَحِبَ الْعِيَاشِيَّ وَ أَخَذَ عَنْهُ.^{۲۸۸}

مردی معتبر و متشخص (عین) است. وی از روایات ضعیف بسیار نقل کرده، شاگرد عیاشی بوده و از وی کسب علم کرده است.

وی حدوداً هم طبقه ثقة الاسلام کلینی است.^{۲۸۹} کتاب رجال او آنقدر شهرت داشته که شیخ طوسی منتخبی از آن را با نام /اختیار معرفة الرجال/ ارائه کرده که در دسترس است. مهم‌ترین امتیاز این کتاب، نقل مسند روایات و اخبار مربوط به راویان آن است. این شیوه در کتابهای دیگر رجالی رعایت نمی‌شود. از عالمان دیگر این دیار می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

۱- حسین بن آشکِب مَروزی، که در سمرقند و کُش ساکن بوده است؛^{۲۹۰}

۲- جعفر بن احمد بن ایوب، استاد عیاشی؛^{۲۹۱}

۳- محمد بن مسعود بن مزید کُشی؛^{۲۹۲}

۴- محمد بن ابراهیم وراق سمرقندی؛^{۲۹۳}

۵- حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی؛^{۲۹۴}

۶- جعفر بن محمد بن مسعود عیاشی؛^{۲۹۵} که راوی تمام کتب پدرش بوده است.

شیخ طوسی بیش از چهل نفر دیگر از محدثان این دیار را نام برده است.^{۲۹۶} بسیاری از عالمان این منطقه با عنوان شاگردان و یا غلمان^{۲۹۷} عیاشی توصیف شده‌اند.

۲- نیشابور

نیشابور در سده‌های اولیه تاریخ اسلام، یکی از حوزه‌های حدیثی مشهور سنیان بود. مسلم نیشابوری، صاحب کتاب صحیح مسلم، و حاکم نیشابوری، مؤلف کتاب /المستدرک علی الصحیحین/، از مشهورترین محدثان آن

۲۸۸. رجال نجاشی، ص ۳۷۲.

۲۸۹. معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۶۷.

۲۹۰. رجال نجاشی، ص ۴۴.

۲۹۱. همان، ص ۱۲۱.

۲۹۲. رجال کُشی، ص ۵۵۱ و

۲۹۳. همان، ص ۸۱۷ و ...

۲۹۴. فهرست شیخ طوسی، ص ۱۲۰.

۲۹۵. همان، ص ۲۱۵ به بعد.

۲۹۶. ر.ک: رجال طوسی، ص ۴۰۵ به بعد.

۲۹۷. غلمان در لغت جمع غلام به معنای فرزند است و در اینجا مراد شاگردان است.

دیار هستند. عبور امام رضا (علیه السلام) از نیشابور و درخواست عالمان آن دیار برای شنیدن روایت از ایشان، بیانگر کم بودن تعصب در میان محدثان سنی آن دیار است.

محدثان شیعی نیز در نیشابور حوزه درسی داشتند. محدثانی همچون: حمدان بن سلیمان نیشابوری،^{۲۹۸} علی بن محمد بن قتیبه،^{۲۹۹} ابامحمد علوی،^{۳۰۰} یحیی بن محمد،^{۳۰۱} شاگرد فضل بن شاذان و استاد ابوعمر و کشی، و مهم‌تر از همه، فضل بن شاذان از این دیار برخاسته‌اند. خاندان فضل بن شاذان، همچون پدر و فرزندان، خانواده‌ای مشهور و معتبر از محدثان بوده‌اند. مقبره فضل بن شاذان در نیشابور است. شیعیان نیشابور آنقدر زیاد بودند که ابراهیم بن عبده از زمان امام هادی (علیه السلام) به عنوان وکیلی خاص برای آن دیار منصوب شد؛ وی از اصحاب امام هادی (علیه السلام) بود که زمان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و غیبت صغری را نیز درک کرده است.^{۳۰۲}

فَتَالِ نِشَابُورِی وَ رَوْضَةِ الْوَاعِظِینِ

ابوعلی محمد بن حسن فتال نیشابوری از محدثان این دیار در قرن پنجم است. وی در نیشابور و بغداد تحصیل کرد. اساتید بغدادی او شیخ طوسی و سید مرتضی بوده‌اند. ابن شهر آشوب نیز از شاگردان او بوده است. وی در سال ۵۰۸ در نیشابور درگذشت،^{۳۰۳} شیخ منتجب‌الدین او را شهید خوانده است.^{۳۰۴} کتاب مشهور او رَوْضَةُ الْوَاعِظِینِ وَ بَصِیرَةُ الْمُتَعِظِینِ نام دارد که در پی جمع‌آوری مباحث بنیادین عقیدتی و بیان آداب و اخلاق و مواظب بوده و آن را به صورت ابواب و مجالس (در صد مجلس) سامان داده است.

خاتمه

افراد دیگری با القاب سَرخسی، هَرَوِی، مَرَوِزی، بلخی، بیهقی و در این دوران بوده‌اند که در حوزه خراسان تحصیل و تدریس می‌کرده‌اند،^{۳۰۵} ولی شهر آنان حوزه حدیثی نداشته است. مثلاً منطقه بیهق، به ویژه سبزوار، منطقه‌ای شیعه‌نشین بوده ولی گزارش معتبری از حوزه حدیثی شیعه دوازده امامی در این دیار در دست نیست. نکته مهم این است که شماری از روایان منطقه خراسان، به تفکر غالگیری متهم هستند.^{۳۰۶}

۲۹۸. رجال نجاشی، ص ۱۳۸.

۲۹۹. همان، ص ۲۵۹.

۳۰۰. همان، ص ۴۲۲.

۳۰۱. همان، ص ۴۴۳.

۳۰۲. ر.ک: اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۴۸ - ۸۴۶؛ رجال طوسی، ص ۳۹۷ و ۳۸۴.

۳۰۳. مقدمه کتاب رَوْضَةُ الْوَاعِظِینِ.

۳۰۴. فهرست منتجب‌الدین، ص ۱۰۸.

۳۰۵. ر.ک: تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۲۶۰ به بعد.

۳۰۶. ر.ک: همان، ص ۲۶۵.

طبرستان و دیلم

به دلیل کوهستانی بودن منطقه طبرستان و فاصله زیاد آن با شام و بغداد، بسیاری از سادات و شیعیان فراری از حکومت، به این منطقه مهاجرت کردند که حضور عالمان و سردمداران زیدیه در این دیار شاهی بر این مدعاست. یحیی بن عبدالله بن حسن، از اصحاب امام صادق (علیه السلام) و از نوادگان امام حسن مجتبی (علیه السلام)، از جمله کسانی بود که پس از قیام شهید فخر^{۳۰۷} به این منطقه گریخت.

چون طبرستان در مسیر حرکت شیعیان به سمت خراسان بود، بنابراین حوزه‌های حدیثی در آمل، گرگان و ... تأسیس شد. نجاشی به نقل از ابومحمد حسن بن حمزه طبری آورده است:

أَنَّ أَبَا الْعَبَّاسِ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدٍ الدِّينَوْرِيَّ حَدَّثَهُمْ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ بَكْتَبَه وَ جَمِيعِ مُصَنَّفَاتِهِ عِنْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنْ زِيَارَةِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام)، أَيَّامَ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ النَّاصِرِ بِأَمْلِ طَبْرِسْتَانَ سَنَةَ ثَلَاثِمِائَةٍ.^{۳۰۸}

ابوالعباس احمد بن محمد دینوری هنگام بازگشت از زیارت امام رضا (علیه السلام) در آمل طبرستان، به روزگار [حکومت] جعفر بن حسن ناصر، سال سیصد [قمری]، درباره کتابها و تمامی نگاشته‌های حسین بن سعید به آنان خبر داد.

مرعشیان طبرستان نیز گروهی کهن و پرجمعیت بودند که به بغداد و شهرهای دیگر رفته و در منطقه خویش نیز حوزه علمی و حدیثی داشتند.

کثرت روایانی که با لقب طبری در کتابهای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی آمده، از وجود حوزه‌ای پررونق در این مناطق حکایت دارد؛ همچنین وجود سلسله سند راویان که از یک منطقه برخاسته و در همان منطقه زیسته‌اند، نشانه عدم مهاجرت این افراد از منطقه خویش است.

مثلاً کتاب *المستتر*، نگاشته محمد بن جریر بن رستم طبری آملی، به وسیله شاگردش حسن بن حمزه طبری روایت شده است.^{۳۰۹} محمد بن جریر بن رستم، زاده ساری و محمد بن حسن بن عبیدالله نیز ساکن آمل بوده‌اند.^{۳۱۰}

وجود کتابی با نام *جوابات اهل طبرستان*^{۳۱۱} از تألیفات شیخ مفید، حاکی از ارتباط این منطقه با مدرسه علمی بغداد است.

گرگان (جرجان) نیز منطقه‌ای بوده است که عالمان فراوانی داشته که با وصف جرجانی در اسناد و کتابهای رجال یاد شده‌اند؛ سید مرتضی و شیخ مفید نیز هر کدام کتابهایی با نام *المسائل الجرجانیة*

۳۰۷. حسین بن علی بن حسن، از نوادگان امام حسن (علیه السلام) بود که در زمان خلافت هادی از خلفای بنی عباس قیام کرد و در سال ۱۶۹ هـ در منطقه فخر، در نزدیکی مکه، به شهادت رسید.

۳۰۸. رجال نجاشی، ص ۶۰.

۳۰۹. همان، ص ۳۷۶.

۳۱۰. همان، ص ۳۹۵.

۳۱۱. همان، ص ۴۰۱.

نگاشته‌اند.^{۳۱۲} شیخ مفید کتابهایی با نام *المسائل المازندرانیة* نیز دارد.^{۳۱۳}

در اسناد شیخ صدوق، که گاه به محل تحمل روایت نیز اشاره می‌شود، به مواردی از نقل حدیث در مناطق مختلف طبرستان اشاره شده است.^{۳۱۴} پیدایش آل بویه از این منطقه نیز دلیل دیگری بر رواج باورهای شیعی در این منطقه است.

عبدالجلیل قزوینی در کتاب *النقض* دربارهٔ مدرسه‌های شیعیان در این مناطق نوشته است:
اگر به تعدید مدارس سادات مشغول شویم، در بلاد خراسان و حدود مازندران و شهرهای شام، از حلب تا حرّان، و از بلاد عراق چون قم و کاشان و آبه، که مدارس چند است؟ و کی بوده است؟ و اوقاف چند؟ طومارات کتب خواهد!^{۳۱۵}

ری

در قرن چهارم و پنجم شیعیان ری، گروهی بانفوذ و رو به پیشرفت بوده‌اند، هر چند اکثریت مردم و عالمان این دیار سنی بودند.

در میان اصحاب امامان (علیهم السلام) از راویانی با وصف رازی یاد شده است.^{۳۱۶} برخی، از شهرهایی چون کوفه به این شهر مهاجرت کرده‌اند که یحیی بن علاء بَجَلّی کوفی از این گروه است.^{۳۱۷}
حضور حضرت عبدالعظیم حسنی در ری (قرن سوم) و مدفن آن بزرگوار، سبب ترویج فرهنگ شیعی در این شهر شد. خاندان ثقة الاسلام کلینی نیز از عالمان این دیار بودند. علی بن محمد رازی مشهور به علّان کلینی، استاد و دایی ثقة الاسلام کلینی بود که کتابی با نام *اخبار/تقائم* دارد. کلینی با عبارت «شَیْخُ اصْحَابِنَا بِالرِّیِّ» توصیف شده است.

نزدیکی ری به قم موجب ارتباط بین عالمان این دو شهر بود. اگرچه مدرسه حدیثی قم بسیار مهم‌تر بود و بر حوزه حدیثی ری بیشتر تأثیر داشت، ولی آزادی عمل در ری، باعث شد برخی از تبعیدیان قم به این شهر هجرت کنند که سهل بن زیاد رازی از این گروه است. از این رو برخی از افراد محدث ری، به غلو متهم شدند و برخی نیز با این اتهام از قم به ری مهاجرت کردند.^{۳۱۸}

۳۱۲. فهرست شیخ طوسی، ص ۲۳۸ - ۱۶۵.

۳۱۳. همان.

۳۱۴. ر.ک: توحید، ص ۳۸۱، خصال، ص ۱۶۵.

۳۱۵. ر.ک: تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۳۸۰، به نقل از کتاب *النقض*، ص ۳۴.

۳۱۶. رجال نجاشی، ص ۱۰۹، ۱۲۶، ۲۲۸ و ...

۳۱۷. همان، ص ۴۴۳.

۳۱۸. ر.ک: رجال ابن غضائری، ص ۱۲۵، ۹۷، ۷۹، ۶۶، ۵۱ و ۴۳.

سیطره آل بویه بر ری و به قدرت رسیدن وزیران دانشمندی همچون صاحب بن عباد، موجب رواج فرهنگ شیعی در این شهر شد. کتابخانه مشهور صاحب، در این شهر آکنده از کتابهای کلامی، حدیثی و ادبی بود. شیخ صدوق، کتاب *عیون الاخبار* را برای صاحب بن عباد نوشت و به کتابخانه او هدیه کرد. خاندان شیخ صدوق تا سالها بعد، از عالمان این دیار بوده‌اند. وجود افرادی چون محمد بن عبدالرحمن بن قیه رازی، شیخ جعفر دُرَیستی^{۳۱۹} (طَرشتی)، محمد بن حَسَّان رازی، عبدالله بن احمد رازی و بسیاری دیگر با این عنوان، نشان می‌دهد که عالمان شیعی در نسلهای متفاوت در این شهر می‌زیسته‌اند. در کتاب *فهرست مُتَجَبِّ الدین*، از نوادگان شیخ صدوق، بسیاری از دانشمندان و مؤلفان این شهر نام برده شده است. نام دهها دانشمند شیعی این حوزه را، با مراجعه به کتاب *مفاخر ری* نیز می‌توان یافت.^{۳۲۰} هجوم سلطان محمود غزنوی در سال ۴۲۰ هجری، اگر چه موجب سقوط آل بویه در این شهر و خراب شدن مدارس و کتابخانه‌های شیعی گشت، ولی حوزه آموزشی و معرفتی شیعه در این شهر، همچنان پا برجا ماند و سالهای زیادی به ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) پرداخت.

مصر

ارتباط مصریان با اهل بیت (علیهم السلام) پیشینه‌ای کهن دارد. درخواست مردم مصر برای حکمرانی محمد بن ابی‌بکر، فرزندخوانده امام علی (علیه السلام)، بیانگر دوری گزیدن آنان از امویان و اشتیاق ایشان به نزدیکی به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. اسماعیل، فرزند امام کاظم (علیه السلام)، نیز به مصر مهاجرت کرد و فرزندانش در آنجا ساکن شدند.

راویان دیگری نیز در مصر می‌زیسته و یا در آنجا حدیث خوانده و گفته‌اند که احمد بن محمد جرجانی،^{۳۲۱} محمد بن احمد صابونی،^{۳۲۲} عبیدالله فضل^{۳۲۳} و محمد بن محمد بن أشعث^{۳۲۴} از این جمله‌اند. محمد بن محمد بن أشعث متولد کوفه است که به مصر مهاجرت کرد. کتابی با نام *اشعثیات* و یا *جعفریات* به او منسوب است که مجموعه روایاتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که امام صادق (علیه السلام) آنها

۳۱۹. دُرَیست من قُرَى الرِّی (معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۸۴).

۳۲۰. ر.ک: مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم (علیه السلام)، ج ۱۷؛ حسن صادقی، *مفاخر ری*، ص ۲۸۶ - ۲۷۸. (نامهای محدثان این دیار فهرست شده است).

۳۲۱. رجال نجاشی، ص ۸۶.

۳۲۲. همان، ص ۱۲۶.

۳۲۳. همان، ص ۲۳۲.

۳۲۴. همان، ص ۳۷۹.

را از طریق پدران پاک خود روایت کرده است. مرحوم فضل‌الله راوندی خلاصه‌ای از آن با نام //نوادِر راوندی// تهیه کرده است.^{۳۲۵}

قرن چهارم و پنجم، دوران قدرت یافتن فاطمیان در مصر بود. اگرچه آنان تفکر اسماعیلی داشتند، ولی تکیه‌گاه احکام حقوقی و آداب اجتماعی آنان برگرفته از تفکر شیعی بود. تشکیل مدرسه علمی عظیم الازهر در مصر، موجب رواج آموزش آموزه‌های معرفتی اهل بیت (علیهم السلام) در آنجا گردید. قاضی نعمان مغربی، عالم مشهور این دوره (م ۳۶۳ ق) است. او دو کتاب مشهور خود، *دعائم الاسلام* و *شرح الأخبار*، را از مجموعه روایات شیعه فراهم آورده است.

پیشینیان در مذهب قاضی نعمان اختلاف کرده‌اند. عده‌ای او را سنی‌مذهب دانسته‌اند و برخی همانند علامه مجلسی^{۳۲۶} و محدث نوری^{۳۲۷} بر امامی بودن او تأکید کرده و گفته‌اند که وی به تقیه عمل می‌کرده است؛ علامه مجلسی می‌گوید: «اکثر روایات او در مصادر شیعی موجود است و این دلیل بر تشیع او است.»^{۳۲۸} کتاب *دعائم*، فقه حکومتی اسماعیلیه مصر را تدوین کرده و با استناد به روایات اهل بیت (علیهم السلام) آن را اثبات کرده است. تمامی روایات کتاب، مرسل و مطابق با نظر مؤلف آن صحیح شمرده می‌شود. کتاب دیگر او *شرح الأخبار* است که به فضایل امامان تا امام صادق (علیه السلام) پرداخته است. تأمل در این دو کتاب و چگونگی نگاه قاضی نعمان به موضوع مهدویت، این نکته را به اثبات می‌رساند که او شیعه دوازده امامی نیست؛ چرا که حاکم فاطمی را به عنوان امام مهدی و امام عصر مطرح می‌کند^{۳۲۹} که به هیچ وجه با عقاید شیعی تناسب ندارد. مباحث انتهایی کتاب که درباره مهدویت است، همه بر خلفای فاطمی تطبیق شده است.

وی اگر چه شیعه دوازده امامی نیست، ولی از مصادر حدیثی شیعیان بسیار استفاده کرده و باعث انتقال میراث حدیثی آنان به ما شده است.

۳۲۵. ر.ک: *نوادِر راوندی*، مقدمه.

۳۲۶. *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۳۶.

۳۲۷. *خاتمه مستدرک*، ج ۱، ص ۴۰ به بعد.

۳۲۸. *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۳۶.

۳۲۹. *شرح الأخبار*، ص ۱۸ - ۵۸.

جلسه هفتم

حدیث در سده‌های ششم و هفتم

اهداف درس

- ✓ آشنایی با تحولات و چالشهای فراروی حدیث شیعه در سده‌های ششم و هفتم؛
- ✓ معرفی برخی محدثان سرشناس این دوره و آثار حدیثی آنان.

وضعیت علم حدیث، حوزه‌ها و دانشوران حدیث در سده‌های ششم و هفتم

تسلط ترکان سلجوقی بر بغداد در نیمهٔ قرن پنجم، موجب از هم پاشیدگی حوزهٔ شیعی بغداد گشت. حوزهٔ شیعی بغداد در زمینهٔ فقه، کلام و حدیث، مبانی و معیارهایی نو وضع کرده بود و شادابی و نشاط فراوان داشت.

پس از قدرت گرفتن سلجوقیان، این تحرک علمی از میان رفت و به رکود و سکون گرایید. سلجوقیان، که تا اواسط قرن هفتم به حکومت‌داری مشغول بودند، بغداد را برای شیعیان ناامن ساخته بودند. آنان انتقام عباسیان از سالهای طولانی وزارت آل بویه از شیعیان و عالمان این دوره می‌گرفتند. همین وضعیت موجب شد شیخ طوسی به نجف هجرت کند و حوزهٔ نجف را بنیان نهد.

بدین سبب در قرن ششم و نیمهٔ اول قرن هفتم وضعیت اجتماعی و سیاسی برای فعالیت شیعیان مناسب نبود. خفقان و سخت‌گیری سیاسی و اجتماعی، سبب پدید آمدن نوعی رکود در این حوزه و حوزه‌های دیگر شیعی شده بود. هر چند سخت‌گیریهای اجتماعی و درگیری با اکثریت سنی، در میان جامعه وجود داشت، اما در سالهای پایانی خلافت عباسیان، وضعیت شیعیان بهبود یافت و برخی از آنان مقام وزارت بنی‌عباس را در اختیار گرفتند و به بازسازی اماکن شیعی و ترمیم آسیب‌های پدیدآمده پرداختند. آخرین وزیر بنی‌عباس، ابن علقمی بود که باور شیعی داشت و با خواجه نصیرالدین طوسی دوستی و مشاوره می‌کرد.

هجوم مغولان به رهبری هلاکو به بغداد موجب سقوط خلافت عباسی در سال ۶۵۶ هجری گشت. سقوط خلافت عباسی آزادیهای سیاسی را برای تودهٔ دربند و به ویژه شیعیان به ارمغان آورد. درباریان و خاندان خلیفه، که در سخت‌گیری بر شیعیان و حتی قتل و غارت آنان از هم سبقت می‌گرفتند، برکنار شدند و حکومت جدید بر سر کار آمد. این حکومت از هیچ دین و مذهبی حمایت نمی‌کرد و سعی داشت نوعی آزادی مذهبی را در جامعه رواج دهد. نیک‌اندیشی عالمان شیعی در مصون ماندن برخی از شهرهای شیعی و آینده‌نگری آنان، به ویژه خواجه نصیرالدین طوسی، در رویارویی با مغولان در زمینه‌سازی برای آزادی عمل شیعیان مؤثر بود. خواجه نصیرالدین طوسی در دوران آخرین خلیفهٔ عباسی و همچنین در زمان هلاکو، در میان درباریان مقامی خاص و ویژه داشت.

وضعیت شیعیان در مناطق دیگر نیز چندان مناسب نبود. ایوبیان (صلاح‌الدین ایوبی و ...)، که در نیمه قرن ششم بر مصر مسلط شده بودند، سلسله فاطمیان را برانداختند و شیعه‌ستیزی را آغاز کردند. اگرچه معمولاً به رو در رویی ایوبیان با مسیحیان در جنگهای صلیبی اشاره می‌شود و ایوبیان را تحسین می‌کنند، ولی به نقطه ضعف مهم آنان در گسترش دشمنی علیه شیعیان کمتر اشاره می‌شود. ایوبیان با سخت‌گیری بر شیعیان مصر موجب از بین رفتن این تفکر در سرزمین مصر گشتند. در مجموع می‌توان گفت که در این دوران، جامعه شیعی در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برد. نامساعد بودن فضای سیاسی و اجتماعی موجب پدیدآمدن روحیه سرخوردگی در محیط علمی جامعه شیعی گشت. پس از سالهای ۴۵۰ هجری، نگارشهای مهم و تأثیرگذار بر جامعه شیعی کمتر به چشم می‌آید. این تنها، وضعیت علم حدیث نبود، بلکه دیگر علوم نیز وضعیتی این‌چنین داشتند. تا سالیانی دراز پس از شیخ طوسی (رحمه الله)، فقیه صاحب‌نظر و مشهوری در میان عالمان شیعه وجود نداشت؛ از این رو، این زمان را دوران مقلده، یعنی دوران حضور عالمان پیرو شیخ طوسی نامیده‌اند. شیخ سدیدالدین حمصی از عالمان قرن ششم گفته است: پس از شیخ طوسی هیچ مفتی و فقیه صاحب‌نظری وجود نداشت و همه فقیهان شیعه ناقل و گزارشگر نظرات شیخ بودند.^{۳۳۰} برخی پدید آمدن این دوران را ناشی از عظمت و بزرگی شیخ طوسی دانسته‌اند؛^{۳۳۱} اگرچه بزرگی شیخ طوسی و نبوغ ایشان مورد تأیید همگان است، ولی عامل اصلی در نبود نشاط فکری در جامعه شیعی، نامساعد بودن اوضاع سیاسی و اجتماعی بوده است. این محیط نابسامان، فضای مناسب برای تفکر و جهش فرهنگی در حوزه‌های فقه، حدیث و معارف را فراهم نمی‌کرد. البته دوران سکون و رکود فقه، در اواخر قرن ششم به پایان رسید و با تلاش و کوشش عالمانی همچون ابن‌ادریس حلی (م ۵۹۸ ه) دوران طراوت فقه شیعی آغاز گشت. ولی در حوزه حدیث، این تحرک پدید نیامد. معارف حدیثی و گونه‌های متفاوت نگارش و کوشش در آن به کندی به حرکت خویش ادامه می‌داد. حوزه‌ها و مدرسه‌های حدیثی در شهرهای کوچک و بزرگ وجود داشت و کتابهای حدیثی دست به دست می‌گشت و به نسل پسین منتقل می‌شد. گزارش این تلاش در سلسله اجازات راویان و محدثان به خوبی منعکس شده است. سوگمندانه باید گفت: این تلاش و کوشش درخور جامعه عظیم و فرهیخته شیعی نبود. در طول این دوران، اثری تأثیرگذار و ماندگار پدید نیامد. آثار نگارش‌یافته در این زمان از گستره و اهمیت آثار مدرسه قم و بغداد برخوردار نیست.

۳۳۰. ر.ک: کشف‌المحجّه، ص ۱۲۷؛ وصول‌الآخیار، ص ۳۳؛ معالم‌الدین، ص ۱۷۹ و ...

۳۳۱. مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۵۰ و ...

برخی ویژگیهای فعالیت‌های حدیثی این دو سده

رواج فضایل‌نگاری

فضایل‌نگاری در این دوران رواج یافته است. در این زمان، اهل سنت کتابهایی درباره نقل فضایل و مناقب اهل بیت نگاشته‌اند؛ مناقب خوارزمی (م ۵۸۶ ه) و مطالب السؤل محمد بن طلحة شافعی متوفی ۶۵۶ هجری از آن جمله است.

در نگارش‌های شیعی، مناقب ابن شهر آشوب (۵۸۸ - ۴۸۹ ه) مشهورترین اثر در مناقب‌نگاری این دوره است که برگرفته از دهها کتاب اهل سنت در منقبت‌نگاری امامان است.

برخی دلیل رواج منقبت‌نگاری در این دوران را رواج تفکر نقل‌گرا و افول تفکر عقل‌گرا دانسته‌اند. در این دوران گروه معتزله نابود شد و تفکر اهل حدیث رونق گرفت. شیعیان نیز از این روش برای پیشبرد آرمانهای خویش استفاده کردند. شاید اثر تخریبی سلجوقیان و هجوم اهل سنت به باورهای شیعی نیز در این رویکرد مؤثر بوده باشد.

مبادلات حدیثی

مبادلات حدیثی بین شیعه و اهل سنت نیز در این دوران دیده می‌شود. در این دوران نگاشته‌های حدیثی حساسیت کمتری نسبت به موضوعات فرقه‌ای یافته. بنابراین، مؤلفین شیعی از متون حدیثی اهل سنت استفاده کردند و برخی از نویسندگان اهل سنت نیز این روش را پی گرفتند. نقل روایات اهل سنت در کتابهایی همچون مجمع البیان و مکارم الأخلاق فراوان یافت می‌شود. این شیوه تنها در آثار برخی از قدما همچون شیخ صدوق دیده می‌شود.

ظهور خاندانهای دانشور

در این دوران به خاندانهای عالم و نگارشگران شیعی برمی‌خوریم. خاندان طبرسی، نمونه زیبایی از چند نسل عالمان را به جامعه شیعی عرضه کرده است.

امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ ه) مؤلف کتاب مجمع البیان و أعلام الوری است. فرزند او، حسن بن فضل (متوفی اواخر قرن ششم)، کتاب مکارم الأخلاق را نوشته است. نوۀ او، علی بن حسن بن فضل نیز کتاب مشکاة الأنوار را در تتمیم کتاب مکارم الأخلاق نگاشته است.

خاندان علامه حلی نمونه دیگری است که علوم دینی را در طول چند نسل پاسداری کرده است. خاندان سید بن طاووس نیز در زمره این گروه قرار دارد.

فعالیت حدیثی شهرهای کوچک و ظهور دانشورانی برجسته در آن

اگرچه مناطقی بزرگ و مهم همچون بغداد، مصر، خراسان و قم در این دوران شاهد فعالیت‌های چشمگیر حدیثی نبود، ولی شهرهایی کوچک را می‌توان یافت که نام خویش را در این دوران جاودانه ساخته‌اند.

شهر حِلّه، مشهورترین شهر در این دوران است. این شهر که در اواخر قرن پنجم ساخته شد، محل زندگی عالمان بسیاری در این زمان است. ابن‌ادریس حِلّی، که پیشتر از او یاد کردیم، از آن جمله است. او در پایان اثر ماندگار فقهی خویش، *السرائر*، مجموعه‌ای حدیثی فراهم آورد که با نام *مُسْتَطَرَفَات السرائر* ماندگار شده است. ابن‌ادریس نواده دختری شیخ طوسی است و کتابهایی از مجموعه غنی کتابخانه شیخ طوسی را در اختیار داشته که احادیث آنها را در این بخش آورده است.

خاندان سید بن طاووس نیز از جمله عالمان حِلّه هستند. علی بن موسی (۶۶۴ - ۵۸۹ هـ) که با لقب سید بن طاووس شهره است، نماد ادعیه‌نگاری در مجموعه میراث حدیثی شیعی است. برادر او احمد بن موسی (م ۶۷۳ هـ) نیز محدثی گران قدر و در مباحث رجال و نقد حدیث صاحب نظر بود. تقسیم‌بندی چهارگانه حدیث به صحیح و حسن و موثق و ضعیف از ابتکارات اوست که در زمان شاگردش، علامه حِلّی، فراگیر شد.

خاندان علامه حِلّی از قبیل پدر، دایی، که به محقق حِلّی معروف است و کتاب *شرایع الاسلام* را نگاشته است، و فرزند علامه حِلّی، فخر المحققین، از مشاهیر عالمان حِلّه هستند. ابن بطریق، (متوفی اواخر قرن ششم) مؤلف کتاب *العمده* نیز از عالمان حِلّه در این دوران است.

شهر راوند کاشان از دیگر مناطقی است که در این دوران عالمان و مؤلفانی را در خود پرورش داده است. سعید بن هبّه‌الله مشهور به قطب راوندی (م ۵۷۳ هـ)، فرزندش محمد بن سعید (متوفی اواخر قرن ششم) و فضل‌الله راوندی (م ۵۷۱ هـ) از این جمله‌اند.

امین الاسلام طبرسی و خاندان او، که در منطقه بیهق می‌زیستند و سالیانی دراز در مدارس آن دیار به تلاش علمی مشغول بودند، هم از عالمان و دانشوران برجسته سده ششم و هفتم هجری به شمار می‌روند.

برخی از محدثان سرشناس این دوره و آثار حدیثی آنان

در بالا به برخی از محدثان و عالمان این دوره و آثار آنان اشاره کردیم. بعضی دیگر از این افراد و آثار نیز شایسته یادآوری هستند:

- عبدالواحد آمدی (متوفی نیمه قرن ششم) مؤلف کتاب *غُرر الحکم و دُرر الکَلِم*؛

- عمادالدین طبری (متوفی نیمه قرن ششم) مؤلف کتاب *بشارة المصطفی لشيعة المرتضى*؛

- ابن حمزه طوسی (نیمه قرن ششم) نگارشگر کتاب *الثاقب فی المناقب*؛

- مُتَنَجَّبُ الدین بن بابویه (م ۵۸۵ هـ) نگارنده کتاب *رجال فهرست منتجب الدین*؛

- قطب‌الدین کِیدری (اواخر قرن ششم) مؤلف کتاب *دیوان امام علی (علیه السلام)*؛

- ابو عبدالله مشهدی (اواخر قرن ششم) مؤلف کتاب *المزار الکبیر*؛

- ورام بن ابی‌فراس (م ۶۰۵ هـ) نگارنده کتاب *تنبيه الخواطر*؛

- احمد بن علی طبرسی (م ۶۲۰ هـ) نویسنده کتاب *الإحتجاج*؛

- ابن نما جلی (م ۶۴۵ هـ) نگارنده کتاب دُوب النصار و مُثیر الأُحزان؛
 - ابن میثم بحرانی (م ۶۷۹ هـ) نویسنده کتاب شرح نهج البلاغه؛
 - شاذان بن جبرئیل (نیمه قرن هفتم) نویسنده کتاب الفضائل؛
 - محمد بن محمد شعیری سبزواری (متوفی اواخر قرن هفتم) نویسنده کتاب جامع الأخبار؛
 - علی بن عیسیٰ اربلی (م ۶۹۳ هـ) نگارنده کتاب کشف العَمّه.
- این فهرست نشان می‌دهد که با وجود حوادث پدیدآمده در این دوران، عالمان شیعی نگاشته‌های متعددی را فراهم آورده‌اند؛ اگرچه این آثار از تألیفات دوره پیشین اهمیت کمتری دارد. اکنون چند فرد از مجموعه عالمان و محدثان این دوران را به تفصیل معرفی می‌کنیم.

خاندان طبرسی

فضل بن حسن طبرسی مشهور به امین الإسلام، از بزرگان عالمان امامیه در قرن ششم هجری است. مرحوم حسین کریمان معتقد است: طبرسی منسوب به طبرستان نیست، زیرا اگر این گونه بود باید طبری خوانده می‌شد؛ بنابراین، طبرسی منسوب به طبرس، معرب تفرش است. ایشان می‌نویسد:

در تاریخ بی‌هق که مؤلف آن از معاصران طبرسی بوده است و با هم آشنایی داشته‌اند، آمده است: «طبرس منزلی است میان قاشان و اصفهان و اصل ایشان از آن بُقعت است».^{۳۳۲}

طبرسی بیشتر عمر خود را در مشهد گذراند و بیش از بیست سال نیز در سبزواری به فراگیری علوم اسلامی مشغول بود. ظاهراً کتابهای مشهور او در محیط شیعی سبزواری نگارش یافته است. نزدیک به بیست کتاب او به امین الإسلام منسوب است. تفسیر مجمع البیان، کتاب اعلام الوری، کنوز النجاح و ... از نگاشته‌های اوست.

اگرچه تفسیر مجمع البیان به شدت تحت تأثیر تفسیر تبیان شیخ طوسی است، ولی شهرتی بس افزون یافته و مشهورترین تفسیر کهن در زمان ما گردیده است. او تفسیر دیگری به نام جوامع الجامع نیز دارد. کتاب دیگر او اعلام الوری بأعلام الهدی در فضایل و احوال معصومین (علیهم السلام) است. این کتاب به گونه گزارشی و بسیار خلاصه، زندگی شخصی، سیره و مناقب اهل بیت را جمع‌آوری کرده است.^{۳۳۳}

کتاب کنوز النجاح نیز به ایشان منسوب است. این کتاب شامل ادعیه است و یکی از مصادر سید بن طاووس در نگارش کتابهای دعا محسوب می‌شود.

طبرسی در سال ۵۴۸ هجری در سبزواری درگذشت و در نزدیکی حرم امام رضا (علیه السلام) به خاک سپرده شد.

۳۳۲. تاریخ بی‌هق، ص ۲۴۲؛ برای توضیح بیشتر مراجعه شود به دائرة المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۷۴.

۳۳۳. برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به مجله آیین پژوهش شماره ۴۶، ص ۳۴ مقاله «طبرسی و کتاب اعلام الوری»؛ همچنین مقدمه کتاب اعلام الوری، ص ۳۰ - ۲۱.

حسن بن فضل طبرسی، فرزند امین الاسلام و شاگرد ایشان است. مشهورترین کتاب موجود او کتاب مکارم/الأخلاق است که به جمع‌آوری احادیثی پرداخته است که به بزرگواریهای اخلاقی مردم اشاره دارد. احادیث این کتاب بدون سند است و مؤلف از مصادر شیعه و اهل سنت استفاده کرده است. علی بن حسن طبرسی، نواده امین الاسلام است. او کتابی با نام مشکاة/الأنوار نگاشته است که متمم کتاب مکارم/الأخلاق محسوب می‌شود.

ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، مؤلف کتاب/الإحتجاج نیز طبرسی است، ولی با خاندان پیشین ارتباطی ندارد. او معاصر امین الاسلام طبرسی بوده است. کتاب/احتجاج، مجموعه مباحثات و احتجاجات معصومین (علیهم السلام) و یاران ایشان با مخالفان خود را جمع‌آوری کرده است. همچنین در پایان کتاب توقیعاتی از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است. در توصیف و مدح این کتاب فراوان سخن گفته‌اند،^{۳۳۴} ولی مرسل بودن متون و ضعف محتوایی برخی از آن متون، اعتماد کلی به کتاب را می‌زداید.

لازم به ذکر است که متون موجود در کتاب/احتجاج ماهیت جدلی دارند و نباید آنها را عقاید حقیقی شیعه تلقی کرد. تفسیر منسوب به امام عسکری (علیه السلام)، کتاب سلیم بن قیس و کتابهای شیخ صدوق و سید مرتضی از جمله مصادر طبرسی در کتاب/احتجاج است.^{۳۳۵}

ابن شهر آشوب (۵۸۸ - ۴۸۹ هـ)

ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، مفسر، محدث و فقیه امامی در سده ششم هجری است. تحصیل و تدریس او در شهرهای مختلف خراسان، بغداد، حله و حلب بوده است.^{۳۳۶} اساتید شیعه و سنی فراوانی داشته است که از آن جمله می‌توان به ابوعلی طبرسی، قطب راوندی، جاراالله زمخشری و خطیب خوارزمی اشاره کرد. ابن ادریس حلی، ابن بطریق حلی و ابن زهره هم شاگرد او بوده‌اند که حکایت از تدریس او در حله و حلب دارد.

ابن شهر آشوب در سال ۵۸۸ هجری در حلب درگذشت و در آنجا مدفون گشت.

مشهورترین نگاشته‌های او سه کتاب هستند که اکنون نیز در دسترس است:

- ۱- متشابه القرآن و مختلفه: مؤلف آیات متشابه را به ترتیب موضوعی بررسی و طبقه‌بندی کرده است.
- ۲- معالم العلماء: از مهم‌ترین کتابهای فهرست و رجال شیعه در سده‌های پنجم تا هفتم است. این کتاب تلخیص فهرست شیخ طوسی است که زیاداتی درباره عالمان پس از شیخ طوسی به آن اضافه شده است.
- ۳- مناقب آل ابی طالب: مشهورترین کتاب ابن شهر آشوب است که به تفصیل و به گونه گسترده مناقب پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) را مطرح کرده است. بیشترین بخش کتاب به نقل مناقب و فضایل امام علی (علیه السلام) اختصاص دارد که رکن مهم و تأثیرگذار امامت شیعی است.

۳۳۴. مقدمه الإحتجاج.

۳۳۵. درباره خاندان طبرسی رجوع شود به دائرة المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۷۰ به بعد؛ مقدمه کتاب الإحتجاج.

۳۳۶. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۹۰.

مصادر مورد استفاده او در این کتاب بسیار فراوان است. فهرستی از اسامی بسیاری از این کتابها و طریق ابن شهر آشوب به آنها در مقدمه کتاب آمده است.^{۳۳۷} او در مقدمه کتاب نوشته است:

وقد قَصَدْتُ فِي هَذَا الْكِتَابِ مِنَ الْإِخْتِصَارِ عَلَى مَتُونِ الْأَخْبَارِ وَعَدَلْتُ عَنِ الْإِطَالَةِ وَالْإِكْثَارِ وَالْإِحْتِجَاجِ مِنَ الظَّوَاهِرِ وَالْإِسْتِدْلَالِ عَلَى فَحْوَاهَا وَمَعْنَاهَا وَحَدَفْتُ أَسَانِيدَهَا لِشَهْرَتِهَا وَلِإِشَارَتِي إِلَى رَوَاتِهَا وَطُرُقِهَا وَالْكَتَبِ الْمُتَنَزَّعَةِ مِنْهَا.^{۳۳۸}

در این کتاب متون را مختصر کردم و از زیاده‌گویی و احتجاج و استدلال بر مفهوم و معنای آنها دست کشیدم و اسناد را به جهت شهرت آنها و اشاره به راویان و طرق و کتب مأخذ حذف کردم.

برخی از مصادر مورد استفاده ابن شهر آشوب اکنون در اختیار ما نیست. پاره‌ای از گزارشهای موجود در این کتاب مفصل‌تر از کتابهای دیگر است؛ داستان فطرس ملک در جریان تولد امام حسین (علیه السلام) از این جمله است.^{۳۳۹}

سید بن طاووس

آل طاووس خاندانی مهم در حله بودند که در چند نسل عالمانی را تربیت کرده و مقام و موقعیت نقابت علویان را نیز یافتند.

مشهورترین فرد این گروه و پرتألیف‌ترین نگارنده این سده، علی بن موسی بن جعفر (۶۶۴ - ۵۸۹ هـ) است که توصیف سید بن طاووس به طور معمول، برای او به کار می‌رود.

او نواده دختری شیخ ورام بن ابی‌فراس حلی، مؤلف کتاب تنبیه الخواطر است. پدر او نیز نواده دختری شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ) است. سید بن طاووس در مواردی به این دو جد خویش اشاره کرده و به آن می‌بالد.

سید بن طاووس دوران عمر خود را در حله، بغداد، نجف، کربلا، کاظمین و سامرا گذراند. او نزد خلیفه عباسی، سرشناس و مورد اعتماد بود و با مستنصر، روابط خوبی داشت.

با وجود این، اصرارهای خلیفه عباسی برای پذیرفتن مقامی از جانب او، حتی نقابت سادات و ...، سودی نبخشید و هیچ منصبی را نپذیرفت. او پس از هجوم مغول به رهبری هلاکو، در جلوگیری از گسترش خونریزی تلاش کرد. ارتباط او با خواجه نصیر طوسی نیز این موقعیت را برای او فراهم کرد که در تلاش خود موفق باشد. نظریه مشهور او در پاسخ هلاکو نشان از تیزی‌بینی وی دارد. هلاکو خان مغول، از عالمان مسلمان پرسید: پادشاه عادل کافر برتر است یا فرمانروای مسلمان ستمگر؟

سید بن طاووس در جواب نوشت: پادشاه عادل کافر برتر است. بقیه عالمان نیز این مطلب را تأیید کردند. جواب سید بن طاووس برگرفته از حدیث نبوی است که فرمود: «الْمَلِكُ يَبْقِي مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقِي مَعَ الظُّلْمِ.» او در این زمان و به اصرار خواجه نصیرالدین طوسی، منصب نقابت علویان را پذیرفت.

۳۳۷. ر.ک: مناقب، ج ۱، ص ۱۴ - ۷.

۳۳۸. همان، ص ۱۴.

۳۳۹. مناقب، ج ۳، ص ۲۲۹.

گذشته از شخصیت اجتماعی سید بن طاووس، مقام علمی او نیز بسیار والا و ارزنده بود. اساتید و شاگردان سید فراوان بوده‌اند. علامه حلی، پدر علامه حلی و برادرزاده سید بن طاووس از مشهورترین شاگردان او هستند.

زهد، تقوا و قداست سید بن طاووس از زمان حیات او شهره است. او را صاحب کرامات شمرده‌اند که با امام مهدی (علیه السلام) نیز ارتباط داشته است. شیفتگی وی به امام مهدی (علیه السلام) در نوشته‌های گوناگون او مشهود است.

سید بن طاووس در سال ۶۶۴ هجری در بغداد از دنیا رفت و در نجف اشرف مدفون گشت.^{۳۴۰}

آثار

شهرت ابن طاووس به نگاشته‌های فراوان او در حدیث، تاریخ و اخلاق است. ابن طاووس نماد ادعیه‌نگاری در میان مؤلفان شیعی است.

مجموعه نگاشته‌های او نزدیک به شصت عنوان است^{۳۴۱} که بسیاری از آنها در دسترس بوده و ماندگار شده‌اند. نقل حکایت و اشاره به حوادث تاریخی در نوشته‌های او فراوان به چشم می‌آید. او بر خلاف برادر خویش، سخت‌گیری سندی در احادیث و ادعیه را به کناری نهاده و با این امور با تساهل رو به رو می‌شود.

کتابخانه غنی و پرشمار او، مجموعه‌ای از نفیس‌ترین کتابهای حدیث و دعا بوده است. اتان گلبرگ، مستشرق یهودی، تحقیقی ویژه درباره وی انجام داده و با نام کتابخانه سید بن طاووس منتشر کرده است.^{۳۴۲} از مشهورترین کتابهای ماندگار او، به این گروه می‌توان اشاره کرد:

۱- اقبال الأعمال یا الإقبال لصالح الأعمال

مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب در زمینه دعانگاری است. این کتاب مجموعه اعمال و ادعیه یازده ماه سال است. اعمال ماه رمضان در قسمتی مجزا با نام المضممار آمده و بدان ملحق شده است.^{۳۴۳} برخی از بزرگان، کتاب اقبال/الأعمال را دربردارنده عالی‌ترین مراتب عرفان شیعی دانسته‌اند.^{۳۴۴}

سید بن طاووس ضمن نقل ادعیه و آداب، نکات فراوانی از جانب خود در تحلیل آن متون و تجلیل از آن بیان می‌کند.

سید بن طاووس، کتاب اقبال/الأعمال را همراه با هفت کتاب دعایی دیگر خویش متمم و مکمل مصباح المنتهجد شیخ طوسی معرفی کرده است.

۳۴۰. زندگی مفصل او در ابتدای کتاب کتابخانه سید بن طاووس و مقدمه برخی از کتابهای او آمده است.

۳۴۱. ر.ک: کتابخانه سید ابن طاووس، ص ۱۱۱ - ۵۰.

۳۴۲. آیه‌الله حسن زاده آملی.

۳۴۳. ر.ک: الدرر الوقیه، ص ۳۳.

۳۴۴. این کتاب در سال ۱۳۷۲ به فارسی ترجمه و منتشر شده است. تلاش و کوشش مؤلف برای نزدیک شدن به کتابخانه سید بن طاووس و ظرافتهای زندگی و نگارشی او، ستودنی است.

۲- الأمان من أخطار الأسفار

در این کتاب دعاهایی که در هنگام سفر به خواندن آنها توصیه شده، گردآمده است. علاوه بر آن به بسیاری از آداب سفر و حوادث محتمل در آن (همانند بیماریها) نیز اشاره شده است.

۳- الدروع الواقية

ادعیه و اعمال مشترک و مکرر در تمامی ماههای قمری در این کتاب جمع شده است. مؤلف این کتاب را پایان بخش کتابهای دیگر خود همچون *فلاح السائل و جمال الأسبوع* می‌شمرد.^{۳۴۵}

۴- محاسبة النفس

در این تألیف به آیات و روایات محاسبة نفس اشاره و لزوم این عمل تبیین شده است.

۵- سعد السعد

این کتاب تنها نگاشته قرآنی سید است که علاوه بر نقل تفسیر برخی از آیات، به گونه نقلی به مباحث کلامی و بین فرقه‌ای نیز پرداخته است. حالت مباحثه و مناقشه با اهل سنت در این کتاب بسیار دیده می‌شود.

۶- مصباح الزائر

مجموعه زیاراتی مناسب با قبور پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت در این کتاب جمع‌آوری شده است. برخی از زیارتها مأثور بوده و از جانب امامان (علیهم السلام) صادر شده است. برخی نیز از سوی عالمان و از جمله سید بن طاووس انشا شده است.

۷- اللہوف علی قتلى الطفوف

مجموعه‌ای درباره حوادث کربلا و حرکت امام حسین (علیه السلام) و قیام ایشان است. این کتاب از نخستین نگاشته‌های سید بن طاووس است. او این متن را برای خواندن سخنرانان در ایام عزاداری نوشته است.

۸- فلاح السائل

در تبیین و توضیح نمازهای واجب و مستحب در شبانه‌روز و آداب شرعی مربوط به آن است. مؤلف در هر مورد، به تفصیل، به تمامی موضوعات مرتبط با مناسک شرعی می‌پردازد.

۹- اليقين باختصاص أمير المؤمنين بامر المؤمنين

در این کتاب که روایات آن به صورت مسند نقل شده است به موضوع اختصاص داشتن لقب امیرالمؤمنین به امام علی (علیه السلام) پرداخته است. این کتاب از مجموعه نگاشته‌های کلام نقلی محسوب می‌شود.

۳۴۵. این کتاب در جلد اول از چاپ سه‌جلدی *اقبال* آمده است.

۱۰- الطوائف فی مذهب الطوائف

این کتاب با نام مستعار و در فضای سنی زده نوشته شده است. مؤلف در این کتاب در اثبات عقاید حق شیعه و بطلان عقاید دیگر فرقه‌ها از منظر یک انسان ناشناس صحبت می‌کند. او در زمانهای بعد به نوشتن این کتاب اقرار کرده و آن را از خود دانسته است.

۱۱- جمال الأسبوع

موضوع این کتاب اعمال و دعاهاى مستحبی ایام هفته است. بیشتر کتاب به اعمال روز جمعه اختصاص دارد.

۱۲- الفتن و الملاحم (التشريفُ بِالْمَنَنِ فِي التَّعْرِيفِ بِالْفِتَنِ)

مجموعه‌ای از پیشگوییها و ملاحم و فتنه‌هاست که از کتابهای مختلف فتن جمع‌آوری شده است.

۱۳- فتح الأبواب ... فی الإستخارات

این کتاب به تفصیل به استخاره و آداب آن پرداخته است.

۱۴- كشف المَحَجَّة لِثَمَرَةِ المَهَجَّة

نوشته‌ای سفارش‌گونه از سید بن طاووس به دو فرزندش محمد و علی است که در آن زمان کودکانی خردسال بوده‌اند. او در مقدمه کتاب به تفصیل به فهرست دقیق مطالب کتاب می‌پردازد. علاوه بر وصایای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) به برخی از مباحث کلامی نیز اشاره می‌کند.

احمد بن موسی (م ۶۷۳ هـ)

احمد بن موسی برادر علی بن موسی است که در علم رجال، فقه، حدیث، ادب و ... مهارت داشته است. او در کتابهای رجال و ادبی، نه کتابهای حدیث و دعا، با عنوان سید بن طاووس شهره است.

اساتید و شاگردان او با برادرش مشترک است. از نگاشته‌های او می‌توان به دو کتاب فقهی اشاره کرد که مجموعاً در ده مجلد بوده است و اکنون این مجموعه در اختیار ما نیست.

بیشترین شهرت او در رجال است. تقسیم‌بندی چهارگانه حدیث به صحیح، حسن، مؤثق، ضعیف را به ایشان نسبت می‌دهند. این نظریه ملاک اعتبار حدیث در میان متأخرین است که به واسطه دو شاگرد ایشان، علامه حلی (م ۲۶۷ هـ) و ابن داود حلی (م ۷۴۰ هـ) منتشر شده است.

از تألیفات رجال او می‌توان *حلّ الإشکال فی معرفة الرجال* را نام برد که از کتابهای رجالی کهن شیعه فراهم آمده است. این کتاب از نگاشته‌های رجالی مشهوری بوده است. اکنون در اختیار ما نیست. صاحب

معالم گزیده‌ای از آن را با نام *التحریر الطاووسی* فراهم کرده است که از این رهگذر می‌توان با مبانی رجالی ایشان آشنا شد. در این کتاب به آرای رجالی ابن‌غضائری توجه شده و مطالب زیادی از آن نقل شده است.

جلسه هشتم

حدیث در سدهٔ هشتم

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ حوزه‌های حدیثی؛
- ✓ عالمان حدیث‌نگار؛
- ✓ نگارش‌های ماندگار حدیثی در سده هشتم.

درآمد

سده هشتم هجری، از دیدگاه سیاسی و اجتماعی، دورانی مطلوب برای شیعیان محسوب می‌شود. برافتادن عباسیان در میانه قرن هفتم، موجب شد که سخت‌گیری حکومت و اهل سنت، که بیشتر مردم را در اختیار داشتند، نسبت به شیعیان کمتر شود. تساهل مذهبی که ایلخانان مغول، همانند هلاکو و جانشینان او داشتند، سبب شد که شیعیان در آرامش و آسایش نسبی باشند؛ به ویژه آنکه افرادی مانند خواجه نصیرالدین طوسی در دربار مغول حضور داشتند و زمینه تسهیل ترویج تفکر شیعی را فراهم می‌کردند.

نسل‌های بعدی پادشاهان مغول، به اسلام گرایش پیدا کردند. غازان خان (م ۷۰۳ ه) اولین حاکم مغول بود که اسلام را پذیرفت و در سال ۶۹۴ هجری اسلام را دین رسمی قلمرو حکومت خویش اعلام کرد. او اگرچه مذهب خاصی نداشت، ولی با عقاید شیعیان با عطوفت برخورد می‌کرد و حتی گرایش شیعی داشت.^{۳۴۶} آغاز قرن هشتم، با حکمرانی سلطان محمد خداوند یا الجایتو همراه بود. در زمان او محدوده تحت سلطه ایلخانان مغول بسیار گسترده بود و نظام حکومتی آنان استقرار یافته بود.

الجایتو در سال ۷۰۳ هجری به قدرت رسید. او منازعات مذهبی را نکوهش می‌کرد و به بدگویی عالمان هر فرقه نسبت به فرقه دیگر معترض بود.

حضور عالمان شیعی چون سید تاج‌الدین آوجی در دربار او سبب شد که الجایتو به مذهب تشیع گرایش پیدا کند و در نهایت شیعه شود. او مذهب شیعه را سال ۷۰۹ هجری مذهب رسمی اعلام کرد. پس از آن اوضاع سیاسی مطابق با نظر شیعیان تغییر کرد و زمینه برای ترویج باورهای شیعی فراهم شد.

دعوت او از عالمان شیعی برای حضور در دربار، به همین منظور بود. هجرت علامه حلی (م ۷۲۶ ه) به ایران و همراهی او با سلطان محمد خداوند، تأثیری بسیار عمیق بر پادشاه و مردم نهاد. مباحثات مذهبی ایشان با دانشمندان دیگر فرقه‌ها، سبب شد تا شخصیت علامه حلی به عنوان یک دانشمند شیعی دقیق در

علوم عقلی و نقلی همراه با زبانی بسیار عفیف و پاک و پرهیز از هر گونه بدگویی نسبت به مخالفان شیعه، بروز پیدا کند و در چشم و ذهن همه افراد به بزرگی و بزرگواری شهره شود.^{۳۴۷}

علامه حلّی، سه کتاب مهم و تأثیرگذار کلام شیعی را در این دوران نوشته و به سلطان محمد خدابنده اهدا کرده است. *نهج الحق و کشف الصدق، منهاج الکرامه و کشف الیقین* سه کتاب مشهور او است. سفرهای بسیار سلطان محمد خدابنده، سبب شد تا فکر تأسیس «المدرسة السیّارة» به همراه سلطان و به پیشنهاد خواجه رشیدالدین فضل‌الله پدید آید. علامه حلّی در این مدرسه سیّار با تدریس و تحقیق شاگردان شیعی را پرورش می‌داد و کتابهای خود را می‌نگاشت.^{۳۴۸} آغاز و انجام نگارش برخی از کتابهای او در نقاط جغرافیایی مختلف بوده است.

الجایتو در سال ۷۱۳ درگذشت و علامه حلّی به شهر حلّه بازگشت. او تحقیقات حدیثی، کلامی، فقهی و عقلی خود را در این شهر ادامه داد. شهر حلّه در آن دوران، نقطه امید دانشمندان شیعی بود. در نیمه اول سده هشتم افزون بر ایلخانان مغول، حکومت‌های منطقه‌ای شیعه نیز در برخی از نواحی به وجود آمدند.

یکی از حکومت‌های منطقه‌ای، حکومت سربداران (۷۸۸ - ۷۳۸ هـ) در منطقه بیهق بود که تفکری متمایل به عقاید شیعی داشت. این گروه پس از اعدام شیخ خلیفه، از صوفیان منطقه بیهق، به دست حاکمان مغول، به رهبری شیخ حسن جوری شورش کردند و لقب سربداران را برای خود برگزیدند. آنان در سال ۷۳۸ هجری منطقه سبزوار تا نیشابور و دامغان را به تصرف درآوردند و حکومت سربداران را بنیان نهادند.^{۳۴۹}

خواجه علی مؤید آخرین حکمران سربدار (۷۸۳ - ۷۶۶ هـ) است. او در ترویج علم و ادب و استحکام مبانی تشیع تلاش کرد. خواجه علی مؤید به شیخ شمس‌الدین محمد مکی، مشهور به شهید اول، نامه نوشت و از او خواست که به عنوان رهبر مذهبی سربداران به ایران بیاید.^{۳۵۰} شهید اول در سال ۷۸۲ هجری کتاب *کُمعۀ دمشقیه* را برای آنان نگاشت و از آمدن عذر خواست.^{۳۵۱}

سرانجام، دولت سربداران در سال ۷۸۳ هجری و پس از حضور تیمور در این منطقه منقرض شد. سلسله سادات مرعشی، مشهور به مرعشیان (۷۹۵ - ۷۶۰ هـ) نیز سلسله‌ای شیعی بود که بر مناطق گسترده‌ای از مازندران تا قزوین حکمرانی می‌کرد. به باور برخی، قیام این سلسله به پیروی از تفکر سربداران شکل گرفته است.^{۳۵۲}

۳۴۷. ر.ک: تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۶۷۶ - ۶۴۵.

۳۴۸. علامه حلّی جلد دوم کتاب *الفین* را در سال ۷۱۲ هجری در دینور نزدیک کرمانشاه پایان داده است: *تاریخ تشیع در ایران*، ص ۶۶۲. محمد بن ابراهیم دشتکی، شاگرد علامه نیز کتاب *قواعد* علامه را در سال ۷۱۳ هجری در مدرسه سیاره کتابت کرده است: همان، ص ۶۷۳.

۳۴۹. *تاریخ تشیع در ایران*، ج ۲، ص ۶۷۷.

۳۵۰. *غایة المراد*، ج ۱، ص ۱۶۴.

۳۵۱. *تاریخ تشیع در ایران*، ص ۶۸۳.

۳۵۲. *دائرة المعارف تشیع*، ج ۴، ص ۳۷۶.

با این همه، در اواخر قرن هشتم اوضاع سیاسی نامساعد گشت. یورش تیمور لنگ به ایران پس از سال ۷۷۰ هجری خرابیهای اقتصادی و اجتماعی زیادی به بار آورد. اما جانشینان تیمور در اوایل قرن نهم، به موضوعات فرهنگی اهمیت می‌دادند و دانشمندان را می‌نواختند. مشهورترین و پررونق‌ترین حوزه شیعی در سده‌های هفتم تا نهم هجری، حوزه حدیثی حله است. این حوزه دانشمندان مشهور و معتبری را به جامعه شیعی هدیه کرده و نام خود را جاودانه ساخته است.^{۳۵۳} برای آشنایی بیشتر با این حوزه و نیز مهم‌ترین حوزه‌های حدیثی شیعی در قرن هشتم به جزوه درس رجوع کنید.

حوزه‌های مهم حدیثی شیعی در قرن هشتم

۱- حوزه حله

مشهورترین و پررونق‌ترین حوزه شیعی در سده‌های هفتم تا نهم هجری، حوزه حدیثی حله است. این حوزه دانشمندان مشهور و معتبری را به جامعه شیعی هدیه کرده و نام خود را جاودانه ساخته است.^{۳۵۴} در بحث پیشین برخی از بزرگان این حوزه را معرفی کردیم. حضور افرادی چون ابن‌ادریس حلی، محقق حلی، علامه حلی و فخر المحققین به این حوزه رنگ فقهی بخشید. محقق حلی و علامه حلی، دو شخصیت شاخص در فقه شیعی هستند. مصون ماندن حله از حمله مغول که با درایت و تیزی پدر علامه حلی و محقق حلی صورت پذیرفت موجب رونق این شهر در سده هشتم شد. حله مرکز و پناهگاه عالمان و دانش‌پژوهان شیعه بود. با نظر به

۳۵۳. با وجود دانشمندان و عالمان تأثیرگذاری چون ابن‌ادریس حلی، سید بن طاووس، علامه حلی و ابن‌فهد در این شهر، عنوان مدرسه و یا مکتب حله را برای این شهر مناسب ندانستیم؛ بنابراین، از آن با عنوان حوزه حدیثی حله یاد کردیم. علت این نام‌گذاری روشن است. اگرچه این حوزه حدیثی جایگاه عالمان و دانشمندان بزرگی بوده است، ولی از یک روش و معیار واحد پیروی ننموده است. سید بن طاووس و برادرش دارای دو سبک و مبنای متفاوت و حتی متضاد هستند. ابن‌ادریس حلی شیوه‌ای خاص دارد. علامه حلی نیز در مباحث رجالی از سبک احمد بن علی بن طاووس، پیروی می‌کند و در شیوه کلامی و حدیثی، راه و روشی مخصوص به خویش دارد. همه این افراد را نمی‌توان در مدرسه‌ای حدیثی با ویژگیهای خاص و مشخص جای داد؛ بنابراین، واژه حوزه حدیثی حله برای این شهر و گروه مناسب‌تر است.

۳۵۴. با وجود دانشمندان و عالمان تأثیرگذاری چون ابن‌ادریس حلی، سید بن طاووس، علامه حلی و ابن‌فهد در این شهر، عنوان مدرسه و یا مکتب حله را برای این شهر مناسب ندانستیم؛ بنابراین، از آن با عنوان حوزه حدیثی حله یاد کردیم. علت این نام‌گذاری روشن است. اگرچه این حوزه حدیثی جایگاه عالمان و دانشمندان بزرگی بوده، ولی از یک روش و معیار واحد پیروی ننموده است. سید بن طاووس و برادرش دو سبک و مبنای متفاوت و حتی متضاد داشتند. ابن‌ادریس حلی شیوه‌ای خاص دارد. علامه حلی نیز در مباحث رجالی از سبک احمد بن علی بن طاووس، پیروی می‌کند و در شیوه کلامی و حدیثی، راه و روشی مخصوص به خویش دارد. همه این افراد را نمی‌توان در مدرسه‌ای حدیثی با ویژگیهای خاص و مشخص جای داد؛ بنابراین، واژه حوزه حدیثی حله برای این شهر و گروه مناسب‌تر است.

شاگردان علامه حلی و نسخه‌برداران کتابهای او می‌توان حضور پر نشاط عالمان را در این شهر مشاهده کرد. بیشتر این عالمان از مناطق خراسان، اصفهان، طبرستان و سایر نواحی به حضور ایشان می‌رسیدند.^{۳۵۵}

۲- حوزه جبل عامل

حوزه جبل عامل، که یکی از حوزه کهن در این سده است، شاهد شکوفایی یکی از نوابغ بود که پس از شهادت به شهید اول شهره گشت. علاوه بر شهید اول عالمان بسیاری در این شهر می‌زیستند. شیخ حر عاملی در کتابی با نام *أملُ الأملِ فی علماء جبل عامل* عالمان این دیار را معرفی کرده است. او می‌نویسد:

وَقَدْ سَمِعْتُ مِنْ بَعْضِ مَشَايَخِنَا أَنَّهُ اجْتَمَعَ فِي جَنَازَةِ فِي قَرْيَةٍ مِنْ قُرَى جَبَلِ عَمَلٍ سَبْعُونَ مُجْتَهِدًا فِي عَصْرِ الشَّهِيدِ وَمَا قَارَبَهُ.^{۳۵۶}

گفتنی است شهرت فقهی حوزه جبل عامل بیش از شهرت حدیثی یا کلامی آن است. درباره شهید اول پس از این سخن خواهیم گفت.

۳- حوزه ایران و عراق

در این سده محدثان متوسطی در ایران و عراق نیز حضور داشته‌اند که در سلسله اجازات از آنان یاد شده است.

رخدادهای حدیثی

مهم‌ترین رویداد حدیثی این سده، تغییر مبانی نگرش به اعتبار روایات است. اگرچه این تغییر مبنا از سوی احمد بن طلحوس ارائه شد، ولی پیگیری و نهادینه کردن این مبنا و جایگزینی آن به جای ملاک اعتبار حدیث در نزد قدما به همت مرحوم علامه حلی (رحمه الله) صورت گرفت.

او در کتابهای فقهی خویش چهارگونه بودن اسناد احادیث و بی‌اعتباری حدیث ضعیف از منظر سندی را به کار گرفت و آن را در علم و روش درسی خویش در پرورش شاگردانش الگو ساخت.

۳۵۵. رسول جعفریان، تاریخ پژوه معاصر، با استفاده از نسخه‌های به جای مانده از کتابهای علامه حلی، گزارشی از این افراد ارائه داده است. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۶۷۶ - ۶۶۹.

۳۵۶. *أملُ الأملِ*، ج ۱، ص ۱۵؛ گفتنی است، حتی اگر این سخن را مبالغه‌آمیز بدانیم باز هم نشانگر حضور عالمان بسیار خواهد بود.

تأثیر تفکر علامه بر نسلهای پس از خود انکارنکردنی است. شیوه و نگرش رجالی و حدیثی علامه در مبانی نسلهای پس از او نهادینه گشت و ملاک اعتبار قدمایی، فراموش شد. رویداد دیگر، گسترش گرایش کلام نقلی بود که به سبب تألیفات علامه حلی در این دوران رخ داد. نگارش کتابهای نهج الحق و منهج الکرامه، جامعه حدیثی اهل سنت را تکان داد. ابن تیمیّه (م ۷۲۸ هـ) که معاصر با علامه حلی بود برای رفع این چالش، کتاب منهج السنّة النبویّه را نگاشت. این کتاب که مهم‌ترین کتاب در بیان افکار او و دیگر پیروان اهل حدیث در اهل سنت است، هم‌اکنون نیز مهم‌ترین کتاب مرجع در عقاید وهابیان است.

مقدمه ابن تیمیّه بر این کتاب، سرشار از تهمتها و افتراءات بدون سند و مدرک است که عمق یکسونگری و تعصب و لجاجت درونی مؤلف را آشکار می‌سازد. علامه حلی (رحمه الله) پس از مطالعه کتاب منهج السنّه گفت: «لَوْ كَانَ يَفْهَمُ مَا أَقُولُ أَجَبْتُهُ»؛^{۳۵۷} اگر او می‌توانست مقصود مرا درک کند جواب اشکالاتش را می‌گفتم. این نقض و ابرام نشانگر آن است که نگاشته علامه حلی در مدت زمان کوتاهی به شام رفته و ابن تیمیّه بر آن نقد نوشته است. این نقد در اختیار علامه قرار گرفته و او آن را وارد ندانسته است.

کتابهایی را که در فضایل اهل بیت (علیهم السلام) و دیگر امور مربوط به آنان است نیز در این حوزه می‌توان جای داد؛ کتابهایی چون کشف الیقین، المستجد من کتاب الإرشاد (هر دو از علامه حلی).

رخداد دیگر آغاز نگرش و نگارش صوفیانه حدیثی در میان شیعیان است. سید حیدر آملی یکی از عالمان این دوره و از شاگردان فخر المحققین است که با این شیوه به نگارش کتابهای جامع الأسرار و ... پرداخته است. به نظر می‌رسد اولین مؤلف حدیثی شیعه که از این دید به متون نگریسته و آنان را برای رواج تفکر صوفیانه (یا عارفانه) تدوین کرده است، سید حیدر آملی باشد. پس از سید حیدر، احادیث مورد استشهاد او به کتابهای پسین فیلسوفان، عارفان و صوفیان شیعی راه یافت.^{۳۵۸}

نگارش کتابهای رجالی ماندگار نیز در این سده به چشم می‌آید. علامه حلی، خلاصه الأقوال را نگاشته است و ابن داوود کتاب رجال را سامان داده است.

علامه، کتابی دیگر با نام ایضاح الأشتباه دارد که پیرامون علم رجال است و در آن به ضبط دقیق نامهای راویان پرداخته است.^{۳۵۹}

نکته آخر اینکه تاریخ حدیث اهل سنت در سده‌های هشتم و نهم بسیار پربار است. برخی از مشهورترین محدثان اهل سنت که بر نحوه تفکر حدیث اهل سنت تأثیر گذارده‌اند در این دوران می‌زیسته‌اند. حافظ جمال‌الدین یوسف مزّی (م ۷۴۲ هـ) از این جمله است. او مهم‌ترین رجال‌نگار متأخر اهل سنت است که کتابش و گزیده‌های مختلف آن، از آن زمان تا کنون از مهم‌ترین گروه کتابهای رجالی اهل سنت شمرده می‌شود.

۳۵۷. لسان المیزان، ج ۲، ص ۳۱۸.

۳۵۸. ر.ک: علی نقی خدایاری، «رویکرد حدیثی سید حیدر آملی»، مجله علوم حدیث، شماره ۲۸.

۳۵۹. برای آشنایی بیشتر ر.ک: علی نقی خدایاری، تاریخ حدیث شیعه در قرن هشتم و نهم، انتشارات دارالحدیث.

شمس‌الدین ذهبی (م ۷۴۸ ه) نیز کتابهای گوناگونی در رجال، حدیث و تاریخ دارد. ابن تیمیّه (م ۷۲۸ ه) و شاگردان مکتب او چون ابن قیم جوزی (م ۷۵۱ ه)، تقی‌الدین سبکی (م ۷۵۶ ه)، و ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ ه) نیز در سده هشتم می‌زیستند.

آشنایی با برخی از محدثان سده هشتم

حدیث‌نگاران این دوره چندان زیاد نیستند. بسیاری از آنان نیز به علوم دیگر، مانند فقه، شهره‌اند. مشهورترین آنان علامه حلی (م ۷۲۶ ه) و شهید اول (م ۷۸۶ ه) هستند. افراد دیگری نیز از حدیث‌نگاران این دوره شمرده می‌شوند؛ افرادی چون حسن بن ابی‌الحسن دیلمی، نویسنده کتابهای *إرشاد القلوب* و *أعلام الدین*، فخر المحققین، مؤلف *ثلاث* و *أربعون حديثاً نبویاً*، سید حیدر آملی، شاگرد فخر المحققین و نویسنده *جامع الأسرار*، ابن معیه (م ۷۷۶ ه)، استاد حدیث و انساب،^{۳۶۰} ابن عتائقی (اواخر قرن هشتم)، نگارنده *شرح نهج البلاغه* و چند کتاب دیگر.^{۳۶۱}

علامه حلی (رحمه الله)

جمال‌الدین حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی، مشهور به علامه حلی، در سال ۶۴۸ هجری در حله متولد شد. خانواده او از عالمان مشهور حله بودند؛ پدر او عالمی فرهیخته و مشهور بود، محقق حلی دایی او است و برادرش علی نیز عالم و محدث بود. علامه حلی مشهورترین عالم این حوزه حدیثی است. به واقع او را باید از معدود چهره‌های بسیار شاخص در قله معارف شیعی دانست. او از پرآوازه‌ترین عالمان فقیه، متکلم و محدث در تاریخ اسلام محسوب می‌شود که در تمامی شاخه‌های معرفتی، تحصیل و تدریس کرده و کتاب نوشته است. لقب علامه به طور مطلق تنها درباره او به کار می‌رود.

ابن داوود حلی، دانشمند معاصر او، نوشته است:

شَيْخُ الطَّائِفَةِ وَعَلَامَةُ وَقْتِهِ وَصَاحِبُ التَّحْقِيقِ وَالتَّدْقِيقِ، كَثِيرُ التَّصَانِيفِ انْتَهَتْ إِلَيْهِ رِيَاسَةُ
الإمامية في المعقول والمنقول.^{۳۶۲}

تفرشی، مؤلف *نقد الرجال*، نیز در توصیف او می‌نویسد:

۳۶۰. ر.ک: *مفاخر اسلام*، ج ۴، ص ۳۲۰ - ۳۱۰.

۳۶۱. ر.ک: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، مدخل ابن عتائقی.

۳۶۲. *رجال ابن داوود*، ص ۷۸.

در ذهن من این موضوع خلجان داشت که زندگی علامه را ذکر نکنم؛ زیرا کتاب من گنجایش توصیف بزرگی او را ندارد. هر خوبی و فضیلتی را که تصور کنید او برتر از آن است.^{۳۶۳}

ابن حجر، دانشمند سنی، درباره او چنین نظر داده است:
عالمُ الشَّيْعَةِ وإمامُهُمْ ومُصَنِّفُهُمْ وَكانَ آيَةً في الذِّكَا... واشتَهَرَ تَصَانِيفُهُ في حَيَاتِهِ ...
وَكانَ ابنُ المُطَهَّرِ مُشَهَّرَ الذِّكْرِ وَحَسَنَ الأخلاقِ.^{۳۶۴}
دانشمند شیعه و پیشوای آنان، و نویسنده پرکاری که در ذکاوت شهره آفاق بود. کتابهایش در زمان خود شهرت داشت. ابن مطهر در یادها مشهور و در اخلاق بی نظیر بود.

او نزد اساتیدی چون پدرش، یوسف بن مطهر، و دایی خود، محقق حلی، سید بن طاووس و برادرش، خواجه نصیر طوسی و ابن میثم بحرانی دانش آموخت.
بیشتر عالمان سده هشتم هجری از نقاط مختلف ایران شاگرد او هستند.
بیشترین شهرت علامه حلی در فقه و کلام است.
چند کتاب مشهور فقهی او با نامهای مُخْتَلَفُ الشَّيْعَةِ، قَوَاعِدُ الأحكام، التَّذْكَرَةُ، تبصرة المتعلمين و /ارشاد الأذهان، نمونه‌های زیبایی از کار و تلاش فقهی هستند. کتاب مختلف /الشیعه به اختلاف عالمان شیعه در موضوعات و مسائل فقهی پرداخته است و کتاب /التذکره به آرای فقیهان اهل سنت نظر دارد.
می‌توان ادعا کرد که عالمان اهل سنت کتابی به گستردگی کتاب /التذکره نگاشته‌اند.
مجموعه نگاشته‌های علامه حلی نزدیک به ۱۲۰ عنوان است^{۳۶۵} که برخی از آنها در مجلدات متعدد تدوین شده است.

کتابهایی که در ارتباط با حدیث و یا کلام نقلی نوشته است نزدیک به پانزده عنوان است. متأسفانه مهم‌ترین نگارشهای حدیثی علامه اکنون در اختیار ما نیست.
از جمله این کتب نایاب به پنج کتاب زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- استقصاء الاعتبار في تحرير معانی الأخبار

به ظاهر این کتاب به شرح الحدیث (فقه الحدیث) توجه داشته؛ علامه حلی در معرفی این کتاب گفته است:

۳۶۳. نقد الرجال، ج ۲، ص ۶۹.

۳۶۴. لسان المیزان، ج ۲، ص ۳۱۷.

۳۶۵. ر.ک: مکتبه العلامة الحلی، ص ۲۲۳ - ۲۵.

ذَكَرْنَا فِيهِ كُلَّ حَدِيثٍ وَصَلَّ إِلَيْنَا وَبَحَثْنَا فِي كُلِّ حَدِيثٍ عَلَى صِحَّةِ سَنَدِهِ أَوْ إِبْطَالِهِ وَكَوْنِ مَتْنِهِ مُحْكَمًا أَوْ مُتَشَابِهًا وَمَا اشْتَمَلَ عَلَى الْمَتْنِ مِنَ الْمَبَاحِثِ وَالْأَدْلَةِ وَمَا يُسْتَنْبِطُ مِنَ الْمَتْنِ مِنَ الْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ وَغَيْرِهَا وَهُوَ كِتَابٌ لَمْ يُعْمَلْ مِثْلُهُ.^{۳۶}

در این کتاب هر روایتی را که به ما رسیده، آوردیم و از درستی یا نادرستی سند آن و نیز محکم یا متشابه بودن و دیگر مباحثی که به متن حدیث بازمی‌گردد، سخن رانیدیم و احکام شرعی حاصل از متن را به نقد نشستیم. این کتابی است که مانند آن به منصه ظهور نرسیده است.

با توصیف علامه از این کتاب باید آن را مهم‌ترین کتاب فقه الحدیثی شیعه شمرد. متأسفانه این مجموعه اکنون در دسترس نیست، اما بسیار محتمل است که رویکرد این کتاب بررسی احادیث فقهی بوده باشد.

۲- جامع الأخبار

۳- مصابیح الأنوار فی جمع جمیع الأخبار

آن‌گونه که از نام این کتاب پیدا است، کتاب حاضر به جمع‌آوری احادیث پرداخته و مجموعه‌نگری را مورد توجه قرار داده است.

۴- الدرر و المرجان فی الأحادیث الصحاح و الحسان

۵- النهج الوضاح فی الأحادیث الصحاح

این دو کتاب نیز به روش رجالی و معیار پذیرش حدیث در نزد علامه حلی اشاره دارند. ایشان با توجه به تغییر مبانی قدمایی و پذیرش تقسیم چهارگانه حدیث، نگارشهای جدیدی را از احادیث صحیح و یا صحیح و حسن، سامان داده است.

افزون بر آنچه گفتیم دیگر نگاشته‌های علامه حلی در زمینه رجالی و دیگر موضوعات نیز اهمیت فراوان دارد.

در زمینه رجال دو کتاب خلاصه الأقوال و ایضاح الاشتباه از ایشان در دسترس است. کتاب بزرگ دیگری نیز در رجال داشته است که با عنوان کشف المقال یا کتاب الکبیر از آن یاد می‌کند. در بحث آشنایی با کتب رجال شیعه با این دو کتاب آشنا خواهید شد.

دیگر نگاشته‌های علامه حلی کتابهای کلام نقلی ایشان است. این کتابها عبارت‌اند از: نهج الحق و کشف الصدق، منهاج الکرامة فی إثبات الإمامه و کشف الیقین فی فضائل أمير المؤمنين، که پیشتر از آنها یاد کردیم.

۳۶. خلاصه الأقوال، ص .

گزیده‌ای از کتاب /ارشاد شیخ مفید با عنوان /المستجد من کتاب الارشاد نیز به علامه حلی منسوب است. این کتاب هم‌اکنون در دسترس است و چون از زاویه دید دو تن از بزرگ‌ترین عالمان شیعه نگارش یافته است، منبعی بسیار مفید و مطمئن برای دستیابی به تاریخ و سیره معصومان (علیهم السلام) است.

شهید اول (۷۸۶ - ۷۳۴ هـ)

حوزه جبل عامل، بزرگ‌ترین حوزه حدیثی و فقهی شیعه در منطقه شام بوده که دانشمندان فراوانی را پرورش داده است. محمد بن مکی عاملی، مشهور به شهید اول، مشهورترین چهره فقه و حدیث حوزه جبل عامل است. او متولد جزین و تحصیل کرده جبل عامل و عراق است. شهید شاگرد فخر المحققین، فرزند دانشمند علامه حلی، است. فخر المحققین درباره او گفته است:

الإمام العلامة الأعظم، أفضل علماء العالم سيد فضلاء بني آدم مولانا شمس الحق
والدين.^{۳۶۷}

به نظر می‌رسد برای تبیین مقام شهید اول، هیچ توصیفی به اندازه این سخن استادش فخر المحققین اهمیت ندارد.

سخن دیگری نیز به فخر المحققین منسوب است که فرمود: «استفدت منه أكثر مما استفاد مني»^{۳۶۸} شیوخ اجازه او فراوان بوده‌اند. علاوه بر عالمان شیعی، اساتید فراوان سنی هم داشته است. شهید اول در اجازه خود به ابن‌خازن درباره مشایخ اهل سنت خود گفته که از حدود چهل تن از اساتید حدیثی اهل سنت در شهرهای مکه، مدینه، بغداد، مصر، دمشق و بیت المقدس حدیث شنیده است.^{۳۶۹} بسیاری از افراد از او روایت کرده‌اند. شهید اول یکی از چهره‌های شاخص و انگشت‌شمار در طرق اجازات است. شیخ آغا بزرگ در این زمینه می‌نویسد: طرق اجازات بالجمله به او ختم می‌شود.^{۳۷۰}

آثار حدیثی مشهور او عبارت‌اند از: کتاب المزار، الدرّة الباهرة و الأربعون حديثاً. او در زمینه‌های دیگر نیز فردی کوشا و پرتلاش بوده است. کتابهای دروس، ذکرى و اللمعة الدمشقية مشهورترین آثار فقهی او هستند. شهید اول در شرایط سخت اجتماعی زندگی می‌کرد و عاقبت در زمان سلطنت برقو و به فتوای مفتیان مالکی و شافعی پس از تحمل یک سال حبس در قلعه شام در سال ۷۸۶ هجری در سن ۵۲ سالگی به شهادت رسید.

۳۶۷. بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۱۷۸.

۳۶۸. أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳۶۹. الحقائق الراهنه، ص ۲۰۶.

۳۷۰. همان، ص ۲۰۵.

کتاب *الدرة الباهرة* گزیده‌ای از سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان (علیهم السلام) است که به گونه مسند ائمه نگاشته شده است. بیشترین متون آن برگرفته از کتاب *نزهة الناظر* نگاشته حسین بن محمد حلوانی است.^{۳۷۱}

سید حیدر آملی و نگارش احادیث عرفانی

از رخدادهای حدیثی مهم در قرن هشتم، رویکرد عارفانه - صوفیانه به احادیث شیعی است. اگرچه عالمان اهل سنت به این موضوع پرداخته و نگاشته‌هایی را فراهم کرده‌اند، اما این گونه نگارش در سده‌های پیشین، در منابع حدیثی شیعه نظیر نداشته است. آثار ابن عربی با نگاه عارفانه است و برخی از آثار غزالی از نگاه صوفیانه او نشأت گرفته است. با توجه به آغاز این حرکت از سوی سید حیدر آملی و تأثیر عمیق کتابهای او بر نگاشته‌های عرفانی شیعی در سده‌های پسین، مناسب است با توجه و دقت بیشتر به این موضوع پرداخته شود.^{۳۷۲}

سید حیدر آملی در اوایل سده هشتم در آمل به دنیا آمد. پس از تحصیل و تا سی سالگی در دربار حاکمان طبرستان خدمت می‌کرد و به مال و منال فراوان دست یافت. با تحول درونی‌ای که در خویش احساس کرد، از دربار و مال کناره گرفت و پس از زیارت خانه خدا به گروه صوفیه پیوست. او افزون بر خرقه‌پوشی و ریاضت به تحصیل متون مهم عرفانی پرداخت و هم‌زمان نزد برخی از مشهورترین عالمان شیعی چون فخر المحققین تحصیل کرد و از او اجازه روایت گرفت.

آملی آثار متعددی در زمینه‌های عرفان و تصوف نگاشته است که مشهورترین آنها *جامع الأسرار* (با رویکرد حدیثی) و *المحیط الأعظم* (در تأویل آیات قرآن) است.

جامع الأسرار

هدف سید حیدر آملی در *جامع الأسرار*، سازگار نشان دادن مبانی دینی و شیعی با دیدگاه صوفیان در مباحث مهم اعتقادی مانند توحید، نبوت، ولایت و ایمان است.^{۳۷۳} یکی از محققان، احادیث *جامع الأسرار* را به چند دسته تقسیم کرده و گفته است:

برخی از احادیث این کتاب در منابع معتبر حدیثی کهن شیعه آمده است، ولی سید حیدر بدون اشاره به منبع و مأخذ آنها را نقل می‌کند. بیشتر احادیث این کتاب از این گروه

۳۷۱. برای آشنایی بیشتر مراجعه شود به: مقدمه عبدالهادی مسعودی، مصحح و مترجم کتاب *الدرة الباهرة*.

۳۷۲. برای اطلاع و آگاهی بیشتر ر.ک: *مجله علوم حدیث*، شماره ۲۸، ص .

۳۷۳. *جامع الأسرار*، ص ۶۱۱.

است که با مشرب عرفانی سید حیدر آملی معنا شده است.^{۳۷۴} گروه دیگر از احادیث این کتاب با منابع کهن شیعی متفاوت بوده و اضافاتی دارد که آن زیاده مورد نظر و استدلال سید حیدر است.

گروه سوم متونی هستند که رنگ شیعی دارند، ولی در منابع کنونی در دسترس ما وجود ندارد؛ خطبه البیان، خطبه افتخار، حدیث حقیقت و ... از این جمله‌اند. این متون در روزگارهای پسین مورد اعتماد تفکر غالبانه قرار گرفته است.^{۳۷۵}

گروهی از احادیث کتاب، احادیث اهل سنت است که در ظاهر با تفکر شیعی تباین دارد؛ مانند: «سَتَرُونَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ الْقَمَرَ لَيْلَةَ الْبَدْرِ».^{۳۷۶} روایات رؤیت در این کتاب نسبتاً فراوان است.^{۳۷۷}

گروه دیگر احادیث با مضامین عرفانی و تصوف است که در منابع معتبر حدیثی شیعه و اهل سنت یافت نمی‌شود؛ مانند: «الشَّریعةُ أَقْوَالِی وَالطَّرِیقةُ أفعالِی وَالْحَقِیقةُ أحوالی ...».^{۳۷۸}

پس از سید حیدر آملی بسیاری از این متون، به ویژه متونی که رنگ سنی نداشت، به کتابهای پسین منتقل شد. ابن ابی‌جمهور احسائی در دو کتاب *عَوَالِی الْأَثَالِی* و *الْمَجَلِی*، این متون را نقل کرد و از آن راه به کتابهای عرفانی و حتی حدیثی ما وارد شد.

برخی از این متون نیز به دست شیخ رجب بُرسی و از راه کتاب *مَشَارِقُ أَنْوَارِ الْیَقِینِ* به کتابهای متأخر راه یافته است.^{۳۷۹}

گستره تاریخی و دامنه فکری این گروه، گسترده و درازدامن است و رویکرد عارفانه و صوفیانه به احادیث، محتاج دقت و تأمل بیشتری است.

ضمیمه

تاریخ حدیث شیعه در قرن نهم

روند رو به رشد گسترش تشیع در جامعه ایران که در قرن هشتم آغاز شده بود، در قرن نهم نیز ادامه یافت و در نهایت به تأسیس حکومت شیعی صفوی در قرن دهم منجر شد.

۳۷۴. مجله علوم حدیث، شماره ۲۸، ص ۷۳.

۳۷۵. همان، ص ۷۷ - ۷۵.

۳۷۶. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۳۸.

۳۷۷. ر.ک: مجله علوم حدیث، شماره ۲۸، ص ۷۹ - ۷۸.

۳۷۸. جامع الأسرار، ص ۳۴۶.

۳۷۹. برای آگاهی بیشتر ر.ک: مجله علوم حدیث، شماره ۲۸، ص ۹۳ - ۹۰؛ مؤلف در این مقاله برخی از متون کتاب جامع الأسرار را ردیابی کرده و نشان آن را در کتابهای حدیثی و عرفانی پسین ارائه داده است.

از جمله حوادث ناگوار سده‌های هشتم و نهم باید به هجوم تیمور لنگ به ایران و سرزمین‌های اطراف آن اشاره کرد. او در سه یورش گسترده خود در بین سالهای ۷۷۰ تا ۸۰۷ هجری خسارت‌های فراوان بر جامعه ایران وارد کرد. علاوه بر خسارتهای اقتصادی، برافتادن حکومت‌های محلی کوچک، همچون سربداران، از پیامدهای هجوم تیمور لنگ به ایران است.

جانشینان تیمور یعنی شاهرخ، الغ بیک و سلطان حسین بایقرا روش آسیب‌رساندن به بنیان‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را رها کردند و به تقویت بنیان‌های فرهنگی پرداختند. آنان هرات (در افغانستان کنونی) را پایتخت خویش قرار دادند و به از هنرمندان و عالمان دلجویی و حمایت کردند. این شیوه موجب رواج نگارش‌های علمی و پدیدآمدن آثار هنری در این دیار شد.

برخی از حکومت‌های محلی نیز در مناطقی از سرزمین پهناور ایران پدیدآمدند که سلسله قرا قویونلو و آق قویونلو و خاندان اینجو، از این گروه‌اند.

روشن است که در فضایی این‌گونه نامساعد همراه با هجوم و یورش مغولان، توقع ایجاد یک فرهنگ مستقر و پیشرفته در جامعه شیعی، سنجیده نیست.

بنابراین، میراث حدیثی شیعه به روال سالهای پیشین به نسلهای پسین انتقال می‌یافت و نگارش‌های محدود و انگشت‌شمار به جامعه علمی عرضه می‌شد.

مجموعه آثار پدیدآمده در این سده چندان پربرگ و بار نیست.

نگارش‌گران شاخص حدیث در این دوران به چند نفر محدود است: حسن بن سلیمان حلی، شیخ رجب برسی (م ۸۱۳)، ابن فهد حلی (م ۸۴۱) و کفعمی (م ۹۰۵).

۱- حسن بن سلیمان حلی: متولد حله و از شاگردان شهید اول است. شهید اول در اجازه روایی به وی، او را ستوده است. کتاب مشهور او *مختصر بصائر الدرجات* و یا کتاب *المختصر گزیده بصائر الدرجات* سعد بن عبدالله اشعری^{۳۸۰} همراه با اضافاتی دیگر است و به بیان فضایل اهل بیت پرداخته است. علاوه بر فضایل اهل بیت، روایات مربوط به رجعت در این کتاب به گونه‌ای مفصل بیان شده است.^{۳۸۱}

۲- شیخ رجب برسی: او از محدثان قرن نهم و مؤلف کتاب *مشارق أنوار الیقین* است. تفکر صوفیانه و شبه غالیانه او موجب رواج نگرشی خاص در حدیث شده است که همانند تفکر غالیانه در سده‌های پیشین است. شیخ حرّ عاملی او را فاضل، محدث، شاعر و ادیب دانسته و درباره کتاب او نوشته است: «وَفِي كِتَابِهِ إِفْرَاطٌ وَ نُسَبَ إِلَى الْغُلُوِّ».^{۳۸۲}

علامه مجلسی نیز اعتماد به کتاب او را روا ندانسته و آن را حاوی مطالب غلوآمیز دانسته است.^{۳۸۳}

۳۸۰. الضیاء اللامع، ص ۳۴.

۳۸۱. بحار/أنوار، ج ۱، ص ۱۰.

۳۸۲. /تذویر، ج ۷، ص ۳۳.

۳۸۳. برای آگاهی بیشتر از نظرات متفاوت ر.ک: مجله علوم حدیث، شماره ۲۲ و ۲۵، مقالات «معرفی مشارق أنوار الیقین» و نگاهی به «خطبة البیان وتطنجیة».

در مقابل علامه امینی به دفاع از او برخاسته است. خطبه افتخار، خطبه البیان، خطبه تطنجیه و بسیاری از سخنان نامتعارف دیگر که اکنون نیز در میان مردم شهرت دارد معمولاً از این کتاب اخذ شده‌اند. این متون در مصادر کهن و معتبر شیعی یافت نمی‌شوند.

۳- ابن فهد حلی (م ۸۴۱): عالم عابد و محدث اخلاق پژوه این دوره است. اساتید او از شاگردان فخر المحققین و شهید اول هستند. تحصیل و تدریس او در حله و کربلا بوده است. مشهورترین کتاب او عده الداعی است. این کتاب شامل احادیث مربوط به دعا و آداب آن است. اعتبار این کتاب در نزد دانشمندان متأخر موجب شهرت ابن فهد گشته است.

۴- کفعمی (م ۹۰۵): محدث پرتألیف دعانگار قرن نهم، ابراهیم بن علی کفعمی است، مشهورترین کتابهای داعی او بلد الامین و جنة الامان، مشهور به مصباح کفعمی، است.

ترتیب کتاب بلد الامین شباهت فراوان به کتاب مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی دارد. ادعیه روزانه، دعاهاى هفته، اعمال و دعاهاى مربوط به ماههاى قمری در این کتاب جمع‌آوری شده و در ادامه زیارات معصومان، ادعیه و مناجاتهای مربوط به امامان را آورده است. مصباح کفعمی، نگارش جدیدتر از کتاب بلد الامین است که ترتیب و شیوه آن را حفظ کرده است.

جلسه نهم

حدیث پژوهی در قرن دهم

اهداف درس

آشنایی با:

✓ اوضاع سیاسی عصر صفویه؛

✓ محدثان مشهور این دوران.

درآمد

سدهٔ دهم هجری دورانی جدید و مهم در حیات سیاسی و فرهنگی شیعه است. دوران فترت و رکود در علوم و معارف شیعی به ویژه معارف حدیثی، که پس از نیمهٔ قرن پنجم هجری آغاز شده بود، در این زمان پایان یافت و دوره‌ای جدید و سرنوشت‌ساز آغاز گشت. گسترش فعالیت‌های حدیثی چون رواج نگارش‌های حدیثی و تألیفات پیرامون حدیث در زمینه‌های مختلف، احیا و تکثیر نسخه‌های صحیح از متون کهن حدیثی، ترجمهٔ حدیث به زبان فارسی، نگارش جوامع حدیثی گوناگون، نگارش‌های متنوع فقه الحدیثی و ... به این دوران جلوهٔ خاصی بخشیده است.

تحلیل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی از این تغییر و تحول ژرف، محتاج به دقتی فراوان و عمیق است که باید به دور از حُب و بغض و با منطق صحیح تاریخی انجام گیرد.

روشن است که تلاش عالمان شیعی برای ترویج فرهنگ و باورهای مذهب تشیع، در سایهٔ پیدایش حکومت صفوی در ایران و با حمایت آنان انجام گرفته است. نزدیک شدن عالمان دینی به دربار و استفاده از امکانات دولتی با شعار شیعی، تحلیل‌ها و انگاره‌هایی را در موضوع رابطهٔ دین (مذهب) و دولت پدید آورد که برخی از آن نظریه‌ها محتاج به نقد، درست‌بینی، درست‌پنداری و سنجش است.

در این جلسه تصویری صحیح از وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره ارائه خواهد شد و از رهگذر آن، تحلیلی صحیح و مبتنی بر واقعیت‌های موجود در آن زمان به دست خواهد آمد.

نگاهی به اوضاع سیاسی این دوران

آغاز سدهٔ دهم هجری با قدرت یافتن سلسلهٔ صفویه در ایران هم‌زمان است. نوادگان صفی‌الدین اردبیلی، صوفی شهرهٔ قرن هشتم، خرقة و خانقاه را به کناری نهادند و به تشکیل سلسله‌ای جدید همت گماردند. شیخ

حیدر اردبیلی (قرن نهم) با استفاده از نیروی مریدان خانواده خویش، فعالیت را آغاز کرد که در نهایت به تشکیل حکومت صفویه در سال ۹۰۷ هجری به دست شاه اسماعیل صفوی منجر شد.

بررسی چگونگی قدرت یافتن صفویان با موضوع این نوشتار بی‌ارتباط است. آنچه مهم است آنکه شاه اسماعیل صفوی پس از به دست گرفتن قدرت در تبریز، به ترویج فرهنگ و شعائر شیعی پرداخت. تأمل در این شیوه نوپدید بسیار مهم است، زیرا پیشینه خاندان صفوی، ارتباط روشنی با مذهب تشیع ندارد. آنان صوفیانی بودند که به اهل بیت علاقه نشان می‌دادند، ولی از نظام فکری و معرفتی شیعه پیروی نمی‌کردند.

ترویج باورهای شیعی از سوی شاه اسماعیل صفوی به گونه‌ای افراطی آغاز شد. او بیزاری جستن و بدگویی از کسانی را که اهل سنت نسبت به آنها حساس بودند آشکارا ترویج می‌کرد و به آن اهمیت می‌داد.

تحلیل روش شاه اسماعیل در این رابطه نیازمند دقت و تأمل است. باید به این سؤال پاسخ داد که آیا این اقدام، تنها یک اقدام سیاسی برای تمایز با حکومت عثمانی است و یا اقدامی مبتنی بر فرهنگ و باور شیعی و نشئت گرفته از اعتقادات اوست؟^{۳۸۴}

نیت شاه اسماعیل و برخی از جانشینان او هرچه باشد نهال پربار و برگی را پدید آورده است. صفویان با این روش در پی متحد ساختن ایرانیان برآمدند و نخستین دولت شیعی در ایران را به تمام معنا پایه‌ریزی کردند. تمامیت ارضی، وحدت ملی و استقلال از دولت عثمانی، از جمله شاخصهای مهم در ایده‌های حاکم بر تفکر سلسله صفویه است.

این اقدام برای عرض اندام در مقابل حکومت مقتدر و گسترده عثمانی بود. امپراتوری عثمانی با ادعای تجدید خلافت اسلامی، گستره وسیعی از سرزمینهای اسلامی را زیر سلطه داشت و قدرتی متحد و واحد در سرزمین خویش برقرار ساخته بود. تفکرات سنی‌گری که گاه با تعصب و خشونت آمیخته می‌شد بر تمامی سرزمین عثمانی سایه افکنده بود. در پاره‌ای از مناطق همانند شام، برخی از بزرگ‌ترین عالمان شیعی همانند شهید ثانی تحت تأثیر این تفکر کور، به اعدام محکوم شدند.^{۳۸۵}

اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران نشان داد که میان حکومت تازه و حکومت عثمانی تفاوت آشکاری وجود دارد. حکومت جدید برای دستیابی به هویت مستقل و قابل ارائه، نیازمند نهادینه ساختن فرهنگ و معارف شیعی در تمامی زمینه‌ها بود. ایجاد، تقویت و نهادینه‌سازی فرهنگ شیعی به بستری نیاز داشت که در آن بنیانهای فقهی، اعتقادی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی پی‌ریزی شده باشد. پیشینه صوفیانه سردمداران حکومت جدید و دادوستد آنان با فرهنگ غیرتشکیلاتی صوفیان، این نیاز جدید را برآورده نمی‌ساخت؛ بنابراین، آنان به گروهی ژرف‌نگر، ورزیده و دارای تفکر عالمانه نیاز داشتند که این وضعیت را سامان بخشد و فرهنگ جدید را ایجاد کند و آن را نهادینه سازد. بدین منظور، آنان به عالمان، فقیهان و متفکران شیعی روی آوردند. شاه اسماعیل صفوی در آغاز سلطنت خویش نامه‌ای برای عالمان بحرین، کوفه، حله و جبل عامل نوشت و آنان را برای نشر معارف و اجرای احکام تشیع به ایران دعوت کرد.^{۳۸۶}

۳۸۴. توجه به هوش و سیاست شاه اسماعیل و قدرت او در طراحی نظام حکومتی جدید می‌تواند مؤید نظریه سیاست‌مداری او در ترویج فرهنگ شیعی باشد؛ اما دقت در مخالفت‌هایی که با شاه اسماعیل در این رابطه می‌شد و یا سخت‌گیری او در لن خلفا و دست نیافتن به سود سیاسی زودحاصل در این رابطه، این نظر را تأیید نمی‌کند.

۳۸۵. نام شماری از این عالمان شهید در کتاب *شهداء الفضیله* آمده است.

۳۸۶. *ایران در عصر صفویه*، ص ۲۹.

مهاجرت عالمان شیعه از نقاط مختلف به ویژه جبل عامل به ایران، تأثیر فراوانی بر فرهنگ شیعی و باورهای مردمان این دیار داشت. به واقع ارتباط حکومت صفوی و عالمان شیعی گونه‌ای از همزیستی مسالمت‌آمیز بود که دو طرف این ارتباط، منافع مورد نظر خویش را به دست می‌آوردند. حکومت صفوی با داعیه‌داری تشیع، خود را حکومتی مبتنی بر دین و مذهب معرفی می‌کرد و از وجهه عالمان شیعی و نگاشته‌ها و آرای آنان در این راه سود می‌برد. عالمان شیعی نیز که پس از سالیان دراز فرصت جمع‌آوری متون، نظریه‌پردازی، تقویت هویت شیعی و رواج باورهای شیعی را به دست آورده بودند از این فرصت نهایت استفاده را کردند و به نهادهایسازی این تفکر پرداختند. طبیعی است که این همزیستی، ارتباط مسالمت‌آمیز و دست‌یابی به اهداف، تنها در صورتی پدید می‌آمد که نفع دو طرف ماجرا در آن لحاظ شده باشد.

بنابراین، انتظار اقدامات انقلابی و قیام در برابر برخی از مظاهر بیدادگری حاکمان صفوی در برخی از موارد انتظار صحیحی نبود و حتی گاه لازم بود ارکان حکومتی که استقلال فرهنگ شیعی را پاس می‌داشت، تقویت شود.^{۳۸۷}

موضع‌گیری مجموعه عالمان شیعی، خواه افرادی که از مناطق دیگر به ایران مهاجرت کرده بودند و با شاهان ارتباط داشتند (همانند شیخ بهایی) و یا آنان که ایرانی بودند و در دربار حضور می‌یافتند (همانند علامه مجلسی) و آنان که از همکاری و ارتباط با دربار تن می‌زدند (همانند فیض کاشانی و مقدس اردبیلی) مجموعه‌ای زیبا از تفکر اعتدال، مصلحت‌سنجی و ابعاد مختلف سلوک دینی در مواجهه با حکومت صفوی را پدیدار ساخته بود.

مهاجرت عالمان شیعی به ایران

تشکیل حکومت مذهب‌محور با داعیه ترویج فرهنگ شیعی پس از سالها محرومیت و مهجوری، سبب روی آوردن عالمان و فقیهان به سوی ایران گشت. شاهان صفوی از این گرایش استقبال کردند و عالمان را گرامی داشتند. درخواست آنان از فقیهان و گروه‌های علمی دیگر، نشانه احتیاج آنان به این گروه فرهنگ‌ساز بود. از جهت دیگر سخت‌گیری دولت عثمانی بر شیعیان^{۳۸۸} و عالمان شیعی موجب رونق مهاجرت به ایران گردید. نفرت عالمان جبل عامل، که چند تن از عالمان مشهور خود همانند شهید اول و شهید ثانی را در این راه از دست داده بودند، موجب شد که هجرت از این منطقه به سوی ایران شتاب بیشتری گیرد.^{۳۸۹}

۳۸۷. ستایش علامه مجلسی از حاکمان صفوی و یا همراهی شیخ بهایی با شاه عباس صفوی از این منظر باید مورد بررسی قرار گیرد. شناختن موقعیت زمانی و مکانی و رعایت مصلحت‌های اجتماعی در فضای آن دوران موجب برساختن تحلیلهایی غلط و دور از منطق در این زمینه می‌گردد.

۳۸۸. تنها در یک واقعه بیش از چهل هزار شیعه در حکومت عثمانی به قتل رسیده‌اند. (تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۷۶۵)

۳۸۹. دین و دولت در ایران، ص ۵۴.

اولین عالم شیعی که با مهاجرت به ایران شیوه پذیرش ترویج مذهب در حکومت جدید ایران را بنیان نهاد شیخ علی بن عبدالعال کرکی مشهور به محقق ثانی (۹۴۰ - ۸۷۰ هـ) است. او در سال ۹۱۶ هجری، مدت زمانی پس از فتح بغداد به دعوت صفویان به ایران آمد. شهرت محقق کرکی در فقه و تسلط او بر مبانی کهن و استوار این علم ریشه دار موجب شد که دوره‌ای جدید در فقه شیعی آغاز شود و فقیهان از حوزه مسائل خصوصی و شخصی مکلفین خارج و به حوزه مسائل اجتماعی و حکومتی وارد شوند.^{۳۹۰}

ظاهراً سالهای پایانی حکومت شاه اسماعیل صفوی، دوران مناسبی برای حضور محقق در ایران نبود؛ بنابراین، در اواخر حکومت شاه اسماعیل به عراق رفت و پس از هجرت چندین ساله به عراق و روی کار آمدن شاه طهماسب صفوی (در سال ۹۳۰ هجری) به ایران بازگشت.

موفقیت محقق ثانی و همکاری شاه طهماسب در این زمینه، موجب شد که موج دیگری از مهاجرت عالمان جبل عامل به ایران آغاز گردد. کمال الدین درویش، علی بن هلال کرکی، شیخ علی منشار (پدر زن شیخ بهایی) و حسین بن عبدالصمد حارثی (م ۹۸۴ هـ) پدر شیخ بهایی به همراه فرزندش به ایران مهاجرت کردند. در سالهای بعد افرادی چون شیخ حر عاملی و شماری از عالمان بحرین، که با عنوان بحرانی شناخته می‌شوند، نیز به ایران آمدند.^{۳۹۱}

اگرچه تعداد مهاجران به ایران چندان پرشمار نیست، ولی دقت در نگرش و تفکر آنان، نشان می‌دهد که تنها کسانی که از جهت فرهنگی و اجتماعی، قدرت تأثیرگذاری و فعالیت سازنده داشتند به ایران آمده و فرهنگ‌سازی کرده‌اند. به واقع حکومت صفوی در جذب نخبگان همت داشت، نه دانش‌آموختگان معمولی و متوسط؛ در نتیجه افراد مهاجر به طور معمول از اشخاص ویژه محسوب می‌شدند.^{۳۹۲}

حدیث‌نگاران مشهور قرن نهم

با وجود دعوت حاکمان صفوی و مهاجرت عالمان شیعی و رونق گرفتن حوزه‌های فقه و حدیث شیعه در ایران میراث ماندگار حدیثی در قرن نهم، حاصل تلاش عالمانی چون شهید ثانی است. با آنکه عالمان شیعی مذهب

۳۹۰. ر.ک: مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۵۶.

۳۹۱. درباره مهاجرت عالمان شیعی کتابها و مقالات مستقلی نوشته شده است. برخی از این نگاشته‌ها عبارت‌اند از: جعفر المهاجر، الهجرة العالمية إلى إيران في العصر الصفوي، أسبَابُها التاريخية و نتائجها الثقافية و السياسية؛ مهدی فرهانی، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران؛ محمدکاظم رحمتی، مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در مطالعات عصر صفوی، و ...

۳۹۲. شخصیت استثنای این مجموعه، شهید ثانی (م ۹۶۶ هـ) است. او با وجود تبحر در علوم مختلف، به ویژه فقه و حدیث و درایه، در منطقه شام ماند و به تبلیغ مبانی شیعی ادامه داد و در نهایت به شهادت رسید. پیشگامی او در برخی از عرصه‌های علوم پیرامونی حدیث روشن است. علت ماندگاری او در سرزمین اجدادی و نیامدن به ایران محتاج دقت و تأمل بیشتر است. فرزند او نیز به عراق رفت، ولی در ایران حضور نداشت.

از نقاط مختلف به ایران آمده بودند، مشهورترین محدثان و ماندگارترین نگارشها مربوط به حوزه ایران، جبل عامل و عراق است. ابن ابی‌جمهور احسائی، زین‌الدین بن علی جبعی عاملی، مشهور به شهید ثانی، حسن بن زین‌الدین عاملی، پسر شهید ثانی و حسین بن عبدالصمد حارثی، پدر شیخ بهایی از عالمان حدیث و نگارندگان متون حدیث و علوم حدیث در این دوره هستند. اکنون به معرفی این عالمان و آثار ایشان می‌پردازیم.

۱- ابن ابی‌جمهور احسائی

نام او محمد بن زین‌الدین و متولد منطقه احساء (در شرق کشور عربستان) است. او در احساء و عراق و حجاز دانش آموخته است. اساتید و شاگردان، به استثنای محقق کرکی، او چندان شهره نیستند. او را عارف، متکلم، فقیه و محدث دانسته‌اند. بر احسائی به سبب گرایش به تصوف و کوتاهی در نقل حدیث، خرده گرفته‌اند. آثار حدیثی او نسبتاً فراوان است، ولی شهرت او به سبب نگارش کتاب *عوالی اللئالی* است که مهم‌ترین کتاب او شمرده می‌شود.^{۳۹۳}

عوالی اللئالی (یا *غوالی اللئالی*) مجموعه‌ای حدیثی است که بیشتر به ابواب فقهی نظر دارد و کاربردی است. ابن ابی‌جمهور روایات خود را به صورت مرسل نقل کرده و تنها در مقدمه کتاب برخی از طرق و اسناد خود را به علامه حلی و شیخ طوسی برشمرده است، ولی ارتباط سند با متن را معلوم نکرده است. برخی از متون موجود در کتاب از مصادر اهل سنت نقل شده‌اند. برخی محدثان و فقیهان به این دو نکته انتقاد کرده‌اند. علامه مجلسی درباره کتاب *عوالی* نوشته است:

کتاب *عوالی اللئالی* وإن کان مشهوراً ومؤلفه فی الفضل معروفاً لکنه لم یُمیز القشر من اللبَابِ وأدخل أخبار متعصبي المخالفين بین روایات الأصحاب فلذا اقتصرنا منه علی نقل بعضها.^{۳۹۴}

کتاب *عوالی اللئالی* با وجود شهرت خود و نویسنده‌اش، احادیث سره را انتخاب نکرده و روایات مخالفان تندرو را در میان روایات اصحاب امامیه آورده است؛ بنابراین، از این کتاب کمتر حدیث نقل می‌کنیم.

صاحب *وسائل* این کتاب را معتبر ندانسته و از آن نقل نکرده است.^{۳۹۵} صاحب *حدائق* نیز گفته است:

و ما علیه کتاب المذكور من نسبة صاحبه إلى التساهل في نقل الأخبار و خلط غثها

۳۹۳. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، مدخل ابن ابی‌جمهور؛ *تاریخ حدیث شیعه در قرن ۱۰ و ۱۰ ص ۵۰*.

۳۹۴. *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۳۱.

۳۹۵. *وسائل الشیعه*، ج ۳۰، ص ۱۶۰.

بسمینها وصحیحها بسقیمها.^{۳۹۶}

صاحب کتاب مذکور در نقل اخبار متساهل بوده و احادیث ضعیف را در کنار روایات قوی و متون صحیح را همراه با گزارشهای ناصحیح در کتاب با هم آورده است. اصولیان نیز سخن صاحب *حدائق* را تأیید کرده‌اند،^{۳۹۷} اما برخی همانند محدث جزائری، محدث نوری و آیه الله مرعشی مؤلف و کتاب را تأیید کرده و در موافقت با آن سخن گفته‌اند.^{۳۹۸} اگرچه اعتراض به صاحب *حدائق* نسبتاً گسترده است، ولی به جهت کاربردی بودن روایاتی که در کتاب است گاه اصولیان و کسانی که تفکر اخباری ندارند، به این کتاب استدلال می‌کنند. برخی روایات مهم مانند «الناس مسلطون علی أموالهم» (مردم مالک اموال خویش‌اند) و یا مرفوعة زراره در جمع بین اخبار متعارض، از جمله احادیثی هستند که تنها از طریق کتاب *عوالی اللئالی* به مصادر فقهی و حدیثی متأخر راه یافته‌اند. به نظر می‌رسد با وجود آنکه دانشمندان شیعی به برخی از روایات اختصاصی کتاب *عوالی اللئالی* به شدت نیاز داشته‌اند، ولی ضعفهای موجود در کتاب و یا مؤلف آن (همانند اتهام غلو و یا صوفیگری) موجب گشته که اعتماد کلی آنان به کتاب کاهش یابد و عالمان شیعی از آن استفاده و به آن استناد نکنند.

۲- شهید ثانی

سرآمد نویسندگان شیعه در این دوره و نخستین دانشمند شیعی است که در علم *درایة الحدیث* (مصطلحات الحدیث) کتاب نوشته است. با وجود عمر نسبتاً کوتاه، (۹۶۵ - ۹۱۱ هـ) در تمامی زمینه‌های علوم اسلامی صاحب نظر بوده است. فقه، تفسیر، علوم عقلی، هندسه، هیئت، ادبیات، حدیث، کلام، تاریخ و ... او را به دانشمندی جامع در علوم اسلامی تبدیل کرده است.

شهید ثانی در جبل عامل لبنان متولد شد و تحصیلات خود را در این منطقه آغاز کرد. در شام و مصر افزون بر عالمان شیعی، از استادان اهل سنت نیز استفاده نمود.

علاوه بر نگارشهای مهم فقهی همانند *مسالك الأفهام* و *شرح لمعه*، نگاشته‌های حدیثی ایشان نیز مورد استقبال قرار گرفته است.^{۳۹۹}

کتاب *البدایة فی علم الدرایة* و کتاب *الرعاية فی علم الدرایة* مهم‌ترین کتابهای درایه‌ای او هستند که بر نگارشهای بعدی در علم درایه تأثیر زیادی گذاشته‌اند. شهید ثانی کتاب دیگری با نام *غنیة القاصدین فی اصطلاحات المحدثین* دارد. *الرعاية فی علم الدرایة* اگرچه جزء نخستین نگاشته‌های شیعی در این علم است،

۳۹۶. *حدائق الناضرة*، ج ۱، ص ۹۹.

۳۹۷. *فوائد الأصول*، ج ۲، ص ۱۱۶؛ *فوائد الأصول*، ج ۳، ص ۳۸۹؛ *أصول الفقه*، ج ۲، ص ۲۱۹.

۳۹۸. رجوع شود به: *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، مدخل ابن ابی‌جمهور؛ *عوالی اللئالی*، مقدمه آیه الله مرعشی.

۳۹۹. برای اطلاع از زندگی شهید ثانی، ر.ک: مقدمه کتاب *منیة المرید* به قلم رضا مختاری.

ولی از قوام و استحکام خاصی برخوردار است؛ زیرا از تمامی نوشته‌های اهل سنت در این موضوع استفاده کرده و فواید آنها را جمع‌آوری نموده است.

کتابهای *الأربعون حديثاً في الفضائل* و *شرح حديث الدنيا مزرعة الآخرة* نیز نگارش حدیثی و فقه الحدیثی شهید ثانی است.

کتاب *منية المرید فی آداب المفید والمستفید* مشهورترین کتاب اخلاقی - حدیثی شهید ثانی است که در آن، آداب و وظایف معلم و دانشجو را با بهره‌گیری از قرآن و حدیث بیان کرده است. دانشمندان و عالمان شیعی بر خواندن و تدریس این کتاب اصرار داشته‌اند و آن را چندین و چند بار مطالعه می‌کرده‌اند.^{۴۰۰} بر هر دانشجوی علاقه‌مند به هر رشته از علوم لازم است که این کتاب را بخواند.^{۴۰۱}

کتابهای دیگر شهید ثانی همچون *كشف الريبه*، *حقائق الإيمان* و *مُسْكَن الفوائد* نیز رنگ حدیثی دارند. *كشف الريبه فی أحكام الغيبة* یکی از زیباترین نگارشهای اخلاقی، فقهی از منظر قرآن و حدیث است. شهید ثانی کتابی با نام *الإجازات* نیز نوشته است که جایگاه ایشان را در سلسله اسناد شیعی و طبقات محدثان مشخص می‌کند.

شهید ثانی در سال ۹۶۵ هجری در پی کینه‌توزی برخی از متعصبان اهل سنت در شهر مکه دستگیر و به اسلامبول، مرکز خلافت عثمانی، منتقل شد و در آنجا به شهادت رسید.

او پیش از دستگیری، مشغول به نگارش کتاب *مسالك الأفهام* بود. کتاب *منية المرید* را نیز در سال قبل از آن به پایان رسانده بود.^{۴۰۲}

۳- حسین بن عبدالصمد حارثی (۹۸۴ - ۹۱۸ هـ)

از عالمان حدیث‌پژوه جبل عامل، معاصر شهید ثانی و شاگرد اوست. آگاهی او از فقه، ادب، تاریخ، لغت و حدیث را ستوده‌اند. او یکی از آغازگران پژوهش حدیثی در ایران شمرده می‌شود.

حارثی در زمان شاه طهماسب به ایران آمد و در اصفهان ساکن شد. شاه صفوی که آوازه او را شنید او را به قزوین، که پایتخت آن دوره بود، فرا خواند. مدتی شیخ الاسلام قزوین و سپس مشهد گشت. پس از فتح افغانستان، به مدت هشت سال به هرات مهاجرت کرد و بذر تشیع را در آن دیار پراکند. در آخر عمر نیز در بحرین زندگی می‌کرد.^{۴۰۳} مجموع نگاشته‌های او نزدیک به سی عنوان است که در موضوعات فقهی، کلامی، حدیثی و ادبی نوشته شده‌اند.

۴۰۰. مقدمه منية المرید، ص ۵۵، به نقل از میرزای شیرازی، سید محسن امین عاملی، مامقانی و

۴۰۱. علی اصغر حکمت توصیف این کتاب را از یکی از دانشمندان غربی شنیده و به خواندن آن راغب شده است. مقدمه منية المرید، ص ۵۶.

۴۰۲. مقدمه منية المرید، ص ۱۵؛ تحقیق، تصحیح و مقدمه رضا مختاری این کتاب را خواندنی تر کرده است.

۴۰۳. ر.ک: *أعيان الشیعة*، ج ۶، ص ۶۶ - ۵۶.

از جمله کتابهای حدیثی او کتاب الأربعین حدیثاً، تعلیقات بر صحیفه سجادیه و وصول الأخبار إلى أصول الأخبار است. کتاب وصول الأخبار، با مقدمه‌ای مفصل در مباحث امامت، مباحث و اصطلاحات موضوع علم درایه را به تفصیل مطرح نموده است.

۴- حسن بن زین الدین (م ۱۰۱۱ هـ)

او فرزند شهید ثانی است که به سبب نگارش کتاب معالم الدین به صاحب معالم شهره گشته است. صاحب معالم هفت ساله بود که پدرش به شهادت رسید. تحصیلات خود را همراه با دایی خویش (صاحب مدارک) در جبل عامل آغاز کرد و در عراق ادامه داد. این دو، شاگرد مقدس اردبیلی و مولی عبدالله یزدی و ... بودند. ارتباط او و صاحب مدارک آنقدر صمیمی و دوستانه بود که در میان دانشمندان ضرب المثل گشت. نگاشته‌های فراوان او همراه با ارزیابی صاحب مدارک بوده است. شهرت او در اصول، فقه، حدیث و ادب است. او با تألیف متنی مرتب و پاکیزه در علم اصول فقه به عنوان مقدمه‌ای بر کتاب معالم الدین خود، راه را برای بحثهای متمرکز در اصول فقه گشود.^{۴۰۴}

علم، آگاهی و ذوق او را بسیار ستوده‌اند.^{۴۰۵} شیخ حر عاملی درباره او گفته است:

كان عالماً فاضلاً متبحراً محققاً ثقةً ثقةً فقيهاً وجيهاً نبياً محدثاً جامعاً للفنون أدبياً شاعراً زاهداً عابداً ورعاً جليل القدر عظيم الشأن كثير المحاسن وحيد دهره أعرف أهل زمانه بالفقه والحديث والرجال.^{۴۰۶}

علاوه بر کتابهای فقهی چند اثر نفیس حدیثی از او بر جای مانده است. نگارش رجالی او با نام التحریر الطاووسی، تصنیف و بازنویسی کتاب حل الإشکال فی معرفة الرجال نگاشته سید احمد بن طاووس است. نکته مهم در این کتاب آن است که او به نسخه دست‌نویس سید بن طاووس دسترسی داشته و ایشان نیز برخی از کتابهای مهم رجالی همانند رجال ابن‌غضائری را در اختیار داشته است. در واقع می‌توان گفت که ما از راه کتاب التحریر الطاووسی به کتاب ابن‌غضائری دست می‌یابیم. مهم‌ترین نگاشته حدیثی صاحب معالم، کتاب منتقى الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان است. او در این کتاب احادیث صحیح السند را از کتب اربعه استخراج نموده و آنها را تنظیم کرده است. احادیثی را که خود صحیح می‌شمارد و در بررسی سندی آن بسیار سخت‌گیری می‌کند با رمز «صحی»، یعنی «صحیح عندي» مشخص کرده و احادیث صحیح در نزد مشهور را با رمز «صحو» معین کرده است. در ادامه نیز احادیث «حسن» را ذکر می‌کند.

۴۰۴. مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۱۵.

۴۰۵. أعيان الشیعه، ج ۵، ص ۹۲.

۴۰۶. أمل الآمل، ج ۱، ص ۵۷.

ظاهراً این شیوه نگارش تنها در آثار علامه حلی بوده است و پیشینه دیگری ندارد. مؤلف پس از نقل روایت به شرح دقیق آن می‌پردازد. الفاظ غریب آن را توضیح می‌دهد و با بیانی رسا فقه الحدیث زیبایی را ارائه می‌کند. مؤلف مشکلات احتمالی در متن را مشخص می‌کند و راه حل لازم برای حل اشکال و یا نفی تعارض را ارائه می‌دهد. او در قسمت رفع اختلاف، از شیوه شیخ طوسی استفاده کرده است. مقدمه طولانی او بر کتاب *منتقى الجمال*، بیانگر معیارهای رجالی او است. این مقدمه مشتمل بر دوازده فایده است. فایده سوم از این مجموعه به تبیین مبنای ایشان در کافی نبودن توثیق یک عادل اختصاص دارد. او توثیق را نوعی شهادت می‌شمارد که به دو نفر شاهد نیاز دارد. این کتاب تنها تا ابواب حج نوشته شده و اجل مهلت تکمیل آن را نداده است.

جلسه دهم

حدیث پژوهی در سده های یازدهم و دوازدهم

هدف درس

✓ آشنایی با گونه‌های حدیث پژوهی در سده‌های یازدهم و دوازدهم.

درآمد

حدیث پژوهی و نگارش آثار ماندگار و تلاش در زمینه‌های گوناگون حدیثی در قرن یازدهم و دوازدهم هجری شکل گرفت و رواج یافت. اگرچه حکومت صفویه در قرن دهم تشکیل شد و فعالیت‌های علمی عالمان شیعی را پیگیری می‌کرد، ولی آثار فعالیت‌های حدیثی عالمان در قرن یازدهم پدیدار گشت.

کوشش افرادی چون پدر شیخ بهایی، شیخ علی منشار (پدر زن شیخ بهایی)، ملا عبدالله شوشتری، محمدتقی مجلسی، ملا محمد استرآبادی، ملا محمد امین استرآبادی و ... در این دوره ثمر داد و آثاری ماندگار در حوزه حدیث شیعه منتشر شد. فعالیت اخباریان که در سده یازدهم آغاز شده بود به این جریان کمک می‌کرد و فعالیت‌های حدیثی را در صدر می‌نشاند. این جنبش حدیثی نوبنیاد، زمینه‌های متفاوت پژوهشی را مدّ نظر قرار داد.

فعالیت‌های اصلی دانشمندان و محدثان این دوره در هفت محور اصلی و چند محور فرعی طبقه‌بندی می‌شود. محورهای اصلی فعالیت‌های محدثان شیعی از این قرار است:

۱- تکثیر نسخه‌ها؛

۲- تکنگاری؛

۳- جامع‌نگاری؛

۴- شرح نویسی و فقه الحدیث؛

۵- تفسیر مأثور؛

۶- ترجمه؛

۷- علوم حدیث (رجال، درایه و ...).

در ادامه نوشتار، مصادیق عناوین بالا و شخصیت‌هایی که در این زمینه فعالیت کرده‌اند، به بحث گذاشته می‌شود.

تکثیر نسخه‌ها

فضای خفقان‌آلود سیاسی و اجتماعی نسبت به شیعیان و باورهای آنان در سده‌های پیشین به گونه‌ای بود که به طور معمول امکان فعالیت آشکار و بدون دغدغه را از عالمان شیعی می‌گرفت.

این وضعیت موجب شده بود که نگاشته‌های کهن حدیثی شیعه، گسترش عمومی درخور شأن خویش نیابند. در فضای پیشین، در پیش گرفتن تقيه و آشکار نکردن عقاید خود از سوی شیعیان سبب مخفی ماندن نسخه‌های اصیل و دقیق حدیثی می‌گشت. بسیاری از نسخه‌ها در هجوم متعصبان اهل سنت نابود شد و برخی از آنها در پستوهای نمور خانه‌ها از بین رفت و به دست نسلهای پسین نرسید.

تلاش عالمان شیعی که با زحمت فراوان در پی نقل و روایت نسخه‌های کهن حدیثی بودند بسیار پراکنده بود. ممکن بود نسخه‌ای در روستایی دورافتاده باشد که عالمان شهرهای بزرگ از آن بی‌اطلاع باشند.

قدرت یافتن عالمان شیعی در این دوران و امکان فعالیت آزاد در گسترش باورهای شیعی، آنان را به این فکر واداشت که نسخه‌های اصیل، معتبر و کهن را احیا کنند و در دسترس دیگران قرار دهند.

شیخ علی منشار، شیخ الاسلام اصفهان و پدر زن شیخ بهایی، در سفر به هند نسخه‌های خطی بسیاری تهیه کرد و به اصفهان آورد. گفته‌اند که او چهار هزار نسخه خطی فراهم کرد که بعدها در اختیار شیخ بهایی قرار گرفت.^{۴۰۷}

علامه محمدتقی مجلسی نیز از کسانی است که در این مسیر تلاش فراوان کرده است. او خود در این باره نوشته است:

در این شهر اصفهان دو یا سه کس کتب حدیث داشتند و آن نیز در کتابخانه بود که کسی ندیده بود و الحال (۱۰۶۶ هـ) قریب به چهل سال است که سعی نمودم ... و به مرتبه‌ای رسیده است که در بسیاری از کتابخانه‌ها جمیع کتب مکرر هست. والحمد لله رب العالمین که اکثر فضای عصر اوقات شریف ایشان صرف حدیث می‌شود.^{۴۰۸}

علامه محمدباقر مجلسی نیز به این کار بسیار اهمیت می‌داد. او به عنوان شیخ الاسلام اصفهان موقوفات خاصی در اختیار داشت که برای گسترش حدیث و تکثیر نسخه‌های خطی هزینه می‌شد. نگاهی به فهرست کتابهای خطی و تاریخ نگارش آنها، تفاوت آشکار این دوران با زمان پیشین را مشخص می‌کند. بیشتر نسخه‌های خطی موجود در زمان ما در این روزگار فراهم آمده است.

علامه مجلسی به گروههای مختلف علمی مأموریت داد تا نسخه‌های دور از چشم را در نقاط مختلف بیابند و نمونه‌ای از آن را به اصفهان منتقل کنند. در پی این تلاش مجموعه‌ای گسترده از نسخه‌های خطی فراهم آمد و زمینه‌ای مناسب برای مقایسه نسخه‌ها و گزینش برترین آنها به وجود آمد. پس از گزینش و انتخاب بهترین نسخه، آن نسخه تکثیر می‌شد و در اختیار عالمان قرار می‌گرفت.

مجموعه این امکانات موجب شد که علامه مجلسی در نگارش بحار/الأنوار از بهترین نسخه‌های زمان خویش استفاده کند. این کتاب اکنون نیز به عنوان گزارشگر نسخه‌های کهن صحیح مورد توجه مصححان کتب حدیثی است.

۴۰۷. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۶۶.

۴۰۸. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۳۷.

تکنگاری

نگارش متون حدیثی در این دوران بیش از پیش گسترش یافت. در این زمان کتابهایی نگارش یافت که بسیاری از آنها تا کنون به صورت نسخه خطی باقی مانده و به چاپ نرسیده است. تقریباً تمامی محدثان این دوره نگارشهایی این گونه داشته‌اند.

شیخ حر عاملی کتابهایی با نام *الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه*، *الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعه*، *إثبات الهداة والفصول المهمة فی معرفه الأئمة* نوشته است. سید هاشم بحرانی هم کتابهای گوناگونی در زمینه‌های مختلف، به ویژه معرفت امامان، نگاشته است. *معالم الزلفی فی معارف النشأة الأولى والأخری*، *حلیة الأبرار*، *مناقب أمير المؤمنين*، *المحجّة فیما نزل فی القائم الحجة*، *غایة المرام* و ... از نگاشته‌های اوست. *نور البراهین* سید نعمت‌الله جزائری، *قصص الأنبیای حویزی*، *نوادیر الأخبار و معادن الحکمه* هر دو از ملا محسن فیض کاشانی، *مسار الشیعة* فراهانی و دهها کتاب دیگر از جمله تکنگاریهای این دوران است. یکی از زیرشاخه‌های مهم در تکنگاری احادیث شیعی، اربعین‌نویسی (چهل حدیث) است که در این دوران رشد گسترده‌ای یافت. اربعین‌نویسی شاخه‌ای کهن در نگاشته‌های حدیثی شیعی و سنی است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است:

من حفظ علی أمتی أربعین حدیثاً ینتفعون مما یحتاجون إلیه فی أمر دینهم بعثه الله عزّ وجلّ یوم القیامة فقیهاً عالماً.^{۴۰۹}

هر کس از امت من چهل حدیث از احادیثی که امتم در امر دین بدانها نیاز دارند، حفظ کند خدا در قیامت او را فقیه و عالم محشور خواهد کرد.

نگارندگان چهل حدیث موضوعی عام یا خاص را هدف قرار می‌دادند و به نگارش و یا شرح چهل حدیث در آن باره می‌پرداختند. مباحث اخلاقی، اعتقادی، فضایل و مناقب، سنن، آداب، احکام و ... موضوعات مورد توجه عالمان شیعی بوده است. *الأربعین فی فضائل أمير المؤمنين* (علیه السلام)، نوشته جمال‌الدین محمدشاه شاهرودی (م ۹۳۰ هـ)، *الأربعون حدیثاً* نگارش حسین بن عبدالصمد حارثی (م ۹۸۴ هـ)، *الأربعون حدیثاً فی أحوال النصاب و المخالفین* نوشته عبدالقاهر حسینی تفرشی (م ۱۰۲۵ هـ)، *الأربعین شیخ بهایی*، *الأربعین علامه محمدتقی مجلسی*، *الأربعون حدیثاً*، نوشته قاضی سعید قمی (همراه با شرح روایات معارفی)، *الأربعون حدیثاً فی أصول الدین و فروع الدین* علامه مجلسی، *الأربعون حدیثاً*، نوشته فخرالدین طریحی و چندین کتاب دیگر از این گروه است.^{۴۱۰}

جامع‌نویسی

مشهورترین کتابهای جامع حدیثی پس از کتب اربعه در این دوران نگاشته شده است. شهرت این نگارشها موجب تمایز این دوران با زمان پیش و پس از خود گشته است. تا پیش از این دوران، عالمان و فقیهان برای اطمینان از یافته‌های خود نیازمند مراجعه به تمامی کتابها و بررسی آنها بودند؛ همچنین آنها مجبور بودند به کتب اربعه مراجعه کنند. در بسیاری از مباحث اعتقادی

۴۰۹. خصال، ج ۲، ص ۵۰؛ کافی، ج ۱، ص ۴۹، و ...

۴۱۰. برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به مقاله «اربعین‌نویسی»، مجله علوم حدیث

همانند معاد) کتابی جامع و مطمئن در دسترس نبود. تاریخ و سیره معصومان، مباحث اخلاقی و ... نیز وضعیتی این چنین داشت. کتابی جامع که تمامی احادیث ابواب فقه و یا معارف را در بر داشته باشد نیز در اختیار عالمان نبود.

مرحوم ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ هـ) اولین جامع نگار احادیث فقهی در این دوران است. او با جمع آوری و ترکیب کتب اربعه شیعه، کتاب *وافی* را سامان داد. این کتاب بیشتر برای فقیهان کارآمد بود، ولی مباحث اعتقادی و اجتماعی کتاب کافی را هم در بر داشت.

مرحوم شیخ محمد بن حسن حر عاملی، با نگاشتن *وسائل الشیعه* ماندگارترین جامع فقهی شیعه را سامان داد. او علاوه بر کتب اربعه، روایات فقهی بیش از هشتاد کتاب حدیثی دیگر را نیز جمع آوری و به شیوه‌ای کاملاً کاربردی تنظیم کرد. همسانی مباحث این کتاب با مباحث کتاب *شرایع الاسلام* و توجه کامل به جزئیات موجود در مباحث فقهی، آن را شهره ساخته است؛ به گونه‌ای که این کتاب مرجع مجتهدان در استنباط و اجتهاد قرار گرفته است.

مهم‌ترین جامع حدیثی شیعی یعنی *بحار الأنوار* نیز در این دوران نوشته شده است. در این مجموعه مرحوم علامه مجلسی تلاش خود را به جمع آوری احادیث غیرفقهی اختصاص داده است؛ زیرا روایات فقهی در مجموعه‌های دیگر فراهم آمده‌اند.^{۴۱۱}

همت و تلاش مرحوم علامه (رحمه الله) در پی‌جویی و جمع آوری احادیث و تنظیم دقیق آنها در موضوعات متفاوت، آن مقدار بلند و گسترده است که انسان را به تعجب وامی‌دارد.

پس از علامه مجلسی، مرحوم بحرانی با نگارش کتاب *عوامل العلوم سعی* کرد تا کاری بزرگ‌تر و وسیع‌تر از *بحار الأنوار* را سامان دهد، ولی مزایای فراوان کتاب *بحار الأنوار* و شهرت علامه مجلسی موجب گمنامی کتاب *عوامل العلوم* گشته است. این کتابها در درس جوامع حدیثی شیعه به تفصیل بررسی می‌شود؛ بنابراین، در این بحث به این مختصر بسنده می‌کنیم.^{۴۱۲}

شرح نویسی و فقه الحدیث

تا پیش از این دوران، شرح نویسی بر احادیث چندان گسترش نداشت. فقیهان در لا به لای مباحث فقهی به شرح احادیث فقهی می‌پرداختند، ولی سایر احادیث، همچون احادیث اعتقادی، که گاه بسیار مهم‌تر و دقیق‌تر از روایات فقهی بودند در حاشیه به سر می‌بردند؛ حتی مهم‌ترین کتاب حدیثی شیعه، یعنی کتاب *کافی* تا آن دوران شرح پسندیده‌ای نداشت. مرحوم میرداماد در مقدمه کتاب *کافی* ضمن مدح و ستایش *ثقة الإسلام* کلینی و کتاب *کافی* نوشته است:

در مدت هفتصد سالی که از تألیف کتاب *کافی* گذشته است کسی از عالمان به شرح احادیث و حل مشکلات آن نپرداخته است. در این دوران بیش از سی شرح و حاشیه بر

۴۱۱. گفتنی است که بخش فقه *بحار الأنوار* نیز بسیار گسترده و نزدیک به بیست جلد است.

۴۱۲. برای آگاهی بیشتر از کتاب *بحار الأنوار*، ر.ک: *آشنایی با بحار الأنوار* نوشته احمد عابدی، مقدمه *معجم ألفاظ بحار الأنوار*، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، تاریخ حدیث در قرن دهم و یازدهم، نوشته الیاس پوراکبر، مدخل *بحار الأنوار* در *دانش‌نامه جهان اسلام و ...*

کتاب کافی نوشته شده است و این تعداد نشانگر اهمیت دادن عالمان شیعه به این شیوه است.^{۴۱۳}

یکی از کهن‌ترین شروح صحیفه سجادیه، شرح مرحوم شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ ه) بر این کتاب است. اگرچه تنها یک قسمت از این نوشته با نام *الحدیقه الالهالیه*، در شرح دعای امام سجاد (علیه السلام) به هنگام رؤیت هلال، در دست است، ولی این کتاب مختصر نشانگر دقت و تیزبینی شیخ بهایی در موضوعات حدیثی، نجومی و پیروی از معیارهای صحیح و علمی در شرح حدیث و فقه الحدیث است.

با وجود آنکه ملاصدرا (م ۱۰۵۰ ه) در فلسفه و علوم عقلی شهره است، ولی او را باید یکی از اولین شارحان حدیث شمرد. نگاه دقیق او به روایات اعتقادی موجب شد که نگاه نقلی و تعبدی صرف به متون تغییر کند و آیات و روایات چونان متون برهانی و همسان با احکام عقلی جلوه کند. اگرچه شرح ملاصدرا بسیار ناقص است و تنها پانصد حدیث اول کتاب کافی را دربرمی‌گیرد، ولی به جهت آنکه این مضمون مربوط به کتاب عقل و کتاب توحید است اهمیت بسیاری دارد. به گفته علامه شعرانی، این شرح تأثیری بسیار ژرف بر شروح پس از خود گذاشته و آنها را نیز متحول ساخته است.^{۴۱۴}

علامه محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ه) نیز دو شرح بر کتاب *من لا یحضره الفقیه* نوشته است؛ *روضه المتقین* به زبان عربی و *لوامع صاحبقرانی* به زبان فارسی. *لوامع صاحبقرانی* جزء نخستین شروح درازدامن بر کتب حدیثی شیعه است.

ملا خلیل قزوینی (م ۱۰۸۹ ه) دو شرح فارسی و عربی مفصل بر کتاب کافی دارد. هر چهار کتاب، به ویژه شروح فارسی کتاب کافی و *من لا یحضره الفقیه*، به درخواست شاه عباس دوم انجام گرفته است.^{۴۱۵} علامه مجلسی نیز دو شرح بر دو کتاب از کتب اربعه دارد و کتاب *مرآة العقول* را در شرح کتاب کافی و کتاب ملاذ *الأخیار* را در شرح کتاب تهذیب *الأحكام* نوشته است.

ملا صالح مازندرانی بر اصول و روضه کافی شرح نوشت و رفیع‌الدین نائینی بر آن کتاب حاشیه نگاشت. سید نعمت‌الله جزائری (م ۱۱۱۲ ه) دو کتاب در شرح تهذیب *الأحكام* و یک کتاب در شرح *استبصار* نوشته است. او همچنین کتاب توحید و عیون *الأخبار* شیخ صدوق را نیز شرح کرده است.

در گزارش مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی شروح فراوانی بر کتاب کافی، صحیفه سجادیه، تهذیب *الأحكام* و *من لا یحضره الفقیه* نام برده شده است. همچنین در شرح احادیث خاص و مشکل رساله‌های فراوانی نوشته شده که در این کتاب نیز به آن اشاره شده است. حاشیه‌های گوناگونی نیز بر کتابهای حدیثی در این دوران موجود است.^{۴۱۶}

شرح سید علیخان مدنی با نام *ریاض السالکین* مهم‌ترین شرح بر کتاب صحیفه سجادیه است که در هفت جلد منتشر شده است.

۴۱۳. *الرواوشح السماویه*، ص ۴؛ مقایسه این سخن با تعداد شروح کتاب بخاری که نزدیک به چهارصد عنوان است عجیب و آموزنده است.

۴۱۴. شرح ملا صالح مازندرانی، ج ۵، ص ۱۶۹؛ رضا استادی، «ده نکته درباره شرح اصول کافی ملاصدرا»، *مجله علوم حدیث*، شماره ۱۳.

۴۱۵. عباس‌نامه، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۴۱۶. نکته قابل توجه اینکه شروح نهج *البلاغه* در این دوران کمتر از حد انتظار است. این نکته نیازمند دقت و تأمل است.

کتاب بحار الأنوار مهم‌ترین کتاب شرح حدیثی در این مجموعه است. علامه مجلسی پس از ذکر روایت، شرح و تبیین خویش را زیر عنوان «بیان» آورده است. او به غریب الحدیث، شرح حدیث، تعارض و اختلاف حدیث پرداخته است و سعی در حل مشکل الحدیث دارد. کتاب بحار الأنوار جامع‌ترین شرح روایات شیعی است و از شیوه صحیح و پسندیده فقه الحدیث پیروی می‌کند.

تفسیر مآثور

نگارش تفسیر روایی یا تفسیر مآثور نیز در این دوران فراوان است. گسترش فعالیت‌های حدیثی و رواج اخباریگری در این دوره رواج تفسیر مآثور را در پی داشته است. به اعتقاد اخباریان فهم آیات قرآن بدون استفاده از کلام معصوم ممکن نیست. در سایه این باور، آنها به روایات تفسیری توجه ویژه داشتند و کتاب‌هایی در این زمینه نگاشتند. مشهورترین این تفاسیر عبارت‌اند از:

۱- تفسیر صافی و اصفی

تفسیر صافی از مشهورترین تفاسیر شیعی، نگاشته ملامحسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ هـ) است. در این تفسیر، به روایات اهل بیت و درایت آن اهمیت بسیار داده شده است. این تفسیر به تفاسیر کهن مآثور همانند تفسیر قمی و عیاشی توجه ویژه دارد. به باور فیض، تاکنون تفسیری مهذب، شفاف، کامل، کافی و منحصر به احادیث اهل بیت نوشته نشده است؛ از این رو، او این تفسیر را با هدف رسیدن به این نتیجه به انجام رسانده است. مقدمات دوازده‌گانه فیض کاشانی در ابتدای تفسیر صافی، مخاطب را با نحوه تفکر او آشنا می‌سازد. فیض کاشانی این تفسیر را خلاصه کرده و نام اصفی را بر آن نهاده است.

۲- البرهان فی تفسیر القرآن

این تفسیر نگاشته سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ هـ)، گسترده‌ترین تفسیر روایی است که به جمع‌آوری تمامی متون حدیثی، بدون جداسازی سره از ناسره پرداخته و آنها را در کتاب خود نقل کرده است. شیوه اخباریگری نویسنده در نقل روایات به طور کامل دیده می‌شود. او روایات مورد نظر خود را از حدود ۵۷ کتاب حدیثی جمع‌آوری کرده و در تفسیر آیات آورده است. بیشتر توجه بحرانی به نقل روایات است و از نقد متون به شدت دوری می‌گزیند.

۳- تفسیر نور الثقلین

عبدالعلی حویزی (م ۱۱۱۲ هـ) نگارنده این تفسیر با جمع‌آوری روایات تفسیری سعی کرده است تا روایاتی مقبول و خوش‌مضمون ارائه دهد. او اسناد روایات را حذف و تنها متن آنها را ذکر کرده است. هر چند این تفسیر برتر از تفسیر البرهان است، اما همان‌گونه که در برخی از تفاسیر دیگر نقلی نیز دیده می‌شود برخی از

متون اسرائیلیات به این تفسیر راه پیدا کرده است. با وجود این، علامه طباطبائی، مؤلف تفسیر المیزان، تلاش مؤلف را در تنظیم و نگارش این کتاب ستوده است.^{۴۱۷}

۴- تفسیر کنز الدقائق

این کتاب تألیف میرزا محمد مشهدی (م ۱۱۲۵ هـ) و شبیه به کتاب نور الثقلین است. دو سوم انتهایی این دو کتاب دقیقاً مشابه هم هستند و این نشان می‌دهد که یکی از این دو کتاب از دیگری گرفته شده است.

۵- تفسیر موجود در کتاب بحار الأنوار

بایسته است که کتاب بحار الأنوار نیز یکی از تفاسیر مأثور در این دوره شمرده شود. علامه مجلسی در هر باب و عنوان این کتاب، ابتدا آیات مربوط با آن عنوان و سپس روایات هم‌مضمون با آیات را ذکر و در ادامه، روایات آن باب را نقل می‌کند. این شیوه موجب شده است که بحار الأنوار مفصل‌ترین تفسیر روایی جلوه کند. همچنین این شیوه در همراهی آیات و روایات تفسیری با دیگر روایات اهل بیت زمینه فهم برتر را در هر عنوان قرآنی فراهم می‌سازد.

ترجمه (فارسی‌نویسی)

رسمی شدن مذهب شیعه در ایران که زبان رسمی مردم آن فارسی بود، نیاز به آن داشت که برای آشنایی مردم عادی با متون معرفتی امامان گام‌های اساسی برداشته شود. پیش از این دوران، معارف علمی و حدیثی تنها به زبان عربی، که زبان علمی و دینی مسلمانان بود، نوشته می‌شد. این زبان رسمی، رایج و مشترک برای ارتباط جوامع مختلف مورد نیاز بود، ولی گرهی از کار مردم نمی‌گشود.

بنابراین، توده مردم تنها از راه جلسات سخنرانی اطلاعات دینی و مذهبی خود را به دست می‌آوردند؛ در حقیقت فرهیختگان و طلاب رابط بین مردم و متون دینی بودند.

حکومت صفوی تلاش کرد متون معرفتی شیعه به زبان فارسی نوشته شود و در اختیار مردم قرار گیرد. شاه اسماعیل از عالمان خواست که متون فقهی را به زبان فارسی و برای توده مردم بنویسند.

علی بن حسن زواره‌ای (م ۹۴۷ هـ) کتابهای کشف النعمه، الطرائف، احتجاج، مکارم الأخلاق، نهج البلاغه و ... را به زبان فارسی ترجمه کرد. شیخ بهایی جامع عباسی را به عنوان اولین رساله عملیه فارسی نگاشت. علامه محمدتقی مجلسی، شرح من لا یحضره الفقیه را به زبان فارسی و با نام لوامع صاحبقرانی به درخواست شاه عباس دوم نوشت. ملا خلیل قزوینی نیز شرح خود بر کتاب کافی را به دو زبان عربی و فارسی نگاشت.

بسیاری دیگر از عالمان چون ملا محسن فیض کاشانی، قاضی سعید قمی، آقا جمال خوانساری، ملا محمد صالح روغنی و ... نیز متون حدیثی و معرفتی فارسی فراوانی نوشته‌اند. در میان این همه تلاش و کوشش، فعالیت علامه محمدباقر مجلسی جلوه‌ای دیگر دارد. علامه مجلسی فارسی‌نویسی و ساده‌نویسی را

۴۱۷. ر.ک: مقدمه نور الثقلین.

در آثار خود، در کنار هم آورده است. او به مخاطب عام، و نه فرهیخته، نظر دارد و متن خویش را به دور از صنایع ادبی می‌نگارد. شهرت علامه مجلسی و ساده‌نویسی او موجب شد که آثارش در زمان خودش گسترش پیدا کند.

بیش از نیمی از عناوین کتابهای علامه مجلسی به زبان فارسی است. ایشان نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر، توحید مفضل، زیارت جامعه، دعای کمیل، دعای سمات و دعای مباحله را به فارسی ساده ترجمه کرده است. شرح فارسی دعای جوشن کبیر و شرح فارسی برخی از احادیث مشکل و ... نیز در زمره این نگاشته‌هاست.

شاگرد او، میرمحمد صالح خاتون‌آبادی، در توصیفی اغراق‌آمیز گفته است:

کمتر خانه‌ای در شهرهای شیعه‌نشین وجود دارد که نگاشته‌ای از آثار فارسی مجلسی در آن نباشد.^{۴۱۸}

علوم پیرامونی حدیث (رجال، درایه و ...)

علوم پیرامونی حدیث چون غریب الحدیث، درایه الحدیث و رجال نیز در این دوران رونق فوق‌العاده‌ای یافتند و کتابها و رساله‌های فراوانی در این موضوعات نوشته شد.

پس از نگارش *الرعايه* به قلم شهید ثانی، حسین بن عبدالصمد حارثی کتاب *وصول الأخیار إلى أصول الأخبار* را در علم درایه نگاشت. میرداماد نیز اگرچه در علوم عقلی شهره است، ولی جزء دوم کتاب *الرواشرح السماویه* را به علوم حدیثی اختصاص داد و مباحث رجال و درایه را مطرح ساخت. همچنین شیخ بهایی کوچک‌ترین و زیباترین رساله در علم مصطلح الحدیث را با نام *الوحیزه* در این زمان نوشت.

در علم رجال، نگاشته‌های فراوانی در این دوره نوشته شد. تفرشی (م ۱۰۲۱ هـ) کتاب *رجال مفیدی* نوشت. میرزا محمد استرآبادی نیز سه کتاب در علم رجال نوشت؛ *کتاب کبیر*، *متوسط* و *صغیر*.

کتاب *رجال کبیر* او با نام *منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال* بزرگ‌ترین کتاب رجالی تا آن زمان است. نویسنده تمامی راویان کتب اربعه و دیگر افراد موجود در کتابهای رجالی پیشین را به گونه‌ای آفریده است. او اقوال عالمان پیشین و حتی نظرات اهل سنت را درباره‌ی راویان شیعی نقل کرده است.

عنایت‌الله قهپایی (م ۱۰۱۶ هـ) نیز ترتیب *رجال کشی* و ترتیب *فهرست شیخ طوسی* را نوشته است. کتاب مشهور او *مجمع الرجال فی معرفة أحوال الرجال*، جامع کتب رجالی پیشین است.

عبدالنبی بن سعد جزائری (م ۱۰۲۱ هـ) در کتاب خویش شیوه‌ی جدیدی به کار گرفت و راویان را در چهار گروه صحیح، حسن، موثق و ضعیف طبقه‌بندی کرد.

علامه محمدتقی مجلسی *مشيخة فقيه* را شرح کرد. علامه مجلسی نیز نگاشته‌ای در علم رجال دارد.

یکی از بهترین نگارشهای رجالی در شناخت راویان و طبقات آنان با استفاده از اساتید و شاگردانشان کتاب جامع *الرواة* نوشته‌ی محمد بن علی اردبیلی است. آیت الله بروجرودی (رحمه الله) بزرگ رجالی قرن اخیر به این

۴۱۸. بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲۸.

کتاب اهمیت فراوان می‌داده‌اند. با مراجعه به کتابهایی چون *الذریعه* و *مصنفی المقال فی علم الرجال* می‌توان نام و مشخصات شماری دیگر از کتابهای رجالی را به دست آورد.^{۴۱۹}

غریب الحدیث نیز در این دوران مورد توجه قرار گرفت. مرحوم فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵ هـ) کتاب *مجمع البحرین و مطلع البدرین* را در غریب القرآن و غریب الحدیث نگاشت. او در نگارش این کتاب از تمامی کتابهای غریب الحدیث اهل سنت که پیش از او نوشته شده بود استفاده کرد. افزون بر آن بسیاری از واژه‌ها و متون حدیثی شیعی را نیز بدان اضافه نمود.^{۴۲۰}

مرحوم فیض کاشانی هم در نگارش کتاب *وافی* به واژه‌های غریب توجه کرده و به تبیین و توضیح آنها پرداخته است. نگاه فقیهانه و محققانه او در تبیین برخی از واژه‌ها بسیار جالب توجه است.

در این حوزه نیز بیشترین کوشش را علامه محمدباقر مجلسی در نگارش *بحار الأنوار* متحمل شده است. یکی از اهداف او در نگارش کتاب *بحار الأنوار* شرح و تبیین واژه‌های غریب موجود در روایات بوده است. تسلط شگفت‌انگیز ایشان بر کتابهای لغت و غریب الحدیث و آشنایی گسترده با متون مختلف حدیثی موجب شده است که از این زاویه نیز کتاب *بحار الأنوار* سرآمد نگاشته‌های معاصر و مشابه خود باشد.

۴۱۹. توضیحات بیشتر درباره برخی از کتابهای رجالی این دوره را در مبحث کتاب‌شناسی کتب رجالی خواهید یافت.

۴۲۰. ر.ک: عبدالهادی مسعودی، «سیر تدوین غریب الحدیث»، *مجله علوم حدیث*، شماره ۱۳.

جلسه یازدهم

حدیث پژوهی در سده های یازدهم و دوازدهم

اهداف درس

- ✓ آشنایی با حدیث‌نگاری در سده‌های یازدهم و دوازدهم؛
- ✓ آشنایی اجمالی با محدثان و کتابهای مشهور این دوران.

درآمد

سده‌های یازدهم و دوازدهم مملو از حدیث‌پژوهان و حدیث‌نگاران است که به آموختن، آموزش، پژوهش، نگارش و مباحثه در متون و علوم حدیثی اشتغال داشته‌اند. در این دوران حدیث‌پژوهی سرآمد دیگر علوم شیعی محسوب می‌شد و بر فقه، اصول و علوم عقلی مقدم بود.

آشنایی با تمامی محدثان این دوره و آثار آنان، به تحقیقاتی گسترده در منابع، متون و کتابخانه‌های شخصی و عمومی که نسخه‌های خطی این دوران را جمع‌آوری کرده‌اند، نیازمند است. در این دوران شهر اصفهان، پایتخت دولت صفوی، مرکز علمی شیعه محسوب می‌شد و عالمان بسیاری در این شهر می‌زیستند که همگی به معارف دینی، به ویژه حدیث، اهتمام زیادی داشتند که دهها تن از این عالمان، در قبرستان تخت فولاد اصفهان مدفون هستند.^{۴۲۱}

علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در *الدریعه*، علامه سید محسن امین در *أعیان الشیعه*، مرحوم خوانساری در *روضات الجنات* و مرحوم آفندی در *ریاض العلماء* بسیاری از این افراد را نام برده‌اند. در این گزارش اجمالی، تنها مهم‌ترین حدیث‌پژوهان این دوره را، به ترتیب طبقات و بر حسب سال فوت آنان، ذکر و مختصری از زندگی‌نامه آنان را بیان می‌کنیم.

قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ - ۹۵۶ هـ)

او در شوشتر متولد شد و پس از اتمام تحصیلات خود، در پی نابسامانی اوضاع خوزستان به مشهد و سپس در سال ۹۹۲ به هند مهاجرت کرد. اکبر شاه (م ۱۱۰۴ هـ) او را گرامی داشت و مقام قضاوت را به او واگذار کرد.

۴۲۱. برای آشنایی بیشتر ر.ک: *تذکره القبور*، ملا حبیب‌الله گزی؛ *روضه رضوان*، محمدحسین ریاحی؛ دانش‌نامه عالمان مدفون در تخت فولاد.

تبلیغ باورهای شیعی در هند، از او چهره‌ای مشهور و مورد احترام ساخت. مهم‌ترین اقدام او پاسخ‌گویی به شبهات مخالفان شیعه با استفاده از متون مقبول آنان بود. علاوه بر این، او کتاب *الصورم المهرقه* را در ردّ *الصواعق المهرقه* و کتاب *إحقاق الحق* را در ردّ کتاب *إبطال نهج الباطل*^{۴۲۲} نوشت. او در کتاب *إحقاق الحق* به تفصیل از مبانی شیعه در زمینه امامت امام علی (علیه السلام) دفاع کرده است.^{۴۲۳}

نگاشته‌های او را نزدیک به ۱۴۰ عنوان ذکر کرده‌اند^{۴۲۴} که برخی از آنها رجالی و برخی شرح کتابهای حدیثی است که شرح تهذیب/الأحكام، شرح صحیفه سجادیه و تعلیقه بر کتاب کافی از این جمله است. او پس از مرگ اکبر شاه در سال ۱۰۱۴ و قدرت گرفتن افراطیان متعصب، به جرم دفاع از کیان تشیع به شهادت رسید.^{۴۲۵}

ملا عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ هـ)

او از شاگردان مقدس اردبیلی و با شیخ بهایی معاصر است. همگان، علم، فضل و تقوای او را ستوده‌اند. علامه محمدتقی مجلسی گسترش دروس حدیثی در اصفهان را به او نسبت داده و نوشته است:

می‌توان نشر فقه و حدیث را بر اثر مساعی او دانست ... آن هنگام که او به اصفهان آمد، عدد طلاب علوم دینی به پنجاه نفر نمی‌رسید، در حالی که در زمان وفات او بیش از هزار نفر از فضلا در این شهر بودند.^{۴۲۶}

بیشتر محدثان نسل بعد، شاگرد او هستند.^{۴۲۷} او حاشیه‌هایی بر تهذیب، استبصار و رجال ابن‌داود نگاشته است. تأثیرگذاری او در گسترش معارف حدیثی بیشتر به علت فعالیت‌های پیگیر او در درس و بحث است نه به آثار ماندگار.

شیخ بهایی (۱۰۳۱ - ۹۵۳ هـ)

بهاءالدین محمد بن حسین عاملی، مشهور به شیخ بهایی (۱۰۳۱ - ۹۵۳ هـ)، از مشهورترین و اثرگذارترین عالمان شیعی در دوران صفویه است. او در جبل عامل متولد شد و در سن هفت سالگی همراه با پدرش به ایران مهاجرت کرد. تخصص و تبحر او در فلسفه، حدیث، فقه، ادب، ریاضی، معماری و تمامی علوم عصر خویش، جامعیتی به او بخشید که نماد و اسطوره دانایی و توانایی شده بود.

۴۲۲. این کتاب ردیه‌ای بر کشف الحق و نهج الصدق علامه حلی است.

۴۲۳. این کتاب در سالهای اخیر همراه با ملحقات فراوان آن توسط آیه‌الله مرعشی نجفی چاپ شده است. ویرایش جدید این مجموعه با تغییرات کاربردی فراوانی به نام موسوعة الإمامة فی نصوص أهل السنة منتشر شده است.

۴۲۴. ر.ک: مقدمه آیه الله مرعشی نجفی بر کتاب إحقاق الحق، ج ۱، ص ۹۷ - ۹۰.

۴۲۵. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: ریاض العلماء، ج ۵، ص ۲۶۵ به بعد؛ شهداء الفضیله، ص ۱۷۵ به بعد؛ مقدمه إحقاق الحق.

۴۲۶. لوامع صاحبقرانی، ج ۱۴، ص ۳۸۲.

۴۲۷. مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۵۸.

او در سنین جوانی و هنگام حضور در قزوین، در دانشهای دینی چهره‌ای شاخص بود، به گونه‌ای که پس از مهاجرت پدرش به هرات، او جانشین پدر در قزوین، مرکز حکومت صفوی، شد. او پس از مهاجرت به اصفهان، به تربیت شاگردان زبده همت گماشت. علامه محمدتقی مجلسی در توصیف او می‌نویسد:

الشیخ الأعظم والوالد المعظم الإمام العلامة، مَلِكُ الْفُضَلَاءِ وَالْأَدْبَاءِ وَالْمُحَدِّثِينَ، بَهَاءُ الْمِلَّةِ وَالْحَقُّ وَالْدِّينُ.^{۴۲۸}

استاد بزرگ و پدر بزرگوار، راهبر دانشمند و سرسلسله بزرگان، ادیبان و محدثان، آبروی دین و حق و حقیقت.

تأثیرگذاری شیخ بهایی در تمامی امور مربوط به علم و ادب و هنر زبانزد و شهره است. او درباره آموزش حدیث و تدبر و تأمل در آن می‌گوید:

رهروی در مسیر رسالت، جز از راه نقل حدیث، ضبط، روایت، درایت و تدبر در آن و صرف عمر در بررسی و مباحثه آن و سپری ساختن روزها و سالها در تمرین و همراهی با آن غیرممکن است.^{۴۲۹}

نگاشته‌های کوچک و بزرگ او بیش از صد عنوان است. برخی از رساله‌ها و کتابهای حدیثی او به شرح زیر است:

۱- وجیزه

رساله‌ای موجز و زیبا در علم درایه است که بیشتر اصطلاحات حدیثی را به طور خلاصه بیان کرده است. شیخ بهایی این رساله را به مثابه مقدمه‌ای بر کتاب *حبل المتین* خود نگاشته است.

۲- اربعین حدیث

از مشهورترین کتابهای چهل حدیث اخلاقی و اجتماعی است.

۳- الحديقة الهلالية

این کتاب شرح دعای رؤیت هلال امام سجاد از *صحیفه سجادیه* است. علاوه بر نکات فراوان موجود در این شرح، ارائه مبانی فقه‌الحدیثی شیخ بهایی به شکلی کاربردی این رساله را پرفایده و با اهمیت ساخته است.

۴- مفتاح الفلاح

این کتاب پیرامون آداب، اعمال و ادعیه روز و شب است. این کتاب با قسمتی از *مفاتیح الجنان* مرحوم شیخ عباس قمی شباهت دارد، ولی شیوه بیان آن اخلاقی و فقیهانه‌تر است.

۴۲۸. روضة المتقین، ج ۱، ص ۲۲.

۴۲۹. الأربعون حدیثاً، ص ۵۹.

ملازمین استرآبادی (م ۱۰۳۶ هـ)

او سردمدار حرکت اخباری است که در درس بعدی درباره او سخن خواهیم گفت.

محمدباقر حسینی استرآبادی، مشهور به میرداماد^{۴۳۰} (م ۱۰۴۱ هـ)

او از اساتید بزرگ فلسفه اسلامی است که تحصیلات خود را در مشهد تمام کرد و سپس به شهرهای دیگر، همچون قزوین و اصفهان رفت. ملاصدرا در توصیف او می‌نویسد:

سَيِّدِي وَسَنَدِي وَأُسْتَاذِي وَأُسْتَاذِي فِي الْمَعَالِمِ الدِّينِيَّةِ وَالْعُلُومِ الْإِلَهِيَّةِ ... عَلَّامَةُ الزَّمَانِ وَأَعْجُوبَةُ الدَّوْرَانِ.^{۴۳۱}

او دوست و همنشین شیخ بهایی و در فقه، ادب و حدیث صاحب نظر بود. او را معلم ثالث لقب داده‌اند. نگاشته‌های او بیش از هفتاد کتاب و رساله است. کتاب قبسات مهم‌ترین کتاب فلسفی اوست. وی کتابهای حدیثی فراوانی دارد که از آن میان کتابهای حاشیه بر صحیفه سجادیه، استبصار، رجال کشی و ... را می‌توان نام برد. کتاب الرواشح السماویه، شرح او بر کتاب کافی است که تنها مقدمه ثقة الاسلام کلینی را توضیح داده و در ادامه به مباحث رجال و درایه نزدیک شده است. او در ۳۹ بند، یا به تعبیر خود «راشحه»، موضوعات متنوعی را درباره برخی از مسائل مهم رجال یا اصطلاحات حدیثی بیان کرده است.^{۴۳۲} مرحوم میرداماد را می‌بایست نمونه‌ای جالب از ترکیب تفکر عقلی و نقلی شیعی به شمار آورد که با همراه ساختن قرآن، حدیث، فقه، فلسفه و کلام، آثار زیبایی را در این زمینه‌ها پدید آورده است.

صدرالدین محمد شیرازی، مشهور به ملاصدرا (۱۰۵۰ - ۹۷۹ هـ)

بزرگ‌ترین فیلسوف اسلامی و شیعی در دوران متأخر صدرالدین محمد شیرازی است. او زاده شیراز و تحصیل کرده در شیراز و اصفهان است که در اطراف قم ساکن بوده است. مشهورترین اساتید وی شیخ بهایی و میرداماد هستند. او بنیانگذار حکمت متعالیه است که راه را برای همراهی فلسفه و عرفان گشوده است. کتاب اُسفار اربعه مهم‌ترین کتاب فلسفی اوست.

تفکرات او از زمان حیات وی تاکنون مورد بحث و نقد و تأیید قرار گرفته است. فلسفه شیعی معاصر از مشرب وی پیروی می‌کند.

اگرچه شهرت ملاصدرا بیشتر در فلسفه است، ولی نگاشته‌هایی در تفسیر قرآن و شرح حدیث نیز دارد.

۴۳۰. از آنجا که پدر او داماد محقق کرکی بوده است، لذا وی به میرداماد مشهور شده است.

۴۳۱. شرح اُصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۴.

۴۳۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: مقدمه الرواشح السماویه، به قلم محمدحسین درایتی؛ «معرفی اجمالی کتاب الرواشح السماویه»، مجله علوم حدیث، شماره ۱۰.

شرح او بر کتاب کافی از مهم‌ترین شروح این کتاب است. نگاه عقل‌گرایانه ملاصدرا در شرح متون نقلی و توضیحات او پیرامون اسناد روایات به همراه بیان نکات رجالی و حدیثی، در این رساله نمایان است. او می‌نویسد:

وَلَقَدْ أُبْتُلِينَا بِجَمَاعَةٍ يَرَوْنَ التَّعَمُّقَ فِي الْأُمُورِ الرَّبَّانِيَّةِ بِدَعَةٍ وَالتَّدَبُّرَ فِي الْآيَاتِ الْإِلَهِيَّةِ خُدَعَةً كَأَنَّهُمُ الْحَنَابِلَةُ مِنْ كُتُبِ الْحَدِيثِ.^{۴۳۳}

گرفتار جماعتی شده‌ایم که اندیشیدن در امور ربانی را بدعت و تدبر در آیات الهی را نیرنگ می‌پندارند. اینان، همچون حنبلیان، (کورکورانه) با کتب حدیث برخورد می‌کنند. او در پی آن است که روایات را از منظر برهان و استدلال توضیح دهد و منطقی بودن شیوه سخن و گویش امامان (علیهم السلام) را تبیین کند. او در شرح خویش به یافته‌ها و گفته‌های دیگران نیز نظر داشته و آنها را نقل و نقد می‌کند. شرح ملاصدرا در بخشهای اولیه کتاب کافی از گسترده‌ترین شروح این کتاب است. او حتی در مباحث سندی نیز به تفصیل سخن گفته است. آرا و نظرات ملاصدرا در کتابهای دیگر، که به شرح احادیث کافی پرداخته‌اند، نقد، اثبات و یا رد شده است.^{۴۳۴}

علامه محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰ هـ)

او در سال ۱۰۰۳ هجری در اصفهان متولد شد. خاندان او از نسل ابونعیم اصفهانی هستند. او نزد عالمانی همچون شیخ بهایی و ملا عبدالله شوشتری تحصیل کرد و سپس به نجف اشرف رفت و تحصیلات فقهی و حدیثی خود را در آن دیار ادامه داد. او پس از مرگ شاه عباس به اصفهان بازگشت و تدریس و تعلیم خویش را در این شهر آغاز نمود. گسترش حدیث‌پژوهی در اصفهان از نتایج فعالیت‌های او است. او در این باره می‌نویسد:

آنچه از آن جمله بهره این بی‌بضاعت شده است، آن است که چون علم اخبار اهل بیت رسالت ... به دلیل استیلای سلاطین جور و ائمه ضلال متروک و منسوخ شده بود ... در احیای مراسم و تبیین معالم آن به نحوی تلاش کردم که اکنون، بحمد الله، تمامی علوم را نسخ کرده است و اکثر علمای زمان به ترویج و تحصیل آن رو آورده‌اند.^{۴۳۵}

آثار حدیثی علامه محمدتقی مجلسی فراوان است؛ زیرا او تمامی کوشش خویش را در این علم متمرکز نمود. افزون بر برخی نگاشته‌های رجالی، همانند حاشیه‌ای بر نقد الرجال و شرح مشیخه من لا یحضره الفقیه، آثار او را می‌توان در سه حوزه جای داد:

۴۳۳. شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۴۳۴. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: رضا استادی، «ده نکته درباره شرح اصول کافی ملاصدرا»، مجله علوم حدیث، شماره ۱۳؛ نادعلی عاشوری، «دیدگاه‌های حدیثی ملاصدرا»، مجله علوم حدیث، شماره ۱۹؛ علی نصیری، «شرح صدر المتألهین بر اصول کافی»، مجله علوم حدیث، شماره ۲۴.

۴۳۵. لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۰.

۱- ترویج صحیفه سجادیه

گسترش نسخه‌برداری از صحیفه سجادیه و معرفی آن به جوامع علمی شیعی از جمله تلاش‌های علامه مجلسی بوده است. او خود اشاره می‌کند که در حالتی، بین خواب و بیداری، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیده و از ایشان کتابی را درخواست کرده است. امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز کتاب صحیفه سجادیه را به او معرفی کرده‌اند. او پس از آن به ترویج این کتاب پرداخته و نسخه‌هایی متعدد از آن را در اصفهان منتشر کرده است.^{۴۳۶}

اگرچه این کتاب قبل از علامه مجلسی هم در دست دانشمندان بود، ولی رواج گسترده آن به تلاش مجلسی اول صورت گرفته است.

او دو شرح فارسی و عربی نیز بر صحیفه سجادیه نگاشته است.

۲- شرح کتاب من لا یحضره الفقیه

مشهورترین و ماندگارترین تلاش علمی و حدیثی علامه مجلسی، نگارش دو شرح مفصل به زبان عربی و فارسی بر کتاب من لا یحضره الفقیه است که شرح عربی آن روضة المتقین و شرح فارسی آن لوامع صاحبقرانی نام دارد.

او در این کتابها با استفاده از تمامی اندوخته‌های خویش و با به‌کارگیری مبانی مقبول در فهم و درک روایات، در پی دستیابی به مراد جدی معصوم (علیه السلام) و تبیین آن برای مخاطبان خویش بوده است.^{۴۳۷} علاوه بر این، ایشان شرحی نیز بر کتاب تهذیب الأحکام با نام إحياء الأحادیث فی شرح تهذیب الحدیث نوشته است.

۳- فارسی‌نویسی

همان‌گونه که گفتیم، فارسی‌نویسی، از روشهای مجلسی اول در فراگیر کردن استفاده از متون حدیثی است. تألیف شرح فارسی بر صحیفه سجادیه و من لا یحضره الفقیه از ابداعات او به شمار می‌رود. علاوه بر این، او خطبه امام علی (علیه السلام) در اوصاف متقین را نیز به زبان فارسی شرح کرده است. تمایل به اخباریان در آثار مجلسی اول مشهود است.^{۴۳۸}

درباره تمایل ایشان به عرفان و تصوف و گرایش به کشف و شهود و ارتباط با برخی از چهره‌های صوفی شیعی معاصر نیز گفتارهایی نقل شده است، اما علامه محمدباقر مجلسی، که تفکر ضد صوفی‌گری دارد، در صدد نفی این انتساب برآمده و نوشته است:

وَإِيَّاكَ أَنْ تَظُنَّ بِالْوَالِدِ أَنَّهُ مِنَ الصُّوفِيَّةِ وَإِنَّمَا كَانَ يُظْهِرُ أَنَّهُ مِنْهُمْ لِأَجْلِ التَّوَصُّلِ إِلَى رَدِّهِمْ عَنْ اعْتِقَادَاتِهِمُ الْبَاطِلَةِ.^{۴۳۹}

۴۳۶. الفیض القدسی، (مندرج در بحار الأنوار، ج ۱۰۲) ص ۱۱۶ - ۱۱۴.

۴۳۷. برای آشنایی بیشتر ر.ک: عبدالهادی مسعودی، «تلاشهای مجلسی اول در فهم متن»، مجله علوم حدیث، شماره ۳۴.

۴۳۸. در بحث مربوط به اخباریگری در این باره سخن خواهیم گفت.

۴۳۹. لؤلؤة البحرين، ص ۶۰.

و برحذر باش از اینکه والد ما را از صوفیه پنداری، زیرا او خود را از آنها نشان می‌داد تا بتواند آنان را از عقاید باطلشان بازگرداند.

ملا صالح مازندرانی (م ۱۰۸۶ هـ)

حسام‌الدین محمد صالح بن احمد مازندرانی، داماد علامه محمد تقی مجلسی و شاگرد اوست. او در ابتدای تحصیل در اصفهان در نهایت فقر و عسرت زندگی می‌کرد. تحصیلات او در علوم عقلی و نقلی در اصفهان و نزد عالمان مشهور آن دیار بوده است.

آگاهی ما از زندگانی او چندان گسترده نیست. چیزی که باعث شهرت یافتن او شده است، شرح او بر اصول و روضه کافی است. علامه شعرانی درباره او می‌نویسد: «مَوْلَى الْعَظِيمِ الْعَارِفِ الْحَكِيمِ الْمُحَقِّقِ الْجَامِعِ لِلْفَضَائِلِ الْعَمَلِيَةِ وَالْفُنُونِ الْعَقْلِيَةِ وَالشَّرْعِيَةِ.» شعرانی همچنین شرح او را شرحی پرفایده، خوش عبارت و خالی از تکلف خوانده است.^{۴۴۰}

او در علوم عقلی از حکمت متعالیه بهره می‌جست و مانند ملا محسن فیض کاشانی به اخباریان تمایل داشت.

وی در نگاشته خود به شرح ملا صدرا و میرداماد نظر داشته و آنها را نقل و نقد می‌کند. روش او در شرح احادیث کافی با مبانی علامه محمد تقی و محمد باقر مجلسی مطابقت دارد. چاپ جدید این کتاب در دوازده جلد با حواشی متعدد و پرفایده علامه شعرانی به طبع رسیده است که این حواشی فواید این کتاب را دو چندان کرده است. البته علامه شعرانی برخی از نوشته‌های ملا صالح را نپذیرفته و آنها را نقد کرده است. این کتاب تنها روایات اصول و روضه کافی را شرح کرده است. ملا صالح مازندرانی کتاب من لا یحضره الفقیه و برخی از احادیث مشکل را نیز شرح کرده است.

شیخ فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۷ هـ)

شیخ فخرالدین طریحی زاده نجف، تحصیل کرده در آن و استاد حوزه این شهر است. او از خاندانی مشهور و عالم‌پرور بود. وی در بسیاری از دانش‌ها متبحر بود و نگاشته‌هایی در علوم متعدد داشت. مجموعه نگاشته‌های او چهل عنوان است که برخی از آنها پیرامون شرح حدیث یا علوم مرتبط با آن، به ویژه رجال و درایه، است. مشهورترین کتاب او مجمع البحرین، پیرامون غریب القرآن و غریب الحدیث است. محرک اصلی او در نگارش این کتاب، نارسایی کتابهای غریب الحدیث اهل سنت، در بهره‌دهی نسبت به احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و ذکر نکردن شاهد مثال از این روایات است. این نگاشته از معدود نگاشته‌های شیعی در علم غریب الحدیث با عنایت به احادیث اهل بیت است.

۴۴۰. شرح ملا صالح مازندرانی، ج ۱، ص ۷.

فیض کاشانی (۱۰۹۱ - ۱۰۰۷ هـ)

او در خانواده‌ای عالم و پیشینه‌دار در کاشان (یا قم) به دنیا آمد. تحصیلات خود را در موطن خویش آغاز کرد و در اصفهان ادامه داد. او شاگرد میرداماد، ملاصدرا، مجلسی اول و سید ماجد بحرانی است. او داماد و همراه ملاصدرا در تنهایی‌های او بوده است. مشرب فلسفی او نیز برگرفته از حکمت متعالیه است.^{۴۴۱}

او در علوم مختلف از قبیل فلسفه، فقه، حدیث، تفسیر قرآن، اعتقادات و علوم ادبی متخصص و صاحب نظر بود. تخصص او در خلط نکردن علوم مختلف با یکدیگر، ستایش محققان را برانگیخته است.^{۴۴۲} نگاشته‌های او بیش از ۱۳۰ عنوان کتاب است که بسیاری از آنها پیرامون حدیث و علوم مرتبط با آن است. کتاب *وافی*، مهم‌ترین و مشهورترین نگاشته حدیثی اوست. این کتاب را می‌توان از اولین جامع‌نگاریهای دوران صفویه برشمرد که علاوه بر جامعیت، غریب الحدیث و شرح الحدیث را نیز در بر می‌گیرد.^{۴۴۳} تفسیر *صافی* او نشانگر روش معتدل و مقبول تفسیر ماثور است. کتاب *نوادر الأخبار* او، مجموعه‌ای از احادیث اعتقادی و مرتبط با اصول دین است که در کتب اربعه ذکر نشده است.

المحجة البيضاء (إحياء الإحياء / تهذيب الإحياء) نگارشی از کتاب *إحياء العلوم* غزالی است که با نگاهی شیعی و از منظر احادیث اهل بیت آن را اصلاح کرده است. او علاوه بر زدودن برخی از مطالب سست و ناروا از این کتاب، روایات اهل بیت را نیز به این کتاب افزوده و آن را مستندتر و مقبول‌تر کرده است. آثار فراوان دیگر او در اخلاق و معارف نیز از احادیث اهل بیت (علیهم السلام) سرچشمه یافته است. *أصول المعارف* (در چند جلد)، *أصول العقائد*، *علم اليقين*، *حق اليقين*، *عين اليقين* و ... نیز از جمله آثار اعتقادی اوست.

اگرچه ملا محسن فیض کاشانی از دانشمندان اخباری است، ولی از تعصب و سخت‌گیریهای اخباریان افراطی به دور است. او آثار زیبایی در شعر و ادب نیز دارد که از آن میان دیوان شعر او مشهور است.

محمد بن حسن حرّ عاملی (۱۱۰۴ - ۱۰۳۳ هـ)

او در روستای مشغره از توابع جبل عامل، در جنوب لبنان، متولد شد. تحصیلاتش را در آنجا آغاز کرد و در چهل سالگی به ایران آمد و در مشهد ساکن شد. او در مدت حضور خود در مشهد شیخ الاسلام این شهر بود. بیشتر شهرت شیخ حرّ عاملی به خاطر نگارش کتاب *وسائل الشیعه* است. از این رو، او را با لقب صاحب *وسائل* نیز نام می‌برند.^{۴۴۴}

آثار حدیثی او، به غیر از *وسائل الشیعه*، نیز فراوان و پر بار است که در زیر با برخی از این آثار آشنا می‌شویم:

۴۴۱. زندگانی فیض کاشانی در بحث جوامع حدیثی متأخر شیعه با تفصیل بیشتر ارائه خواهد شد.

۴۴۲. ر.ک: *مهر تابان*، ص ۲۶، به نقل از علامه طباطبائی.

۴۴۳. در درس جوامع حدیثی متأخر شیعه به صورت تفصیلی با این کتاب آشنا خواهید شد.

۴۴۴. تفصیل مطالب مربوط به *وسائل الشیعه* و مؤلف آن، در درس جوامع حدیثی شیعه خواهد آمد.

۱- الجواهر السنّیة فی الأحادیث القدسیّة

این کتاب از اولین نگاشته‌های شیعیان پیرامون احادیث قدسی است.

۲- الصّحیفة الثّانیة السّجّادیّة

مؤلف در این کتاب ادعیه‌ای از امام سجاد (علیه السلام) را که در صحیفه سجّادیه موجود نیست، جمع‌آوری کرده است.

۳- الإیقاظ من الهجّة بالبرهان علی الرّجعه

در این کتاب روایاتی که رجعت مردمان و امامان (علیهم السلام) را در آخر الزمان اثبات می‌کند، جمع‌آوری شده است.

۴- إثبات الهداة

مؤلف در این کتاب روایاتی را که پیرامون نبوت، امامت و همچنین پیامبران و امامان (علیهم السلام) وجود دارد، گردآوری کرده است.

۵- الفصول المهمّة فی أصول الأئمّه

وی در این کتاب به جمع‌آوری قواعد کلی که از امامان (علیهم السلام) درباره اصول و فروع دین و سایر علوم، همچون علم اصول فقه، طب و غیره وارد شده، پرداخته است.

۶- الإثنا عشریة فی الرّد علی الصّوفیّه

مجموعه روایاتی که در نکوهش روش صوفیان از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است.

۷- الأمل الأمل فی علماء جبل عامل

این کتاب در علم رجال و تراجم به بازگویی زندگانی عالمان دینی جبل عامل پرداخته است. مرحوم شیخ حر عاملی در سال ۱۱۰۴ هجری در مشهد درگذشت و در جوار امام رضا (علیه السلام) مدفون شد.

سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ هـ)

او زاده بحرین و دانش‌آموخته بحرین و نجف است. دوران حیات او با دوران اوج حرکت اخباریگری در بحرین و عراق مقارن است. او نیز تحت تأثیر این حرکت به جمع‌آوری متون حدیثی برای بازگویی معارف شیعی پرداخته است. مرحوم شیخ یوسف بحرانی، پس از علامه مجلسی، او را سرآمد حدیث‌نگاران می‌داند.^{۴۴۵} مجموعه نگاشته‌های او نزدیک به شصت عنوان است که تمامی آنها رنگ حدیثی دارند و در موضوعاتی همچون تفسیر قرآن، اعتقادات، امامت، تاریخ و سیره است. *البرهان فی تفسیر القرآن، مدینة المعجز، المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، معالم الزلفی، ترتیب التهنید، حلیة الأبرار، غایة المرام* و ... از جمله نگاشته‌های او هستند. تفکر اخباری او موجب شده است که برخی از متون ضعیف یا ناصحیح نیز در برخی از کتابهای او جلوه‌گر شود. بنابراین، مواجهه با نگاشته‌های او باید با نقد و تیزبینی همراه باشد.

علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۲ هـ)

او مشهورترین چهره حدیثی این دوران و تأثیرگذارترین آنهاست. او با استفاده از نیروی تفکر خدادادی و امکانات فراهم‌آمده در دوران صفوی، به تلاش و کوشش در تمامی زمینه‌های علمی و عملی در نشر معارف حدیثی پرداخت. نگارش کتاب *بحار الأنوار*، بستری برای دیگر فعالیت‌های او شد.^{۴۴۶} (پیرامون علامه مجلسی و کتاب *بحار الأنوار* در درس جوامع حدیثی به تفصیل بحث خواهیم کرد). مجموع نگاشته‌های او نزدیک به صد عنوان است که بیشتر آنها حدیثی است. *مرآة العقول* در شرح کافی، *ملاد الأخیار* در شرح تهذیب الأحکام، *شرح الأربعین حدیثاً، الفوائد الطریفة فی شرح الصحیفة*، از جمله کتابهای او در شرح حدیث است.

علامه مجلسی ۷۴ عنوان کتاب و رساله به زبان فارسی نگاشته است که برخی فقهی و بیشتر آنها حدیثی است. ترجمه ادعیه‌ای همچون دعای کمیل، مباهله، سمات، جوشن صغیر، زیارت جامعه، شرح دعای جوشن، ترجمه احادیث مهمی مانند توحید مفضل، توحید امام رضا (علیه السلام)، حدیث عبدالله بن جندب، حدیث رجاء بن ابی‌ضحاک، حدیث سته اشیاء و ترجمه عهدنامه مالک اشتر از دیگر اقدامات حدیثی او است. متون اعتقادی همچون *رسالة فی البداء، رسالة فی الجبر و التفویض، رسالة فی الجنة و النار، رسالة فی الرجعة* و متون اخلاقی و تاریخی همانند *عین الحیة، حق الیقین، حلیة المتقین، حیاة القلوب، جلاء العیون* و ... از جمله نگاشته‌های فارسی ایشان است.^{۴۴۷} گفتنی است که بسیاری از این مطالب از کتاب جامع ایشان، یعنی *بحار الأنوار*، اخذ و به زبان فارسی ترجمه شده است.

۴۴۵. *لؤلؤة البحرین*، ص ۶۴.۴۴۶. برای آگاهی بیشتر ر.ک: *آشنایی با بحار الأنوار*، احمد عابدی.۴۴۷. ر.ک: *آشنایی با بحار الأنوار*، ص ۶۶ - ۶۰.

آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۲ هـ)

خاندان خوانساری، خاندانی عالم‌پرور بوده‌اند. آقا حسین خوانساری و دو فرزندش آقا جمال و آقا رضی از فقیهان حدیث‌شناس و حدیث‌نویس این خانواده‌اند.

آقا جمال خوانساری، افزون بر شرح لمعه و سایر نگارشهای فقهی، برخی از آثار حدیثی را نیز به فارسی ترجمه کرده است. مشهورترین اثر او شرح و ترجمه غرر/الحکم است که در هفت جلد به چاپ رسیده است. دقت و تیزبینی آقا جمال خوانساری در نقل و ترجمه صحیح روایات غرر/الحکم جالب و ستودنی است. این کتاب به همت مرحوم جلال‌الدین محدث ارموی به چاپ رسیده است. علاوه بر این، ایشان صحیفه سجادیه، الفصول المختاره و چند رساله حدیثی دیگر را نیز ترجمه کرده است.

خاتمه

علاوه بر دانشمندان و حدیث‌پژوهان یادشده، شمار دیگری از عالمان حدیث‌نگار نیز در این دوران می‌زیسته‌اند که یادکرد آنان به مثابه کمترین تلاش برای قدردانی از کوشش‌های آنان است. اسامی برخی این محدثان به قرار زیر است:

- ۱- سید نعمت‌الله جزائری (م ۱۱۱۲ هـ): وی نزدیک به پنجاه کتاب و رساله تألیف کرده است که بیشتر آنها حدیثی است. از جمله این آثار می‌توان نور البراهین و النور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلین را نام برد.
- ۲- شیخ عبدالعلی عروسی حویزی (م ۱۱۱۲ هـ)، نویسنده تفسیر نور الثقلین.
- ۳- محمد بن محمد محسن فیض کاشانی (م ۱۱۱۵ هـ)، فرزند فیض کاشانی و نویسنده کتاب معادن الحکمة فی مکاتیب الأئمة و کتابهای دیگر.
- ۴- سید علی‌خان شیرازی (م ۱۱۲۰ هـ)، نویسنده ریاض السالکین (شرح صحیفه سجادیه) در هفت جلد.
- ۵- سلیمان بن عبدالله ماحوزی (محقق بحرانی) (م ۱۱۲۱ هـ)، نویسنده بیش از یکصد کتاب و رساله که بیشتر آنها پیرامون شرح حدیث یا علوم مرتبط با آن است.
- ۶- میرزا محمد مشهدی (م ۱۱۲۵ هـ)، نویسنده تفسیر کنز الدقائق و چند شرح حدیثی از جمله شرح صحیفه سجادیه.
- ۷- ملا عبدالله بحرانی (م ۱۱۳۰ هـ)، نویسنده مجموعه بزرگ عوالم العلوم در صد جلد.
- ۸- شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی (م ۱۱۳۵ هـ)، نویسنده الصحیفه العلویه و التحفة المرتضویه. او از اخباریان افراطی است و نگاشته‌هایی در رد مجتهدین و تقویت مسلک اخباری دارد.

جلسه دوازدهم

آخباریان (۱)

اهداف درس

- ✓ آشنایی اجمالی با نحوه پیدایش اخباریگری؛
- ✓ آشنایی با ویژگیهای تفکر اخباریگری.

درآمد

ابتدای قرن یازدهم هجری، مصادف با آغاز فعالیت گروهی بود که با عنوان اخباری شناخته و توصیف می‌شوند. گرایش گسترده آنان به روایات معصومین (علیهم السلام) و دوری گزیدن از منابع معرفتی دیگر، همانند قرآن و عقل، علت اصلی نام‌گذاری این گروه به «اخباریان» است.

سرسلسله این گروه، محمدامین استرآبادی (م ۱۰۳۳ هـ) است که با نگارش کتاب *الفوائد المَدَنیة* این حرکت را آغاز کرد. این حرکت، در دوره‌های بعد با بهره گرفتن از فضای مناسبی که در دوران صفویه ایجاد شده بود و نیز تفکر تهاجمی نسلهای اولیه اخباریان، توانست در حوزه‌های علمیه نیز جلوه‌گری کند و تفکر اجتهادی شیعه را مدت زمانی تحت تأثیر خود قرار دهد. نسلهای بعدی اخباریان با کاستن از تندرهای اولیه به تفکر متعادل نزدیک‌تر شدند و در نهایت، در اواخر قرن دوازدهم، تفکر اجتهادی توانست بر تفکر اخباری غلبه کند و آن را از صحنه علمی شیعه خارج سازد. مرحوم وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ هـ) سردمدار مبارزه مجتهدین با تفکر اخباری است. تفکر اجتهادی پس از ظهور صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ هـ) قدرت بیشتری یافت و با شیخ اعظم، مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ هـ)، به اوج خود رسید.

بحث درباره اخباریان از دو زاویه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- بررسی اخباریان به عنوان گروهی تأثیرگذار در تاریخ حدیث شیعه؛
- ۲- بررسی و نقد و تحلیل ویژگیهای تفکر اخباریگری و اصول و مبانی معرفتی آن، به دور از مباحث تاریخی آن.

ظهور و پیدایش اخباریگری

پیدایش و گسترش اخباریگری، به عنوان یک مکتب حدیثی، حاصل تفکر و تلاش میرزا محمدامین استرآبادی

(م ۱۰۳۳ هـ) است. او از شاگردان صاحب مدارک (م ۱۰۰۹ هـ) و صاحب معالم (م ۱۰۱۱ هـ) بوده و از ایشان اجازهٔ اجتهاد دریافت کرده است.^{۴۴۸}

میرزا محمد استرآبادی (م ۱۰۲۸ هـ)، از رجالیان نامدار آن دوره نیز، استاد او بود، که تأثیر عمیقی بر وی گذاشت. میرزا محمد به او توصیه نمود تا شیوهٔ قدامی امامیه را در اعتماد بر حدیث احیا کند.^{۴۴۹} محمدامین استرآبادی تحصیلات خود را در ایران و عراق به پایان رساند، سپس در مدینه اقامت گزید و کتاب مشهور خود، *الفوائد المَدَنیَّة*، را در آن دیار نگاشت. او در بیان انگیزهٔ تألیف این کتاب می‌نویسد:

تا آنکه نوبت به أعلم العلما متأخرین در علم حدیث و رجال و استاد کل، میرزا محمد استرآبادی، رسید. پس ایشان بعد از آنکه جمیع احادیث را به فقیر تعلیم کردند، اشاره کردند که طریقهٔ اخباریین بکن و شبهاتی که معارضه با آن طریق دارد را دفع کن. چرا که این معنا در خاطر می‌گذشت، لیکن رب العزه تقدیر کرده بود که این معنا بر قلم تو جاری شود.

پس فقیر، بعد از آنکه جمیع علوم متعارفه را از اعظم علمای آن فنون اخذ کرده، چندین سال در مدینهٔ منوره سر به گریبان فکر فرو بردم و تضرع به درگاه الهی می‌کردم و توسل به ارواح اهل بیت عصمت (علیهم السلام) می‌جستم و مجدداً نظر به احادیث عامه و خاصه می‌کردم، از روی کمال تعمق و تأمل؛ تا اینکه به توفیق پروردگار و سید المرسلین و ائمهٔ طاهرین، به اشارهٔ لازم الإطاعة امتثال نمودم و به تألیف *فوائد مدنیّه* موفق شدم. به مطالعهٔ شریف ایشان مشرف شد. پس تحسین این تألیف کردند و مثابه مؤلفش گفتند.^{۴۵۰}

استرآبادی معتقد است که تفکر اخباریگری شیوهٔ کهن اصحاب امامیه است.

او می‌نویسد:

عِنْدَ قُدَمَاءِ أَصْحَابِنَا الْأَخْبَارِيِّينَ، قَدَسَ اللَّهُ أَرْوَاحَهُمْ، كَالشَّيْخَيْنِ الْأَعْلَمَيْنِ الصَّدُوقَيْنِ وَالْإِمَامِ الثَّقَةِ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبِ الْكُلَيْنِيِّ ... وَشَيْخِهِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ... وَمَنْ تَقَدَّمَ هُمْ مِمَّنْ أَدْرَكَ صُحْبَةَ بَعْضِ الْأَئِمَّةِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) أَوْ قَرَّبَ عَهْدُهُ بِهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) لَا مَدْرَكَ لِلْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ النَّظَرِيَّةِ، فَرَعِيَّةً كَانَتْ أَوْ أَصْلِيَّةً، إِلَّا أَحَادِيثَ الْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) وَتِلْكَ الرِّوَايَاتِ الشَّرِيفَةِ مُتَضَمِّنَةً لِقَوَاعِدَ قَطْعِيَّةٍ تَسُدُّ مَسَدَ الْخِيَالاتِ الْعَقْلِيَّةِ الْمَذْكُورَةِ فِي الْكُتُبِ الْأَصُولِيَّةِ.^{۴۵۱}

۴۴۸. *روضات الجنات*، ج ۱، ص ۱۲۰.

۴۴۹. میرزا محمد استرآبادی سه کتاب به نامهای رجال کبیر، رجال متوسط و رجال صغیر دارد که رجال کبیر او مفصل‌ترین کتاب رجالی تا آن زمان است.

۴۵۰. *روضات الجنات*، ج ۱، ص ۱۲۱، به نقل از رسالهٔ دانش‌نامهٔ شاهی.

۴۵۱. *فوائد المدنیّه*، ص ۹۲.

علمای پیشین حدیث، که خداوند روانشان را منزّه گرداند، همچون دو دانشمند اعلم، شیخ صدوق و پدر ایشان (صدوقین) و امام ثقه، محمد بن یعقوب کلینی و استاد وی، علی بن ابراهیم و راویانی که پیش از اینان محضر یکی از امامان را درک کرده‌اند یا در زمانی نزدیک به عصر حضور ائمه می‌زیستند، بر این باورند که تنها منبع دریافت احکام شرعی، اعم از اصول و فروع، احادیث ائمه اطهار و روایات ارجمند و حاوی مبانی قطعی است که جایگزین تصورات و خیال‌پردازیهای عقلانی موجود در کتب اصولی می‌شوند. گروهی از عالمان شیعی نیز این دیدگاه استرآبادی را پذیرفته‌اند، چنان‌که علامه محمدتقی مجلسی (مجلسی اول) در این باره می‌نویسد:

تا آنکه سی سال تقریباً قبل از این، فاضل متبحر، مولانا محمدامین استرآبادی (رحمه الله) مشغول مقابله و مطالعه اخبار ائمه معصومین (علیهم السلام) شد و مذمت آرا و مقایس نمود و طریقه اصحاب حضرات ائمه معصومین (علیهم السلام) را دانست. فوائد مدنی را نوشت و به این بلاد فرستاده و اکثر اهل نجف و عتبات عالیات طریقه او را مستحسن دانستند و رجوع به اخبار نموده‌اند و الحق اکثر آنچه مولانا محمدامین گفته است، حق است.^{۴۵۲}

حوزه علمیه اصفهان، که بزرگ‌ترین حوزه علمی شیعی ایران بود، تحت تأثیر این موج قرار گرفت و پاره‌ای از محدثان، فقیهان و حتی فیلسوفان را به خود جذب کرد. اگر چه مجتهدان و اصولیان، همچنان حاکمیت علمی و قدرت نفوذ خود را حفظ کرده بودند.

ظاهراً منظور مرحوم مجلسی اول (قدس سره) در عبارت فوق، توده طلاب حوزه نجف و کربلا است، زیرا عالمان مشهور آن دیار را نمی‌توان اخباری شمرد.

در سالهای بعد، برخی از عالمان بزرگ، به این شیوه گرایش پیدا کردند که ملامحسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ هـ)، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ هـ)، سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ هـ)، سید نعمت‌الله جزائری (م ۱۱۱۲ هـ) و شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ هـ) از این جمله هستند.

تاریخ گویای آن است که این تفکر در منطقه بحرین، طرفداران بیشتری یافت؛ به گونه‌ای که این سامان در دوره‌های بعد به مرکزی برای اخباریان تبدیل شد.

اگر چه لحن سخن اخباریان گاه با شدت و گاه با ملایمت همراه بود و برخی مانند شیخ عبدالله سَمَهِیجی و شیخ محمد اخباری به مجتهدان ناسزا می‌گفتند و برخی مانند شیخ یوسف بحرانی افرادی معتدل و میانه‌رو بودند، اما مبانی فکری ایشان پس از استرآبادی دچار تغییر و تحول چندانی نشد.

نگرش اخباریگری، به سبب جمود و پاسخ‌گو نبودن به نیازهای زمانه، امکان استمرار نداشت. بنابراین، در مقابل تفکر اصولی تاب مقاومت نیافت.

۴۵۲. لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۶.

زمینه‌های پیدایش اخباریگری

درباره زمینه‌های بروز تفکر اخباریگری، نظرات متفاوتی وجود دارد. خود اخباریان مدعی وجود پاره‌ای از عناصر تأثیرگذار اهل سنت در اصول فقه شیعه هستند و انگیزه جنبش خویش را زدودن این آثار می‌دانند.

برخی احتمال داده‌اند که ملا محمدامین، به هنگام سکونت در مکه، تحت تأثیر اندیشه‌های افراطی ابن حزم آندلسی، از عالمان قرن پنجم فرقه ظاهریه اهل سنت، قرار گرفته است.^{۴۵۳} برخی دیگر احتمال داده‌اند که عقل‌گریزی اخباریان تحت تأثیر جنبش اروپایی طرفدار حس و تجربه سامان یافته است.^{۴۵۴}

هیچ کدام از این احتمالات، با دلیل اثباتی همراه نیست؛ بنابراین، اثبات یا ابطال آنها امکان‌پذیر نیست. توجه به سخنان ملا امین استرآبادی و تعصب شدید او علیه اهل سنت، نظریه اول را مستبعد می‌سازد. همچنین اهتمام به نقل و روایت و دوری گزیدن از هرچه غیر آن است، نظریه تأثیرگذاری حسیون اروپا بر استرآبادی را نیز تضعیف می‌کند.

به احتمال قوی عقل‌گرایی افراطی و بی‌اعتنایی به نقل در قرن هشتم تا دهم هجری موجب پدید آمدن نظریه تفریطی اخباریان در این زمینه شده است. زیرا هر افراط‌گری، تفریطی را نیز به دنبال خود دارد.^{۴۵۵}

آشنایی با ویژگیهای تفکر اخباریگری

ایده اصلی اخباریان این بود که تنها راه رسیدن به صلاح و فلاح، تمسک روایات معصومین (علیهم السلام) و دوری گزیدن از سایر منابع معرفتی است.

آنان، بر خلاف مجتهدان، اجماع و عقل و قرآن بدون تفسیر معصوم (علیه السلام) را شایسته احتجاج و استناد نمی‌دانستند. استرآبادی در توضیح این مجمل می‌نویسد:

روش صحیح نزد من، راهی است که اخباریان کهن پیموده‌اند. نظر آنان این بوده است که هر آنچه امت اسلامی تا روز قیامت به آن نیاز دارد، از جانب خداوند و از راه قطعی در اختیار او قرار گرفته است، حتی دینه جراحی کوچک و بسیاری از احکام و آموزه‌هایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با کتاب و سنت برای ما آورده است، دچار نسخ و تقیید و تخصیص و تأویل است و این موارد نزد عترت طاهره به ودیعت نهاده شده است. علاوه بر آن، بیشتر آیات قرآن به گونه‌ای است که برای مردم عادی نامفهوم است. سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز همین حالت را دارد. بنابراین، ما

۴۵۳. یادنامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۳۷۰؛ به نقل از: دکتر محمدجعفر لنگرودی، مکتبهای حقوقی در اسلام، ص ۲۸۵.

۴۵۴. شهید مطهری، این نظر را از قول حضرت آیت الله بروجردی نقل کرده‌اند؛ ر.ک: ده گفتار، ص ۷۰.

۴۵۵. ر.ک: آیت الله بروجردی، حاشیه بر کفایة الأصول، مقدمه، ص ۳۶.

برای دستیابی و شناخت احکام شرعی نظری، اصلی یا فرعی، چاره‌ای جز مراجعه و شنیدن از ائمه معصومین (علیهم السلام) نداریم. در نتیجه استنباط احکام نظری از ظاهر کتاب خدا و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) امکان‌پذیر نیست، مگر آنکه از ناحیه امامان (علیهم السلام) تبیین گردد و احوال آنها معلوم شود. باید تا زمانی که تبیین معصومین به دست نیامده است، در متون قرآن و سنت نبوی توقف و احتیاط نمود.^{۴۵۶}

توجه به این سخن ما را با بسیاری از مبانی فکری اخباریان آشنا می‌کند.

برخی از ویژگیهای تفکر اخباریگری از این قرار است:

۱- بیشتر آیات قرآن کریم، برای مردم قابل فهم نیست و تنها امامان معصوم (علیهم السلام) قدرت فهم مراد همه آیات قرآن را دارند. بنابراین، استناد به آیات قرآن برای به دست آوردن حکم و نظریه شارع صحیح نیست. و تنها تفسیر اهل بیت معصوم (علیهم السلام) معتبر و قابل تبعیت است.

گفتنی است این نظریه در دوران بعد مورد قبول برخی از اخباریان میانه‌رو قرار نگرفت. شیخ یوسف بحرانی و ملا محسن فیض کاشانی، از جمله اخباریانی هستند که فهم قرآن را در انحصار معصومان نمی‌دانند.^{۴۵۷}

۲- تمامی امور نظری و عملی که انسان به آن محتاج است، در میراث حدیثی اهل بیت (علیهم السلام) موجود است. بنابراین، در هر موضوع و مبحث، باید با مراجعه به روایات اهل بیت (علیهم السلام) حکم و نظریه ایشان را استخراج نمود.

۳- عقل انسان توان درک و فهم احکام و نظریات شرعی را ندارد؛ بنابراین، اعتماد بر ادراکات عقلی در فهم این موارد جایز نیست. مرحوم امین استرآبادی در این باره نوشته است:

لا يُعَصَّمُ عَنِ الْخَطِإِ فِي مَادَةِ الْمَوَادِّ فِي الْعُلُومِ الَّتِي مَبَادِئُهَا بَعِيدَةٌ عَنِ الْإِحْسَاسِ إِلَّا أَصْحَابُ الْعَصْمَةِ (علیهم السلام) وَأَنَّ الْقَوَاعِدَ الْمُنْطَقِيَّةَ غَيْرُ نَافِعَةٍ فِي هَذَا الْبَابِ وَإِنَّمَا نَفَعُهَا فِي صُورَةِ الْأَفْكَارِ كَأَيَّاجِ الْصُغْرَى وَكُلِّيَّةِ الْكُبْرَى.^{۴۵۸}

۴۵۶. الفوائد المدنية، ص ۱۰۴؛ الصواب عندی مذهب قدمائنا الاخباریین وطریقتهُم. أما مذهبهم فهو أن كل ما يحتاج إليه الأمة إلى يوم القيامة عليه دلالة قطعية من قبله تعالى حتى أُرش الخدش وأن كثيراً مما جاء به النبي (صلی الله علیه و آله) من الأحكام ومما يتعلق بكتاب الله وسنة نبيه (صلی الله علیه و آله) من نسخ و تقييد و تخصيص و تأويل مخزون عند العترة الطاهرة (علیهم السلام) وأن القرآن في الأكثر ورد على وجه التعمية بالنسبة إلى أذهان الرعية النظرية أصلية كانت أو فرعية إلا السماع عن الصادقين وأنه لا يجوز استنباط الأحكام النظرية من ظواهر كتاب الله ولا من ظواهر السنن النبوية ما لم يعلم أحوالهما من جهة أهل الذكر (عليه السلام) بل يجب التوقف و الاحتياط فيهما.

۴۵۷. رك: الدرر النجفيه، ص ۱۷۱.

۴۵۸. الفوائد المدنية، ص ۴۷۱؛ استرآبادی به سخن امامان (علیهم السلام) در نفی قیاس استدلال می‌کند و در پی اثبات این نظریه است که عقل در محدوده احکام شرعی، حق دخالت ندارد و نور افشانی نمی‌کند. او در نهایت دخالت عقل را در تمامی موارد شرعی انکار می‌کند؛ الفوائد المدنية، ص ۷۷.

در علمی که اساس و شالوده آن غیر محسوس اند، تنها ائمه اطهار (علیهم السلام) از خطا مصون می‌مانند و قواعد منطقی در این موارد هیچ کارکردی ندارند. تنها فایده این قواعد، تنظیم شکل ظاهری استدلال، همچون مجبه بودن صغری و کلی بودن کبری است.

۴- اجماع دلیل شرعی برگرفته از اهل سنت است و نمی‌تواند به عنوان دلیل حکم شرعی قرار گیرد. اگر همه فقیهان بر حکم مسئله‌ای اجماع کنند آن نظریه حجت نخواهد بود؛ زیرا هیچ یک از آنان معصوم نیستند. پس، بود و نبود اجماع یکسان خواهد بود.

اخباریان اجماع را ساخته و پرداخته اهل سنت می‌شمارند که از دست‌یابی به معارف اهل بیت محروم بوده‌اند. ایشان معتقدند که استدلال اصولیان به اجماع دخولی^{۴۵۹} نیز نمی‌تواند مرهم این درد باشد.

۵- روایات کتب اربعه قطعی الصدور و عمل به آنها لازم است. تقسیم‌بندی احادیث به چهار گروه، که از دوران علامه حلی رواج پیدا کرده است، نادرست و ناروا است. استرآبادی در این باره می‌گوید:

احادیث به دستور امامان و به دست اصحاب آنها مکتوب شده است تا راهنمای شیعیان در عقاید و اعمالشان، به ویژه در زمان غیبت کبری، باشد؛ از این رو، تقسیم‌بندی این احادیث به اقسام چهارگانه باطل است.^{۴۶۰}

او دوازده دلیل بر این مطلب ارائه می‌کند که مهم‌ترین آن تأثیرپذیری این نظریه از اهل سنت است. اگر چه سخن استرآبادی همه احادیث را شامل می‌شود، ولی اخباریان بعدی تصریح کرده‌اند که صحت احادیث، تنها مربوط به کتب اربعه است.^{۴۶۱}

۶- اجتهاد و تقلید، بدعت و نادرست است؛ زیرا این گونه اجتهاد و تقلید، در زمان معصومین (علیهم السلام) پیشینه‌ای نداشته و از طریق اهل سنت به جامعه شیعی منتقل شده است. اصحاب امامان (علیهم السلام) از شیوه اجتهادی آگاهی نداشته‌اند و تنها منبع علمی آنان، روایات معصومین (علیهم السلام) بوده است که بر اساس آن عمل می‌کرده‌اند. امامان هرگز آنان را به اجتهاد فرانخوانده و از عمل به روایت منع نکرده‌اند، بلکه آنان را از استحسان و قیاس بر حذر داشته‌اند. این شیوه، روش عالمان و فقیهان کهن نیز بوده است. اجتهاد و مباحث اصولی از زمان ابن ابی‌عقیل و ابن‌جُنید در میان عالمان شیعی راه یافت.^{۴۶۲}

۴۵۹. اجماع دخولی به آن معنا است که اجتماع تمامی عالمان شیعی و نبود هیچ مخالفی در میان آنان، بیانگر حضور معصوم (علیه السلام) در میان آنان است. بنابراین، اتفاق عالمان حکایتگر نظر معصوم (علیه السلام) است که حجیت ذاتی دارد؛ زیرا حجیت آن نظر به سبب رأی معصوم (علیه السلام) است، نه اجماع عالمان. استرآبادی در این باره گفته است:

وَأَمَّا الْإِجْمَاعُ: فَعِنْدَنَا هُوَ حُجَّةٌ بَانْضِمَامِ الْمَعْصُومِ، فَلَوْ خَلَا الْمَائَةُ مِنْ فُقَهَائِنَا عَنْ قَوْلِهِ [عَلَيْهِ السَّلَام] لَمَا كَانَ حُجَّةً، وَلَوْ حَصَلَ فِي اثْنَيْنِ لَكَانَ قَوْلُهُمَا حُجَّةً، لَا بِاعْتِبَارِ اتِّفَاقِهِمَا بَلْ بِاعْتِبَارِ قَوْلِهِ، فَلَا تَغْتَرِ إِذَا بَمَنْ يَتَحَكَّمُ فَيَدْعِي الْإِجْمَاعَ بِاتِّفَاقِ الْخَمْسَةِ وَالْعَشْرَةِ مِنَ الْأَصْحَابِ مَعَ جِهَالَتِهِ بِالْبَاقِينَ إِلَّا مَعَ الْعِلْمِ الْقَطْعِيِّ بِدُخُولِ الْإِمَامِ فِي الْجُمْلَةِ. (الفوائد/المدنية، ص ۵۷)

۴۶۰. الفوائد/المدنية، ص ۳۰، موضع‌گیری امین استرآبادی نسبت به علامه حلی بسیار تند است.

۴۶۱. ر.ک: هدایة الأبرار، ص ۱۷.

۴۶۲. الفوائد/المدنية، ص ۷۸.

بنابراین، اجتهاد و استنباط، حرام بوده و تقلید توده مردم از مجتهدین نیز جایز نیست. با توجه به این طرز تفکر است که مرحوم صاحب وسائل، ذیل روایت فَاَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلَدُوهُ؛ هر فقیه‌ای که خود نگهدار و نگهبان دینش باشد و همچنین در مقابل هوای نفس خود ایستاده، و از امر مولایش فرمان برد، پس بر مردم است که از او تقلید کنند.

آورده است:

أَقُولُ: التَّقْلِيدُ الْمُرْخَصُ فِيهِ هُنَا إِنَّمَا هُوَ قَبُولُ الرِّوَايَةِ لَا قَبُولَ الرَّأْيِ وَالْإِجْتِهَادِ وَالظَّنِّ وَهَذَا وَاضِحٌ وَذَلِكَ لَا خِلَافَ فِيهِ ... عَلَى أَنَّ هَذَا الْحَدِيثَ لَا يَجُوزُ عِنْدَ الْأَصُولِيِّينَ الْإِعْتِمَادُ عَلَيْهِ فِي الْأَصُولِ وَلَا فِي الْفُرُوعِ لِأَنَّهُ خَبَرٌ وَاحِدٌ مُرْسَلٌ ظَنِّيُّ السَّنَدِ وَالْمَتْنِ ضَعِيفٌ عِنْدَهُمْ وَمَعَارِضُهُ مُتَوَاتِرٌ، قَطْعِيُّ السَّنَدِ وَالِدَّلَالَةُ وَمَعَ ذَلِكَ يَحْتَمِلُ الْحَمْلُ عَلَى التَّقْيَةِ.^{۴۶۳}

می‌گوییم: منظور از تقلید محض در این حدیث، فقط پذیرش روایات اوست نه پذیرفتن رأی و اجتهاد و گمان وی. و این معنایی است که به روشنی از حدیث بر می‌آید و هیچ اختلافی در آن نیست. بر اساس این حدیث اصولیون معتقدند که اعتماد بر حدیث نامبرده در اصول و فروع روا نیست؛ زیرا این حدیث، مرسل؛ سند آن مشکوک؛ و متن آن ضعیف است و با حدیثی که متواتر و متن آن قطعی و یقینی است، در تعارض است. با این وجود حمل آن بر تقیه امکان‌پذیر است.

۷- همه شیعیان مقلد ائمه (علیهم السلام) هستند و اگر با زبان عربی آشنا باشند، باید با بررسی احادیث، تکالیف خود را به طور مستقیم از اخبار استخراج کنند. بنابراین، ارتباط عالمان با توده مردم در مقام مجتهد و مقلد صحیح نیست.

۸- نتیجه پدیدآمده از ویژگی قبل آن است که همه مردم مقلد معصومین (علیهم السلام) هستند؛ بنابراین، تقلید از میت جایز است.

۹- اصول عملی عقلی هیچ گونه حجیتی ندارد، زیرا عقل شایستگی ورود به مباحث دقیق شرعی را ندارد. بنابراین، قبیح بودن «تکلیف ما لا یطاق» و یا «عقاب بلا بیان» معلوم نیست. حتی اگر عقل انسانی این دو مورد را قبیح بشمارد، این فهم و درک عقل حجیت ندارد و قابل پذیرش نیست. نتیجه سخن آنکه اگر دلیل شرعی بر عدم عقاب بلا بیان وجود داشته باشد، آن دلیل حجت است و الا نمی‌توان به حکم عقل بر «قبح عقاب بلا بیان» استناد کرد و براءت شرعی را اثبات نمود.

۴۶۳. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۲.

۱۰- چون براءت عقلی،^{۴۶۴} مورد پذیرش نیست، بنابراین، اگر جواز یا عدم جواز عملی خاص، مشکوک باشد، آن عمل، مورد شبهه است و باید نسبت به آن احتیاط شود و آن عمل ترک شود. بر پایه این نظریه، کشیدن سیگار و قلیان حرام است، چون دلیل شرعی بر جواز آن وجود ندارد.^{۴۶۵}

۱۱- اندیشیدن در مدلول نص و لوازم سخن معصومین (علیهم السلام) ناپسند است و باید از آن اجتناب شود. استناد به قرینه و سیاق و حیثیه‌های دیگر کلامی نیز صحیح نیست و نمی‌تواند مدرک حکم شرعی تلقی شود.

۱۲- سازماندهی اصول فقه، به دست اهل سنت بوده است که از منبع معرفتی معصومین (علیهم السلام) فاصله گرفته‌اند. روش اهل سنت در پردازش علم اصول، مورد پذیرش معصومین (علیهم السلام) نبوده است و امامان (علیهم السلام) به صراحت با برخی از آن نظرات (همانند قیاس) مخالفت کرده‌اند؛ بنابراین، استناد به اصول فقه، استناد به اصول فاسده و کاسده است.^{۴۶۶}

نقد و بررسی مبانی اخباریگری

مبانی اخباریان را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

- ۱- منابع معرفتی؛
 - ۲- روش دست‌یابی به آموزه‌های دینی.
- در گروه اول، آنان تنها سنت منقول از امامان (علیهم السلام) را منبع معرفتی می‌شمارند و کتاب، عقل و اجماع را مصدر معرفت نمی‌دانند.
- در محدوده روش نیز روش اجتهادی را نقد و اجتهاد و تقلید، بهره‌گیری از علم اصول و بهره‌گیری از اصول عملیه را نفی می‌کنند.
- اکنون به طور خلاصه، برخی از مهم‌ترین مبانی آنان را بررسی و نقد می‌کنیم. این بررسی می‌تواند شما را در نقد سایر پیش فرضهای اخباریان نیز یاری کند.

۴۶۴. عقل، عقاب و مجازات کردن مکلف را تنها در صورتی جایز می‌داند که او با علم به حرمت فعل، آن را انجام داده باشد. بنابراین اگر حرمت کاری معلوم نباشد، مکلف مجاز است آن را انجام دهد. این قانون را «قبح عقاب بلا بیان» و نتیجه حاصل از آن را براءت عقلی گویند. شرع هم این قانون عقلی را تأیید کرده است. بنابراین هر کار و عملی مجاز و حلال است مگر آنکه خلافش ثابت شود.

۴۶۵. اخباریان آنچه را که مردم در زندگی روزمره خود با آن رو به رو هستند، به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

(الف) حلال بین، که جواز انجام آن روشن است؛

(ب) حرام بین، که حرمت انجام آن معلوم است؛

(ج) مشتبّه، یعنی مواردی که حلیت یا حرمت آن روشن نیست.

مجتهدان با استناد به اصل براءت معتقدند که هر چیز حلال است مگر آنکه حرمت آن ثابت شود. (کل شی لک حلال حتی تعرف أنه حرام بعینه). ولی اخباریان معتقدند که درباره امور مشتبّه باید احتیاط نمود و از آن اجتناب کرد.

۴۶۶. این دو وصف را فیض کاشانی در طعن بر اصول فقه مجتهدین به کار برده است؛ ر.ک: مقدمه کتاب وافی.

الف) قرآن

حذف قرآن، که مهم‌ترین منبع معرفتی آموزه‌های دینی است، مهم‌ترین و خطرناک‌ترین شیوه در تفکر اخباریگری است. قرآن اصیل‌ترین سند مکتوب مسلمانان و تنها منبع قطعی الصدور آنان است که مورد قبول تمامی فرقه‌های اسلامی قرار گرفته است.

قرآن خود را کتاب هدایت معرفی کرده و آیات آن را بیان و مبین بر شمرده است:

هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ^{۴۶۷} ،

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ .

نکته مهم‌تر آنکه قرآن، مردمان و حتی غیرمسلمانان را به تفکر و تدبر در آیات قرآن ترغیب می‌کند و

می‌فرماید:

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا^{۴۶۸}

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا^{۴۶۹}

قرآن، حتی مردم را به تحدی و مبارزه فراخوانده است که اگر می‌توانند همانند قرآن و یا سوره‌ای از قرآن بیاورند. تحدی و به مبارزه خواندن در صورتی درست است که فهم قرآن و مقایسه آن با دیگر متون، برای مردم میسر باشد.

این نظریه با سنت نیز مخالف است، چرا که حدیث شریف ثقلین، که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در

آن می‌فرماید:

أَنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترتي؛ مَا إِن تَمَسَّكْتُم بِهِمَا لَن تَضِلُّوا وَلَن يَفْتَرِقَا
حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ.

و از جهت سندی نیز متواتر و صحیح است، بر تمسک به قرآن دلالت دارد و استناد نکردن به قرآن را

موجب گمراهی می‌شمارد.

روایات فراوان عرضه حدیث بر قرآن و سنجش متون حدیثی با متن و روح قرآن و آیات آن، نیز دلیل

دیگری بر امکان فهم قرآن است.^{۴۷۰}

اگر فهم قرآن ممکن نبود، دستور به عرضه حدیث بر قرآن، به گونه‌ای کلی یا در هنگام تعارض اخبار، لغو

و بیهوده بود.

۴۶۷. آل عمران / ۱۳۸.

۴۶۸. نحل / ۸۹.

۴۶۹. محمد / ۲۴.

۴۷۰. نساء / ۸۲.

۴۷۱. ر.ک: کافی، ج ۱، ص ۶۹.

ب) عقل

دربارهٔ عقل، که منبع معرفت یا راه فهم و دستیابی به مراد آیات و روایت است، فراوان می‌توان سخن گفت. عقل از آن نظر که منبع معرفتی احکام شرعی (اعتبارات شارع) یا منبع معرفتی دیگر آموزه‌های دینی است، به بررسی دقیق‌تر محتاج است. به نظر می‌رسد اخباریان با استناد به روایات نفی قیاس در پی آن بودند تا نقش عقل را در تمامی موارد (اعتبارات شرعی و غیر آن) و به هر عنوان (منبع معرفتی یا روش معرفت) نفی کنند. آنان حتی برائت عقلی را نیز به این بهانه نفی کرده‌اند؛ در حالی که این روایات در صدد نفی روش ناصحیح استفاده، از عقل در احکام شرعی هستند. احکام شرعی از اعتبارات شارع است و فلسفهٔ آن برای عقول انسانی روشن نیست.^{۴۷۳} این سخن نمی‌تواند دستاویز اخباریان بر روشنگر نبودن عقل در تمامی موارد گردد.^{۴۷۳}

ج) اجتهاد و تقلید

تقلید، روشی عاقلانه و برگرفته از سیرهٔ عقلا و به معنای مراجعهٔ غیرمتخصص به متخصص است. این شیوه، با سیرهٔ عقلا سازگار و مورد تأیید قرآن و روایات است. آیهٔ نَفَر:

فَلَوْ لَا نَفَرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلَيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ^{۴۷۴}

بر این نکته دلالت دارد که قرآن، این سیرهٔ عقلایی را امضا کرده است.

اگر اصل مراجعهٔ غیرعالم به عالم نفی شود، این معنا جلوه‌گر می‌شود که تمامی مردم می‌باید با مراجعه به اصول علمی، نیاز شرعی خود را برآورند؛ امری که هیچ‌گاه اتفاق نیفتاده است و به صورت عادی نیز امکان‌پذیر نیست.

^{۴۷۳} مقصود از قیاس فقهی، همان تمثیل منطقی است؛ یعنی، به مجرد مشابهت دو موضوع، حکم یکی از آنها را به دیگری سرایت دهیم. این شیوه، که مورد استناد فقیهان اهل رأی، همانند ابوحنیفه بود، مورد انکار شدید امامان معصوم (علیهم السلام)، به ویژه امام صادق (علیه السلام)، قرار گرفت. تفاوت این شیوه با قیاس منطقی کاملاً آشکار است. بنابراین، نمی‌توان با استناد به روایات نفی‌کنندهٔ قیاس، قیاس اولویت را نادرست شمرد. مقصود از قیاس اولویت آن است که اگر قرآن، نسبت به پدر و مادر و احترام به آنان می‌فرماید: وَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ، می‌توانیم نتیجه بگیریم که هر اهانت دیگر یا کتک زدن آنها نیز حرام و ناپسند است.

نکتهٔ مهم‌تر آنکه عقل در شناخت مفاسد و مصالح احکام راهی ندارد و اعتبارات شارع را درک نمی‌کند. قبول این سخن بدان معنا نیست که عقل به عنوان چراغ هدایت و آفرینش، امکان بازنمایی، شفاف‌سازی و انتخاب برتر را در تمامی زمینه‌ها از دست داده است.

^{۴۷۳} ر.ک: جایگاه سیاسی عالم دین در دو مکتب اخباری و اصولی، ص ۱۵۴ - ۱۱۷.

^{۴۷۴} پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را، وقتی به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند؟ توبه ۱۲۲.

جلسه سیزدهم

آخباریان (۲)

اهداف درس

- ✓ آشنایی با خدمات و تأثیرات مثبت تفکر اخباریگری بر میراث حدیثی شیعه؛
- ✓ آشنایی با برخی دانشمندان اخباری و نحوه تعامل آنان با مبانی و اصول اخباریگری؛
- ✓ بررسی فرجام اخباریگری.

درآمد

اگرچه مکتب اخباریگری، حرکتی پویا و پیشرو نیست؛ ولی نمی‌توان تأثیرگذاری آن را بر جامعه شیعی انکار کرد. این تفکر حدود دو قرن به فعالیت خود ادامه داد و آثار منفی و مثبتی را از خود بر جای نهاد. مقاومت در برابر حرکت اجتهادی و نظریه‌پردازی مجتهدان، ثمره منفی فعالیت‌های طرفداران این تفکر بود. منزوی شدن فقیهان ژرفاندیش و میدان‌داری عالمان متوسط در ساماندهی فرهنگ توده‌ای، از دیگر اثرات منفی این تفکر بود.

اگر چه تندروی، تکروری، بی‌احترامی به عالمان پیشین، مهجوریت تدبیر در قرآن، جمود فکری، پرهیز از نوآوری و مبارزه با آن، بی‌اعتنایی به تدبیر و اجتهاد و ... در تفکر و عمل برخی از اخباریان مشهود است؛ ولی این عوامل نباید موجب نادیده انگاشتن خدمات این گروه گردد. گرایش به آموزه‌های نقلی و اعتنای فراوان به حدیث به عنوان منبع معرفتی، جامع‌نگاری‌های حدیثی، تدبیر و تأمل در متون حدیثی، تربیت نسلی جدید از محدثان شیعی و ... از جمله خدمات این گروه به معارف شیعی است. به عبارتی دیگر، اوج گرایش عالمان به متون حدیثی، در قرن‌های یازدهم و دوازدهم است. جامع‌نگاری‌های ماندگار حدیثی همچون *وسائل الشیعه*، *وافی* و *بحار الانوار* از مهم‌ترین ثمرات این تفکر است. اندیشه بازگشت به متون نقلی نیز در این زمان آغاز شده و گسترش یافته است. شرح‌نویسی بر کتاب‌های حدیثی، همچون *روضة المتقین*، *کوامع صاحبقرانی*، *ملأذ الأخیار*، شروح گوناگون کتاب *کافی* و *صحیفه سجاده* نیز با این تفکر حدیث‌گرا مرتبط است. بنابراین از آثار و فواید باقی‌مانده از این تفکر نیز می‌بایست قدردانی شود.

عالمان مشهور اخباری

تعداد دانشمندان اخباری، با توجه به فعالیت دویست ساله اخباریان چندان پرشمار و چشم‌گیر نیست. این گروه معدود نیز خود به دو دسته اخباریان تندرو و اخباریان معتدل تقسیم می‌شوند. البته در این میان، برخی از افراد نیز به غلط اخباری شمرده شده‌اند.

در این بخش به توضیح اجمالی آن می‌پردازیم و برخی از این عالمان را معرفی می‌کنیم.

ملا امین استرآبادی

در مباحث پیشین پیرامون شخصیت و اندیشه‌های ملا امین استرآبادی به تفصیل سخن گفتیم.

علامه محمدتقی مجلسی

او پدر علامه محمدباقر مجلسی و از شاگردان شیخ بهایی است. مجلسی اول به ستایش از تفکر ملا امین استرآبادی پرداخته و مبانی اخباریان را ستوده است. شرح‌نویسی او بر کتاب *من لا یحضره الفقیه* نیز از این دیدگاه نشأت گرفته است. اخباریان، خود را پیرو محدثان کهن شمرده است و به مکتب حدیثی قم، به ویژه شیخ صدوق (رحمة الله علیه)، اعتنا و احترام ویژه داشتند. مرحوم محمدتقی مجلسی نیز در دو کتاب خود که یکی به زبان عربی و دیگری به زبان فارسی نگاشته شده، به شرح *من لا یحضره الفقیه* پرداخته است. شرح عربی او *روضة المتقین* و شرح فارسی او *لوامع صاحبقرانی* نام دارد. علامه محمدتقی مجلسی، در مواجهه با مجتهدان، تندرویهای امین استرآبادی را ندارد. از این رو، باید او را در گروه اخبارگرایان متمایل به اخباریگری جای داد.

ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ - ۱۰۰۷ هـ)

در مباحث پیشین با زندگی‌نامه ملا محسن فیض آشنا شدیم. اکنون نگرش حدیثی او را بررسی می‌کنیم. ملا محسن فیض کاشانی یکی از پایه‌های اصلی اخباریان معتدل در نظام فکری اخباریگری است. ایشان در بسیاری از نوشته‌های خویش، تمسک به اخبار و دوری گزیدن از اجتهاد غیرمأثور را مطرح و از آن دفاع کرده است.

مرحوم فیض کاشانی در مقدمه کتاب *وافی*، به تبیین این نظریه پرداخته و نوشته است:

پس از پایان دوره حضور و غیبت صغری، شیعیان با سنّیان همراه شدند و اصول فقه را از آنان برگرفتند. این اصول بر پایه تفکر اجتهادی سنّیان بنیان‌گذاری شده بود. مجتهدان سنّی، بسیاری از احکام شرعی را به عقل و رأی خویش استنباط می‌کردند و نظر خود را در کنار حکم خدا و رسول حجت می‌شمردند. برخی از شیعیان نیز روش استناد به اخبار را کنار نهاده و اجتهاد و استناد به آرای انسانی را جایز شمردند. آنان، آیات و روایات مربوط به منع از اجتهاد و عمل به آرا را تأویل نموده و نهی از پیروی از ظن را به مسائل اعتقادی مربوط دانستند. در نتیجه، تفکر اجتهادی در احکام و آرا اختلاف‌های شدیدی را پدید آورد و مقلدان آنان نیز به این تفرقه دچار شدند. در حالی که

آنان می‌بایست به جای تقلید از مجتهد، از امام معصوم (علیه السلام) تقلید می‌کردند.^{۴۷۵}

فیض کاشانی (رحمة الله علیه) رساله‌های *الأصول الأصبیله*، *الحق المبین* و *سفینه النجاة* را برای تشریح دلایل خویش در گرایش به اخبار و دوری گزیدن از منابع معرفتی دیگر نوشته است. برخی از عناوین و سرفصلهای کتاب *الأصول الأصبیله* به شرح زیر است:

۱- کسی که دین خویش را از کتاب خدا و اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرا گیرد، هرگز گمراه نخواهد شد. (استناد به سنت در کنار استناد به قرآن)

۲- روایات معصومان (علیهم السلام) در مصادر حدیثی ما جمع‌آوری شده است.

۳- اهل بیت (علیهم السلام) اصول و قواعدی را بیان کرده‌اند که با استفاده از آنها می‌توان فروع مختلف را تبیین کرد.

۴- شارع مقدس در هر مسئله حکم مشخصی دارد که تنها از طریق اهل بیت به دست می‌آید.

۵- تکیه کردن بر «ظن» و «گمان» در اصول اعتقادات و احکام عملی جایز نیست.

۶- بر هر مکلف واجب است که به تفقه در دین بپردازد و آموزه‌های دینی را فرا گیرد. تقلید از مفتی نیز یکی از راههای فراگیری آموزه‌های دینی است.^{۴۷۶}

ایشان در رساله *الحق المبین* به بهره‌گیری خویش از امین استرآبادی اشاره کرده و نوشته است:

وَقَدْ اهْتَدَيْتُ لِبَعْضِ مَا اهْتَدَيْتُ لَهُ، بَعْضُ أَصْحَابِنَا مِنْ أَهْلِ أُسْتَرَّآبَادَ، كَانَ يَسْكُنُ مَكَّةَ - شَرَّفَهَا اللَّهُ - وَقَدْ أَدْرَكْتُ صُحْبَتَهُ بِهَا؛ فَإِنَّهُ يَقُولُ بِوُجُوبِ الْعَمَلِ بِالْأَخْبَارِ وَإِطْرَاحِ طَرِيقَةِ الاجْتِهَادِ وَالْقَوْلِ بِالْأَرَاءِ الْمُتَبَدِّعَةِ وَتَرْكِ اسْتِعْمَالِ الْأَصُولِ الْفَقْهِيَّةِ الْمُخْتَرَعَةِ وَلَعَمْرِي إِنَّهُ قَدْ أَصَابَ فِي ذَلِكَ وَهُوَ الْفَاتِحُ لَنَا هَذَا الْبَابَ وَهَادِينَا فِيهِ إِلَى السَّبِيلِ الصَّوَابِ.^{۴۷۷}

برخی از نکاتی را که فهمیده‌ام، یکی از دانشوران شیعی نیز، که اهل استرآباد است، بدان دست یافته است. او دیرزمانی ساکن مکه بود و من در آنجا به مصاحبت او نائل آمدم. او بر این باور است که باید به اخبار عمل کرد و روش اجتهاد و باور آرای برساخته را رد نمود و از به‌کارگیری اصول فقه ساخته شده، (غیرمعصوم) اجتناب کرد.

به جانم سوگند که وی سخن به صواب می‌گوید. او این در را به روی ما باز نموده و ما را به روش درست رهنمون کرده است.

ایشان در ادامه سخن، به کار امین استرآبادی دو اشکال وارد کرده است:

۱- تندروی و غلو درباره اخبار و ادعای قطعیت روایات کتب اربعه؛

۲- بدگویی و نکوهش مجتهدان و ناسزاگویی آنان.

به گفته فیض کاشانی، این دو اشتباه موجب رویگردانی عالمان شیعه از سخن امین استرآبادی شده است.

۴۷۵. وافی، ج ۱، ص ۱۸ - ۱۴.

۴۷۶. ر.ک: کتاب *الأصول الأصبیله*، ص ۱۵۲ - ۴۴. خلاصه این متون در پایان کتاب و به قلم مرحوم محدث ارموی آمده است: همان، ص ۱۹۹ - ۱۹۵.

۴۷۷. *الحق المبین*، ص ۱۲.

نکته

بررسی نظرات فیض کاشانی بیانگر استقلال او در این نظریه است. او بسیاری از نظرات بنیادین اخباریان را نمی‌پذیرد و ظاهر قرآن را حجت می‌شمارد و بر این حجّیت تأکید می‌کند. تقلید را تا حدودی باور دارد و اجتهاد را در محدوده‌ای خاص می‌پذیرد، همچنین او ناسزاگویی به مجتهدان را روا نمی‌داند، اگرچه به برخی از مبانی مجتهدان اشکال وارد می‌کند و آنها را اصول خودساخته می‌خواند. فیض کاشانی احکام عقلی تأیید شده شرع را می‌پذیرد و عقل را به عنوان نور الهی معرفی می‌کند. در حقیقت، فیض کاشانی، تفکری خاص دارد که میان اخباری و اصولی قرار دارد. بنابراین، می‌توان گفت که مرحوم فیض، مروج اخبارگرایی است، نه اخباریگری.^{۴۷۸}

شیخ حرّ عاملی (۱۱۰۴ - ۱۰۳۳ هـ)

صاحب *وسائل* نیز یکی از طرفداران غیرافراطی طریقه اخباری و از مخالفان روش اجتهادی است. پافشاری او بر این نظریه، سخت‌گیرانه‌تر از فیض کاشانی است به گونه‌ای که برخی گفته‌اند: او شهادت و گواهی طلبه‌ای را به جهت خواندن کتاب اصولی شیخ بهایی به نام زبده نپذیرفته است.^{۴۷۹}

ایشان در فواید پایانی کتاب *وسائل الشیعه* آورده است:

قَدْ عَرَفْتَ هُنَا فِي أَوَّلِ كِتَابِ الْقَضَاءِ مُعْظَمَ طَرِيقَةِ الْأَخْبَارِيِّينَ وَنُبْدَةً مِنْ أَدِلَّتِهِمْ.^{۴۸۰}
اینجا و در ابتدای کتاب القضاء با بخش اعظم روش اخباریان و شمه‌ای از دلایل آنها آشنا شدید.

چینش ابواب و روایات *وسائل الشیعه* نیز ناظر به این موضع‌گیری است. برخی از سرفصلهای کتاب القضاء به شرح زیر است:

باب (۳): لَا يَجُوزُ لِأَحَدٍ أَنْ يَحْكُمَ إِلَّا الْإِمَامُ أَوْ مَنْ يَرْوِي حُكْمَ الْإِمَامِ فَيَحْكُمُ بِهِ.^{۴۸۱}

جایز نیست کسی جز امام یا راوی حکم امام، که بر پایه آن حکم می‌کند، حکمی شرعی صادر کند.

باب (۵): تَحْرِيمُ الْحُكْمِ بِغَيْرِ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ.^{۴۸۲}

باب (۶): عَدَمُ جَوَازِ الْقَضَاءِ وَالْحُكْمِ بِالرَّأْيِ وَالْاجْتِهَادِ وَالْمَقَايِيسِ وَنَحْوِهَا مِنَ الْاِسْتِنْبَاطَاتِ الظَّنِّيَّةِ فِي نَفْسِ الْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ.^{۴۸۳}

۴۷۸. برای آشنایی بیشتر با این دو اصطلاح، به مقاله «اخباریگری و اخبارگرایی» به قلم محمدرضا حکیمی در کتاب *یادنامه آیت‌الله مرعشی* مراجعه کنید. مؤلف سعی در روشن ساختن این مطلب که گرایش به اخبار به عنوان یکی از مبادی معرفت دینی، پسندیده، شایسته و لازم است.

ایشان اخذ آموزه‌های دینی از احادیث معصومان را اخبارگرایی نامیده است و آن را ارج می‌نهد. همچنین مؤلف گرایش به اخبار را از اخباریگری، با معیارهای ذکرشده، جدا می‌داند و ضمن رد اخباریگری، اخبارگرایی را تقویت می‌کند.

۴۷۹. ر.ک: *روضات الجنات*، ج ۷، ص ۱۰۴.

۴۸۰. *وسائل الشیعه*، ج ۳۰، ص ۶۹.

۴۸۱. همان، ج ۲۷، ص ۳۱.

۴۸۲. همان.

۴۸۳. همان، ص ۳۵.

باب (۱۰): عَدَمُ جَوَازِ تَقْلِيدِ غَيْرِ الْمُعْصُومِ (علیه السلام) فیما یَقُولُ بِرَأْیِهِ وَفیما لَا یُعْمَلُ فِیهِ بِنَصِّ عَنْهُمْ (علیهم السلام).

تقلید از غیر معصوم در آنچه که استنباط خود اوست و در آنچه که بر پایه قول معصوم عمل نمی کند، جایز نیست.

باب (۱۳): عَدَمُ جَوَازِ اسْتِنْبَاطِ الْأَحْكَامِ النَّظَرِيَّةِ مِنْ ظَوَاهِرِ الْقُرْآنِ إِلَّا بَعْدَ مَعْرِفَةِ تَفْسِيرِهَا مِنَ الْأُئِمَّةِ (علیهم السلام).

استنتاج احکام نظری از ظواهر قرآن جایز نیست، مگر آنکه تفسیر آن از طریق معصومان (علیهم السلام) فهمیده شود.

باب (۱۴): عَدَمُ جَوَازِ اسْتِنْبَاطِ الْأَحْكَامِ النَّظَرِيَّةِ مِنْ ظَوَاهِرِ كَلَامِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) الْمَرْوِيُّ عَنْ غَيْرِ جَهَةِ الْأُئِمَّةِ (علیهم السلام) مَا لَمْ یُعْلَمْ تَفْسِيرُهُ مِنْهُمْ.^{۴۸۴}

جایز نبودن استنباط احکام نظری، از ظاهر کلام نبوی که از طریقی غیر از طریق اهل بیت روایت شده باشد تا زمانی که تفسیر آن کلام توسط ایشان معلوم نگردد.

تفکر اخباری ایشان در برخی موارد بسیار شفاف است؛ برای مثال او پس از نقل روایات عرضه حدیث بر قرآن می نویسد:

إِنَّ الْعَرَضَ عَلَى الْقُرْآنِ وَحْدَهُ لَمْ یُصْرَحْ بِهِ بَلْ یُحْتَمَلُ إِرَادَةُ الْعَرَضِ عَلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ
مَعًا بِحَمْلِ الْمُطْلَقِ عَلَى الْمُقَيَّدِ وَیُحْتَمَلُ الْإِخْتِصَاصُ بِالْحَدِيثَيْنِ الْمُتَعَارِضَيْنِ وَیُحْتَمَلُ
التَّقْيَةُ.^{۴۸۵}

عرضه (حدیث) بر قرآن به تنهایی در روایات تصریح نشده است، بلکه احتمال دارد بر پایه حمل مطلق بر مقید، مراد، عرضه بر کتاب و سنت با هم بوده باشد و احتمال دارد در خصوص دو روایت متعارض، یا از باب تقیه باشد.

عناوین ابواب و سخن آخر ایشان، یعنی حمل روایات عرضه حدیث بر تقیه، بیانگر تفکر اخباریگری ایشان است که در مباحث پیشین به آن اشاره شده است.

صاحب وسائل، ذیل روایت «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ» می نویسد:

التَّقْلِيدُ الْمُرَخَّصُ فِيهِ هُنَا، أَمَّا هُوَ قَبُولُ الرَّوَايَةِ، لَا قَبُولُ الرَّأْيِ وَالْاجْتِهَادِ وَالظَّنِّ وَذَلِكَ لَا خِلَافَ فِيهِ ... عَلَى أَنَّ هَذَا الْحَدِيثَ لَا يَجُوزُ عِنْدَ الْأَصُولِيِّينَ الْاعْتِمَادُ عَلَيْهِ فِي الْأَصُولِ وَلَا فِي الْفُرُوعِ لِأَنَّهُ خَبَرٌ وَاحِدٌ مَرْسَلٌ ظَنِّي السَّنَدِ وَالْمَتْنِ ضَعِيفٌ عِنْدَهُمْ وَمُعَارِضُهُ مُتَوَاتِرٌ قَطْعِي السَّنَدِ وَالِدَّلَالَةُ وَمَعَ ذَلِكَ يُحْتَمَلُ الْحَمْلُ عَلَى التَّقْيَةِ.^{۴۸۶}

می گویم: منظور از تقلید اجازه داده شده در این حدیث، فقط پذیرش آنچه روایت می کند، است نه پذیرفتن رأی و اجتهاد و گمان وی و این معنایی است که هیچ اختلافی در آن نیست. با این حال اصولیان معتقدند که اعتماد بر حدیث نامبرده در اصول و فروع روا نیست؛ زیرا این حدیث، مرسل؛ سند آن مشکوک؛ متن آن ضعیف

۴۸۴. همان، ص ۲۰۶.

۴۸۵. همان، ص ۱۲۴.

۴۸۶. همان، ص ۱۳۲.

است و با حدیثی که متواتر و متن آن قطعی و یقینی است، در تعارض است. اما با این همه احتمال حمل آن بر تقیه نیز وجود دارد.

بیشتر گفتیم که جواز ندانستن تقلید از غیر معصوم، یکی از مبانی اصلی اخباریان بوده است. نکته آخر آنکه صاحب وسائل در کتاب گرانقدر خویش، تمامی روایات مربوط به هر فرع فقهی را مطرح کرده، ولی به آیات مربوط به آن موضوع، هیچ اشاره‌ای نکرده است مگر آنکه آیه در ضمن حدیثی نقل شده باشد. این شیوه، برگرفته از نگرش اخباریان به آیات قرآن و تمسک نکردن بدان، بدون استفاده از احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است.

شیخ یوسف بحرانی (۱۱۸۶ - ۱۱۰۷ هـ)

شیخ یوسف بحرانی از گروه فقیهان متتبع اخباری است. او تلاش دقیق مجتهدان را با گرایش معتدل اخباری ترکیب نموده و نمونه مناسب و قابل توجهی را با نام *الحدائق الناضرة* سامان داده است. او در سال ۱۱۰۷ هجری در بحرین متولد شد، در میانه عمر در ایران زیست و در سال ۱۱۸۶ هجری در کربلا وفات کرد. دوران زندگی او دورانی پر آشوب، پر خطر و سراسر گرفتاریهای شخصی و اجتماعی بود که این دوران در بحرین، ایران و عراق گذشت.

بیست سال پایانی عمر ایشان در کربلا سپری شد و موجب رونق حوزه علمی آن دیار شد. جناب شیخ یوسف بحرانی، تفکری اعتدال‌گرایانه اخباری داشت. زبان او پاک و عفیف بود و به گونه‌ای منطقی با مجتهدان و اخباریان رو به رو می‌شد.

تبیین مبانی نظری اخباریگری در مقدمه مفصل ایشان بر کتاب *الحدائق الناضرة* آمده است. ادب سخن، زیبایی کلام، احترام به فقیهان و پرهیز از درشت‌گویی در این مقدمه بلند، بیانگر سلامت نفس شیخ یوسف بحرانی است.^{۴۸۷}

ایشان با اشاره به تفکر اخبارگرایی شیخ صدوق و آرای اصول‌گرایانه شیخ مفید و سید مرتضی این‌گونه تفاوت در اجتهاد را، امری عادی می‌شمارد که به هیچ وجه شایسته نکوهش نیست. صاحب *حدائق* در ادامه می‌نویسد:

وَلَمْ يَرْتَفِعْ صَيِّتُ هَذَا الْخِلَافِ وَلَا وَقُوعُ هَذَا الْاِعْتِسَافِ إِلَّا مِنْ زَمَنِ صَاحِبِ الْفَوَائِدِ الْمَدَنِيَّةِ، سَامَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِرَحْمَتِهِ الْمَرْضِيَّةِ، فَإِنَّهُ قَدْ جَرَدَ لِسَانَ التَّشْنِيعِ عَلَى الْأَصْحَابِ وَأَسْهَبَ فِي ذَلِكَ أَيْ إِسْهَابٍ وَأَكْثَرَ مِنَ التَّعَصُّبَاتِ الَّتِي لَا تَلِيْقُ بِمِثْلِهِ مِنَ الْعُلَمَاءِ الْأَطْيَابِ.^{۴۸۸}

آوازه این اختلاف و وقوع این بی‌پروایی تا زمان صاحب *الفوائد المدنیة*، که خدا با رحمت واسع خود او را بیامرزد، برنیامده بود. اما او زبان نکوهش را بر دانشوران گشود و بسیار در آن زیاده‌روی کرد و تعصبات بسیاری به خرج داد که شایسته چنین دانشمند فرهیخته‌ای نبود.

۴۸۷. مقدمه *الحدائق الناضرة*، ص ۱۶۷ - ۱.

۴۸۸. *الحدائق الناضرة*، ج ۱، ص ۱۷۰.

او در متن کتاب *حائقی*، از فقهای شیعه با احترام یاد می‌کند و در تحلیل و نقد نظرات آنان از سیره علمی و مقبول پیروی می‌کند. شیخ یوسف بحرانی، روش خود را همانند روش علامه مجلسی می‌داند و آن را طریق میانه می‌شمارد.^{۴۸۹}

او در فهم آیات قرآنی، نظر شیخ طوسی را تأیید می‌کند و نظریه افراطی برخی از اخباریان مبنی بر فهم‌ناپذیری ظواهر تمامی آیات قرآن را مردود می‌شمارد.^{۴۹۰} قبول قواعد فقهی و معیارهای برگرفته از احادیث، همانند استصحاب و إباحه أصلیه (به تعبیر مرحوم بحرانی) بیانگر نزدیک‌تر بودن او به مجتهدان است؛ اگرچه تمایز تفکر او و مجتهدان اصولی در تمامی این کتاب دیده می‌شود. او در مسئله برائت، قائل به توقف است و نظر مجتهدان را درباره اصل برائت نمی‌پذیرد.^{۴۹۱} علم اصول را از اهل سنت می‌داند و آن را نفی می‌کند.^{۴۹۲} تقسیم چهارگانه احادیث را نمی‌پذیرد و مطابق با نظر اخباریان عمل می‌کند.^{۴۹۳}

بحرانی معمولاً از بررسی اسناد روایاتی که از کتب مشهور شیعی نقل شده است، خودداری می‌کند و تنها به بررسی دلالت متن می‌پردازد. شیوه او در نقل اقوال فقیهان پیشین، مبتنی بر تفکر نقادانه است. او دلایل غیرنقلی ارائه‌شده را نمی‌پذیرد و با استناد به روایات، به نقد این تفکر و نتیجه حاصل از آن می‌پردازد. تتبع فراوان و دقیق در اخبار، شیوه رایج مرحوم بحرانی در این کتاب است. از این رو، کتاب او در روزگاران به عنوان کتاب مرجع از سوی فقیهان پذیرفته شده است و برای نقل اقوال و جمع‌آوری احادیث بدان استناد می‌شود.^{۴۹۴}

میرزا محمد اخباری (۱۲۳۲ - ۱۱۷۸ هـ)

میرزا محمد اخباری، افراطی‌ترین فرد از گروه اخباریان است که پس از غلبه مرحوم وحید بهبهانی بر اخباریان، به ترویج این مسلک پرداخته است.

او به سال ۱۱۷۸ هجری در هندوستان زاده شد و پس از تحصیلات اولیه به عراق مهاجرت کرد. او فردی باهوش و سخنور بود که در علوم مختلف تخصص داشت و به زبان فارسی و عربی سخن می‌گفت و شعر می‌سرود. میرزا محمد اخباری در مباحثه و جدل نیز تخصص و تبحر داشت و همین موضوع سبب رواج تفکر او در میان توده مردم شد. او از علوم غریبه، جفر و طلسمات نیز مطلع بود و از آن برای پیشبرد مقاصد خویش استفاده می‌کرد.

تعصب شدید او در اخباریگری، سبب دشمنی او با مجتهدان و ناسزاگویی وی به آنان شده بود، از این رو مجتهدان به مخالفت با او برخاستند و او را مجبور به ترک عراق و مهاجرت به ایران کردند. اقامت او در تهران مصادف با سلطنت فتح‌علی‌شاه و درگیریهای ایران و روسیه بود. در این زمان از سوی حکومت و شخص شاه

۴۸۹. همان، مقدمه دوم.

۴۹۰. همان، مقدمه سوم.

۴۹۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۲۱.

۴۹۲. همان، ج ۱۸، ص ۱۴۴.

۴۹۳. *دُرر النجفیه*، ص ۱۶۵.

۴۹۴. *رکة دانش‌نامه جهان اسلام*، ج ۲، ص ۳۱۷ - ۳۱۴.

محترم دانسته می‌شد. انجام برخی از کارهای خارق‌العاده، به ویژه پیشگویی او درباره قتل فرمانده سپاه روس، موجب شد که او نزد شاه مقامی فوق‌العاده بیابد. نقل کرده‌اند که او پیشنهاد کرد که چهل روز چله‌نشینی کند و به دنبال آن سر فرمانده سپاه روس را در تهران حاضر کند به شرط آنکه شاه نیز روش اخباریان را رواج دهد و تفکر اجتهادی را منسوخ کند. پس از انجام این عمل، خانواده سلطنتی از بیم آنکه این چله‌نشینی‌ها موجب زیان آنها شود، عذر او را خواستند و او را روانه عتبات کردند.

او در عتبات نیز در امور اختلافی سرداران عثمانی دخالت کرد و بالاخره با حکم برخی از مجتهدان، واجب‌القتل شمرده شد و در سال ۱۲۳۲ هجری به دست توده مردم به قتل رسید.

میرزا محمد اخباری نمونه شاخص تفکر افراطی اخباریگری است که از همه وسایل ممکن برای مبارزه با مجتهدان بهره گرفته است. مبارزه او با مجتهدان، از نقاط تاریک و تأسفبار تاریخ حدیث شیعه است. در این دوران مباحثات علمی جای خود را به بدگویی و ناسزا داده و استمداد از قدرتهای محلی و حتی سنی برای پیشبرد دیدگاه و رأی، جایز شمرده شده است. به عبارتی دیگر، اخباریگری در این زمان به صورت یک فرقه و نه یک تفکر علمی بروز کرده است.

دیگر عالمان اخباری

از دیگر عالمان اخباری، خواه میانه‌رو و یا افراطی، به افراد زیر می‌توان اشاره کرد:

- سید نعمت‌الله جزائری (م ۱۱۱۲ ه)؛
- شیخ عبدالله سماهیچی (م ۱۱۳۵ ه)؛ او نگارنده کتاب *مُنِیَّةُ الْمُمارِسین* است و تفاوت‌های کلی و جزئی روش اخباری و اجتهادی را در چهل ماده بر شمرده است.
- شیخ حسن اخباری (م ۱۱۸۱ ه)؛
- میرزا علی اخباری (متوفای ۱۲۷۵ هجری در خرمشهر)؛
- میرزا حسین اخباری (م ۱۳۱۸ ه)؛
- شیخ عنایت‌الله اخباری (م ۱۳۷۲ ه).

علامه مجلسی؛ اخباری یا اصولی؟

حیات علامه مجلسی هم‌زمان با رواج تفکر اخباریگری بود. همچنین ایشان در گرایش به اخبار اهل بیت شهره بودند؛ از این رو، تصور شده است که علامه مجلسی (رحمه الله) نیز از پیروان و حتی از سردمداران این تفکر است.

علاوه بر موارد فوق، قرائن و شواهد زیر نیز به این تصور کمک کرده است و آن را تقویت می‌کند:

- ۱- پدر علامه مجلسی به اخباریان گرایش داشته و علامه مجلسی نیز شاگرد وی بوده است. از این رو طبیعی است که متأثر از پدرش باشد.
- ۲- مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جامع حدیثی شیعه، *بحار/الأنوار*، به دست ایشان و در این دوران نگاشته شده است.

- ۳- نقد تفکر عقل‌گرایانه و مخالفت با فیلسوفان در آثار علامه مجلسی مشهود است.^{۴۹۵}
 - ۴- نقل روایات ضعیف و سعی در توجیه آن متون نیز در نوشته‌های ایشان مشاهده می‌شود.
 - ۵- برخی از استادان و پاره‌ای از شاگردان علامه مجلسی تفکر اخباری داشته‌اند.
- با این همه، برخی از محققان، علامه مجلسی را فردی میان اخباری و اصولی می‌شمارند، زیرا علامه با برخی از مبانی اخباریگری مخالفت کرده است.^{۴۹۶}
- اما دقت و تأمل در آثار علامه مجلسی بیانگر آن است که با وجود فعالیت‌های فراوان حدیثی و اعتماد شدید ایشان بر روایات اهل بیت (علیهم السلام)، مبانی فکری ایشان با تفکر اخباریگری به طور کامل متفاوت است. با وجود آنکه در زمان او تفکر اخباریگری در دوران اوج خود بود، با این همه وی قواعد اجتهاد و روش مجتهدان را پذیرفته بود و مطابق آنها فتوا می‌داده است.
- بنابراین، می‌بایست علامه مجلسی را نیز از عالمان اخبارگرا دانست، و حتی نمی‌توان او را در زمره اخباریان میانه‌رو قلمداد کرد.

نحوه تعامل علامه مجلسی با مبانی تفکر اخباریگری

چگونگی رویارویی علامه مجلسی با مبانی اخباریان از جمله مهم‌ترین مسائلی است که در تبیین دیدگاه ایشان در موضع اخباریگری بسیار مؤثر است؛ از این رو، لذا در این بخش چگونگی مواجهه ایشان با مبانی اخباریان را بررسی می‌کنیم.

اجتهاد و تقلید

علامه مجلسی، همانند اصولیان و بر خلاف مجتهدان، اجتهاد را واجب کفایی می‌داند و تقلید غیرمجتهد از مجتهد را واجب عینی قلمداد می‌کند.^{۴۹۷}

نفی تقلید از میت

علامه مجلسی، در این مسئله، همانند مجتهدان، تقلید از میت را نفی می‌کند.^{۴۹۸}

۴۹۵. مقاله «نقد تهافت غزالی»، کیهان/اندیشه، شماره ۱۷، مرداد و شهریور ۱۳۶۵، ص ۵۳ - ۳۰.

۴۹۶. ر.ک: علی دوانی، علامه مجلسی بزرگ علم و دین، ص ۴۲۸؛ حسن طارمی، علامه مجلسی، ص ۲۰۰؛ حسین مدرسی طباطبایی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۵۹؛ مصلح‌الدین مهدوی، زندگی‌نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۲۵۱ و ...

۴۹۷. مرآة العقول، ج ۱، ص ۹۸.

۴۹۸. نظم‌النالی، ص ۱۳ و ۱۴.

نیاز به علم اصول

علامه مجلسی، آشنایی با علم اصول را از مقدمات اجتهاد شمرده است^{۴۹۹} و در صدد بوده تا رساله‌ای در علم اصول تألیف کند و آن را در جلد بیست و پنجم بحار/الأنوار بیاورد.^{۵۰۰}

اجماع

علامه مجلسی اجماع را حجت می‌شمرد و بدان احتجاج می‌کند.^{۵۰۱} بدیهی است که مقصود از اجماع در سخن ایشان، اجماع دخولی^{۵۰۲} است که موارد آن محدود است.

ظاهر قرآن

ایشان ظواهر قرآن را حجت می‌داند و تمامی ابواب فقهی و غیرفقهی بحار/الأنوار را با آیات قرآن آغاز می‌کند. استناد به آیات قرآن در بحار/الأنوار به قدری گسترده است که می‌توان این کتاب را نوعی موضوع‌بندی آیات قرآن قلمداد کرد.

اصل براءت

اخباریان اعتقاد داشتند که در موارد شبهه باید احتیاط کرد و دلیلی بر اصل براءت وجود ندارد. اما علامه مجلسی در این زمینه با آنان مخالف و همسان با اصولیان قائل به إباحه و حلیت است.^{۵۰۳}

سخنی از علامه مجلسی در تفسیر آیه وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ^{۵۰۴} در دست است که شاهد زیبایی بر تفکر اصولی ایشان، به ویژه در موارد پیش گفته، است. ایشان می‌نویسد:

أقول: الآيةُ بِعُمُومِهَا وَإِطْلَاقِهَا يَدُلُّ عَلَى جَوَازِ الصَّلَاةِ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ مطلقاً وَصَحَّةِ مَا وَقَعَ مِنْهَا لِغَيْرِهَا مطلقاً وَنَسْخِهَا غَيْرُ مَعْلُومٍ، فَمَا خَرَجَ مِنْهَا بِدَلِيلٍ مِنْ إجماعٍ أَوْ غَيْرِهِ فَهُوَ خَارِجٌ بِهِ وَغَيْرُ ذَلِكَ دَاخِلٌ فِيهَا.

وَأَمَّا آيَةُ الْقِبْلَةِ الْآتِيَةِ فَهِيَ مَعَارِضَةٌ لِهَذِهِ الْآيَةِ فِي أَكْثَرِ الْأَحْكَامِ وَهَذِهِ مُؤَيَّدَةٌ بِأَصْلِ الْبَرَاءَةِ فَمَا لَمْ يَنْضَمَّ إِلَيْهِ شَيْءٌ آخَرُ مِنْ إجماعٍ أَوْ نصٍّ فَالْعَمَلُ بِهَذِهِ الْآيَةِ فِيهِ أَقْوَى.^{۵۰۵}

آیه به شکل عام و مطلق خود بر جواز نماز بر غیر قبله دلالت می‌کند و صحت نمازی را که بر غیر قبله انجام شود، تأیید می‌کند، در حالی که نسخ آیه نیز معلوم نیست. پس

۴۹۹. همان، ص ۱۰ و ۱۱.

۵۰۰. ملاذ/الأخيار، ج ۱، ص ۲۰.

۵۰۱. یادنامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۲۸۸.

۵۰۲. اجماع عالمان شیعی بر یک حکم یا نظریه، دلالت می‌کند که معصوم (علیه السلام) نیز همین نظر را دارد و در میان اجماع‌کنندگان است. بنابراین، حجیت اجماع به سبب داخل بودن معصوم (علیه السلام) در گروه اجماع‌کنندگان است. این برداشت از اجماع را اجماع دخولی می‌گویند.

۵۰۳. نظم/الثالثی، ص ۱۱ و ۱۸۱؛ بحار/الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۳.

۵۰۴. بقره/ ۱۱۵.

۵۰۵. بحار/الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۳ و ۳۴.

مواردی که با یکی از دلایل اجماع یا جز آن از حکم جواز آیه خارج شود، پذیرفته است و دیگر موارد در حکم آیه داخل است.

اما آیه قبله، که بعد از این خواهد آمد، [فَلَنُؤَيِّنَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ : بقره / ۱۴۴] در بسیاری از احکام با این آیه در تضاد است و آیه اول با اصل براءت تأیید می‌شود. بنابراین، تا زمانی که دلیل دیگری چون اجماع یا نص در آن مورد نیاید، عمل به آیه اول لازم است.

بنابراین، حجیت اجماع، اصل براءت و ظاهر قرآن در این سخن تلقی شده است.

دسته‌بندی احادیث

بر خلاف اخباریان که دسته‌بندی چهارگانه احادیث را منکرند، علامه مجلسی در بسیاری از کتابهای خویش از این روش استفاده کرده است. بدین گونه که او در شرح کتاب شریف کافی، بسیاری از متون آن را «ضعیف علی المشهور» خوانده است.

گفتنی است که اعتماد علامه مجلسی به کتب کهن، به ویژه کافی، بسیار زیاد است، با این همه وی در *مرآة العقول* (شرح کافی) و همچنین *ملأذ الأخیار* (شرح تهذیب الأحکام) از مبنای فقیهان استفاده کرده است.

عقل

علامه مجلسی در مباحث اعتقادی به عقل فطری استناد می‌کند و به حُسن و قبح ذاتی عقلی معتقد است. ایشان در بحث وحدت صانع، ادله عقلی را بر ادله نقلی مقدم کرده است.^{۵۰۶} البته نمی‌توان علامه را عقل‌گرا نامید، زیرا در موارد تعارض بین عقل و نقل، او جانب نقل را مقدم می‌دارد و بر دلایل عقلی اعتماد نمی‌کند. در اعتبارات شرعی نیز عقل را حجت نمی‌شمرد و امامان معصوم (علیهم السلام) را عقل کامل معرفی می‌کند و سخن آنان را حجت می‌داند. علامه عقول غیرمعصومان را عقل ناقص و فاقد حجیت مطلق می‌داند.^{۵۰۷} به نظر ایشان، عقل در مرحله شناخت خدا و وحدانیت ذات باری تعالی و شناخت حجت کاربرد دارد. به باور علامه عقل پس از شناخت پیامبر و امامان (علیهم السلام)، به ناتوانی خود در فهم اعتبارات شرعی و آموزه‌های دینی اعتراف می‌کند و نظر آنان را بر خویش مقدم می‌دارد.^{۵۰۸}

ناهمگونی نظرات ایشان با فیلسوفان و متکلمان عقلی نیز مشهود و نمونه بارز آن در حاشیه‌های علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) بر مجلدات اول کتاب *بحار الأنوار* نمایان است.

۵۰۶. همان، ج ۳، ص ۲۳۱.

۵۰۷. همان، ج ۱، ص ۱۴۳.

۵۰۸. همان.

بنابراین، در ارتباط با عقل و نقل، نظرات علامه مجلسی به اخباریان نزدیکتر است، اگرچه با آن مطابقت تام ندارد؛^{۵۰۹} یعنی، به گونه‌ای اجمالی، حجیت عقل را می‌پذیرد، ولی محدوده کاربرد آن را بسیار کم می‌شمرد.

چگونگی رویارویی با فقیهان و عالمان

اخباریان، موضع‌گیری خصمانه‌ای نسبت به فقیهان، به ویژه علامه حلی، دارند، ولی علامه مجلسی نسبت به فقیهان بسیار با احترام برخورد می‌کند و نام آنان، به ویژه علامه حلی، را با احترام فراوان یاد می‌کند.^{۵۱۰} او با متکلمان عقل‌گرا همانند خواجه نصیر طوسی نیز برخوردی این‌گونه دارد.^{۵۱۱}

فرجام اخباریگری

اخباریگری واکنشی تند به برخی از مبانی و معیارهای اصولیان و فقیهان بود که قدرت تخریبی مناسبی داشت، ولی نمی‌توانست بستری برای سازندگی معیارها و تفکر مقبول و مستمر باشد.

این تفکر در مواجهه با حوادث پیش‌آمده در جامعه، منفعل بود. قطع ارتباط بین مجتهد و مقلد و بی‌توجهی به میراث فقیهان پیشین نیز مشکل را افزون می‌کرد. در چنین وضعیتی، طبیعی می‌نمود که این حرکت ناتمام و ناقص بماند.

فاصله گرفتن از دوران تأسیس این نظریه و به وجود آمدن نحله‌های فکری گوناگون و متنوع در میان اخباریان موجب تضعیف این تفکر شد.

وجود برخی از اخباریان افراطی و حملات شدید آنان به مجتهدان نیز، اسباب بی‌اعتمادی عالمان و مردم به اخباریان را فراهم آورد. همچنین ظهور برخی از اخباریان میانه‌رو و منصف، که برخی از مبانی اصلی مجتهدان را پذیرفته بودند و حالتی میان اخباری و اصولی داشتند، به افول این تفکر یاری رساند. اخباریان متأخر، همانند شیخ یوسف بحرانی، به صراحت از تندروی ملائین استرآبادی انتقاد می‌کردند و برخی از مبانی اصلی او را نمی‌پذیرفتند.

از منظر دیگر، در سالهای اول تشکیل این تفکر، گروهی از عالمان فرهیخته، همچون مجلسی اول، فیض کاشانی و صاحب وسائل، با آن هم‌فکر و هم‌گام بودند، ولی پس از گذشت پنجاه سال، شخصیت‌های عالم و

۵۰۹. ر.ک: علی ملکی میانجی، علامه مجلسی، اخباری یا اصولی، ص ۸۲ - ۷۰.

۵۱۰. ر.ک: همان، ص ۴۹ - ۴۸.

۵۱۱. برای آشنایی بیشتر در این موضوع رجوع کنید به همان، ص ۹۷ - ۱۷. مؤلف محترم در این نگاشته بلند به زیبایی، مبانی فکری علامه مجلسی را تبیین کرده و تنافی آن را با تفکر اخباری روشن نموده است. نوشته کوتاه ما نیز برگرفته از این مقاله است.

تأثیرگذار در میان آنان کمتر به چشم می‌آمد. علاوه بر این، این تفکر در نقاطی همانند بحرین و خوزستان گسترش یافته بود که قدرت تأثیرگذاری بر کل جامعه اسلامی را نداشت.

نسلهای پسین اخباریان، مردانی ساده و عادی بودند که نسبت به تفکر خود و مخالفت با فقیهان متعصبانه برخورد می‌کردند. آنان از عمق بخشیدن به مبانی تفکر خویش عاجز بودند. حتی در برخی از موارد، همانند اجماع، که امکان اثبات نظریه اخباریان بسیار ساده بود، از نوشته‌های امین استرآبادی فراتر نمی‌رفتند.^{۵۱۲} با وجود این اشکالات، اخباریگری به مسیر خود ادامه می‌داد.

زوال این تفکر مرهون شخصیت فرزانه‌ای است که با مبارزه علمی و عملی پیگیر خود، این تفکر را به حاشیه راند. این شخص، استاد کل محمدباقر اصفهانی، مشهور به وحید بهبهانی است. گفتنی است که شخصیت مرحوم شیخ یوسف بحرانی، به عنوان چهره برجسته اخباری، و رو یا رو نشدن او با مرحوم وحید بهبهانی نیز در پیروزی تفکر اصولی و اجتهادی مؤثر بوده است. برخی گفته‌اند که مرحوم بحرانی در اواخر عمر خویش، تفکر اخباری را کنار نهاده و به مجتهدان نزدیک شده بود.^{۵۱۳}

وحید بهبهانی (۱۲۰۵ - ۱۱۱۷ هـ)

علامه وحید بهبهانی مشهورترین چهره اصولی در مبارزه با اخباریان است. استدلال محکم و قوی او در تبیین روش اجتهادی، همراه با مبارزات عملی با اخباریان، به چیره شدن تفکر اجتهادی و اضمحلال تفکر اخباری انجامید.

کتاب *الاجتهاد و الأخبار* او بیانگر معیارهای ایشان در تفکر اجتهادی خویش است. علاوه بر آن، در کتاب *الفوائد الرجالية*، مبنای قبول خبر را به گونه‌ای سامان داده است که حجیت خبر موثق به جانشین حجیت خبر ثقه شده است؛ یعنی، از افراط و تفریط پیشینیان (اخباری و اصولی) در قبول روایات دوری کرده است.

مرحوم وحید، زاده و تحصیل کرده اصفهان بود که به علت شیوع تفکر اخباریگری در آن دیار به بهبهان هجرت کرد.^{۵۱۴} او در بهبهان تفکر اجتهادی را در مقابل تفکر اخباری، ترویج داد و پس از مدتی به کربلا مهاجرت کرد. کربلا در آن زمان محل استقرار شیخ یوسف بحرانی، فقیه معتدل اخباری، بود. مردم کربلا و نجف به اخباریان تمایل داشتند. آنها به قدری بر اخباریگری پای‌بند بودند که اگر یک نفر از آنان می‌خواست

۵۱۲. نظریه اخباریان درباره حجیت نداشتن اجماع در دورانهای بعد با موافقت برخی از عالمان و فقیهان شیعه رو به رو شد و نظریه اجماع دخولی قوت گرفت. مطابق این نظریه، حجیت اجماع با فرض دخول امام (علیه السلام) در افراد صاحب نظر است و گر نه اجماع، به خودی خود، هیچ‌گونه حجیتی ندارد. این تلقی از اجماع، آن را از اجماع اهل سنت متمایز می‌سازد و اجماع را راهی برای دستیابی به نظر معصوم (علیه السلام) می‌داند.

۵۱۳. *مفاخر اسلام*، ج ۹، ص ۱۶۵.

۵۱۴. وحید بهبهانی، ص ۱۵۹.

کتابی از کتب مجتهدان را به دست بگیرد، برای اینکه دستش نجس نشود، آن را در دستمالی می‌پیچید و به دست می‌گرفت.^{۵۱۵}

حضور مرحوم وحید در کربلا موجب رونق یافتن حوزه اجتهادی در این شهر شد و برخی از شاگردان مرحوم بحرانی، همانند علامه بحر العلوم و سید محمدمهدی شهرستانی نیز مجذوب اندیشه‌های مرحوم وحید شدند. وحید بهبهانی در تمامی نوشته‌های خود به نقد تفکر اخباری می‌پرداخته و در مباحثه و جدل نیز بر اخباریان پیروز می‌شد.^{۵۱۶} به نظر می‌رسد مباحثات فراوانی بین ایشان و مرحوم بحرانی وجود داشته است.^{۵۱۷} وحید بهبهانی، شاگردان خویش را از شرکت در درس و حتی نماز جماعت مرحوم شیخ یوسف بحرانی منع می‌کرد. چنانچه در کتاب تنقیح المقال آمده است:

مرحوم وحید بهبهانی حکم کرد که نماز خواندن به امامت شیخ یوسف بحرانی باطل است، ولی صاحب حدائق حکم نمود که نماز گزاردن پشت سر وحید بهبهانی صحیح است. زمانی که حکم وحید بهبهانی را برای او گفتند، در جواب گفت: «تکلیف شرعی وی همان است که می‌گوید و تکلیف شرعی من نیز همین است که می‌گویم».^{۵۱۸}

حکم مرحوم وحید بهبهانی و پذیرش آن از ناحیه صاحب حدائق نشانه پاک‌بینی و خلوص هر دو فرد است. مرحوم بحرانی وصیت کرد که پس از مرگش، وحید بهبهانی بر او نماز گزارد.

پس از شکست اخباریان در کربلا، شخصیت علمی وحید بهبهانی و شاگردان او باورهای علمی و عمومی جامعه شیعی را تحت تأثیر قرار داد.

علامه بحر العلوم، صاحب جواهر و در نهایت شیخ انصاری، تفکر اجتهادی و فقیهانه را گسترش دادند و آن را منضبط نمودند.

شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ هـ)

بنیان علم اصول، به شیوه جدید، به دست شیخ مرتضی انصاری بود. مباحث تدوین شده به دست ایشان، به طور خاص به مبانی اخباریان نظر دارد. حجیت ظواهر کتاب، حجیت قطع حاصل از مقدمات عقلی و تقدم آن بر ادله ظنی نقلی، اصول عملیه، به ویژه اصل برائت، اجتهاد و تقلید، مباحث ظن و ... در کتابهای شیخ انصاری به حد کمال رسیده است. از ایشان نقل شده است: «اگر امین آسترآبادی زنده بود، این علم اصول را می‌پذیرفت».

تفکر اخباریگری، که در زمان وحید بهبهانی پایان یافته تلقی می‌شد، در سالهای بعد به گونه‌ای پراکنده در برخی نقاط، به ویژه خوزستان، به حیات خویش ادامه داد.

۵۱۵. مفاخر اسلام، ج ۹، ص ۱۶۳، به نقل از منتهی المقال، ج ۶، ص ۱۷۸.

۵۱۶. همان، ص ۱۶۶.

۵۱۷. همان، ص ۱۶۷.

۵۱۸. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۸۵.

در دوران کنونی، این شیوه، مدافعی ندارد. هرچند که برخی از مبانی اخباریان در لایه‌های ناپیدای تفکر برخی از دانشمندان دینی وجود دارد.

جلسه چهاردهم

تاریخ حدیث شیعه در قرن سیزدهم

اهداف درس

آشنایی با:

✓ تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قرن سیزدهم؛

✓ مهم‌ترین میراث حدیثی شیعه در قرن سیزدهم.

درآمد

ترویج فرهنگ و باورهای شیعی در ایران، عراق و دیگر مناطق شیعه‌نشین، در قرون یازدهم و دوازدهم، موجب نهادینه شدن این فرهنگ در میان شیعیان شد. استقرار این فرهنگ موجب شد که پس از پایان دوره صفویه و پدید آمدن اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی، آسیبی جدی به فرهنگ شیعی وارد نشود. با این همه، ضعف صفویان در سالهای پایانی حکومت و سپس هجوم اشرف و محمود افغان به مناطق شیعه‌نشین، موجب کند شدن رشد معارف شیعی، به ویژه معارف حدیثی، شد. برای تبیین تاریخ حدیث شیعه در این دوران، اشاره‌ای گذرا به تحولات سیاسی، اجتماعی و صنعتی، لازم و ضروری می‌نماید.

تحولات سیاسی

روال متعارف در حکومت‌های سلطنتی این است که بنیان‌گذار این سلسله‌ها فردی جسور، شجاع و مدیر است. اما از آنجا که در نظام سلطنتی، حکومت، به جای اینکه به افراد لایق و شایسته سپرده شود، در میان افراد خانواده دست به دست می‌شود؛ بنابراین، طبیعی است که با این شیوه، در ادامه حکومت افرادی ضعیف، هوسران و نازپرورده به قدرت می‌رسند و زمینه‌های زوال و انحلال آن سلسله آماده می‌شود.

سلسله صفویه با تلاش شاه اسماعیل و شاه تهماسب استقرار یافت و در زمان شاه عباس به اوج قدرت خود رسید. اما در دوره‌های بعد فساد سیاسی و اخلاقی پدیدآمده در میان شاهان، زمینه زوال این حکومت را نیز آماده ساخت. سلطان حسین (۱۱۳۴ - ۱۱۰۵ هـ)، آخرین پادشاه صفوی، ضعیف‌ترین حاکم این سلسله بود که بر اثر بی‌کفایتی او، آسیب‌های جدی بر کشور ایران و مردمان آن وارد آمد. شکست او از محمود افغان و سلطه برخی از جنگجویان افغان بر ایران (۱۱۴۸ - ۱۱۳۴ هـ) خرابی فراوانی را به بار آورد و حتی برخی از قسمتهای ایران در زمان او به تصرف بیگانگان درآمد. نادر شاه (۱۱۶۰ - ۱۱۴۸ هـ) با جنگاوری و تلاش خود توانست وحدت جغرافیایی ایران را سامان دهد و از گسترش تعرضات بیگانگان به آن جلوگیری کند.

او اگرچه سربازی شجاع و فرماندهی مقتدر بود، ولی بی‌رحمی و شقاوت فراوان او در کنار ادعای اصلاح‌طلبی مذهبی وی، ضربه‌های فراوانی به فرهنگ شیعی، مردم ایران و اطرافیان او وارد کرد. او مذهب شیعه را از رسمیت انداخت و آن را پس از مذاهب چهارگانه سنی قرار داد. نادرشاه بر عالمان شیعه بسیار سخت گرفت و بسیاری از آنان را به قتل رسانید.^{۵۱۹} او به گمان اصلاح‌طلبی، معاهده‌ای را با عنوان وثیقه نجف در رمضان سال ۱۱۵۶ با حضور عالمان شیعی و نماینده دولت عثمانی نگاشت که در ظاهر به تأیید و امضای آنان رسید. در این وثیقه برخی از ناراستی‌های فرقه‌ای ذکر و در نهایت به وحدت مذهبی اشاره شده بود. سخت‌گیری‌های او نسبت به نزدیکان خویش و همچنین جنایت‌های او در لشکرکشی به هند و غارت اموال ایشان، تصویر نازیبایی از فرهنگ ایران در اذهان عمومی ایجاد کرد.

عالمان شیعی در دوران او مصون نبودند و باید با اجبار به خواسته‌های حکومت تن می‌دادند. دوران کوتاه سلطنت نادر در سال ۱۱۶۰ هجری به پایان رسید و از آنجا که وی تمامی افراد شاخص، مدیر و مدبر اطراف را پس از اندکی اغتشاش به قتل رسانده بود، لذا سلسله نادر نیز با قتل او به دست اطرافیان به پایان آمد. زندیه در فاصله سالهای ۱۱۹۳ تا ۱۱۶۳ به قدرت رسیدند و بر مناطقی از ایران حکم راندند. اما پس از آن، دوران اغتشاش و هرج و مرج دوباره شروع شد. قاجاریه در سال ۱۲۰۹ هجری قدرت را به دست گرفتند و حکومتی واحد بر ایران برقرار کردند. آنان نیز در سالهای طولانی سرگرم جنگ و برخوردهای مرزی، به ویژه با روسیه، شدند. طبیعی است که در دورانی این چنین و با اوضاع سیاسی و اجتماعی نابسامان، انتظار پدید آمدن آثار گران‌بها و ماندگار فرهنگی، چندان روا نیست.

قاجاریه از دوران فتحعلی شاه، به ویژه در دوران امیرکبیر (م ۱۲۶۷ ه) به گسترش و ترویج فرهنگ شیعی پرداختند. بنابراین، زمینه رشد فرهنگ شیعی، به ویژه معارف حدیثی، در این دوران دوباره فراهم آمد.

تحولات فرهنگی

حرکت اخباریگری در سالهای پایانی قرن دوازدهم، مقهور تفکر اجتهادی شده بود. مجتهدان با تدوین و نگارش کتابهای جدید اصولی، قواعد کلی استنباط را به گونه‌ای دقیق‌تر بیان کردند و آن را مدون ساختند. بنابراین، مهم‌ترین فعالیتهای اصولی، در قرن سیزدهم انجام و توسط شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ ه) به مرحله جدیدی وارد شد. علاوه بر این، نگرش اجتهادی دقتی ژرف‌تر در معارف داشت. بنابراین، تأثیر آن بر زمینه‌های معرفتی غیرفقهی نیز گسترده بود. از این رو، با گسترش و تعمیق تفکر اصولی و اجتهادی، دستیابی به تمامی آموزه‌های دینی به گونه‌ای دقیق‌تر فراهم آمد و بدین ترتیب فهم حدیث و آموزه‌های معرفتی نیز عمیق‌تر و کارآمدتر شد. از این منظر امکان گسترش معارف و دقت‌ورزی آن نیز افزون شد.

نگرش دیگری که در این سده بروز یافت، تفکر شیخی به رهبری شیخ احمد احسائی (م ۱۲۴۱ ه) و سید کاظم رشتی (م ۱۲۵۹ ه) بود. تفکر شیخیه بر توجه به روایات و امتزاج آن با عرفان و فلسفه تأکید داشت. به ادعای برخی، اساس شیخیه بر مبنای امتزاج تعبیرات فلسفی متأثر از آثار سهروردی با اخبار آل محمد (علیهم

۵۱۹. ر.ک: تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۸۴۵ - ۸۴۱.

السلام) بود.^{۵۲۰} اعتنای شیخیه به روایات اهل بیت (علیهم السلام) امری روشن است، ولی شیوه استفاده آنان از این متون، دقیق و علمی نیست.

تأویل آیات قرآن و روایات اهل بیت، زمینه را برای توجیه و تحمیل هر سخن بر این متون آماده می‌ساخت. رمزآلود نمودن این معارف، ضربتی سخت بر فرهنگ شیعی بود که به همراه عقاید غالیانه و ناهمخوان با معارف دیگر، زمینه را برای انحراف برخی از افراد و گروهها آماده کرد.

شیخیه بر این نکته تأکید می‌کردند که انسان‌شناسی و هستی‌شناسی بر معارف اهل بیت (علیهم السلام) استوار است، ولی انتقال معارف را در روایات منحصر نمی‌دانستند، بلکه در کنار آن به وجود خارجی و تکوینی نماینده‌ای که او را رکن رابع و شیعه کامل می‌خوانند نیز، اعتقاد داشتند.

بایبگری از دل این تفکر سر برآورد. سید علی محمد شیرازی (۱۲۶۶ - ۱۲۳۵ هـ) از شاگردان سید کاظم رشتی بود که پس از مرگ او ادعای باب بودن برای امام عصر (عج الله فرجه) کرد و سپس ادعای امامت و در ادامه ادعای پیامبری کرد. بهائیت نیز ثمره حرکت علی محمد باب بود. دستاویز قرار دادن معارف والای شیعی از سوی این گروه و افراد دیگری از پیروان شیخیه، حادثه ناگواری در تاریخ حدیث شیعی محسوب می‌شود.^{۵۲۱}

با این همه، تفکر رایج و غالب در تمامی مناطق شیعی، تفکر اصیل مبتنی بر قواعد صحیح اجتهادی و استفاده از معارف موجود در کتاب الله و روایات اهل بیت (علیهم السلام) بود. این تفکر آمادگی مواجهه با تمامی تفکرات انحرافی موجود را داشت. از این رو، عالمان و محدثان شیعه با تدوین معارف شیعی، علاوه بر مقابله با تفکرات منحرف، به تعمیق باورهای شیعی در همه زمینه‌ها پرداختند.

گفتنی است که تفکر وهابیت در جامعه اهل سنت نیز اندکی قبل از این دوران سر برآورد. محمد بن عبدالوهاب (۱۲۰۶ - ۱۱۱۵) با بهره‌گیری از تعلیمات ابن تیمیه (م ۷۲۸) و با استفاده از اتحاد سیاسی خود با محمد بن سعود، دعوت به سلفیگری و مبارزه با عقایدی را که آنها را انحرافی می‌خواند، آغاز کرد که هجوم وهابیان به کربلا در سال ۱۲۱۶ از اثرات این تفکر است.

نکته مهم در بررسی تحولات فرهنگی، آشنایی مسلمانان، به ویژه ایرانیان، با دانشهای موجود در اروپا و تأثیرپذیری ایشان از اروپائیان در علوم تجربی، فلسفه، ادبیات و ... بود. این آشنایی و تأثیرپذیری، فضای جدیدی در میان فرهیختگان پدید آورد که به طور معمول با خدشه در مبانی دینی و مذهبی همراه بود. بنابراین، لزوم پاسخ‌گویی به این شبهات و حفاظت از باورهای عمومی دینی و مذهبی، وظیفه جدیدی بر عهده عالمان و دانشمندان دینی گذارد.

تحولات اجتماعی

تحولات اجتماعی در این دوران سریع‌تر از زمانهای پیشین بود. گرایش اجتهادی زمینه را برای ایجاد رابطه ویژه مجتهد و مقلد آماده می‌ساخت. این ارتباط گونه‌ای از نظام اجتماعی خاص را در کنار نظام سیاسی حاکم پدید می‌آورد که ویژگیهایی منحصر به فرد داشت. این ارتباط در سالهای پسین سبب پدید آمدن تحولات اجتماعی، معرفتی و حتی آغازگر انقلاب اسلامی شد. برخی از مظاهر تمدن غرب نیز به تحولات سرزمینهای

۵۲۰. تاریخ حدیث شیعه در قرن ۱۳ و ۱۴، ص ۵۲.

۵۲۱. ر.ک: تاریخ حدیث شیعه در قرن ۱۲ و ۱۳، ص ۲۵، جریانهای فرهنگی قرن دوازدهم و سیزدهم.

اسلامی سرعت بخشید و بدان یاری رساند. افزون بر گسترش این ارتباط، پدیدار شدن چاپخانه، تلگراف و چاپ سنگی نیز سه عامل تأثیرگذار در این زمینه بود.

دو عامل اول، ارتباط بین عالمان و مردم و همچنین ارتباط بین عالمان دینی سرزمینهای دور را فراهم ساخت. این ارتباط علاوه بر انتقال اطلاعات لازم، موجب پدید آمدن مرجعیت واحد، مثلاً در زمان شیخ انصاری، شد. مرجعیت اعلم و قدرت تأثیرگذاری او بر حوادث سیاسی - اجتماعی در زمان میرزای شیرازی، بروز یافت. در جریان تحریم تنباکو همه از این قدرت نهفته، که تازه آشکار شده بود، اطلاع یافتند.

در زمینه مباحث حدیثی و معرفتی نیز، انتشار کتاب با استفاده از صنعت چاپ سنگی از اهمیتی افزون برخوردار است. بسیاری از کتابها و مصادر معرفتی و حدیثی، به وسیله این صنعت، در میان توده مردم منتشر شد و تأثیرگذاری متون حدیثی را گسترش داد. علم و معرفت فراوانی که در سالیان دراز در نسخه‌های خطی دست‌نویس جمع‌آوری شده بود، در این سده در اختیار مردم و دانشمندان دیگر قرار گرفت. بسیاری از آثار حدیثی کهن و نو، در دوران قاجاریه به چاپ رسید و در نسخه‌های فراوان تکثیر شد.

چاپ بحار/الأنوار به همت مرحوم حاج محمدحسن کمپانی، امین دارالضرب (م ۱۳۱۴) از نمونه‌های پرافتخار در نشر حدیث شیعی است. او با صرف اموال فراوان و با بهره‌گیری از اساتید علمی و خوش‌نویسان دوران خویش، این کتاب عظیم را به چاپ رسانید و نام خود را جاودانه کرد. شمار کتابهایی که در این دوران با استفاده از چاپ سنگی منتشر شده‌اند، بسیار فراوان است.

دانشمندان شیعه و میراث حدیثی آنان در قرن سیزدهم

عالمان حدیثی و نگاشته‌های آنان در سده سیزدهم هجری بسیار فراوان است. به گونه‌ای که شمارش آنان در محدوده نگاشته‌های مفصل نیز نمی‌گنجد. نوشتارهای حدیثی فراوانی همچون جامع‌نگاری، تکنگاری، اربعین‌نویسی، مناقب‌نویسی، اعتقادات، آداب و اخلاق، ادعیه و زیارات، شرح‌نویسی بر کتب اربعه و سایر کتابهای حدیثی مهم، همچون نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، شرح احادیث مهم و مشکل، حاشیه‌نویسی بر کتابهای جامع، ترجمه حدیث، کتابهای رجال، درایه و همچنین اجازات حدیثی فراوانی در این سده به وجود آمد.^{۵۲۲}

ما در این مجموعه تنها به یادکرد برخی از افراد و چهره‌های شاخص و تأثیرگذار این دوران و نیز برخی از نوشته‌های آنان می‌پردازیم.

وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵)

زندگی وحید بهبهانی و مبارزات او علیه تفکر اخباریگری را در درس پیش بررسی کردیم. مرحوم وحید بهبهانی در نوشته‌های خویش به تبیین مبانی خود درباره حدیث و اعتبار آن پرداخته است. شیوه او شیوه‌ای

۵۲۲. ر.ک: تاریخ حدیث شیعه در قرن دوازدهم و سیزدهم، جناب آقای حسین صفره. نویسنده محترم بیش از دو سوم انتهای کتاب خویش را در حجمی بیش از سیصد صفحه به گزارش نگاشته‌های این دو سده اختصاص داده است.

مقبول و معتدل در پذیرش خبر موثق^{۵۲۳} است. او از افراط سندگرایان و تفریط اخباریان دوری می‌کند. کتاب *الفوائد الرجالية*، با وجود آنکه حجم کوچکی دارد، مجموعه‌ای از دانسته‌های ضروری برای هر پژوهشگر حدیث است. ایشان حواشی مفیدی نیز بر کتاب *تهذیب الأحکام*، *وافی* و *منهج المقال* نوشته‌اند.

علامه محمد مهدی بحر العلوم (م ۱۲۱۲)

علامه محمد مهدی بحر العلوم متولد کربلا در سال ۱۱۵۵ و تحصیل کرده در کربلا، نجف و مشهد است. او از شاگردان محدث بحرانی، صاحب *الحدائق الناظرة*، و وحید بهبهانی است. شاگردان او که تعدادشان بسیار زیاد است، به شدت به او عشق می‌ورزیدند. فضیلت‌های او بی‌شمار و مشهور است. او علاوه بر آثار علمی فراوان، به ویژه در فقه، آثار اجتماعی فراوانی نیز از خود به جا گذاشته است. خودسازی و تهذیب نفس و کرامات او، همچون دیدارش با امام مهدی (عج الله فرجه) امری مشهور است. کتاب *الفوائد الرجالية* مهم‌ترین اثر رجالی اوست که در چهار جلد منتشر شده است.^{۵۲۴}

سید عبدالله شبّر (م ۱۲۴۲)

سید عبدالله شبّر در سال ۱۱۸۸ در نجف اشرف در خانواده‌ای دانشمند متولد شد و در بغداد و نجف تحصیل کرد.

او پرکارترین نویسنده دینی در آن دوران است. تخصصش در حدیث، کلام، فقه، اصول و تفسیر همراه با دقت نظر و سرعت نگارش، او را چهره‌ای اسطوره‌ای و زبانزد کرده است. مجموع نگاشته‌های او بیش از شصت عنوان در بیش از صد جلد قطور است. کتاب *جامع المعارف والأحكام* او با کتاب *بحار الأنوار* مقایسه می‌شود. سید عبدالله در این کتاب به جمع‌آوری روایات اهل بیت در ابواب مختلف فقهی و غیرفقهی پرداخته و آنان را در کنار هم جای داده است. شاگردانش وی را با علامه مجلسی مقایسه کرده و به او لقب مجلسی ثانی داده‌اند. سرعت نگارش او چنان بود که نویسندگان و منشیان از همراهی او باز می‌ماندند.

کتاب زیبای دیگر او با نام *مصابیح الأنوار فی حل مشکلات الأخبار*، نمونه روشنی از احاطه او بر حدیث و کتب پیرامون حدیث است. او در این کتاب بسیاری از متون حدیثی را به دقت بررسی کرده و سخنان پیشینیان را در آن مورد نقل کرده است. آن‌گاه به استنتاج پرداخته و نظر صحیح را بیان و گاه ابداع کرده است. این کتاب از معدود کتابهای گسترده پیرامون مشکل الحدیث است. جلد اول این کتاب به بررسی ۸۵ حدیث غیرفقهی پرداخته است. جلد دوم نیز به احادیث فقهی اختصاص دارد.

کتابهای *الأصول الأصلية والقواعد المستنبطة من الآيات والأخبار المروية، الأنوار اللامعة فی شرح زیارة الجامعه، أعمال الأسبوع، أنیس الزائر، جامع المقال فی معرفة الرواة والرجال، شرح نهج البلاغه، طب الأئمه* و

^{۵۲۳} مقصود از خبر موثق به روایتی است که قراین متفاوت بر اعتبار آن وجود دارد، اگرچه وثاقت سندی این روایت ثابت نشده باشد. علو مضمون، شهرت، مقبولیت نزد عالمان، همانند نهج البلاغه و ... از جمله قراین مورد نظر مرحوم وحید بهبهانی است. ر.ک: *الفوائد الرجالية*.

^{۵۲۴} برای آشنایی با علامه بحر العلوم ر.ک: *مقدمة الفوائد الرجالية*.

دهها کتاب دیگر از جمله کتابهای حدیثی او هستند که متأسفانه بیشتر آنها به چاپ نرسیده است. عجیب آنکه عمر او نسبت به تألیفاتش بسیار کوتاه (۵۴ سال) بوده است. نکته مهم آنکه با وجود تخصص و تبحر مرحوم شبر در حدیث، ایشان تفکر اخباریگری نداشت و از شیوه مجتهدان پیروی می نمود.^{۵۲۵}

شیخ احمد احسائی (م ۱۲۴۱ هـ)

شیخ احمد احسائی متولد سال ۱۱۶۶ در منطقه احساء است. اجداد او از اهل سنت بوده اند. وی کراماتی از خود در زمان کودکی نقل می کند. او شاگرد وحید بهبهانی و علامه بحر العلوم است که در ابتدا به اخباریان تمایل داشت. وی در زمان مسافرت به ایران علاوه بر مسافرت و سکونت در برخی از شهرها، با فتحعلی شاه نیز ملاقات کرد و مورد احترام قرار گرفت.^{۵۲۶} او بنیانگذار فرقه شیخیه است که تفکر و روشی بر خلاف شیوه رایج عالمان داشتند. ترکیب تفکر فلسفی و حدیثی با جلوه های رمز آلود، و تأویل بسیار در کنار تفکر شبه غالیانه از مظاهر تفکر شیخیگری و شیخ احمد احسائی است. این تفکر به مخالفت با مبانی فکری اهل ظاهر، مسلمانان و دانشمندان سنتی، پرداخته است و شیوه صوفیان در کنار نهادن شریعت را نیز نمی پذیرد. نظریه آنان پیرامون معاد و ابداع جسم لطیف با عنوان هورقلیا مشهور است. برخی از عالمان معاصر او به مخالفت با وی پرداخته و حتی وی را تکفیر کرده اند.^{۵۲۷}

هواداران شیخیه رساله های گوناگون او در شرح احادیث، به ویژه احادیث اعتقادی یا احادیثی را که مورد استناد صوفیان قرار گرفته است، به چاپ رسانده اند. همچنین شرح مفصل او بر زیارت جامعه در چهار جلد چاپ شده است که نشان دهنده تفاوت نظرات او با نظرگاه مشهور شیعی است.

پس از احسائی، شاگردان او راه و روش وی را ادامه دادند. سید کاظم رشتی (م ۱۲۵۹) نگارشهای فراوانی در مباحث حدیث و عقاید شیخیه نوشت که از نگاشته های احسائی افراطی تر بود. محمدکریم خان کرمانی (م ۱۲۸۸) نیز نوشته های بسیاری در عقاید شیخیه و برخی از مباحث حدیثی دارد.^{۵۲۸}

میرحامد حسین (م ۱۳۰۶ هـ)

علامه میرحامد حسین موسوی در سال ۱۲۴۶ هجری در خانواده ای کهن، دانشمند در کشور هندوستان متولد شد. او در ادامه راه پدرش سید محمدقلی به دفاع از مبانی تشیع پرداخت. در آن دوران مناظرات نوشتاری فراوانی بین شیعیان و اهل سنت در جریان بود. بیشتر نگاشته های میرحامد حسین نیز به مباحث کلام، به ویژه امامت، اختصاص داشت. *استقصاء / الأفهام* در ده جلد به زبان فارسی، ردیه ای بر شبهات کتابهای معاصر اوست.

مشهورترین کتاب میرحامد حسین، *عقائد الأنوار فی مناقب الأئمة الأطهار* است. این کتاب پاسخ نامه مفصلی بر کتاب ضد شیعی *تحفه اثنا عشریه*، نگاشته مولوی عبدالعزیز دهلوی، است. میرحامد حسین در این کتاب با استناد به آیات قرآن، اصل امامت را اثبات کرده است و با اثبات تواتر و صحت روایات غدیر، حدیث

۵۲۵. برای آشنایی بیشتر ر.ک: مقدمه مصابیح الأنوار.

۵۲۶. ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل شیخ احمد احسائی.

۵۲۷. ر.ک: اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵۹۰ به بعد.

۵۲۸. برای آگاهی از انحرافات این گروه ر.ک: مجله انتظار، شماره ۳ - ۱.

ثقلین، حدیث منزلت، حدیث ولایت و ... امامت امام علی (علیه السلام) را ثابت کرده است. این کتاب در سی جلد و به زبان فارسی نگاشته شده و تمامی طرق روایات مختلف را به دقت نقل کرده است. هر جلد قطور این کتاب بیش از هزار صفحه است.

آقای سید علی حسینی میلانی این کتاب را تلخیص و به زبان عربی ترجمه کرده و در بیست جلد با نام *نفحات الأزهار* منتشر کرده است.

گفتنی است که مجموعه کتاب *عِبَقَاتِ الْأَنْوَارِ* تا کنون به چاپ نرسیده و تنها دوازده جلد از این مجموعه

عظیم منتشر شده است.^{۵۲۹}

۵۲۹. برای آگاهی بیشتر ر.ک: *دانش نامه امام علی (علیه السلام)*، ج ۱۲، ص ۳۰۹ - ۲۹۴.

جلسه پانزدهم

حدیث در سده چهاردهم

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ شیوه‌های حدیث‌پژوهی در سده چهاردهم؛
- ✓ برخی از پژوهشگران حدیثی این دوره و آثار آنان.

درآمد

حدیث شیعه در سده چهاردهم را باید در دو دوره زمانی بررسی کرد. پژوهشهای حدیثی در نیمه اول این قرن استمرار حرکت‌های حدیثی در سده سیزدهم است. فعالیت‌های حدیثی این نیمه با فعالیت‌های سده سیزدهم در نگرش، روش و نوع شباهت زیادی دارد.

نیمه دوم قرن چهاردهم وضعیتی متفاوت دارد. سقوط دولت عثمانی و از هم پاشیدگی مناطق تحت سلطه آن، موجب پدید آمدن کشورهای کوچک از دل این امپراطوری بزرگ گردید. این کشورها به تقویت باورها و فرهنگ محلی علاقه داشتند. ورود صنعت چاپ به وسیله حروف و سپس چاپ پیشرفته و زیبا سبب فراوانی کتاب‌های حدیثی و در دسترس بودن آنها گشت. استفاده از متون حدیثی و نتایج تفکر و پژوهش عالمان برای عالمان دیگر و مردم عادی بسیار آسان شد.

گسترش سوادآموزی و عمومیت یافتن مطالعه و کتاب‌خوانی، زمینه را برای ارتباط مستقیم توده مردم با متون حدیثی آماده ساخت. پیشرفت و رفاه پدیدآمده در دوران معاصر، اوقات فراغت بیشتری برای مردم فراهم آورد. این اوقات فراغت، فرصت مناسبی برای مشتاقان معارف و حیانی فراهم ساخت.

عمومیت یافتن استفاده از مصادر حدیثی، لزوم پدید آوردن شیوه‌های جدید در استفاده از متون همانند تلخیص، ترجمه، حاشیه‌نویسی، معجم لفظی و موضوعی، تصحیح متون با روش علمی و مقبول، تکنگاری و جامع‌نگاری موضوعی، مستندسازی، پژوهش در علوم پیرامون حدیث و ... از شیوه‌های نوپدید در استفاده از متون حدیثی بود.

اکنون به اجمال، برخی از شیوه‌های پیش‌گفته را بررسی می‌کنیم و سپس به بازگویی فعالیت‌های حدیثی دانشمندان این دوره خواهیم پرداخت.

برخی از شیوه‌های حدیث‌پژوهی سده چهاردهم

۱- احیای تراث (بازآفرینی متون کهن)

تکثیر نسخه‌های حدیثی و استنساخ آن همواره با اهمیت بوده است. عالمان پیشین با درک این اهمیت، همت خویش را در تکثیر نسخه‌های دقیق و صحیح به کار می‌بستند. آنان با استفاده از کاتبان صحیح‌نویس، مقابله دوباره با متن اصلی و عرضه متن جدید بر اساتید حدیثی، کوشش در ارائه نسخه صحیح‌تر را به حد کمال می‌رساندند. با وجود همه این تلاشها، در پاره‌ای موارد تصحیف، تحریف و اشتباهات سهوی و عمدی رخ می‌داد که امری پذیرفته و غیرقابل انکار است. با گسترش صنعت چاپ در نیمه دوم قرن چهاردهم، امکان تولید انبوه نسخه‌ها فراهم شد.

بالا رفتن شمارگان نشر کتاب، اقتضا می‌کرد تا تلاش فراوان برای دستیابی به نسخه اصیل و صحیح صورت گیرد و متون کم‌غلط و به دور از خطاهای عمدی و غیرعمدی پیشین چاپ شود. تصحیح متون کهن، ابتدا در غرب و به کوشش دانشمندان غربی آغاز شد. آثار ادبی شرق، به ویژه کتابهایی که به زبان عربی و یا مطابق با فرهنگ اهل سنت نوشته شده بود، در درجه اول اهمیت قرار داشت. کتابهای حدیثی شیعی در این نیمه و به همت محققین شیعی، تصحیح و چاپ شد. بسیاری از کتابهای اصیل و کهن شیعی با استفاده از نسخه‌های موجود، به شکلی دقیق و پذیرفتنی به جامعه فرهنگی عرضه شد. مرحوم علی‌اکبر غفاری (م ۱۳۸۳ هـ.ش) و میرجلال‌الدین محدث (م ۱۳۵۸ هـ.ش) شاخص‌ترین چهره‌ها در تصحیح متون حدیثی شیعی هستند. پژوهشگرانی چون ربانی شیرازی، بحرالعلوم، خراسان، بهبودی، علامه شعرانی و فیض الاسلام از دیگر تلاشگران این عرصه‌اند. کتاب کافی و من لا یحضره الفقیه که به دست استاد علی‌اکبر غفاری تصحیح شده‌اند از بهترین نمونه‌های تصحیح متون به روش علمی و مقبول در این دوره به شمار می‌روند.

۲- ترجمه

ترجمه قرآن، حدیث و متون معارفی به زبان فارسی در این نیمه گسترش یافت و پس از انقلاب اسلامی به اوج رسید. بسیاری از متون اصیل شیعی همانند نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، اصول کافی، کتابهای شیخ صدوق و شیخ مفید و ... از گروه کتابهای ترجمه‌شده به زبان فارسی است. ترجمه متون حدیثی که در ابتدا به صورت فردی و با عشق و علاقه شخصی آغاز شده بود کم‌کم به یک علم همراه با هنر تبدیل شد و دلبستگان ویژه‌ای یافت. شیوه ترجمه و چگونگی دستیابی دقیق‌تر به مفاهیم متون و تبیین صحیح‌تر آن به زبان مقصد در این سالها و پس از پیروزی انقلاب اسلامی دقیق‌تر شده است و رو به تکامل می‌رود.

۳- حاشیه‌نویسی علمی و منتقدانه

حاشیه‌نویسی پیشینه‌ای کهن در تاریخ حدیث شیعه دارد. دانشمندان شیعی به بسیاری از متون حدیثی توجه داشته‌اند. آنان نکات علمی و قابل ذکر را در حاشیه متون می‌نوشتند و به آیندگان هدیه می‌دادند. بیشتر این حواشی در توضیح و تبیین متون مشکل و یا مشتبه بود. نمونه زیبایی جامع این‌گونه حواشی در کتاب کافی به تصحیح استاد علی‌اکبر غفاری مشهود است. ایشان با مراجعه به متون کهن، بسیاری از این حواشی را جمع‌آوری کرده و در پاورقی کتاب کافی آورده‌اند.

حاشیه‌نویسی منتقدانه، نمونه‌هایی بسیار زیبا در این دوران یافته است. حواشی علامه طباطبایی بر مجلدات آغازین بحار/الأنوار، نمایانگر دو طرز تفکر در مواجهه با متون مقدس است. حاشیه‌های علمی و توضیحی علامه شعرانی بر کتاب وافی و حاشیه بر شرح ملا صالح مازندرانی و ... نیز بسیار زیبا و خواندنی هستند. بسیاری از حاشیه‌های ایشان بر کتاب شرح ملا صالح مازندرانی، از دیدگاه انتقادی و با رویکرد عقل‌گرایانه‌تر نسبت به متون حدیثی است. مرحوم ملا صالح مازندرانی تفکری متمایل به اخباریان دارد و از این زاویه به شرح احادیث پرداخته است. او نزدیک به ۱۵۰۰ حاشیه بر این کتاب نگاشته است. این حاشیه‌ها نمایانگر تفکر متفاوت علامه شعرانی است و زمینه مقایسه میان مبانی و معیارهای آنان را فراهم می‌سازد. حواشی و تعلیقات مرحوم محدث ارموی بر بسیاری از کتابها نیز خواندنی و پرفایده هستند.

۴- نگارش‌های رجال

نگارش‌های نوپدید در مباحث رجالی، موجب تحرک این علم و دستیابی به افق‌های جدید در این حوزه گشت. منابع اصلی و اولیه رجال، در قرن پنجم تألیف شده و در سال‌های بعد با تغییرات جزئی روبه‌رو شده بود. تحقیقات رجالی در نیمه دوم قرن چهاردهم با تحقیقات پیشین تفاوت‌های اساسی یافته است. علامه مامقانی نگارش درازدامنی با نام تنقیح المقال عرضه کرده است که سعی در جامع‌نگری در علم رجال و تراجم داشته است.

آیت الله بروجردی در چند کتاب به تبیین مبانی خویش در شناخت تخصص راویان و شناخت طبقات آنان و مقایسه بین اسناد پرداخته‌اند که با عناوین ترتیب‌آسانید الکافی، ترتیب‌آسانید التهذیب و ... به چاپ رسیده است.

آیت الله خویی با نگارش معجم رجال الحدیث گسترده‌ترین اثر رجالی را پدید آورد که علاوه بر دارا بودن متون کهن به استنتاج و رسیدگی متون و دستیابی به نظرات مقبول‌تر پرداخته است. علامه توستری (شوشتری) حواشی انتقادی خود بر تنقیح المقال را با تکمیل و اضافات به صورت کتابی با نام قاموس الرجال در دوازده جلد منتشر کرده است.^{۵۳۰}

۵- پیرایش و نقد حدیث

نگاشته‌های عالمان شیعی درباره احادیث موضوع (مجموع) و یا نقد متون حدیثی چندان پربرگ‌وبار نیست. گرایش نداشتن عالمان شیعی به این موضوع دو دلیل دارد: الف) پیرایش نسبی متون حدیثی اصلی شیعی از احادیث مجعول. ب) در اقلیت بودن شیعیان نسبت به اکثریت سنی جهان اسلام. این ویژگی اقتضا می‌کرد تا دفاع از باورها و متون، جلوه بیشتر یابد و به بحث انتقادی کمتر پرداخته شود.

۵۳۰. برای آشنایی تفصیلی با این کتابها به درس آشنایی با کتب رجالی شیعه مراجعه شود.

گسترش ارتباطات شیعیان با دیگر اقوام و ملل، موجب آشنایی آنان با متون شیعی و برفراز آوردن متون ضعیف و ناصحیح به دست آنان گشت. برخی از نویسندگان شیعی با درک موقعیت زمانه به بررسی متون حدیثی پرداخته و متون ناصحیح و غیرمقبول را مشخص کردند.

برخی از نگارشها به صورت مستقل به این موضوع پرداخته‌اند. علامه شوشتري (م ۱۳۷۴ هـ) در کتاب *الأخبار الدخیله*، برخی متون تصحیف و یا تحریف‌شده را مطرح کرده است. مرحوم هاشم معروف حسنی، به گونه گسترده به مناقب‌نگاری و فضایل‌نویسی توجه کرده است. همچنین علامه شعرانی، در حواشی زیبای خود بر کتابهای مختلف، به ویژه شرح *ملا صالح مازندرانی*، به نقد حدیث پرداخته است. برخی از مصححان کتاب *بحار/الأنوار* همانند آقایان بهبودی و مصباح یزدی نقطه نظرات خاص خویش در نقد متون را در حواشی این کتاب آورده‌اند.

مکتب تفکیک

این سده، دوران پدیداری روش و شیوه‌ای در فهم معارف است که در سالیان اخیر با نام «مکتب تفکیک» شهره گشته است. بنیانگذار این شیوه مرحوم میرزا مهدی اصفهانی (م ۱۳۵۶ هـ) در خراسان است.

او پس از اتمام تحصیلات فقه، اصول، فلسفه و عرفان در نجف به خراسان آمد و حوزه مشهد را رونق بخشید. محور تفکر مکتب تفکیک جداسازی معارف قرآن و حدیث از معارف فلسفی و عرفانی است. بر اساس این نظریه، معارف قرآن و حدیث معارفی الهی هستند در حالی که آگاهیهای فلسفی و عرفانی، معرفتی بشری شمرده می‌شوند که همپوشانی کامل با معارف الهی ندارند؛ بنابراین، اعتماد بدین گونه معرفت شایسته نیست. اگر اختلاف و تعارض میان این گروه از معارف با معارف قرآنی و حدیثی پدید آید، لازم است که از معرفت الهی پیروی شود و معارف بشری به کناری نهاده شوند. تأویل متون وحیانی با استناد به معارف بشری، تمام و خالص نیست و ...

بیشترین اعتراض این مکتب به سوی فلسفه، به عنوان علم یونانی، و عرفان، به عنوان علمی با خاستگاه هندی، نشانه رفته است. اعتراض فراوان نسبت به فیلسوفان، به ویژه ملاصدرا، و نقد تفکر عقل‌گرا در این حوزه مشهود است.^{۵۳۱}

شیوه علمی و عملی مکتب تفکیک در معارضه با شیوه عالمانی همچون علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) است که تنافی معارف سه‌گانه را نمی‌پذیرند و شیوه‌ای خاص در جمع بین معارف دارند.

۵۳۱. برای آشنایی بیشتر، ر.ک: کتابهای مکتب تفکیک، *اجتهاد و تقلید در فلسفه، معاد جسمانی در حکمت متعالیه*، هر سه به قلم استاد محمدرضا حکیمی.

نقد این تفکر نیز در کتاب *رؤیای خلوص* به قلم آقای سید حسن اسلامی در دست است. گزارش اجمالی این کتاب در مجله علوم حدیث، شماره ۳۳ آمده است. آقای محمد اسفندیاری در کتاب *راه خورشیدی* به بیان معیارها و مبانی مکتب تفکیک پرداخته و آنها را تدوین کرده است.

آشنایی با برخی از پژوهشگران حدیثی این دوره و آثار آنان

حدیث پژوهی در قرن چهاردهم، رشد محسوسی داشته است. پژوهشهای حدیثی این دوره، تنها به محدثان و کسانی که به طور خاص به حدیث و علوم حدیثی اشتغال دارند، محدود نمی‌شود. بسیاری از پژوهشهای حدیثی به دست فقیهان، اصولیان، فیلسوفان و اهل کلام نوشته شده است؛ از این رو، شمار افراد در این دوران نسبتاً افزون است. در اینجا ما تنها به گزارشی اجمالی از این دوران می‌پردازیم.

میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ هـ)

در سال ۱۲۵۴ در شهرستان نور مازندران متولد شد. تحصیلات خود را در تهران آغاز کرد و در عراق ادامه داد. حوزه اصلی تخصص او حدیث و علوم حدیثی بود. حافظه نیرومند همراه با مطالعه و پشتکار بسیار، سبب موفقیت او در این زمینه گشت.

شمار نگاشته‌های او نزدیک به چهل عنوان است. مشهورترین تألیفات او عبارت‌اند از:

۱- مستدرک الوسائل (به همراه خاتمه‌ای درازدامن در کتاب‌شناسی و مباحث رجالی)؛

۲- الصحيفة الثانية العلویة؛

۳- الصحيفة الرابعة السجادیة؛

۴- النجم الثاقب فی أحوال الإمام الغائب؛

۵- فصل الخطاب.

کتاب مستدرک الوسائل در تکمیل کتاب وسائل الشیعه، تألیف شیخ حرّ عاملی، نگارش یافته است و ابواب و عناوینی مشابه آن دارد. او در صدد آن بوده است تا احادیثی را که در وسائل الشیعه به آنها توجه نشده است با عنوان‌دهی منظم، مطابق با وسائل الشیعه سامان دهد. همچنین روایاتی که در وسائل الشیعه موجود است، ولی در ابواب دیگر نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، در ابواب جدید جای دهد.

عنوان‌بندی روایات، بر اساس کتاب وسائل الشیعه، استفاده از این کتاب (مستدرک الوسائل) را آسان ساخته است. اما مجتهدان به این کتاب به عنوان مصدر اجتهاد، توجه چندانی نکرده‌اند؛ زیرا احادیث و کتابهای معتبر در وسائل الشیعه مورد توجه بوده‌اند در حالی که مصادر کتاب مستدرک الوسائل معمولاً ضعیف و غیرمعتبر هستند.

برخی از مجتهدان همانند آخوند خراسانی و شیخ آقابزرگ تهرانی، مراجعه به کتاب مستدرک را لازم شمرده‌اند،^{۵۳۲} ولی بسیاری از مجتهدان از آن کتاب به عنوان منبع استنباط استفاده نمی‌کنند. امام خمینی (رحمة الله علیه) با استدلال به ضعف روایات و همچنین ضعیف بودن مصادر آن مراجعه به آن کتاب و استنباط از آن را مفید نمی‌شمارد.^{۵۳۳}

مباحث پایانی کتاب مستدرک الوسائل، مجموعه‌ای بزرگ از موضوعات کتاب‌شناسی، رجال و امور پیرامونی حدیث است.^{۵۳۴} جلد اول از این مجموعه، مباحث کتاب‌شناسی مفیدی دارد.

۵۳۲. الذریعه، ج ۲، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۵۳۳. أنوار الهدی، ج ۱، ص ۲۴۴.

۵۳۴. شایان ذکر است که در هجده جلد و خاتمه آن در دوازده جلد چاپ شده است.

گفتنی است شیوهٔ مرحوم محدث نوری در اعتماد بر اخبار و گزارشهای ضعیف در مباحث کتاب‌شناسی و توثیق مصادر نیز بروز دارد؛ بنابراین، شایسته است با دیدی نقادانه بررسی شود. کتاب *فصل الخطاب*، پُر سر و صداترین کتاب محدث نوری است. این کتاب دربردارندهٔ مجموعه‌ای از متون ضعیف و بی‌اعتبار شیعه و سنی است که می‌توان از آن تحریف قرآن را برداشت نمود. جمع‌آوری این گزارشهای بی‌اعتبار، دستاویزی برای مخالفان تشیع برای حمله به باورهای شیعی شد. گفته شده است که محدث نوری پس از انتشار کتاب، از نگاشتن آن اظهار نارضایتی کرده و تحریف قرآن را ناصحیح شمرده است.^{۵۳۵}

شیخ عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱ هـ)

او در سال ۱۲۹۰ در نجف در خانواده‌ای عالم‌زاده به دنیا آمد و در آنجا تحصیل و تدریس نمود. بیشتر نگاشته‌های او فقهی و اصولی است. مهم‌ترین کتابهای مرتبط با حدیث ایشان عبارت از *تنقیح المقال فی علم الرجال و مقیاس الهدایة فی علم الدرایه* است. کتاب *مقیاس الهدایه* گسترده‌ترین نگارش شیعی در باب مصطلحات حدیث است. مؤلف در این مجموعه، که با مستدرک آن در هفت جلد منتشر شده است، تمامی اصطلاحات موجود در علوم حدیث را بررسی کرده و نظر اجتهادی خویش را بیان نموده است. *تنقیح المقال* نیز یکی از نگارشهای گسترده در علم رجال و تراجم (سرگذشت‌نامه) است.^{۵۳۶} کتاب *قاموس الرجال*، تألیف علامه محمدتقی شوشتری، حاشیه‌ای انتقادی و تکمیلی بر این کتاب است.

شیخ عباس قمی (۱۳۵۹ هـ / ۱۳۱۹ هـ ش)

شیخ عباس قمی در حدود سال ۱۲۹۴ قمری در قم متولد شد. او تحصیلات خود را در قم و نجف به انجام رسانده است. محدث قمی شاگرد خاص مرحوم محدث نوری و یار و همکار استاد در پژوهشهای حدیثی آخر عمر او بوده است. احترام او به استاد خویش در نوشته‌هایش فراوان دیده می‌شود. ذوق نگارش همراه با اخلاص فراوان او، کارهای مبارکی پدید آورده و نام او را جاودان ساخته است. کتاب *مفاتیح الجنان* گزیده‌ای دقیق، منطقی و منظم از تمامی کتابهای دعای نسلهای پیشین است. شهرت این کتاب، مؤلف آن را نیز مشهور خاص و عام ساخته است. کتابهای *منتهی الآمال* در تاریخ و سیرهٔ چهارده معصوم (علیهم السلام)، *نفس المهموم* در مقتل حضرت امام حسین (علیه السلام)، *بیت الأحزان* دربارهٔ زندگی حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از جمله کتابهای تاریخی ایشان است. مهم‌ترین کتاب حدیثی مرحوم محدث قمی، کتاب *ارجمند سفینه البحار* است که تدوین فهرست موضوعی *بحار الأنوار* همراه با اشاره به مهم‌ترین روایات هر عنوان و مشخص کردن جایگاه عنوان در کتاب *بحار الأنوار* است.

۵۳۵. برای آشنایی بیشتر، ر.ک: کتابهایی در موضوع تحریف‌ناپذیری قرآن که بزرگانی چون آیت الله معرفت، سید علی میلانی، رسول جعفریان و فتح‌الله نجارزادگان نوشته‌اند.

۵۳۶. آشنایی بیشتر با این کتاب در درس آشنایی با کتب رجالی شیعه صورت می‌گیرد.

این مجموعه که به صورت الفبایی ریشه کلمات تدوین یافته است یکی از ابداعات مرحوم محدث قمی و کاربردی‌ترین اثر در زمان نگارش بوده است.

مطالعه و فیش‌برداری بحار/الأنوار در مدت بیست سال انجام شده است. اضافات محدث قمی بر کتاب بحار/الأنوار، این مجموعه را تبدیل به گنجینه‌ای از علوم و فنون نموده است. چاپ اول کتاب در دو جلد و چاپ جدید آن در هشت جلد منتشر شده است.^{۵۳۷}

علامه سید محسن امین عاملی (۱۳۷۱ هـ / ۱۳۳۱ هـ ش)

در سال ۱۲۸۴ قمری در جبل عامل به دنیا آمد. تحصیلات خود را در لبنان و نجف به پایان برد و برای ارشاد مردم به سوریه و لبنان بازگشت. مشهورترین اثر او دایرة المعارف بزرگ/أعیان/الشیعه است که بزرگان، دانشمندان و شایستگان شیعی را یاد کرده است.

کتاب دیگر او با نام البحر/الزخار فی شرح/أحادیث الأئمة الأطهار، از منظر حدیثی بسیار مهم و تأثیرگذار است. او در این کتاب با استفاده از قواعد مقبول فقه الحدیثی به تبیین و توضیح مفصل روایات پرداخته است. در این مجموعه بررسی‌های سندی همراه با بررسی متن احادیث مورد نظر بوده است. متأسفانه با آغاز جنگ جهانی اول، نگارش این کتاب متوقف شد و تنها سه جلد آن به چاپ رسید. با وجود این، ارائه شیوه صحیح در شرح حدیث، به این کتاب اهمیت خاصی داده است.

علامه سید محسن امین عاملی در سال ۱۳۷۱ هجری درگذشت.

آیت الله بروجردی (م ۱۳۴۰ هـ ش)

آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی در سال ۱۲۹۲ هجری در بروجرد متولد شد و تحصیلات خود را در بروجرد و نجف به پایان برد. او از جوان‌ترین شاگردان مرحوم آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹ هـ) و سید کاظم طباطبایی یزدی بود. ۳۵ سال حضور او در بروجرد همراه با درس و بحث موجب غنای فکری او در زمینه‌های مختلف گردید. وی در سال ۱۳۶۴ هجری به قم آمد و مرجعیت واحد شیعه را پدید آورد.

شهرت ایشان در فقه، مانع بروز جنبه‌های علمی ایشان شده است.

در مباحث رجال، یکی از دقیق‌ترین مبانی را ارائه و به شاگردان خویش منتقل نموده است. ایشان به شناخت طبقات، تخصص راوی، مشایخ، شاگردان و ... اهتمام ویژه داشت.

نزدیک به ده نگاشته رجالی از ایشان باقی مانده است. مهم‌ترین کتاب، ترتیب/أسانید/الکافی یا تجرید/أسانید/الکافی است که با در کنار هم قرار دادن اسناد مربوط به هر راوی، زمینه تشخیص او، اساتید، شاگردان و تخصص فقهی راوی فراهم می‌آید.

طرح کتاب جامع/أحادیث/الشیعه نیز نشانگر دقت نظر ایشان در استفاده از متون است. آیت الله بروجردی با تبیین اشکالات موجود در کتاب وسائل/الشیعه، طرحی را با عنوان «جامع الأحادیث» پیشنهاد کردند تا مجموعه روایات شیعی در کنار هم قرار گیرد و ارتباط بین روایات، روشن و واضح باشد.

۵۳۷. برای آشنایی بیشتر ر.ک: تَقْبَاءُ الْبَشَر، ج ۳، ص ۱۰۰۰ - ۹۹۸؛ مَفَاخِرُ السَّلام، ج ۱، ص ۱۷۰ - ۱۶۹.

ایشان در آغاز تصمیم داشت روایات اهل سنت را نیز در کنار روایات شیعی ذکر کند تا فضای صدور روایات شیعی روشن شود، ولی بعدها از این کار منصرف شد. این مجموعه به همت شاگردان ایشان تنظیم شد و پس از رحلت آیت الله بروجردی در سال ۱۳۸۰ هجری (۱۳۴۰ هـ) به کوشش آقای شیخ اسماعیل معزی منتشر گشت.^{۵۳۸}

علامه شعرانی (م ۱۳۵۲ هـ)

در سال ۱۳۲۰ هجری در تهران متولد شد و در تهران، قم و نجف تحصیل کرد. علاوه بر دانشهای مرسوم حوزوی، در علوم دیگر همچون ریاضی و فلسفه و زبانهای بیگانه نیز صاحب نظر بود. فعالیت ایشان در مباحث قرآن و حدیث بیش از موضوعات فقهی و اصولی است. تصحیح و یا نگاشتن حواشی بسیاری از کتابهای تفسیری همانند مجمع البیان، صافی، تفسیر ابوالفتح و منهج الصادقین، جلوه‌ای از کارهای قرآنی ایشان است. حاشیه‌های ایشان بر کتاب وافی و کتاب شرح ملا صالح مازندرانی از آثار ماندگاری است که موجب در کنار هم قرار گرفتن نظرات و دیدگاههای متفاوت در فهم حدیث گشته است. بیش از ۱۶۰۰ حاشیه از ایشان بر کتاب شرح ملا صالح مازندرانی موجود است. دقت نظر علامه شعرانی در فهم روایت، دوری گزیدن از افراط و تفریط، استفاده از معانی مقبول و قابل دفاع و عفت قلم و کلام، حواشی ایشان را از اهمیت خاصی برخوردار ساخته است.

علامه شوشتری (م ۱۳۷۴ هـ)^{۵۳۹}

در سال ۱۳۲۰ هجری در نجف اشرف متولد شد. تحصیلات خود را در نجف به پایان رسانید و پس از سقوط رضاخان به ایران و شهر شوشتر نقل مکان کرد. فعالیت‌های حدیثی علامه شوشتری نزدیک به شصت سال ادامه داشت.

بَهِج الصِّبَاغَةِ فِي شَرْحِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ، قَامُوسُ الرِّجَالِ، الْأَخْبَارُ الدَّخِيلَةُ، قَضَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْأَرْبَعُونَ حَدِيثًا وَ فَوَائِدُ الْأَخْبَارِ از جمله کتابهای حدیثی ایشان است.

بَهِج الصِّبَاغَةِ شرحی مفصل و در چهارده جلد بر کتاب نهج البلاغه است. این شرح به گونه‌ی موضوعی ترتیب یافته است و مؤلف مباحث هر موضوع را در کنار هم جای داده است. علامه شوشتری در این اثر حدیثی همچنین به آثار پیشین نظر داشته و با حالتی منتقدانه، روش و کتاب را نقد کرده است.

۵۳۸. برای آشنایی بیشتر، ر.ک: مجله حوزه، سال هشتم، شماره (۱) و (۲)، مقدمه جناب آقای واعظزاده بر کتاب ترتیب آسانید الکافی.

۵۳۹. برخی از افرادی که در قرن پانزدهم رحلت کرده‌اند، فعالیت‌های علمی مؤثر آنان در سده پیشین و قبل از انقلاب اسلامی ایران بوده است؛ از این رو، در این درس از آنان یاد شده است.

قاموس الرجال، حواشی انتقادی ایشان بر کتاب تنقیح المقال علامه مامقانی است. این مجموعه که با تکیه بر حافظه خارق العاده و مطالعات بی نظیر ایشان پدید آمده است موجب تکمیل و تتمیم کتاب تنقیح المقال گشته است.

الأخبار الدخیله از جمله کتابهای ابتکاری ایشان است. علامه شوشتری در این اثر به بررسی روایات مختلف پرداخته و نارساییهای موجود در متن را که معمولاً از سوی ناسخان پدید آمده است، معرفی و برطرف می‌سازد.

جلسه شانزدهم

حدیث شیعه و انقلاب اسلامی

هدف درس

✓ آشنایی با ویژگیهای حدیث پژوهی در دوره معاصر

مقدمه

در مباحث پیشین، سه دوره طلایی تاریخ حدیث شیعه را برشمردیم:

۱- عصر صادقین (علیهم السلام)؛

۲- سده‌های چهارم و پنجم قمری؛

۳- قرن یازدهم و دوازدهم قمری.

چهارمین دوره طلایی حدیث شیعه با انقلاب اسلامی ایران هم‌زمان است. انقلابی که با بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی اهل بیت (علیهم السلام) آغاز شد و تلاش در راه نهادینه‌سازی این معارف را سرلوحه کارهای خویش قرار داد.

رهبری امام خمینی (رحمة الله علیه)، به عنوان فقیهی ژرف‌نگر، متعبد، آینده‌نگر و سیاست‌مدار، موجب گشت تا بهترین موقعیت برای رواج فرهنگ شیعی فراهم گردد. موقعیتی این‌گونه، برای اولین بار در تاریخ شیعه پدید آمده بود؛ از این رو، فرصت‌سوزی و هدر دادن امکانات موجود به هیچ روی، توجیهی نداشت. پیدایش امکانات ارتباطی و ابزارهای پیشرفته مطالعاتی و تحقیقاتی، حضور نیروهای جوان و تحصیل‌کرده، افزایش اوقات فراغت عمومی برای یادگیری، نگاه کاربردی به حدیث، امکان فراهم آوردن بودجه تحقیقاتی، گسترش پژوهشهای گروهی، نگاه دقیق و معرفت‌شناسانه به حدیث و ... از ویژگیهای این دوره محسوب می‌شود که تأثیر مهمی بر گسترش حدیث‌پژوهی داشته است. اکنون به بازگویی و توصیف برخی از مهم‌ترین ویژگیهای حدیث‌پژوهی در این دوره می‌پردازیم.

ویژگیهای حدیث‌پژوهی در دوره معاصر

۱- عمومی شدن حدیث

از مهم‌ترین ویژگیهای حدیث در این دوره، فراگیر شدن مراجعه به معارف حدیثی است. این فراگیری و گسترش مرهون عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاصی بود که در زمانهای پیشین پدید نیامده بود.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت و با تکیه بر معارف ناب اهل بیت (علیهم السلام)، سبب گرایش شدید به این طرز تفکر شد. مردم ایران به عنوان مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشور شیعی، به معارف حدیثی روی آوردند. مردمان دیگر نقاط دنیا، به ویژه آزاداندیشان مسلمان و غیرمسلمان نیز، به این پدیده قرن با تعجب می‌نگریستند و در پی دستیابی به مبانی معرفتی این تفکر بودند. رشد گُرسیهای شیعه‌شناسی در دانشگاه‌های غرب، نمونه بارزی از این رویکرد در جوامع غربی است. حتی دشمنان شیعه، همانند وهابیان، و دشمنان اسلام، همانند صهیونیست‌ها و مسیحیان تندرو، نیز به پژوهش در متون حدیثی شیعه پرداختند.^{۵۴۰} نسل جدید و فرهیخته مسلمان، که تا پیش از این دوران تحت تأثیر فرهنگ غرب و شرق قرار داشت، به بازشناسی میراث خویش پرداخت.

گروه‌های مختلف فکری، با سطح سواد و تفکر گوناگون، شیفته یادگیری و بازخوانی حدیث بودند. به جرئت می‌توان ادعا کرد که این اقبال عمومی در هیچ دوران، همانندی نداشته است.

طبیعی است که نگاشته‌های حدیثی پیشین در این دوران، به بازنویسی و آماده‌سازی نیاز داشت. نگارش‌های گوناگون از معارف شیعی، به ویژه آموزه‌های حدیثی، در پی این نیاز پدید آمد. در همین راستا احیای میراث کهن شیعی به شیوه علمی و مقبول نیز مد نظر قرار گرفت.

اشتیاق فراوان گروه‌های مختلف اجتماعی، نیازمند پاسخ‌گویی به شیوه‌های متفاوت بود. احساس نیاز به معارف حدیثی، تنها به گروه‌های تحصیل‌کرده و فرهیخته محدود نمی‌شد. توده مردم، به ویژه نسل انقلاب و جنگ، به معارف حدیثی اقبال بیشتری داشتند؛ بنابراین، تفکر ترویج حدیث در میان تمامی مردم از اهمیت فراوانی برخوردار بود.

عمومی شدن حدیث، آسیب‌ها و آفت‌هایی نیز داشت. عامی‌نگری و یا نگارش عوام‌گرایانه در این بستر پدید آمد. مقصود از گرایش عوام‌زده آن است که برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدید بدون پیش‌بینی لازم، به تولید و تکثیر آثاری بدون مبانی دقیق و عمیق علمی پرداخته شود.

آگاهی نداشتن اقشار فرهیخته مذهبی در استفاده از اقیانوس معارف شیعی و صید در و مرجان موجود در آن طبیعی بود. حوزه‌های علمیه بیشتر به سمت فقه و اصول گرایش داشتند و آمادگی پاسخ‌گویی به این نیاز را در خود نمی‌دیدند. سخنان خطابی و یا توده‌گرا نیز تنها در محدوده خاص مکانی و زمانی جلوه‌گر می‌شد و پس از آن فروغی نداشت.

اشتباهات و کج‌فهمی‌های سهوی و عمدی نیز در این میان پدید می‌آمد. منشأ این اشتباهات، سهل‌انگاری در مبانی و روش‌های بازشناسی متون شیعی بود. حدیث اهل بیت (علیهم السلام) را می‌توان به گونه‌ای ساده فهمید، ولی دستیابی به عمق معارف آن محتاج به فراهم ساختن زمینه‌های لازم در شناخت مبانی و روش‌ها است. این مهم، وظیفه حدیث‌پژوهان جوان و نسل جدید محققان حدیثی را سخت‌تر و بااهمیت‌تر می‌سازد.

۵۴۰. تذکر این نکته مفید است که یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های شیعه‌شناسی، به ویژه با تأکید بر شناخت حدیث، در کشور اسرائیل قرار دارد. اتان کلبرگ، پژوهشگر یهودی و نویسنده کتابها و مقالاتی همچون کتابخانه سید بن طاووس، اصول اربعمائه و ... از این گروه است.

۲- نگاه علمی به حدیث

گسترش توجه به حدیث و منابع حدیثی، پیامدهای دیگری نیز داشت. پدیدار شدن سؤالات، شبهات و اشکالات درباره برخی متون طبیعی بود. این سؤالات گاه از سوی معتقدان به مکتب و باورهای شیعی و برای دستیابی به فهم برتر بود و گاه از سوی مخالفان و معاندان برای ایرادگیری و آشکار نمودن جلوه‌های نازیبا از فرهنگ شیعی رخ می‌نمود.

بسیاری از متون حدیثی که با وصف «صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ» معرفی شده بودند و از اسرار شمرده می‌شدند اکنون به مدد وسایل ارتباطی در اختیار توده مردم، خواه موافق و خواه مخالف قرار داشت. فهم نامناسب برخی از متون، زمینه را برای تهاجم به فرهنگ شیعی آماده می‌ساخت. گفتنی است که در سالهای اخیر از سوی متعصبان، چندین کتاب در نقد کتاب کافی، مهم‌ترین کتاب حدیثی شیعی، نوشته شده و در آن، به این کتاب، که تجلیگاه فرهنگ شیعی است، حمله شده است. برخی دیگر از متون ناصحیح که با حيله‌گری واضعان به درون کتابهای حدیثی شیعه راه یافته بود و با متون اصیل و فرهنگ شیعی ناهمخوان بود از سوی مخالفان برفراز می‌آمد و با هوچیگری و تبلیغات، به عنوان فرهنگ شیعی معرفی می‌شد.

پیدایش این مسائل، با توجه به موقعیت تفکر شیعی و انقلاب اسلامی در جهان بسیار طبیعی است تأثیر شگرف معارف و حیانی شیعی موجب بررسی دقیق و موشکافانه تمامی متون، معتقدات و حتی فرهنگ محلی شیعیان شد. مخالفان اندیشه‌های شیعی از رهگذر این فعالیت، بر آن بودند تا ناهمگونی‌های فرهنگ و معارف و حیانی شیعه را با دیگر فرهنگ آشکار سازند و هرگونه کاستی در فهم آن را به مردم اعلام کنند.

سؤال، اشکال، اعتراض و تشکیک پاسخی درخور و شایسته طلب می‌کرد و عدم پاسخ‌گویی نشانه ضعف تلقی می‌شد؛ بنابراین، عالمان و پژوهشگران به پاسخ‌گویی مطالب پیشین پرداختند.

خوشبختانه، مبانی دقیق و عمیق پژوهشهای حدیثی، کار پاسخ‌گویی را آسان کرده بود. نگارشهای فراوان در حل مشکلات حدیثی، اختلاف و تعارض اخبار، شرح احادیث بلند معرفتی و ... که برخی تصحیح متون پیشین و برخی دیگر نوپدید بودند، در این سالها منتشر شد.

نقد حدیث و سنجش آن با معیارهای قطعی‌تر، از دیگر موضوعات مرتبط با حدیث بود که در این دوران مورد توجه قرار گرفت. نگاه دقیق به احادیث و کوشش در پیراستن متون ناصحیح جای گرفته در مصادر حدیثی شیعه از دیگر جلوه‌های نگاه علمی به حدیث بود.

۳- نگارشهای نو

پدیداری نیازهای جدید و پاسخ‌یابی از متون حدیثی، در این دوران رونق گرفت. استفاده از ابزارهای جدید برای دستیابی صحیح و سریع به متون حدیثی و امکان جستجوی تمام و کامل موجب پدید آمدن تکنگراریها و جامع‌نویسی‌های جدید گشت.

مستندسازی متون، تمایز میان متون گوناگون، دستیابی سریع به متون مورد نیاز، امکان مقایسه میان متون مختلف، دسترسی به مجموعه کامل متون حدیثی و ... موجب شد پژوهشهای حدیثی با دقت بیش از پیش و در زمان کمتری انجام شود.

اکنون، مجموعه کامل متون حدیثی شیعه و اهل سنت به راحتی در اختیار تمامی حدیث‌پژوهان قرار دارد. بی‌شک تصور فراهم آمدن این امکانات در نیم قرن گذشته برای هیچ کس ممکن نبود. این همه موجب پدید آمدن پژوهشهای نو و نگارشهای تازه گشت. نگارشهایی که در پی پرکردن خلل معرفتی در میان مردم بود. شمارش این نگاشته‌ها در دوران معاصر بسیار گسترده خواهد بود.

۴- نگاه کاربردی به حدیث

رشد علوم جدید، به ویژه در حوزه علوم انسانی، سبب ارائه فرضیه‌های گوناگون در علوم و پیدایش تحقیقات در زمینه‌های مرتبط با آن بود. ارتباط علوم انسانی با جامعه، آشنایی مردم و پژوهشگران حوزه دین با این علوم، انتظار پاسخ‌گویی دین به مسائل و موضوعات اجتماعی و تربیتی از جمله عواملی بود که سبب شد تا نگاه کاربردی به حدیث و متون مقدس در این حوزه‌های فکری تقویت شود.

نگاه کاربردی به حدیث در برخی از موارد خاص همانند علوم تربیتی، مباحث اجتماعی و مسائل روان‌شناسی نمود و بروز یافته است.^{۵۴۱}

نگاه کاربردی به حدیث اگرچه کم‌پیشینه است، ولی به سرعت در حال گسترش و تعمیق است. این زاویه دید از جمله مباحث میان‌رشته‌ای است که مشکلات خاص خود را دارد. پژوهشگر این حوزه می‌باید در دو رشته علمی مجزا، تخصص داشته باشد و زمینه ارتباط میان این دو رشته را فراهم کند.

روشن است که مهارت در دو رشته به راحتی امکان‌پذیر نیست؛ از این رو، پژوهشهای گروهی در این زمینه ضروری‌تر و کارسازتر است.

۵- پژوهشهای گروهی

اقتضای زمانه، گستردگی حوزه پژوهش، مباحث و موضوعات میان‌رشته‌ای، ممکن نبودن دستیابی به مهارت‌های لازم در تمامی حوزه‌های تحقیق و ... رواج پژوهشهای گروهی در این دوران را در پی داشته است.

این شیوه، که در سایر علوم و فنون نیز کارآمد است و به رواج پژوهش کمک کرده است، در حوزه علوم دینی، پیشینه‌ای طولانی ندارد. بسیاری از نگاشته‌های بزرگ حدیثی، تراوش فکری یک عالم سرشناس بوده است. نگاشته‌هایی همچون کتب اربعه و یا *وافی و وسائل الشیعه* تألیف یک نفر است. برخی از نگارشهای مفصل همانند *بحار الأنوار*، *عوالم العلوم* و *جامع المعارف و الأحکام* نیز، تراوش فکری مؤلفی مشخص بوده است. بنابراین، بر فرض پذیرش حضور برخی دیگر در نگارش مجموعه‌ای همچون *بحار الأنوار*، فعالیت آنان از حد استنساخ و کتابت فراتر نبوده است و آنان تأثیری در سیر پژوهش نداشته‌اند.

بنا بر دلایلی که در بالا ذکر شد شیوه تحقیق گروهی، به ویژه در مباحث میان‌رشته‌ای، شیوه‌ای موفق و پیشرفته برای استفاده از مهارت‌های گوناگون افراد مختلف در مسیر تحقیق است.

۵۴۱. برای نمونه مراجعه شود به تربیت اجتماعی از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ دین و روان‌شناسی از دکتر گلزاری و عبدالهادی مسعودی؛ حدیث زندگی، نوشته عباس پسندیده.

طبیعی است که مدیر پژوهش، از نگاه علمی و پژوهشی، فرد ارشد گروه است که تحقیق را اداره و هدایت می‌نماید.

۶- احیای تراث

دستیابی به متون کهن و ارائه آن به شکل زیبا و روزآمد که در سالهای پیشین آغاز شده بود در این دوران به اوج رسید و بیشتر کتابهای شایسته و درخور تحقیق، با روشهای علمی و پسندیده زیر نظر اساتید و متخصصان این علم به چاپ رسید و در اختیار مشتاقان قرار گرفت. نهادهای خاص (همانند مؤسسه آل البیت و دیگران) و افراد ویژه (همانند مرحوم علی‌اکبر غفاری و دیگران) به عرضه متون تصحیح‌شده پرداختند. روش تصحیح متون نیز مورد بحث و نقادی قرار گرفت. در این میان، تشویق آثار برتر در زمینه‌های گوناگون، به ویژه در متون حدیثی، تأثیرگذار بوده و کتابهایی را به عنوان معیار تحقیق معرفی کرده است؛ تصحیح کتابهایی همچون منیه المرید و الجمل از این جمله است. همچنان که نقادی متون تصحیح‌شده و ارائه کاستیهای تحقیق زمینه را برای بیان آسیبها و چالشهای موجود در این رشته فراهم کرده است.^{۵۴۲}

۷- معجم‌نگاری لفظی و موضوعی

آسان‌سازی استفاده از متون نقلی و دستیابی سریع‌تر به آیات و روایات، در گرو استفاده از ابزار و روشهایی است که روز به روز پیشرفته‌تر و دقیق‌تر می‌شوند.

معجم الفاظ یکی از شیوه‌های پرکاربرد و موفق در این زمینه است. اولین معجم الفاظ آیات قرآن در قرن سیزدهم و در زمان ناصرالدین شاه پدید آمد،^{۵۴۳} اما معجم مشهور قرآن را اروپاییان پدید آوردند. آشنا نبودن اروپاییان با آیات قرآن، لزوم نگارش معجم الفاظ را ضروری می‌ساخت.

معجم الفاظ احادیث اهل سنت نیز در اروپا پدید آمد. معجم الفاظ احادیث شیعی در آخرین سالهای سده چهاردهم برای برخی از کتابها آغاز شده بود.^{۵۴۴}

پس از انقلاب معجم‌نویسی شتاب گرفت و برای برخی از کتابها همانند نهج البلاغه، کافی و دیگر کتب اربعه، کتابهای شیخ صدوق، بحار الأنوار، غرر الحکم، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل و ... معجم الفاظ نگاشته شد.

در این میان معجم الفاظ نهج البلاغه و معجم بحار الأنوار با اقبال فزون‌تری روبه‌رو شدند.

۵۴۲. مراجعه شود به مجله آئینه پژوهش. این مجله در طول انتشار خود بسیاری از میراث مکتوب کهن را معرفی کرده و در نقد و یا ستایش از آن متون کوشیده است.

۵۴۳. این معجم به نام کشف الآیات، در برخی از چاپهای قدیمی قرآن موجود است.

۵۴۴. الکاشف لالفاظ نهج البلاغه، توسط دکتر جواد مصطفوی.

گسترش استفاده از رایانه و پدید آمدن برنامه‌های نرم‌افزاری گوناگون، استفاده از معجم‌های مکتوب الفاظ را با رکود مواجه ساخت. مزایای استفاده از این برنامه بسیار بیشتر از معجم الفاظ بود. بنابراین، رونق استفاده از این روش پرفروغ نبود و چراغ معجم‌نگاری پس از یک دوره کوتاه به خاموشی گرایید.

معجم‌نگاری موضوعی، روش دیگری بود که مفیدتر و تخصصی‌تر از معجم الفاظ بود؛ زیرا از الفاظ موجود در متن فراتر می‌رفت و به محتوای متن می‌پرداخت، متون مشابه لفظی و معنوی را در کنار هم قرار می‌داد و موضوعات اصلی و ریزموضوعات را مرتب می‌کرد.

گسترده‌گی متون و موضوعات استخراج‌شده، این‌گونه نگارش را بسیار سخت و دشوار می‌کند؛ بنابراین، محدوده تحقیق به طور معمول به کتابهای خاص محدود می‌شود.

پژوهشهای قرآنی گوناگونی نیز با این شیوه منتشر شده است. رویکرد حدیثی این شیوه بیشتر به نهج البلاغه محدود می‌شود. الهادی *إلى موضوعات نهج البلاغه*، تصنیف *نهج البلاغه*، *المعجم الموضوعی لـنهج البلاغه* و فرهنگ *آفتاب*،^{۵۴۵} از جمله کتابهایی هستند که با دقت در متون علوی *نهج البلاغه* تألیف شده‌اند.

معجم موضوعی *صحیفه سجادیه* و تصنیف موضوعی *غرر الحکم* نیز از گروه معجم‌های موضوعی هستند. شایان ذکر است که پژوهش در این زمینه به کار گروهی و دقت بیشتر و منسجم‌تری نیاز دارد. زیرا لازم است با مطالعه و دقت در تمامی متون، نمایه‌های مناسب با توجه به عناوین اصلی و فرعی ساخته شود و در یک بستر مناسب قرار گیرد.^{۵۴۶}

۸. استفاده از رایانه

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در گسترش پژوهشهای حدیثی، استفاده از رایانه در علوم اسلامی بود. رایانه‌های شخصی، مدت زمان کوتاهی پس از اختراع (کمتر از ده سال) به حوزه علوم اسلامی وارد شد و مورد استفاده قرار گرفت.

مزایای استفاده از رایانه در پژوهشهای حدیثی، سبب رشد سریع و گسترش روزافزون آن گشت. حجم بسیار کم، استفاده آسان، امکان جستجوهای پیچیده و ترکیبی، در اختیار گذاردن متون حدیثی فراوان، ارتباط مستقیم الفاظ و متن (بر خلاف معجم مکتوب الفاظ)، تناسب قیمت برنامه‌ها با سطح درآمد افراد و امکان فیش‌برداری سریع از جمله خدمات پژوهشهای رایانه‌ای است که پژوهش حدیثی را در این دوره از دوره‌های پیشین متمایز می‌سازد.

۵۴۵. این مجموعه به ترتیب به دست فرزادگانی چون آیت الله مشکینی، لبیب بیصون، اویس کریم محمد و معادیخواه، نگارش یافته است.

۵۴۶. نمایه‌سازی از مطالب و موضوعات مورد بحث در حدیث، از شیوه‌های علمی و پرکاربرد است. نمایه‌سازی دقیق، پژوهش دشوار است که به مهارت‌های علمی و تجربی فراوان نیازمند است.

مجموعه متون حدیثی شیعه و اهل سنت، که اکنون به آسانی در اختیار تمامی افراد قرار گرفته و زمینه مراجعه آنان به این منابع را فراهم آورده است، در زمانهای پیشین برای هیچ کس قابل تصور نیز نبود. اکنون با استفاده از برنامه‌های نرم‌افزاری مرتبط با حدیث، پژوهشهای حدیثی بسیار سریع، دقیق، آسان و پرمخاطب گشته است. امروزه برنامه‌های گوناگون رایانه‌ای در بازار وجود دارد و هر روز در حال ارتقا و پیشرفت است. روشن است که استفاده بهینه از رایانه، محتاج به تخصص و مهارت است که بدون آن آنها و آسیبهایی را به همراه دارد.

۹- پیدایش مراکز تخصصی حدیث

پژوهشهای حدیثی شیعی در گذشته نوعی پژوهش جنبی تلقی شده و در سایه پژوهشهای دیگر قرار گرفته بود. پس از قرن پنجم، به جز برخی زمانهای خاص، در روند عمومی پژوهشهای دینی از حدیث استفاده می‌شد، ولی به گونه مستقل و تخصصی بدان نمی‌پرداخت. در سالهای ابتدایی نظامهای جدید تحصیلی در ایران و دیگر کشورهای اسلامی، دانشکده‌هایی با نام فلسفه، فقه و تاریخ به وجود آمد، ولی گرایش حدیث، مرکز ویژه‌ای برای خود نداشت. در دوران اخیر که به قرآن و حدیث نیز در کنار هم توجه شد حدیث در سایه قرآن قرار گرفت. افزون بر آن به علوم قرآنی و حدیثی بیش از متون قرآن و حدیث توجه شد. برخی از دانشکده‌های عراق، حدیث را به عنوان یک گرایش در نظر گرفتند، ولی این شیوه گسترش چندانی نیافت. در سالهای اخیر، مراکز تخصصی حدیث تأسیس شده و رو به گسترش است. مؤسسه دار الحدیث اولین مجموعه عظیم و گسترده‌ای است که به گونه خاص، تحقیقات حدیثی را سرلوحه کار خویش قرار داده است. دانشکده حدیث نیز از درون این مجموعه و در کنار پژوهشکده حدیث این سیر علمی را دنبال می‌کند. مراکز و رشته‌های تخصصی حدیث در حوزه علمی قم و سایر شهرستانها نیز پدید آمده است. پژوهشهای مربوط به نهج/البلاغه و مراکز تخصصی در رابطه با این کتاب را نیز باید به مراکز تخصصی حدیث افزود.

همچنین پدید آمدن مجله‌های تخصصی و سایتهای اینترنتی در موضوع حدیث، جزئی از مراکز تخصصی حدیثی محسوب می‌شوند. مجلات تخصصی، مرکزی برای مبادله آخرین اطلاعات و پژوهشهای حدیثی است. این مجموعه‌ها که مخاطبان فراوان یافته‌اند زمینه پژوهشهای برتر و به‌روزتر حدیثی را فراهم کرده‌اند. پایان‌نامه‌های گوناگون حدیثی نیز بخشی دیگر از این مجموعه است. در این دوره، علوم حدیث و متون روایی در نگارش پایان‌نامه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. رشد کمی این‌گونه تحقیقات، در دوران اخیر بسیار چشمگیر گشته است و اکنون زمینه لازم برای رشد کیفی این مجموعه‌ها نیز فراهم آمده است.

۱۰- رواج علوم پیرامونی حدیث

برخی از علوم حدیثی پیشینه‌ای کهن دارد. علم رجال از قرن دوم و علم درایه از قرن چهارم تا کنون رواج داشته‌اند. اختلاف الحدیث و مشکل الحدیث نیز نمونه‌های پژوهشی کهن داشته‌اند. اما مباحثی همانند مبانی نقد حدیث و مصادیق آن، مبانی فقه الحدیث، تاریخ حدیث، تاریخ علوم حدیث، مکتبها و منهج‌های حدیثی، کتاب‌شناسی توصیفی و یا انتقادی و معناشناسی حدیثی از مباحث روزآمد و جدیدی هستند که پیشینه‌ای نداشته‌اند.

پس از پیدایش مراکز تخصصی حدیث، این مباحث مورد توجه محققان قرار گرفته و پژوهش درباره آنان آغاز گشته است. محیط فکری لازم برای مبادله اطلاعات و نقد و بررسی پژوهشها نیز آماده است. همچنین برخی پژوهشهای اولیه در پاره‌ای از این علوم منتشر شده و یا در دست انتشار است.

۱۱- ارتباط فرهنگی صمیمانه‌تر شیعه و اهل سنت

ارتباط حدیثی شیعیان با اهل سنت و ارتباط متقابل آنان در طول تاریخ، سیر منظمی نداشته است. این ارتباط گاه در بعضی زمانها و مکانها، صمیمانه بوده و گاه با دشمنی همراه گشته است. رویکردهای سیاسی و اجتماعی نیز در ارتباط و عدم ارتباط فرهنگی تأثیر گذاشته‌اند. پس از تشکیل سلسله صفویه و در پی دشمنی و کینه‌توزی دولت عثمانی و بروز تفکرات افراطی، ارتباط فرهنگی شیعه و اهل سنت رو به کاهش گذاشت. در این دوران مباحث تنش‌زا بیشتر مطرح می‌شد و مسائل مشترک در سایه موضوعات اختلافی قرار می‌گرفت. در دوران اخیر که اسلام در تمامی شکلها و قرائتها با هجوم بیگانگان روبه‌رو گشته است میل به ارتباط فرهنگی صمیمانه در میان شیعه و اهل سنت افزون شده است. اگرچه برخی از تفکرات افراطی همانند وهابیت و دیگر گروههای فکری، این صمیمت و ارتباط را برنمی‌تابند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت شیعی و موضع‌گیریهای بیگانه‌ستیز آن، به ویژه در رویارویی با قدرت حاکم غرب و یهودیان، موجب روی آوردن توده اهل سنت به این تفکر گشته است. گرایش به آشنایی با متون معرفتی شیعه، با استفاده از امکانات ارتباطی جدید، ساده‌تر و دقیق‌تر شده است. شیعیان نیز به مطالعه متون حدیثی اهل سنت، به عنوان نقل دیگری از سنت نبوی، اقبال نشان داده‌اند. آنان در کنار نقد برخی از متون اهل سنت به تبیین موارد مشترک پرداخته‌اند و استفاده از آن متون را در کنار متون اصیل شیعی پذیرا گشته‌اند.^{۵۴۷}

۵۴۷. مجموعه میزان الحکمه و موسوعة امام علی (علیه السلام) از این گروه‌اند.

خاتمه

نگاشته‌های حدیثی فراوان که در این دوره کوتاه پدید آمده است، این دوره را بر تارک دوران طلایی پیشین قرار می‌دهد. این پژوهشها آن قدر گسترده و درازدامن است که حتی نام بردن و توصیف اجمالی آنان نیز از محدوده این نوشتار خارج است.

در درس پژوهشهای حدیثی معاصر، برخی از مهم‌ترین تحقیقات موجود در این زمینه معرفی خواهد شد